

باید عذر خواهی کنند
گفت‌وگو با بیژن نوابه



روح فوتبال، تکلیف کی روش
را مشخص می‌کند
جلال چراغپور

نگذاریم اروپا وقت کشی کند
گفت‌وگو با
منصوری آرانی



استفاده ابزاری از برجام
نبی سنبلی

کدخدای دیروز مزااحم امروز

اطلاح طلبان و دولت در حالی از
برجام بدون آمریکا می‌گویند که پیش
از این، توافق با آمریکا را یک دستاورد
بزرگ می‌دانستند



خبر ویژه مثلث

مذاکره بر سر «برجام پلاس»

دولت روحانی به دنبال
مذاکره جدید با اروپا است

طعنه‌های دلواپسان به برجامیان

خروج آمریکا از برجام چه تاثیری
در سیاست داخلی ایران دارد

۳ سال مشقت آور

در فاصله‌ای کوتاه روحانی، تلگرام
و برجام را از دست رفته می‌بیند

شکست سیف

چرا «نیما» در کنترل نرخ
ارز ناموفق بود؟

زمان محک اروپا

آیا ادامه برجام بدون
آمریکا ممکن است؟

محاصره نفت و بانک

کدام تحریم‌های آمریکا
پر می‌گردد



www.iranpl.ir



telegram.me/iranplir



instagram.com/iranpl.ir



p.r@iranpl.ir



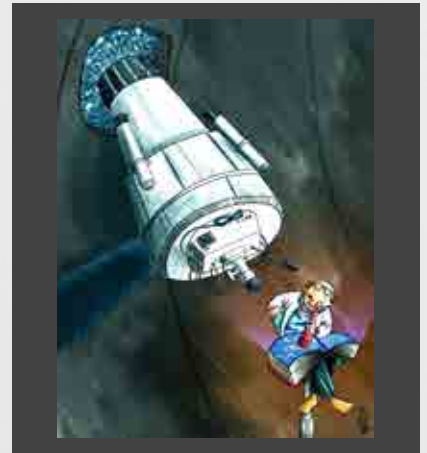
aparat.com/iranpl.ir

کتابخانه‌شناسی

استان کرمان - کتابخانه عمومی مفتوح

این کتابخانه در سال ۱۳۴۵ با زیربنای ۱۴۵۰ مترمربع در کرمان تأسیس شد. کتابخانه مفتوح به بخش‌های مخزن، مرجع، کودک، نشریات، دفاع مقدس، کرمان‌شناسی و سالن‌های مطالعه مجزا مجهز است و با بیش از ۲۴ هزار منبع هم‌روزه از ساعت ۷:۳۰ لغایت ۱۸:۳۰ به ۹۰۰ عضو خدمات ارائه می‌دهد.

کتاب دوستان ساکن کرمان برای استفاده از این مرکز فرهنگی می‌توانند به نشانی چهارراه ولیعصر، کوچه بیمارستان ارتش مراجعه کنند.



طرح: پویا عبدلی، ایران

کارتون کتاب

کتابخوانی ما پیشنهاد کتاب

متن به زبان گیرا و جذاب روایی، ماجراهای این کتاب را در قالب داستانی اجتماعی از دوران پرشور و شعور انقلاب اسلامی بیان می‌کند؛ روایتی که با خواندن آن، مخاطبان حاضر در آن دوران، صداقت نویسنده و واقعی بودن وقایع را حس کرده و نسل سوم و چهارم انقلاب، می‌توانند به راحتی با متن و رخدادهای آن مأنوس شوند. اگر مایلید یک مستندگونه داستانی، جذاب و موقوت از فجر ماندگار مردم ایران اسلامی را مطالعه کنید، کتاب «لحظه‌های انقلاب» را از دست ندهید.

«لحظه‌های انقلاب» گزارشی دقیق و منطبق بر واقعیت از لحظه‌های ناب و سرنوشت‌ساز مبارزات مردم ایران برای پیروزی انقلاب اسلامی در واپسین روزهای رژیم شاهنشاهی است و نقش قشرهای مختلف جامعه به خصوص دانشجویان را در شکل‌گیری انقلاب نشان می‌دهد. قهرمان اصلی این کتاب، مردم مؤمن و انقلابی ایران هستند و انقلاب اسلامی حاصل انتخاب آگاهانه و نتیجه وحدت کلمه ایشان است. محمود گل‌بدری با رعایت امانت‌داری و نزدیک کردن



نام کتاب لحظه‌های انقلاب
نویسنده محمود گل‌بدری
انتشارات معارف
تعداد صفحات ۴۵۶ صفحه

خبر ویژه

آغاز اجرای طرح «باهم بخوانیم» در ۹۸ کتابخانه عمومی کشور

انتخاب این سیر مطالعاتی به ۵ ساحت جهان‌بینی، اخلاق و هویت عالی انسانی، کارآمدی و توانمندی، علم و فکر و آگاهی و انقلابی‌گری توجه شده و طی آن اعضای ۹ تا ۱۲ ساله این کتابخانه‌ها در قالب گروه‌های ۱۲ نفره، ضمن آشنایی با مفاهیم این حوزه، به تقویت قوای فکری خود می‌پردازند.

طرح با هم بخوانیم با هدف ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی، از ۱۲ بهمن‌ماه در ۹۸ کتابخانه عمومی مستقر در مناطق محروم کشور در حال اجرا است. این طرح بر اساس سیر مطالعاتی هدفمند و با محوریت ۲۰ کتاب با موضوع سبک زندگی اسلامی - ایرانی، به مدت ۱۲ هفته برگزار می‌شود. در



برای مشاهده آخرین اخبار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌توانید توسط گوشی تلفن همراه خود از رمزینته‌های روبه‌رو عکس بگیرید



شورای مشورتی اسلامی

این چند کتاب

بازسازی اجتماعی



طلاق چرایی و چگونگی

توسنده: عباس یسننده
ناشر: پژوهشگاه قرآن و حدیث،
بیتشر
۱۲۶ صفحه



در آمدی بر پیشگیری از اعتیاد بارویکرد اسلامی

توسندگان: عباس یسننده
محمدرضا کیومرانی
ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث
۲۴۵ صفحه

مشروبات الکلی، قمار و آثار زیانبار آن

توسنده: محمد شریایی | ناشر: زمین سبز | تعداد صفحه: ۳۲۰

کندهار عقل سلیم را می‌شناسید که غذای خوش طعم و گوارا را رها کند و به تناول غذای فاسد و کپک‌زده رو آورد و اشتغال موجب آرامش و روزی حلال را با عمل بی‌فایده، نامن و خانمان‌سوز معاوضه کند؟ از نظر اسلام غذای مناسب باید دو ویژگی داشته باشد و آن دو ویژگی، حلال بودن و طیب بودن است و اینگونه است که خوردن غذاها و آشامیدن نوشیدنی‌ها با سرشت اولیه و الهی انسان هماهنگ شده و موجب رشد و سلامتی بدن و حتی پاکیزگی روح و جان انسان می‌شود و حلال بودن اسباب زندگی و از جمله غذا در گرو کسب و کار سلامت است.

شراب چیست و در زمره کندهار نوشیدنی‌ها قرار می‌گیرد؟ شرابی که «عقل را زایل می‌کند» و عامل هزاران جرم و جنایت در اجتماع گشته و سلامتی افراد را با خطر مواجه می‌کند و چرا زندگی مردمی که به هوای کسب ثروت باد آورده به سمت قمار می‌روند بر باد می‌رود؟ کارشناسان معتقدند بیشتر مردم درباره اثرات الکل بر بدن هیچ گونه اطلاعی ندارند، یا اطلاعاتشان بسیار محدود است و بعضی حتی آن را مفید می‌دانند. به گواهی دانش گسترده امروز، الکل به همه بدن به‌ویژه دستگاه گوارش، زبان می‌رساند و ریشه بسیاری از بیماری‌های خطرناک در بدن انسان است. تکلیف قمارنازی و علاقه‌مندان به این کار باطل نیز مشخص است.

کتاب «مشروبات الکلی، قمار و آثار زیانبار آن» با نگاهی به تاریخچه شرابخواری و قمار، اثرات مخرب این دو گناه بزرگ و زیان‌رسان را از نظر اقتصادی، معنوی و... بیان می‌دارد و با تذکر در خصوص آثار و عواقب سوء ناشی از این دو عمل توجیه مخاطب را به دام‌های ظاهرفریب شراب و قمار حلت می‌کند.





مخابرات
اول

www.mci.ir



صعود مشترک به جام جهانی

♦♦♦ کمک هزینه سفر به جام جهانی

ویژه مشترکین فعال | استعلام امتیاز #۴۳۱*۱۰*



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و کذٰلک جعلناکم اٰمه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس
و یتکون الرسول علیکم شهیداً

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **مصطفی آجورلو**

سردبیر: **سعید آجورلو**

تأثیر نهضت سیدالشهدا (ع) سخنرانی در جمع روحانیون قم، تهران و آذربایجان

من از علمای محترم آذربایجان و اهل علم آنجا و علمای تهران و برادران علمای اهل سنت تشکر می‌کنم و سلامت و سعادت همه را از خداوند تعالی مسئلت می‌کنم. در آستانه شهر محرم، مصیبتی بر همه ما وارد شد و آن شهادت این پیر هشتادساله [است] که عمر شریف خودش را در راه اسلام و در راه خدمت به مردم و راه تهذیب جامعه صرف فرمود. ملت ما از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را در راه

خدا فدا کرد و این اقتدا به بزرگمرد تاریخ، حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - است.

حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد. با اینکه از اول می‌دانست که در این راه که می‌رود، راهی است که باید همه اصحاب خودش و خانواده خودش را فدا کند و این عزیزان اسلام را برای اسلام قربانی کند، لکن عاقبتش را هم می‌دانست. اگر نبود این نهضت؛ نهضت حسین - علیه السلام - یزید و اتباع یزید اسلام را وارونه به مردم نشان می‌دادند. و از اول، اینها اعتقاد به اسلام نداشتند و نسبت به اولیای اسلام حقد و حسد داشتند.

سیدالشهدا با این فداکاری که کرد، علاوه بر اینکه آنها را به شکست رساند و اندکی که گذشت، مردم متوجه شدند که چه غائله

خبرنامه



افشاگری آقای عارف

تلگرام بازی پاستور

بهشت برای یکی از این دو نفر

۸

۱۹

گفتارها



بهبانهای ترامپ

استفاده ابزاری از برجام

اروپا از چه چیزی نگران است؟

۲۰

۲۷

سیاست



اعتراض تهران

نگذاریم اروپا وقت کشی کند

زمان محک اروپا

۲۸

۴۱

مثلث: هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشارهای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مراسم تقویت گفت‌وگو میان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزبانی و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابله گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمّر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.

تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - سیدمجتبی جلال‌زاده

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

سیاست خارجی: حنیف غفاری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دبیر: افشین خماند (دبیر)

ورزش: مهدی ربوשה (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

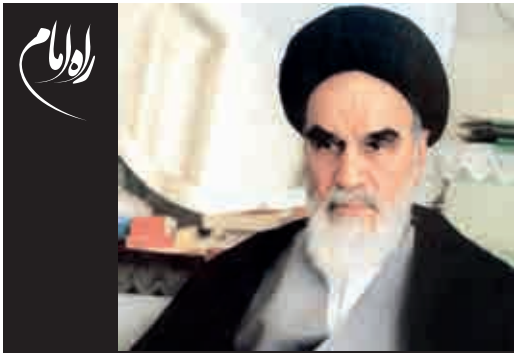
بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

ای و چه مصیبتی وارد شد. و همین مصیبت موجب به هم خوردن اوضاع بنی امیه شد، علاوه بر این، در طول تاریخ مویخت به همه که راه همین است. از قلت عدد نترسید، عدد، کار پیش نمی برد، کیفیت اعداد، کیفیت جهاد، اعدای مقابل اعدا، آن است که کار را پیش می برد. افراد ممکن است خیلی زیاد باشند، لکن در کیفیت ناقص باشند یا پوچ، و افراد ممکن است کم باشند، لکن در کیفیت توانا باشند و سرافراز.

شکست ناپذیری انقلاب در پرتو عنایات الهی

تاریخ، این نهضت ایران را و این انقلاب را فراموش نخواهد کرد، و این فداکاری ای که در همه قشرهای ملت اسلامی است در ایران، فراموش نخواهد کرد. و این وحدتی که بین اقشار ملت از هر طبقه هستند، بین برادران اهل سنت



و برادران شیعی مذهب، تحقق پیدا کرده است و این اخوت اسلامی فراموش نخواهد شد و این انقلاب به خواست خدای تبارک و تعالی شکست نخواهد خورد. گو اینکه همه قدرتهای بزرگ دنیا و آنهایی که در بلوک شرق و غرب هستند، با انقلاب ما دشمن باشند، گو اینکه همه رسانه های گروهی دنیا بر ضد این نهضت قلمفرسایی کنند و دروغپردازی؛ آنچه حقیقت است، روشن خواهد بود و روشن خواهد شد. آن روزی هم که حضرت سیدالشهدا را مظلوم شهید کردند، بعضی از اشخاصی که بودند، او را به اسم خارجی و اینکه در حکومت حق وقت، قیام کرده است، اینطور معرفی کردند. لکن نور خدا می درخشد و خواهد درخشید و عالم را خواهد از نور پر کرد.

بین الملل

۴۸

بنگاه تحریم
مجری تحریم
قمار اردوغان

۶۰



اقتصاد

۶۲

شکست سیف
فقدان «دلار اسحاق»
طیب نیارشد تورم را مهار کرد

۶۷



ورزش

۶۸

باکی روش ادامه دهیم
در انتظار معجزه
آرزوی چهل ساله

۷۳



طراح جلد: مصطفی مرادی

تذکرات

کدخدای دیروز
مزارح امروز

با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیتاله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی
مهندس صدوقی حسین محمد پورزندی - محمدابراهیم محمد پورزندی
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸

چاپ: هنر سرزمین سبز - برداش تصویر رایان

توزیع: نشر گستر امروز

نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (نوابر)، خیابان نظامی گنجوی، کوچه پناه، پلاک ۱۹

تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

شماره پیامک: ۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

گرافیک و صفحه آرایی: فاطمه فتالی - علی آجورلو
افشین جم و محمد محمودی
پردازش تصاویر: هومن سلیمیان
عکس: عدنان جعفری و محمد برنو
ویرایش: ژیلنا شاکری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر
حروفچینی: وحیده قاسمی - علی حشمتی
مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار
سازمان آگهی ها: محمد شکراللهی
بازرگانی و بازاریابی: محمدعلی آجورلو
امور اداری: علیرضا اسداللهی - علی اکبر پیمانی
انفورماتیک: شهرام زحمتی
ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

افشاگری آقای عارف

رئیس فراکسیون امید علیه دولت





تلگرام بازی پاستور

طعنه‌ها و کنایه‌های روحانی به ماجرای فیلترینگ تلگرام ادامه دارد

بهشت برای یکی از این دو نفر





رهبر معظم انقلاب در دیدار فرهنگیان:

اگر نتوانستید از اروپایی‌ها تضمین قطعی بگیرید دیگر نمی‌شود برجام را ادامه داد

مسئولان کشور نیست، بلکه خصومت با مجموعه نظام اسلامی و ملتی است که این نظام را انتخاب کرده و در راه آن حرکت می‌کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در همین زمینه افزودند: «حتی در دولت اوباما که نامه می‌نوشتند و حرف‌هایی می‌زدند، درصد براندازی بودند اما به دروغ می‌گفتند هدف‌مان براندازی نظام اسلامی نیست.»

رهبر انقلاب در بازخوانی کوتاه روند منتهی به قرارداد برجام افزودند: «وقتی مساله هسته‌ای و تحریم‌ها شروع شد، برخی چهره‌های شناخته‌شده به اینجانب می‌گفتند «چراوی مساله هسته‌ای می‌ایستید؟»، این مساله را کنار بگذارید تا آمریکایی‌ها خیانت و دشمنی نکنند.»

ایشان افزودند: «این حرف البته از چند زاویه غلط بود؛ یکی اینکه انرژی هسته‌ای نیاز واقعی کشور است و تا چند سال دیگر، ایران به ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای

و «برجام» با اشاره به استمرار عزت و عظمت ملت ایران و بی‌نتیجه ماندن توطئه‌های دشمنان تاکید کردند: «بارها گفته بودیم «به آمریکا اعتماد نکنید»، این هم نتیجه‌اش. درباره مذاکره با سه کشور اروپایی هم می‌گوییم به اینها هم نباید اعتماد کرد و برای هر قرارداد باید تضمین‌های واقعی و عملی بگیرید وگرنه نمی‌شود به این شکل حرکت را ادامه داد.»

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به حرف‌های سخیف و سبک دیشب ترامپ گفتند: «این شخص علاوه بر بیش از ۱۰ دروغ آشکار، ملت ایران و جمهوری اسلامی را هم تهدید کرد که بنده از طرف ملت ایران به او می‌گوییم شما غلط می‌کنید.»

ایشان مساله آمریکا را مساله‌ای مهم، جدی و غیر احساساتی برشمردند و خاطرنشان کردند: «دشمنی مستمر، عمیق و براندازانه آمریکایی‌ها، دشمنی با اینجانب یا دیگر

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به برخی حرف‌ها درباره ادامه دادن برجام با سه کشور اروپایی تصریح کردند: «من به این سه کشور هم اعتماد ندارم و می‌گوییم به اینها هم اعتماد نکنید. اگر می‌خواهید قراردادی ببندید، تضمین واقعی و عملی بگیرید و الا فردا اینها هم همان کار امروز آمریکا را به شیوه دیگری خواهند کرد.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح چهارشنبه به مناسبت هفته معلم در دانشگاه فرهنگیان حضور یافتند و در دیدار هزاران نفر از دانشجویان و معلمان، منزلت و جایگاه والای معلمان را همچون معیشت آنان بسیار مهم و نیازمند توجه کامل خواندند و اجرای زمان‌بندی شده سند متقن و جامع تحول آموزش و پرورش را بسیار لازم و زمینه‌ساز نوسازی این دستگاه عظیم و سرنوشت‌ساز برشمردند.

ایشان همچنین در سخنان مهمی درباره «آمریکا»

نیاز دارد.»

رهبر انقلاب اسلامی در همین زمینه خاطرنشان کردند: «می گویند برای تأمین نیاز خود به انرژی، نفت» دارید اما مگر نفت، ابدی است؟ آیا وقتی نفت تمام شد تازه به دنبال امکانات هسته‌ای برویم؟ آیا نسل‌های آن روز ما را لعنت نمی کنند که چرا به موقع، سراغ انرژی هسته‌ای نرفتید؟»

حضرت آیت الله خامنه‌ای افزودند: «همان موقع به این مسئولان می گفتم» انرژی هسته‌ای بهانه است اگر این را کوتاه بیایید آمریکایی‌ها بهانه دیگری می گیرند» آنها می گفتند «اینجوری نیست» اما حالا دیدید که همین جوری است و آنچه می گفتم تحقق یافت.»

ایشان افزودند: «مسئله هسته‌ای را به شکلی که مخالفان ایران می خواستند قبول کردیم و زیر بار رفتیم اما دشمنی آمریکا و بهانه گیری آنها تمام نشد.»

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به بهانه‌های آمریکا درباره توان دفاعی و حضور منطقه‌ای ایران، تأکید کردند: «اگر فردا اعلام کنید که دیگر موشک تولید نمی کنیم یا برد آنها را محدود می کنیم این مسأله تمام می شود، اما حتماً یک بهانه و قضیه دیگر را مطرح می کنند چرا که دعوی آنها با ما بنیادی است و آمریکا با اصل جمهوری اسلامی مخالف است.»

ایشان علت اصلی این خصومت شدید را پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی و کوتاه شدن دست آمریکایی‌ها از ایران دانستند و افزودند: «آنها می خواهند نظام را نابود و مجدداً بر ایران دارای ذخایر مهم و موقعیت راهبردی حکم فرمایی کنند.»

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: «آمریکایی‌ها نوکرانی می خواهند که مانند برخی حکام کشورهای منطقه فقط اطاعت کنند اما جمهوری اسلامی عزت خود و ملت ایران را به رخ آنها می کشد و این عظمت و سرافرازی برای آنها قابل تحمل نیست.»

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به نامه‌ای که ترامپ چند روز قبل برای حکام کشورهای خلیج فارس فرستاده است، افزودند: «رئیس جمهور آمریکا در نامه به این کشورها دستور می دهد که این کارها را نکنید و آن کارها را نکنید، آنها می خواهند با نظام اسلامی همین گونه رفتار کنند اما نمی توانند چرا که جمهوری اسلامی ذلت ملت و کشور را در دوران قاجار و پهلوی به عزت و استقلال و ایستادگی تبدیل کرده و از منافع ملی خود کوتاه نمی آید.»

رهبر انقلاب اسلامی در ادامه سخنان شان رفتار زشت و سخیف ترامپ را قابل انتظار خواندند و با اشاره به استمرار خباثات همه مسئولان مختلف آمریکایی در همه سال‌های پس از انقلاب افزودند: «کسانی که آن خصومت‌ها را نسبت به ملت ایران انجام می دادند، اکنون استخوان‌های شان زیر خاک است اما جمهوری اسلامی ایستاده است، این آقا هم روزی بدنش زیر خاک می رود اما جمهوری اسلامی همچنان ایستاده و سرافراز خواهد بود.»

بخش مهم دیگری از سخنان امروز رهبر انقلاب اسلامی به «برجام» اختصاص داشت.

ایشان با یادآوری تذکرات مکرر خود در جلسات خصوصی و عمومی به مسئولان درباره پرهیز از اعتماد به آمریکا افزودند: «به مسئولان گفتم قبل از هر قرارداد از طرف مقابل تضمین‌های واقعی بگیرید و به حرف آنها اعتماد نکنید.»

حضرت آیت الله خامنه‌ای با یادآوری شروط خود برای پذیرش برجام از طرف ایران گفتند: «یکی از این شروط، تضمین کتبی و امضای رئیس جمهور وقت آمریکایی بر برداشته شدن تحریم‌ها بود، البته مسئولان محترم تلاش کردند اما نتوانستند و نتیجه اش این شد که بعد از دو سال و نیم عمل کردن ایران به همه تعهدات، رئیس جمهور آمریکا ضمن خروج از برجام، ملت ایران را تهدید هم می کند.»

رهبر انقلاب اسلامی در فراز بسیار مهم دیگری از سخنان شان به برخی حرف‌ها درباره ادامه دادن برجام با سه کشور اروپایی اشاره کردند و افزودند: «من به این سه کشور هم اعتماد ندارم و می گویم به اینها هم اعتماد نکنید. اگر می خواهید قراردادی ببندید، تضمین واقعی و عملی بگیرید و الا فردا این‌ها هم همان کار امروز آمریکا را به شیوه دیگری خواهند کرد.»

ایشان خاطرنشان کردند: اینها گاهی در حال لبخند، خنجر را در سینه طرف مقابل فرو می برند و با تعریف و تمجید ظاهری و اینکه ما می دانیم شما قرارداد را به هم نمی زنید، اهداف خود را دنبال می کنند.»

رهبر انقلاب اسلامی درباره کار با اروپایی‌ها افزودند: «این مسأله بسیار حساس است، اگر نتوانستید تضمین قطعی و قابل اعتماد بگیرید که البته بسیار بعید است، اشکالی ندارد و حرکت را ادامه دهید و گرنه نمی شود به این شکل حرکت را ادامه داد.»

حضرت آیت الله خامنه‌ای، مسئولان کشور را در معرض آزمونی بزرگ توصیف و تأکید کردند: «مسئولان در معرض «آزمون بزرگ» قرار دارند که آیا عزت و اقتدار این ملت را حفظ خواهند کرد یا نه. باید عزت و منافع ملت به معنی واقعی کلمه تأمین شود.»

ایشان افزودند: «البته خوشختانه مسئولان هم همین مسأله تأمین منافع را گفته اند اما برای تحقق این هدف باید با دقت، هوشیاری و عاقلانه با اروپایی‌ها روبه‌رو شود و به حرف مسئولان اروپایی اعتماد نکرد، چرا که صرف حرف زدن اعتبار ندارد و آنها در عالم دیپلماسی کاملاً بی‌اخلاق عمل می کنند.»

رهبر انقلاب اسلامی در بخش دیگری از سخنان شان، این دیدار را به لحاظ حضور در جمع جامعه عظیم الشان معلمان، یکی از شیرین ترین دیدارها توصیف کردند و با اشاره به جمله معروف امام خمینی (ره) که معلمی «شغل انبیا» ست، خاطرنشان کردند: «متأسفانه هنوز جایگاه و منزلت معلم به صورت واقعی در جامعه تبیین نشده و در اذهان عمومی شکل نگرفته است که این کار فقط با صحبت امکان پذیر نیست بلکه نیازمند برنامه‌ریزی و کارهای هنری در ابعاد مختلف است.»

حضرت آیت الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه تعلیم و تربیت عمومی باید در جهت برخورداری از عدالت و تربیت انسان‌هایی عدالت‌پرور، عدالت‌ساز و عدالتخواه باشد، افزودند: «جهت گیری و اهداف آموزش و پرورش در دوران ۱۲ ساله تحصیل باید به گونه‌ای باشد که دانش آموز، جایگاه خود را در کاروان حرکت به سمت پیشرفت، بیابد و با احساس مسئولیت و با روحیه آزاداندیشی، راستگو، بلندمدت، شجاع، فداکار، پاکدامن و پرهیزکار، تربیت و تحویل جامعه شود.»

رهبر انقلاب اسلامی، عرصه تربیت جوانان و الا و بانگیزه و با همت را عرصه یک جنگ بزرگ و واقعی دانستند و گفتند: «برخی می خواهند لالایی بخوانند تا ما خواب مان ببرد و متوجه این جنگ نشویم، درحالی که جریان مقابل نظام اسلامی به شدت تلاش دارد از راه‌های مختلف مانع تربیت نسل جوان با چنین خصوصیتی شود.»

ایشان با اشاره به وجود الگوهای برجسته و فراوان در جامعه خاطرنشان کردند: «ما برای تربیت نسل جوان منطبق بر اهداف و آرمان‌ها و جهت گیری‌های نظام اسلامی دچار فقر الگو نیستیم که سراغ فلان شخصیت تاریخی بیگانه برویم، بلکه الگوهای بزرگی همچون شهیدای هسته‌ای، شهید چمران، شهید آوینی و شهید حاجی داریم که با احساس مسئولیت و با قدرت و عزت و برای افتخار و سربلندی ملت، در مقابل دشمن ایستادند.»

رهبر انقلاب اسلامی در ادامه با تأکید بر لزوم تعلیم «علم نافع» در آموزش و پرورش گفتند: «نباید نگرش به آموزش و پرورش همانند نگرش به دیگر دستگاه‌ها و

ادارات باشد زیرا این مجموعه، فرصت کم نظیر و ۱۲ ساله برای انتقال صحیح و جامع آرمان‌های انقلابی و ملی و نهادینه کردن هویت ملی در کودکان و نوجوانان در اختیار دارد.»

ایشان افزودند: «آموزش و پرورش برای رسیدن به اهداف والا می خود نیازمند نوسازی است و این نوسازی با تحقق سند تحول آموزش و پرورش، امکان پذیر است.»

رهبر انقلاب اسلامی، تحقق سند تحول را از واجب‌ترین کارها برشمردند و گفتند: «به‌رغم اقدامات انجام گرفته اما گزارش‌ها نشان می دهد تاکنون فقط کمتر از ۱۰ درصد از سند تحول آموزش و پرورش تحقق یافته است. حضرت آیت الله خامنه‌ای تأکید کردند: «مطالبه اصلی من از آموزش و پرورش این است که برای تحقق سند تحول، زمانبندی دقیقی معین و این سند اجرا شود.»

ایشان یکی دیگر از کارهای ضروری برای تحقق سند تحول آموزش و پرورش را آشنایی بدنه آموزش و پرورش با این سند دانستند و در خصوص معاونت پرورشی نیز گفتند: «من بارها بر موضوع معاونت پرورشی تأکید کرده‌ام و انتظار این است وزیر محترم که فردی با انگیزه و با نشاط هستند، این موضوع را به‌طور جدی پیگیری کنند.»

یکی دیگر از نکاتی که رهبر انقلاب اسلامی مورد تأکید قرار دادند، توجه همه جانبه و کامل احرفه‌ای و بدون تبعیض به موضوع تیزهوشان و مدارس سمپاد بود.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در ادامه در خصوص سند ۲۰۳۰ نیز گفتند: «من سال گذشته، رسماً و علناً و با قاطعیت، اجرای این سند انحرافی را منع کردم که با استقبال مسئولان هم مواجه شد اما شیشه‌ها در بخش‌های مختلف، برخی مفاد سند ۲۰۳۰ در حال اجرا است که این به معنای قرارداد مهم ترین مسأله کشور، در اختیار بیگانگان است.»

ایشان افزودند: «معنی ندارد کشوری همچون ایران با این سابقه و فرهنگ و با این نظام مقتدر، برنامه‌های آموزشی و تربیتی خود را از دیگران بگیرد.»

رهبر انقلاب اسلامی همچنین به موضوع دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه‌های تربیت معلم پرداختند و گفتند: «دانشگاه‌های تربیت معلم باید از نظر کیفی و کمی توسعه یابند، زیرا تا چند سال آینده تعداد زیادی از معلمان بازنشسته می شوند و کشور با بحران کمبود معلم مواجه خواهد شد.» حضرت آیت الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه «معلمی» یک حرفه هنری و تخصصی است و نیاز به آموزش دارد، خاطرنشان کردند: «متأسفانه در خصوص دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه‌های تربیت معلم کوتاهی شده است و این دانشگاه‌ها از لحاظ استاد، بودجه و فضای آموزشی دچار کمبودهای جدی هستند.»

ایشان از وزارت علوم، سازمان مدیریت و سازمان امور استخدامی خواستند با همکاری وزارت آموزش و پرورش این مشکلات را برطرف کنند و سهمیه جذب اعضای هیأت علمی این دانشگاه‌ها را افزایش دهند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در خصوص جذب اساتید برای دانشگاه‌های فرهنگیان تأکید کردند: «اساتید این دانشگاه‌ها باید از لحاظ خصوصیات فکری و از لحاظ علمی و تدبیر و روحیه انقلابی، جزو شاخص ترین‌ها و منطبق با معیارهای سند تحول باشند.»

ایشان با تأکید بر اینکه هسته‌های گزینش در رعایت این معیارها نباید هیچ گونه مسامحه‌ای انجام دهند، اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های تربیت معلم را به انس با آثار شهید مطهری توصیه کردند.

رهبر انقلاب در پایان سخنان شان، آینده کشور را روشن و متعلق به ملت به‌ویژه جوانان عزیز این سرزمین دانستند و تأکید کردند: «آینده ایران ما، بدون تردید به مراتب بهتر از امروز خواهد بود.»



عزت‌الله ضرغامی از چهره‌های خبرساز این هفته بوده است. او در یک مصاحبه مطالبی را گفته که با واکنش‌های زیادی مواجه شده است. در بخش قابل توجهی از این مصاحبه او گفته است: «صداوسیما نیز در چهار سال اول دولت احمدی‌نژاد به شدت دولت را نقد می‌کرد. این وضعیت برای آقای روحانی هم وجود داشت و هرچه ما به آقای روحانی خدمت می‌کردیم و شرایط بیشتری برای ایشان در نظر می‌گرفتیم، انتظارات ایشان افزایش پیدا می‌کرد. نکته جالب درباره آقای روحانی این است که هنگامی که با ایشان صحبت می‌کنید و برای ایشان دو ساعت استدلال می‌کنید، هنگامی که جلسه تمام می‌شود انگار که با این بشقاب صحبت کرده‌اید و هیچ تغییری در رویکرد ایشان مشاهده نمی‌کنید. این وضعیت حتی در چهره ایشان نیز وجود ندارد و چهره ایشان به شکلی نیست که انسان علاقه به ادامه دادن داشته باشد. بنده به هیچ عنوان نمی‌گویم که همه عملکرد من در صداوسیما قابل قبول بوده است.»

این اظهارات در فضای مجازی نیز بازخوردهایی داشته است. در هفته گذشته همچنین ضرغامی در صفحه اینستاگرام خود طعنه‌ای به جمنا زد و گفت که اعضای این تشکیلات باید از حزب الله لبنان یاد بگیرند.

انتقاد از روحانی

تقدیر از دولت



پرویز فتاح هفته گذشته در مشهد سخنانی مطرح کرد که مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. او که در واقع از چهره‌های اصولگرا به شمار می‌آید در سخنانی از حسن روحانی تشکر کرد. او گفت: «دنبال فرصتی بودم که این حرف دلم را بزنم، ممکن است خوشایند برخی نباشد اما باید بر اساس اعتقادات خودمان حرف بزنیم. آقای روحانی شعار رفع فقر را دادند، می‌خواهم منصفانه در کنار مضجع رضوی اعلام کنم که به این شعارشان عمل کردند.» وی افزود: «۴۰۰ میلیارد تومان برای نخستین بار در بودجه آمد و دولت این نصیبه را صددرصدی عمل کردند و این بسیار مهم است. دریافتی مددجویان ما و سازمان بهزیستی ۳ تا ۴/۵ برابر شد و دعای آنها برای دولت و نظام و مقام معظم رهبری بسیار موثر است. دولت و مجلس در یک هماهنگی در تبصره ۱۶، ۲۱۰۰ میلیارد تومان وام اشتغال قرار دادند.» رئیس کمیته امداد بیان کرد: «بانک‌ها ۹۰ درصد این وام را پرداخت کردند، ۱۰۲ هزار فقره وام پرداخت کردیم، البته در خراسان رضوی ۷۷۵۰ مورد یعنی ۹۵ درصد پرداخت شده. عملکرد خراسان رضوی بهتر از متوسط کشوری بوده است، بودجه ۹۵ ما صددرصد پرداخت شده است.»

جبهه مردمی نیروهای انقلاب چه برنامه‌ای برای تدوین سیاست‌ورزی خود دارد و از آن مهمتر اینکه برای سازماندهی مجدد خود چه برنامه‌ای دارد؟ مهدی چمران در این مورد می‌گوید: «جمنا از ابتدای کار از طریق کمک‌های مردمی اداره می‌شد. دوستان حسابی برای جمع‌آوری کمک‌ها باز کرده و خودشان هم ارقامی را گذاشتند. اکنون هم می‌توان از همین طریق منابع مالی لازم را تامین کرد اما برای اینکه یک روش مستمر داشته باشیم تصمیم گرفتیم که به جای کمک‌های مردم از حق عضویت اعضا استفاده کنیم.» نایب‌رئیس جمنا ضمن ابراز رضایت از اینکه «الان مساله حق عضویت جا افتاده و اعضا این مبلغ را می‌پردازند»، می‌گوید: «باز هم اگر کم بیاید از کمک‌های مردمی استفاده می‌کنیم.» او مبلغ مشخص شده به عنوان حق عضویت را اعلام نکرده و می‌گوید: «مبلغ دیگر مهم نیست. یک کف مشخص شده و هر کس بخواهد بیشتر می‌پردازد. یک مسئول کمک‌ها را جمع می‌کند و گروه دیگر هم کارهای دیگر را می‌کند. اصلاً ارتباطی با هم ندارد. این طور نیست که بگوییم هر کس کاندیداست مثلاً دو میلیارد تومان بدهد.» او در پاسخ به اینکه آیا فردی که دو میلیارد به جمنا کمک مالی کرده باشد در فرآیند انتخاب کاندیدای نهایی صاحب‌نظرتر می‌شود یا خیر، می‌گوید: «به این دلیل تصمیم گرفتیم که کمک‌گیریم.» این خود یک کار نو و خوب است که اعضا، خودمجموعه را اداره کنند، حتی اعضای ساده هم این حق عضویت را می‌پردازند.»



تجربه جدید

خداحافظی باسیف



بهمن احمدی امویی از روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب نزدیک به دولت در توییتر خود از استعفای ولی‌الله سیف، رئیس بانک مرکزی خبر داده است. او نوشته است: «دولت استعفای سیف را پذیرفته و در حال رایزنی برای انتخاب جایگزین او است.» پیش‌تر در برخی شنیده‌ها از نهب‌وندیان به عنوان گزینه جایگزین سیف نام برده شده بود. در همین حال یک منبع آگاه، در خصوص برخی از اخبار منتشرشده در رسانه‌ها مبنی بر استعفای ولی‌الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی اظهار کرد: «این خبر صحت ندارد.» وی افزود است: «سیف تاکنون هیچ‌گونه استعفایی را اعلام نکرده است.»

افشاگری آقای عارف

رئیس فراکسیون امید علیه دولت

محمد رضا عارف که همچنان با موجی از انتقادات از سوی طیف‌هایی از اصلاح‌طلبان مواجه است، از برخی مسائل جدید مورد اختلاف رونمایی کرده است. او برخلاف رویه محافظه‌کارانه خود این بار صریح و روشن گفته است: «در اولین دور انتخابات هیات رئیسه مجلس دهم، کسانی که مقابل ما ایستادند از اصولگرایان نبودند، بلکه برخی اعضای کابینه در هدایت انتخابات هیات رئیسه در مقابل ما بودند.»

او با اشاره به انتقادات از عملکرد فراکسیون امید با بیان اینکه اعضای فراکسیون امید نخبه‌اند و صبورانه انتقادات را به جان می‌خورند و شخصا هم مسئولیت برخی کوتاهی‌ها را می‌پذیرند، گفته است: «نمی‌خواهم بگویم عملکرد فراکسیون امید بی‌نقص است، اما بسیاری از فعالیت‌های ما در فراکسیون امید، بعضاً تحت الشعاع برخی مسائل حاشیه‌ای قرار می‌گیرد. در جریان انتخابات شوراها اگر اکثریت اعضای هیات نظارت بر انتخابات شوراها از فراکسیون امید نبودند، آیا اصلاح‌طلبان می‌توانستند در کالانشهرها لیست کاملاً اصلاح‌طلبانه ارائه دهند و به پیروزی قاطعی دست پیدا کنند؟ اگر اعضای فراکسیون امید در کمیسیون ماده ۱۰ احزاب حضور نداشتند، آیا امکان صدور مجوز فعالیت چند حزب مطرح اصلاح‌طلب فراهم بود؟ آیا حضور نماینده فراکسیون امید در هیات نظارت بر مطبوعات مانع از تهدید مطبوعات نشد؟» وی با اشاره به کمیته رفع حصر در فراکسیون امید نیز گفت: «شخصاً مسئولیت کمیته رفع حصر را بر عهده گرفتیم اما برای آنکه این کمیته بتواند به نتیجه قابل قبولی دست پیدا کند، قرار شد فعالیت‌های این کمیته در فضای غیررسانه‌ای انجام شود، ولی متأسفانه با اظهارنظرهای صورت گرفته عملاً نتایجی که در یک بازه زمانی از عملکرد این کمیته متصور بودیم کمتر حاصل شد. هرچند همچنان امیدواریم گشایش جدی در وضعیت محصوران که از دلسوزان انقلاب و کشور هستند صورت بگیرد.» عارف با بیان اینکه فراموش نکنیم که مجلس دهم در چه شرایطی شکل گرفت و چه کسانی با لیست امید وارد مجلس شدند، برخی از آنها بعد از ورود به مجلس به ما پشت کردند گفت: «در جریان اولین دور انتخابات هیات رئیسه مجلس دهم کسانی که مقابل ما ایستادند از اصولگرایان نبودند بلکه برخی از اعضای کابینه عملاً در هدایت انتخابات هیات رئیسه در مقابل ما عمل کردند.» وی با بیان اینکه فراکسیون امید به‌طور عمدی نمی‌خواهد برخی طرح‌های مجلس را برای به سرانجام رساندن و تصویب آن به صورت انحصاری به نام خود تمام کند، گفت: «برای اینکه برخی طرح‌ها به‌خصوص طرح‌های سیاسی یا اجتماعی با رای حداکثری در مجلس به تصویب برسد، تلاش می‌کنیم این طرح‌ها صرفاً به نام فراکسیون امید تمام نشود مانند طرح حذف اعدام در مورد محکومان مواد مخدر که با محوریت فراکسیون امید انجام شده بود. تلاش ما این است که درباره طرح‌های مهم حتی الامکان اجماع خوبی در مجلس به وجود آید.» رئیس شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان با یادآوری ماه‌های منتهی به انتخابات خرداد ۹۲، اظهار کرد: «در آن زمان عده‌ای می‌گفتند آخرین میخ را بر تابوت اصلاحات زده‌ایم و متأسفانه برخی اصلاح‌طلبان هم ناامیدانه این‌گونه اظهارات رقیب را تایید می‌کردند و حتی زمانی که شخصاً قصد ورود به انتخابات ریاست جمهوری را داشتیم، نه تنها مشوق من نبودند بلکه تاکید می‌کردند امیدی به تغییر وضعیت کشور وجود ندارد.

برای همین فعالیت در انتخابات و معرفی کاندیدا فایده‌ای ندارد اما بعدها به تحلیل اشتباه خود اذعان کردند.» وی با بیان اینکه هیچ‌گاه موافق تحریم انتخابات نبوده و نخواهم بود، تاکید کرد: «ما (اصلاح‌طلبان) خود را جزء اصلی نظام می‌دانیم و اجازه نمی‌دهیم سرنوشت کشور به خاطر برخی کج‌سیلگی‌ها به مخاطره بیفتد. برای همین همیشه حضوری فعال در تمامی عرصه‌ها خواهیم داشت و تا زمانی که مردم بخواهند برای پاسخگویی به مطالبات آنها در عرصه خواهیم ماند.» این اظهارات محمد رضا عارف در حالی بیان

این خبر اشاره دارد: «بر اساس گزارش‌های رسیده، محمود واعظی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در روزهای گذشته رفت‌وآمدهایی به هیات رئیسه مجلس داشته و با برخی از افراد از جمله (کاظم) جلالی، (بهرز) نعمتی و (رمضان علی) سبحانی نیز دیدارهایی داشته است.» البته دیری نپایید که محمود واعظی، وزیر ارتباطات در واکنش به برخی اخبار منتشرشده در خصوص انتخاب هیات رئیسه مجلس، در اینستاگرام خود نوشت: «متأسفانه اخبار نادرستی مبنی بر دخالت برخی از اعضای دولت در انتخاب هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی مطرح شده



شده است که هم‌زمان محمود صادقی به انتقاد از او و فراکسیون امید پرداخته است. او گفته است: «فکر می‌کنم فراکسیون دچار یک بازی بوروکراتیک شده است؛ دوستان می‌خندند و می‌گویند برای هر کاری یک کارگروه یا یک کمیته تشکیل می‌دهیم و هرکس چیزی می‌گوید، او را به آن کارگروه حواله می‌دهیم... اما پس از آن خروجی این کمیته‌ها و کارگروه‌ها آن چنان ملموس و محسوس نیست. اکتیو نیست. می‌توان گفت که انقلابی هم نیست. خیلی تسلیم شرایط و دچار احتیاط شده‌ایم. یعنی به نظرم استراتژی آرامش را بد فهمیده‌ایم. آرامش هم می‌تواند وجود داشته باشد اما آرامش فعال نه منفعل.»

نایب رئیس فراکسیون امید مجلس در زمان انتخابات هیات رئیسه در توثیتی با بیان اینکه عهدشکنان فهرست امید با نمایندگان جبهه‌پایداری بر سر لیست مشترک هیات رئیسه توافق کردند، ادعا کرد که برخی وزرای دولت هم در کنار عهدشکنان قرار گرفته‌اند. در آن زمان «عبدالکریم حسین زاده»، نایب رئیس فراکسیون امید و «محمود صادقی» از اعضای فراکسیون امید به صراحت به این موضوع اشاره و از دخالت برخی وزرای دولت در انتخابات هیات رئیسه مجلس سخن گفته بودند؛ مساله‌ای که آنها حتی با نام بردن از برخی نمایندگان و وزیر مربوطه‌ای که جلسه‌ای را در خصوص انتخابات هیات رئیسه برگزار کرده‌اند، بدان اشاره دارند. آنچه این اعضای فراکسیون امید مدعی آن بودند، از قرار معلوم به خیلی‌ها می‌دانند.»



تلگرام بازی پاستور طعنه‌ها و کنایه‌های روحانی به ماجرای فیلترینگ تلگرام ادامه دارد

در حالی که چند روزی از فیلترینگ تلگرام در کشور می‌گذشت، خیلی‌ها منتظر بودند تا واکنش حسن روحانی را به این رخداد ببینند. بعد از اطلاعیه رسمی دولت در این مورد مقامات دولتی چندان در این مورد به اظهار نظر نپرداختند. چند روز بعد از این رخداد اما حسن روحانی نخستین واکنش خود را در صفحه خود در اینستاگرام نشان داد. واکنشی عجیب که البته با بازخوردی فراوان مواجه شد. بعد از این واکنش‌ها اما حسن روحانی همچنان بر مواضع خود ماند و در سفر به مشهد نیز در چند نوبت در این مورد سخن گفت.

اعتراض با اینستاگرام

اما واکنش دولت به ماجرای تلگرام از اعتراض او به این ماجرا در اینستاگرام آغاز شد. او در صفحه شخصی خود نوشت: «سیاست دولت یازدهم و دوازدهم مبتنی بر ایجاد فضای امن مجازی بوده و نه امنیتی. و تاکنون هیچ شبکه اجتماعی و یا پیام‌رسان «توسط این دولت» مسدود نشده و نخواهد شد. فیلتر و مسدودسازی اخیر تلگرام نیز نه توسط دولت اجرا شده و نه مورد تایید دولت است. برای مسدودسازی پیام‌رسان مذکور در تاریخ ۹۷/۱/۲ حکم قضایی صادر و به همه اپراتورهای موبایل و ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی ابلاغ کردند تا آنها را آسان اقدام به اختلال در ارتباط نمایند. (مشابه این اقدام نیز سال گذشته و در دوران انتخابات ریاست جمهوری، برای امکان تماس صوتی تلگرام انجام شده بود. عدم طی مراحل قانونی امور اجرایی که با استفاده از ابزار قهریه و قضاییه صورت بگیرد، در تعارض با شعار «استقلال آزادی جمهوری اسلامی» و در نقطه مقابل دموکراسی قرار دارد. اگر در عالی‌ترین

سطح نظام، تصمیمی برای محدود کردن یا مسدودسازی ارتباطات مردم گرفته شده است، باید صاحبان واقعی این کشور که مردم هستند در جریان امور قرار بگیرند. این متن از روحانی با هشتک‌های #محرمانه_نداریم #حکم_سفارشی #جریان_آزاد_اطلاعات #حق_انتخاب #پیام_رسان_تگ شده است.»

واکنش‌ها به اظهار نظر روحانی

اما انتشار این متن در اینستاگرام روحانی واکنش‌های زیادی به همراه داشت و البته وزنه نقد و اعتراض به این اقدام او سنگین‌تر بود. در یکی از این واکنش‌ها، حسن خجسته در توئیتر خود نوشت: «شنیده‌ها حاکی از آن است، آقای رئیس‌جمهور در جلسات ۲ تا ۳ هفته اخیر با فیلتر تلگرام موافقت دارند ولی زمان اجرا را مناسب نمی‌دانند، علی‌الظاهر شورای عالی اطلاع‌رسانی و ادمن اینستاگرام (رئیس‌جمهور) از این موضوع بی‌اطلاع بودند.» در واکنشی دیگر به این ماجرا، قائم مقام آیت‌الله مصباح‌یزدی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم، با بیان اینکه بر اساس قانون، قوه قضائیه باید تلگرام را فیلتر می‌کرد، گفت: «رئیس‌جمهور حق مخالفت با فیلترینگ تلگرام را ندارد.» آیت‌الله محمود جیبی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و قائم مقام آیت‌الله مصباح‌یزدی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گفت: «فیلترینگ فضای مجازی به صورت مطلق مطرح نیست، بلکه فیلتر آن بخش از فضای مجازی مورد نظر است که مدیریتش در دست دشمنان مان قرار دارد؛ دشمنانی که طبق منافع خودشان و بر مبنای آسیب‌زدن به آرمان‌های نظام

جمهوری اسلامی، عمل کرده و کارشان را مدیریت می‌کنند. برای مثال در اغتشاشات دی ماه سال ۹۶، شاهد بودیم که در فضای همین تلگرام، آموزش ساخت مواد منفجره و از این قبیل آموزش‌ها را می‌دادند؛ یعنی تا این حد پیش آمدند؛ حالا این غیر از مفاسد اخلاقی و سوء استفاده‌های سیاسی است که از طریق این بخش از فضای مجازی از ایران و مردم ایران صورت می‌گیرد. در چنین شرایطی، ما باید یک فضای مجازی سالم که مدیریت آن در اختیار کشور خودمان باشد را ایجاد و راه‌اندازی کنیم و از سوی دیگر، از فعالیت بیشتر فضای مخرب (تلگرام) موجود، جلوگیری کنیم.» در تحولی دیگر در این مورد، رحیم‌پور ازغدی با اشاره به اثرات مخربی تلگرام گفت: «در تلگرام بدترین چیزها آموزش داده می‌شود و شایسته مسئول نظام جمهوری اسلامی نیست که بگوید تلگرام جزء حقوق مردم است و نباید قطع شود.» حسن رحیم‌پور ازغدی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، در برنامه ویژه اکران مستند خوره در دانشگاه شریف، ضمن انتقاد از اظهارات اخیر رئیس‌جمهور گفت: «چند سال است کشور در اختیار آقای رئیس‌جمهور است و نمی‌تواند مشکلات اقتصادی اخیر را بر گردن دیگران بیندازد.»

می‌گویند استقلال آزادی، کشور تلگرامی!

نایب‌رئیس مجلس هم البته به این ماجرا واکنش نشان داد. علی‌مطهری با بیان اینکه «بهتر بود فیلترینگ تلگرام از مسیر قانونی انجام می‌شد»، گفت که اگر حکم حکومتی برای فیلترینگ تلگرام وجود داشته با ذکر دلایل اعلام شود. علی‌مطهری در نطق میان‌دستور خود در جلسه علنی مجلس، با اشاره به محدودیت‌های اخیر برای تلگرام گفت: «بهتر بود فیلتر تلگرام از مسیر قانونی انجام می‌شد. قانون، کارگروه تشخیص مصادیق مجرمانه را که دارای ۱۳ عضو از نهاد‌های مربوط است مسئول این کار قرار داده نه قوه قضائیه را. اگر حکم حکومتی در کار بوده، لازم است با ذکر دلایل اعلام شود و البته مردم می‌پذیرند، زیرا مردم رهبر انقلاب را گذشته از مقام ولایت، انسانی حکیم می‌دانند که مصالح و سعادت ملت را مبنا قرار می‌دهند.» به گزارش نامه‌نیوز، نماینده مردم تهران در مجلس با بیان اینکه «رئیس‌جمهور به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی درباره

مساله تلگرام می‌توانست به قوه قضائیه تذکر قانون اساسی بدهد، افزود: «وی باید اقتدار لازم را در اجرای اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی از خود نشان دهد. دزدن از تکیه و کنایه به این و آن، نشانه ضعف است. مردم انتظار صراحت و در میان گذاشتن مسائل با خود را دارند.» معاون فرهنگی قوه قضائیه هم درباره نظر برخی اعضای شورای عالی فضای مجازی نسبت به مصوبه محدودیت تلگرام گفت: «همه موظف به اجرای مصوبه شورا هستند و حتی اگر یک نفر از اعضای آن شورا نیز مخالف باشد، همه باید نسبت به آن تمکین کنند.» حجت الاسلام هادی صادقی، معاون فرهنگی قوه قضائیه در حاشیه بازدید از نمایشگاه کتاب درباره شبکه‌های مجازی و پیام‌رسان تلگرام اظهار کرد: «این شبکه‌های مجازی، دنیای جدیدی هستند و برخورد قانونی و لازم‌تکونی با آنها صورت نگرفته است. به عبارت دیگر ساماندهی لازم صورت نگرفته است.» به گزارش نامه‌نیوز وی گفت: «شورای عالی فضای مجازی تشکیل شده که رئیس آن، رئیس جمهوری است و اعضای خوبی هم دارد. از سوی این شورا شرایط پنج‌گانه‌ای برای فعالیت پیام‌رسان‌های خارجی نهاده شد.» صادقی تصریح کرد: «این شرایط پنج‌گانه بسیار منطقی و معقول است. مثالی از آن شرایط این است که به قوانین ما تن دهند، شرط دیگر این است که اطلاعات افراد به بیرون درز نکند و سرورهای داخلی داشته یا نمایندگانی جهت پاسخگویی داشته باشند یا مثلاً اگر دستگاه قضایی برای پیگیری یک جرم خواست اطلاعاتی داشته باشد در اختیار قرار دهند. بد گفته‌وی، در حال حاضر ما با چند پیام‌رسان خارجی مواجه هستیم که میان آنها دو دولت جمهوری اسلامی گاهی قراردادی گذاشته شده که یا برخی شرایط یا همه آن شرایط را بپذیرند، اما برخی از آنها همچون «تلگرام» بدعهدی مکرر کرده‌اند و هیچ‌گاه به شرایط ما تن نداده‌اند. طبیعتاً امنیت و اطلاعات مردم به خطر افتاده است. حتی استقلال کشور نیز تحت تاثیر قرار دارد و گویا او یک کشور مستقل برای خود است.» این مقام مسئول در قوه قضائیه در مورد بدعهدی‌های پیام‌رسان تلگرام اظهار کرد: «آنها می‌گویند استقلال آزادی، کشور تلگرامی! این چه بحثی است؟ چرا که ما باید مراقبت کنیم در داخل کشورمان یک کشور تلگرامی ایجاد نکنند.» حجت الاسلام صادقی با بیان اینکه باید به استقلال کشورمان احترام بگذاریم، تصریح کرد: «باید استقلال کشور را حفظ کنیم و لازم‌ه حفظ این استقلال این است که اجازه ندهیم دیگران بیایند و از اطلاعات کشورمان استفاده کنند. چرا که این اطلاعات بسیار ذی‌قیمت است. (به جز مباحث امنیتی و مسائلی مربوط به مسائل اجتماعی و اخلاقی).»

کنایه‌های ضرغامی

عضو شورای عالی فضای مجازی اظهار کرد: «اگر #محرمانه_نداریم، بهتر است متن توافقات دولت با تلگرام برای اطلاع عموم منتشر شود.» عزت‌الله ضرغامی با اشاره به حوزه پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی اظهار داشت: «در شرایط فعلی مهم‌ترین مساله حمایت جدی از پیام‌رسان‌های داخلی است؛ به دلیل ماهیت تعاملی پیام‌رسان‌ها، قاعدتاً دولت باید اقدامات ایجابی و سلبی مناسبی برای مصالح ملی داشته باشد.» عضو شورای عالی فضای مجازی ادامه داد: «رئیس مرکز ملی فضای مجازی و وزیر ارتباطات که ارکان اصلی سیاست‌گذاری و اجرا در این حوزه هستند هر دو منصوب رئیس‌جمهورند.» ضرغامی با اشاره به مباحثی که در مورد فیلتر تلگرام مطرح شده است، اظهار کرد: «اینکه دو قوه باهم دعوا دارند یا قوه مقننه باید قانون بگذارد؛ خوب بروند با هم حل کنند. چرا اختلافات را به میان مردم می‌کشند؟»

او ادامه داد: «جلسه سران قوا «خاله‌بازی نیست»

که از دفتر این به دفتر آن بروند و با لیخندهای مصنوعی عکس یادگاری بگیرند؛ بلکه برای حل این مسائل است.» عزت‌الله ضرغامی گفت: «رئیس‌جمهور علاقه‌مند است که با صدای بلند بگوید دولت مزاحم هیچ پیام‌رسان خارجی نیست. قبول! ولی اگر آن جوان روسی به تعهدات خود در مقابل جمهوری اسلامی ایران عمل نکرد و عملاً مردم را تحقیر کرد و از دویینگ فنی و سیاسی مان‌هایت سوء استفاده را کرد رئیس‌جمهور برای حفظ استقلال کشور می‌تواند سکوت کند؟» ضرغامی ادامه داد: «اگر #محرمانه_نداریم یا #سفارشی_نداریم، بهتر است متن توافقات دولت با پیام‌رسان تلگرام برای اطلاع عموم منتشر شود.» گفتنی است: اخیراً بر اساس اظهارات مشاور محترم رئیس‌جمهور به دلیل شانه خالی کردن از تعهدات، سرویس‌های اضافه‌ای که به تلگرام داده شده بود توسط دولت حذف و بسته شد.

واکنش قوه قضائیه به سخنان روحانی

اما این اظهارات روحانی در اواسط هفته با واکنش آیت‌الله آملی لاریجانی هم مواجه شد. آملی لاریجانی در توضیحاتی برای مسدود شدن تلگرام گفت: «در این زمینه وارد بحث‌های سیاسی نمی‌شوم، زیرا طرح چنین مباحثی را مضر به وحدت کشور می‌دانم. برخی در این ماجرا به قوه قضائیه توهین کرده‌اند یا نسبت‌های خلاف داده‌اند که فعلاً به این اظهارات پاسخ نمی‌دهم، زیرا معتقدم که امروز، روز وحدت و همدلی است، اما چند نکته را از جهت تفصیح بیان می‌کنم.» رئیس قوه قضائیه ادامه داد: «حسب نص صریح قانون اساسی، قوه قضائیه مرجع رسیدگی به شکایات، تعدیات و دعاوی مردم با اطلاق است و در هیچ کجا عنوان نشده که دستگاه قضایی صرفاً به جرم یا دعوایی خاص می‌تواند رسیدگی کند و بنابراین رسیدگی قضایی شامل همه جرائم و دعاوی است. رویه قضایی نیز از ابتدا به همین شکل بوده و اینکه گفته می‌شود چرا دستگاه قضایی به موضوع تلگرام ورود پیدا کرده استندال نابی است.» آملی لاریجانی با بیان اینکه ورود به این موضوع از وظایف ذاتی قوه قضائیه بوده و استدلال‌های مربوط به آن نیز در دستور صادر شده اخیر به سمع و نظر همه رسیده است، افزود: «در خصوص تلگرام و برخی پیام‌رسان‌های دیگر هزاران شکایت از ناحیه افراد مختلف که حقوقشان از طریق این بستر مورد تعدی قرار گرفته بود مطرح شد و مشاهده کردیم که این پیام‌رسان تبدیل به بستری امن برای مجرمین شده است.» رئیس قوه قضائیه ادامه داد: «از طریق دستگاه‌های مسئول با مسئولان تلگرام ارتباط برقرار شد و از آنان خواستند که در شناسایی و معرفی مجرمین کمک کنند، اما هیچ همکاری‌ای در این زمینه نداشتند. اینکه یک پیام‌رسان تبدیل به بستری امن برای اقدامات مجرمانه شود و افراد بتوانند با نقاب و بدون هراس از شناسایی شدن دست به هر اقدام مجرمانه‌ای؛ از جرائم مالی نظیر کلاهبرداری گرفته تا جرائم علیه حیثیت اشخاص و اقدامات تروریستی بزنند به هیچ عنوان برای هیچ کشوری قابل قبول نیست. آیا عقل و منطق می‌پذیرد که یک نفر ضمن ارائه برخی خدمات در یک فضای فیزیکی و واقعی، آن محل را بستری امن برای مجرمین کند؟ فضای مجازی نیز دقیقاً همین وضعیت را دارد.» آملی لاریجانی با اشاره به شکایات متعدد بابت ارتکاب جرائم از طریق تلگرام، گفت: «علاوه بر شکایاتی که اعلام شده است، مطمئناً تعداد بسیار زیادی از افراد نیز با این گمان که اساساً شکایت‌فایده‌ای ندارد، زیرا نمی‌توان به مجرم دسترسی داشت از طرح شکایت منصرف شده‌اند، زیرا جرائم در این فضا با چهره نقاب‌دار ارتکاب می‌یابد. همگان شاهد بودند که چگونه از این طریق در دی سال گذشته افراد به اقدام علیه امنیت کشور

تحریک می‌شدند. در حمله داعش به مجلس نیز مراجع مختلف تأیید کردند که از این بستر برای هماهنگی عملیات تروریستی استفاده شده بود. با وجود این موارد باید دنبال چه دلیل دیگری باشیم تا بتوانیم دستور مسدودسازی چنین بستری را صادر کنیم؟» رئیس قوه قضائیه با بیان اینکه برخی می‌گویند قوه قضائیه ۴۰ میلیون نفر را از حق خود محروم کرده است، به برخی اقدامات نظیر شکایت تعدادی از حقوق دانان از این دستور قضایی اشاره کرد و گفت: «انسان از نحوه برخی استدلال‌ها تعجب می‌کند. دولت و مجلس محترم مقرراتی را تصویب می‌کنند که محدودکننده است؛ به‌عنوان مثال در موضوع ارز، دولت اعلام کرد که عرضه دلار در خارج از چارچوبی که تعیین کرده‌اند قاچاق محسوب می‌شود. در حال حاضر برخی می‌توانند بگویند شما چه حقی دارید که مردم را از خرید و فروش ارز محروم می‌کنید؟ مردم می‌خواهند بدون وساطت دولت اقدام به خرید و فروش ارز کنند.» آملی لاریجانی ادامه داد: «ممکن است دولت تصمیم بگیرد که ورود برخی خودروها به کشور را ممنوع کند. در اینجا می‌توان این شبهه را مطرح کرد که چرا باید آزادی مردم در خرید و فروش خودرو محدود شود؟ مردم می‌خواهند با پول خودشان ماشین خارجی بخرند. در خصوص برخی کالاها دیگر نیز همین وضعیت وجود دارد و می‌توان مدعی شد که دولت با اعمال برخی محدودیت‌ها حقوق مردم را تضییع می‌کند در حالی که پاسخ به این شبهات کاملاً روشن است و آن اینکه دولت به‌عنوان مجری قانون و مجلس در مقابل تقنین باید مصالح عمومی کشور را رعایت کند و این قبیل محدودیت‌ها در نهایت به نفع کشور است.» آملی لاریجانی در ادامه با اشاره به یکی دیگر از شبهات مطرح شده در زمینه مسدودسازی تلگرام با دستور قضایی گفت: «برخی معتقدند که امنیت ملی مربوط به شورای عالی امنیت ملی است و دستگاه قضایی حق ورود به این موضوع را ندارد. این سخن نیز نادرست است، زیرا هر دستگاهی کار خود را انجام می‌دهد و مکرر بیان شده است که وظایف شوراهای عالی از جمله شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی فضای مجازی و... نافی وظایف قوه قضائیه نیست.»

رئیس قوه قضائیه افزود: «اگر شورای عالی امنیت ملی درباره موضوعی مصوبه‌ای داشت که این مصوبه مراحل قانونی خود از جمله تأیید مقام معظم رهبری را طی کرده بود، در صورت تعارض حکم قضایی با مصوبه این شورا قطعاً تصمیم شورای عالی امنیت ملی حاکمیت دارد، اما در خصوص مسدودسازی تلگرام به هیچ عنوان مصوبه‌ای نداریم که گفته باشد پیام‌رسان‌ها را ننندید و مقام معظم رهبری هم آن مصوبه را تأیید کرده باشند.»

این اظهارات البته در واکنش به سخنان حسن روحانی بود که در مراسم بهره‌برداری از چند طرح اقتصادی و زیربنایی در استان خراسان رضوی نسبت به ماجرای تلگرام واکنش نشان داده و گفته بود به خاطر آتش زدن یک جا با بنزین، پمپ بنزین را نمی‌بندند و با بیان اینکه باید از فضای مجازی و فرصت‌های آن به درستی استفاده کنیم، ادامه داد: «ما در فضای مجازی به دنبال ایجاد اشتغال برای جوانان و بانوان هستیم، اما اینکه امروز بسیاری از بانوان کشور، از طریق فضای مجازی، صنایع دستی خود را در داخل و خارج کشور به فروش می‌رسانند.» روحانی افزود: «اینکه بیش از ۲۰۰ هزار شغل در طول یک سال در فضای مجازی ایجاد می‌شود، نشان می‌دهد که باید در راستای استفاده صحیح از این فضا به مردم کمک کنیم و سواد استفاده از فضای مجازی را به جوانان بیاموزیم.» رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه پیام‌رسان‌های داخلی باید تقویت شوند، اما ایجاد انحصار، غلط و بی‌نتیجه است، گفت: «باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اقدام کنیم تا مردم بتوانند انتخاب و اختیار داشته باشند.»

بهشت برای یکی از این دو نفر

حالا دیگر مشخص شده است که شهردار تهران یک نفر از میان این دو نام خواهد بود: «سمیع الله حسینی مکارم و محمدعلی افشانی». آنچه رخ داده این است که مرحله نیمه نهایی انتخاب شهردار فعلا تمام شده و شورایکشنه این هفته از بین دو گزینه انتخابی خود یعنی سمیع الله حسینی مکارم و محمدعلی افشانی یک نفر را به عنوان شهردار جدید تهران و البته شهردار دوم پایتخت در دوره اصلاح طلبان انتخاب می کند.

از میان هفت گزینه انتخاب شهردار تهران تا صبح دیروز سه گزینه انصراف دادند. محمود حجتی، ابراهیم انصاری لاری و حجت الله میرزایی کنار رفتند و رای گیری بین چهار نفر باقی مانده یعنی محمدعلی افشانی، پیروز حناچی، سمیع الله حسینی مکارم و محمود حسینی انجام شد و در این میان افشانی با ۱۵ رای و حسینی مکارم با ۱۱ رای به دور نهایی رفتند و حناچی با ۱۰ رای و حسینی با ۶ رای از صحنه رقابت خارج شدند. شورای شهر تهران روز گذشته چهره ای نسبتا آرام اما درونی ملتهب و به هم ریخته داشت. شورای شهر تهران که متشکل از چند حزب سیاسی اصلاح طلب است و بعد از حدود ۱۵ سال دوباره با رای بی سابقه مردم به عرصه مدیریت شهری برگشته، در حدود دو ماه بعد از استعفای محمدعلی نجفی، توافقات و مذاکرات زیادی را ابتدا و بیشتر در بیرون شورا برای انتخاب گزینه های خود داشتند. این مذاکرات و توافقات روی حدود ۲۸ نفر اعلام شد و در نهایت هفت نفر از بین این توافقات و البته رای اعضا بیرون آمدند. واقعیت این است که تبدیل شدن شورا به شورایی که هر بخش آن صحنه سهم خواهی یکی از این احزاب سیاسی است، در همین سال اول و آزمون های مهم و دشوار، اصلاح طلبان را در معرض آزمون جدی و حساس و البته تکرار یک اشتباه قدیمی قرار داده است. مصداق این روند را البته در همین انتخاب دو گزینه از میان هفت گزینه می توان دید. در حالی که از قبل میان چند جریان اصلاح طلب برای رای دادن به گزینه های یکدیگر توافقاتی شده بود، یکبار به یک جریان سیاسی و به تبع آن اعضای تابع آن در شورا رای خود را تغییر می دهند و به گزینه دیگری رای می دهند تا آن گزینه به شکلی ناپلئونی برای نیمه نهایی انتخاب شود. این اتفاق زمینه اختلافی نسبتا مشهور را بین نمایندگان شورا به راه انداخت؛ آنجا که افشین حبیب زاده، کنار جایگاه خبرنگاران آمد و با طعنه علت این رای خود و دوستانش را این طور گفت: «تا دوستان عبرت بگیرند» و دو عضو دیگر زن شورا هم رای خودشان را رسما اعلام کردند. زهرا صدرا اعظم نوری کلمه «ناباوری» و ناهید خداکرمی کلمه «شگفتی» را کنار روند رای گیری امروز گذاشتند. محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران که بعد از رای گیری ریاست جلسه را به نایب رئیس خود سپرد و رفت، اعلام کرد که این دو کاندیدا برای ارائه برنامه های خود به کمیسیون های تخصصی شورا می روند و جلسه هم اندیشی با حضور این دو کاندیدا خواهیم داشت. او گفته است که از قبل مشخصات هر هفت گزینه اعلامی شورا برای تصدیق پست شهرداری تهران به وزارت کشور ارائه شده و امیدوار است دو گزینه نهایی اعلام شده صدر صد تاییدیه نظام را بگیرند. او در پاسخ به سوالی درباره شگفتی اعضای شورا از انتخاب این دو گزینه گفت: بعد می دانم؛ شاید یکی از آنها دچار شگفتی شده باشد؛ اما آرای خودشان است. همچنین از او پرسیدند که افرادی امیدوارند شما شهردار شوید و او گفت: از آنها تشکر می کنم و می گویم که آرزو بر جوانان عیب نیست و امیدوارم به آرزویشان برسند. «شرق» روزنامه نزدیک به کارگزاران در این مورد نوشته است: «از دو گزینه انتخابی؛ محمدعلی افشانی، پیش از مسئولیت فعلی خود در معاونت عمرانی وزارت کشور و ریاست سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور استاندار فارس بوده است و سمیع الله حسینی مکارم هم معاون مالی اقتصادی شهردار تهران بوده و در حال حاضر سرپرست شهرداری تهران است.» «شیده ها از بخت بیشتر محمدعلی افشانی نسبت به حسینی مکارم برای جلب آرای اعضای شورای شهر تهران حکایت دارد. گفتنی است حضور افشانی در وزارت کشور نیز احتمالا راه را برای تأیید صلاحیت او هموارتر می کند.



حاشیه های یک سفر

«اینکه فضای مشهد باید تلطیف شود و فضای پرنشاط باشد نمی دانم مقصود چیست. مشهد با شهرهای دیگر فرق ندارد. اینکه می گویند مشهد شهر امام رضاست دقیق نیست، بلکه ایران کشور امام رضاست و استان خراسان رضوی هم افتخار می کنند تحت لوای امام رضا (ع) هستند. اگر چیزی حلال است برای همه حلال و اگر چیزی حرام است برای همه حرام است. مشهد با دیگر شهرهای کشور متفاوت نیست و ما یک قانون داریم و باید در سراسر کشور یک قانون اجرا شود. همه باید تلاش کنند اگر مشکلاتی هست رفع شود.» این بخشی از سخنان حسن روحانی است که هفته گذشته در سفر به مشهد بیان کرده است؛ سفری که البته حاشیه های خاص خودش را داشته است. او یک سخنرانی در اولین روز از سفرش داشت که ضمن آن گفت همه باید متحد باشیم و مقابل آمریکا عقب نشینی نمی کنیم. در سخنرانی دوم اما سخنان تند و تیزی در مورد اتفاقات رخ داده در فضای مجازی مطرح کرد.

این سخنان او باز خوردهایی زیادی در رسانه ها داشت. رئیس جمهوری در پاسخ به این سوال که مشهد، پایگاه مهمی برای منتقدان دولت است که به صراحت مخالفت و انتقادات خودشان را بیان می کنند، اما مسئولان دولتی معمولا در برابر این انتقادها روزه سکوت می گیرند، عنوان کرد: «دولت با انتقاد از سوی هر فرد یا افرادی و در هر بخشی از کشور مشکلی ندارد و انتقاد را حق مردم می داند. آنچه از نظر ما خوب نیست، تخریب است که آن را به نفع کشور نمی دانیم. باید واقعیت ها به مردم گفته و خدمات شفاف بیان شود و در کنار آن انتقاد هم مطرح شود، اما تخریب به هیچ وجه مفید نبوده و خلاف شرع و قانون است و به ویژه با شرایط حساس کشور که نیاز به وحدت و انسجام را بیشتر می کند، تخریب به هیچ وجه درست نیست.» او افزود: «البته اینکه مسئولان دولتی در استان ها خدمات دولت را تبیین نکنند، نیز اگر صحیح باشد، محل اشکال است.

مسئولان استانی باید واقعیات را به شکل صحیح به مردم منتقل کنند. گاهی نه تنها واقعیات درست منعکس نمی شود، بلکه معکوس بیان می شود که این کار در وهله اول ظلم به مردم و افکار عمومی و تخریب امید مردم به آینده است.

امید به آینده بسیار مهم است و اگر مردم به آینده امید داشته باشند، از هر سختی و مشکلی عبور خواهند کرد. از مسئولان دولتی در سطح کشور و استانی می خواهیم که واقعیات را به شکل دقیق برای مردم توضیح دهند و در برابر تخریب ها سکوت نکنند.»

اما این تنها حاشیه این سفر نبود. نکته دیگر در این مورد این بود که در این سفر ملاقاتی میان روحانی و علم الهدی و رئیس انجام نشد. رئیس همان زمان، در تهران و نمایشگاه کتاب رویت شد و در غرفه آستان قدس از ۴۰ عنوان کتاب جدید انتشارات آن رونمایی کرد.



پیروزی حزب الله در انتخابات لبنان

درصد مشارکت در این انتخابات ۴۹/۲ درصد بوده که نسبت به انتخابات قبلی حدود ۵ درصد کاهش داشته است.

بنابر نتایج منتشر شده از انتخابات لبنان؛ حزب الله لبنان و افراد و گروه‌های نزدیک به این نهاد برنده انتخابات پارلمانی لبنان شده‌اند. این گروه توانسته است ۶۷ کرسی، یعنی بیش از نیمی از کرسی‌های پارلمان لبنان را در اولین انتخابات پس از ۹ سال کسب کند. پارلمان لبنان مجموعاً ۱۲۸ عضو دارد و در صورت تایید نهایی نتیجه انتخابات حزب الله و حامیان آن به اصلی‌ترین بلوک قدرت در این پارلمان تبدیل می‌شوند.

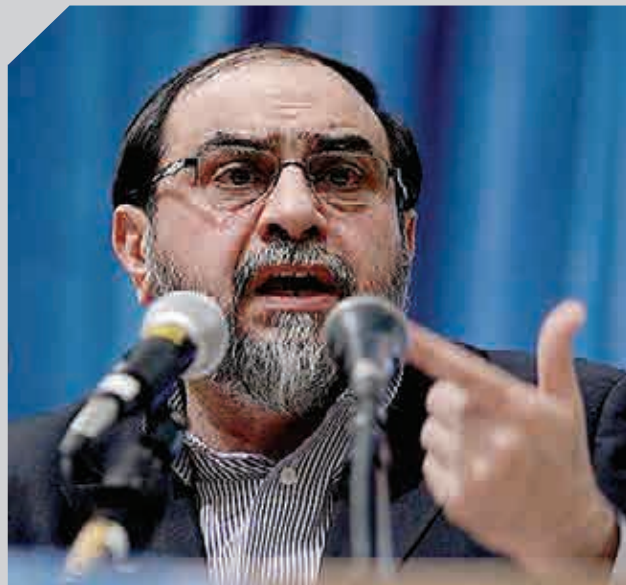
گروه حزب الله و حامیان آن شامل جنبش امل، جریان مسیحی ملی‌گرای آزاد با بنیان‌گذاری میشل عون و نیز دیگر گروه‌ها و افرادی است که حامی حزب الله مسلح هستند.

تعداد افراد واجد شرایط رای دادن ۳/۷ میلیون نفر بوده و سن رای‌گیری در این کشور ۲۱ سال است. به گزارش تسنیم این انتخابات برای اولین بار براساس قانون نسبی برگزار می‌شود که کشور را به ۱۵ حوزه انتخاباتی تقسیم کرده تا از این میان ۱۲۸ نماینده که نیمی از آنها مسلمان و نیم دیگر مسیحی هستند، به پارلمان راه پیدا کنند. تعداد کرسی‌های مسلمانان ۶۴ کرسی است که ۲۷ کرسی به اهل تسنن و ۲۷ کرسی به شیعیان اختصاص داده شده و ۸ کرسی نیز متعلق به دروزی‌ها و ۲ کرسی تحت اختیار علوی‌ها است. در سهمیه مسیحی‌ها نیز ۳۴ کرسی به مارونی‌ها اختصاص دارد و ۱۴ کرسی در اختیار مسیحیان ارتودوکس است. ۸ کرسی نیز به مسیحیان کاتولیک و ۶ کرسی به ارمنی‌ها و یک کرسی به انجیلی‌ها و یک کرسی دیگر به سایر اقلیت‌های مسیحی اختصاص داده شده است.

در حال حاضر و در نتیجه انتخابات برگزار شده در سال ۲۰۰۹ فراکسیون‌های مختلفی به رهبری سعد حریری، ۲۶ کرسی، فراکسیون جنبش آزاد ملی به رهبری جبران باسیل ۱۹ کرسی، فراکسیون جنبش امل به رهبری نبیه بری ۱۳ کرسی، فراکسیون حزب الله لبنان ۱۲ کرسی، فراکسیون حزب نیروهای لبنانی ۸ کرسی و فراکسیون حزب سوسیالیست ترقی خواه لبنان نیز ۷ کرسی را در اختیار دارند.

از طرفی درصد مشارکت در این انتخابات ۴۹/۲ درصد بوده که نسبت به انتخابات قبلی حدود ۵ درصد کاهش داشته است. همچنین نتیجه انتخابات نشان می‌دهد که سعد حریری، سیاستمدار مورد حمایت غرب به عنوان رهبر بزرگترین بلوک سنی پارلمان پیروز شده است. این نکته را نباید فراموش کرد که نخست‌وزیر لبنان طبق سیستم حکومتداری این کشور باید سنی باشد. به نظر می‌رسد باتوجه به نتایج انتخابات، دولت آینده لبنان نیز مانند این دولت برای انتخاب اعضای کابینه دارای روندی کند و پر سر و صدا در انتخاب اعضا خواهد بود.

یکی دیگر از احزابی که در این انتخابات نسبت به انتخابات قبل رشدی قابل توجه داشته است حزب مسیحی است که اعضایش را از ۸ نفر به ۱۵ رسانده است. البته حزب الله در حوزه بعلبک موفق نشده است همه کرسی‌ها را از آن خود کند با این وجود اکثریت را در آنجا نیز در اختیار خود دارد.



انتقادات تند

حسن رحیم‌پور از غدی هفته گذشته نقد و اعتراض تندی به حسن روحانی داشته است. او گفته: «امروز دیدم ایشان اعلام کرده است که ما کلاً مخالف بودیم و هستیم و خواهیم بود و مقامات عالی... یعنی داری به رهبری طعنه می‌زنی؟... تو خودت رئیس شورای انقلاب فرهنگی هستی، چرا هر جا یک جوری حرف می‌زنی؟ ایشان در مورد علوم انسانی چند تا جوک گفت و مسخره کرد. من از ایشان پرسیدم شما اصلاً نظریات جدید علوم انسانی را خواندی، بلدی؟ علوم انسانی اصلاً شرقی و غربی نیست و کاملاً امری است فرهنگی و بستگی به فرهنگ جامعه دارد و هر پسوندی می‌پذیرد... من حدس می‌زنم چهار پنج تا بچه دور و برش هستند اینها را می‌نویسند و دستش می‌دهند ایشان هم باید سخنرانی کند، وقت کم دارد و می‌گوید همین طور از این طرف و آن طرف مطلب برساینده... از کتاب‌ها از مقالات چیز جمع کنید و بگویید من بگویم. متوجه تناقضش هم نیست. من در شورا از ایشان پرسیدم شما راجع به علوم انسانی این حرف‌ها را زدید با این نظریات جدید آشنا هستید اصلاً؟ ایشان صادقانه گفت نه... یک کمی شجاع باش، قوی باش، ایدئولوژی داشته باش. مکتبی باش. می‌خواهی لیبرال باشی لیبرال باش، می‌خواهی انقلابی باشی انقلابی باش. نیمچه انقلابی نیمچه لیبرال که نمی‌شود. گاهی انقلابی دو آتشه و گاهی لیبرال سه آتشه... به طرف فحش می‌دهید و می‌گویید منظورم این نبود... الان حرف‌هایی که گفته‌ام منظورم روحانی نبود. آقای روحانی؛ رئیس جمهوری دوگانه و متناقض با مردم حرف نمی‌زند. رئیس جمهوری اسلامی دروغ نمی‌گوید، رئیس جمهوری اسلامی وعده دروغ نمی‌دهد، رئیس جمهوری اسلامی در جلسه خصوصی یک چیز و در جلسه عمومی ضدش را نمی‌گوید... رئیس جمهوری اسلامی مخصوصاً اگر آخوند معمم باشد در جلسه داخلی و خارجی ۱۸۰ درجه متفاوت حرف نمی‌زند، مسئولیت حرف‌هایی که زده را بر عهده می‌گیرد... شما در جلسه خصوصی راجع به فضای مجازی یک چیز می‌گویید و در فضای عمومی می‌گویید اصلاً دولت کلاً مخالف است و مقامات عالی باید مسئولیت بپذیرند و به مردم جواب دهند.»

همزمان با این اظهارات شورای هماهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه‌های آزاد استان تهران آمادگی خود را برای برگزاری مناظره «رحیم‌پور از غدی» و «روحانی» در یکی از دانشگاه‌های آزاد استان تهران را اعلام کرده است و علیرضا تسلیمی، دبیر شورای هماهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه‌های استان تهران با اعلام این خبر گفت: «بسیج دانشجویی دانشگاه‌های آزاد استان تهران جهت فراهم‌سازی بستر این اتفاق و روشن شدن برخی مسائل مورد مناقشه طرفین آمادگی خود را برای برگزاری این مناظره در یکی از دانشگاه‌های آزاد استان تهران اعلام می‌کند.»

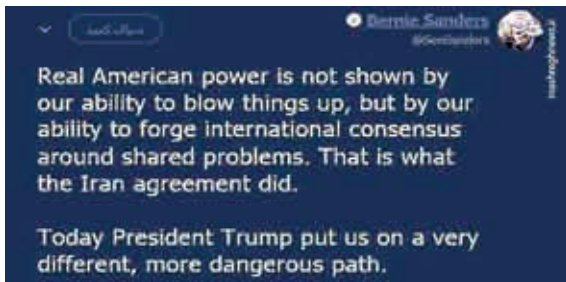
وی افزود: «امیدواریم جناب رئیس‌جمهور یک بار هم که شده دعوت به مناظره‌ای آزادانه و آن هم در محیطی کاملاً علمی و به دور از هیاهوهای پوپولیستی را بپذیرد و با حضور خود در این مناظره شرایط را برای فهم هر چه بهتر و روشن شدن برخی مسائل مبتلا به کشور که زمام اجرایی آن را بر عهده دارند روشن کند.»

تسلیمی تاکید کرد: «بی‌صبرانه منتظر پاسخ دفتر ریاست جمهوری جهت تایید این دعوت و حضور در محیط دانشگاهی و در جمع دانشجویان دانشگاه آزاد استان تهران هستیم.»

واکنش جهانگیری به خروج آمریکا از برجام

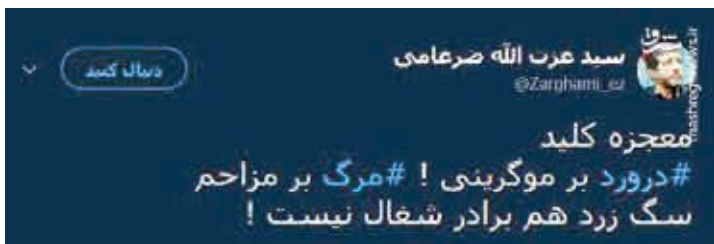
دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا شب گذشته در سخنرانی خود در کاخ سفید به طور رسمی خروج آمریکا از برجام را اعلام کرد. او همچنین عنوان کرد: فرمانی را امضا خواهد کرد که تحریم‌ها را علیه ایران باز خواهد گرداند. اعلام خبر خروج آمریکا از برجام، با واکنش بسیاری از سوی مسئولان کشور مواجه شد.

در همین زمینه اسحاق جهانگیری در اینستاگرامش نوشت: هیچوقت مشکلات اقتصادی و اجتماعی نمی تواند ملتی مانند ملت ایران را متزلزل کند. آنچه به کشور آسیب میزند، تخریب سرمایه‌های اجتماعی و امید مردم و نهادینه کردن نفرت در جامعه است.



مسیر خطرناک

برنی سندرز سناتور مستقل آمریکایی و یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری در انتخابات درون حزبی دموکرات‌ها در توئیتر خود نوشت: قدرت واقعی آمریکایی‌ها با توانایی آن‌ها در نابودی چیزها نشان داده نمی‌شود بلکه با توانایی آن‌ها در ایجاد اجماع بین‌المللی در مشکلات مشترک نمایش داده می‌شود. این کاری بود که توافق هسته‌ای انجام داد. امروز رییس جمهور ترامپ ما را در مسیری متفاوت و به مراتب خطرناک‌تر قرار داد.



رونمایی از معجزه کلید روحانی دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا شب گذشته در سخنرانی خود در کاخ سفید به طور رسمی خروج آمریکا از برجام را اعلام کرد. او همچنین عنوان کرد: فرمانی را امضا خواهد کرد که تحریم‌ها را علیه ایران باز خواهد گرداند. اعلام خبر خروج آمریکا از برجام، با واکنش بسیاری از سوی مسئولان کشور مواجه شد. عزت الله ضرغامی به این ماجرا واکنش نشان داده است.

مخالفان و موافقان مذاکرات بعد از خروج آمریکا از برجام چه کردند؟ عبدالله گنجی طی متنی درباره مخالفان و موافقان مذاکرات هسته‌ای بعد از خروج آمریکا از برجام در توئیتر خود در این باره نوشته است.





آمریکا و سه کشور اروپایی توافق مکمل و اصلاحیه برجام رو تهیه کردند و الان دارند به مرگ میگیرن تا به تب راضی بشیم یعنی ایران وافکار عمومی دنیا).

ترامپ برجام رو رد کرد. یعنی همان کاری که وعده اش را داده بود. در واقع به نظر می رسد یک تقسیم کار میان آن ها شکل گرفته است. حتی مشتاق تر از ترامپ هستند. اروپا هم بیانیه داده و در حال نقش بازی کردن است. می خواهد این کارا کتر را نشان دهد که می خواهد برجام را حفظ کند و در عوض این کارشان از ایران خواهند خواست که به وظایفش شامل پایبندی به برجامی که آمریکایی خاصیتش کرده و همچنین پذیرش توافق مکمل برجام اقدام کند. نباید به اروپا اعتماد مکنیم.

دشمن، عهدشکن تر و پیمان شکن تر از گذشته شده است. نفس اروپا هم در دست آمریکاست، بالاخره بازار بزرگی در آمریکا وجود دارد و این حقیقت است.

آقایان دولتی الان باید خودتون رو برای برهم خوردن برجام آماده کنید یا زمانی که برجام رو داشتین امضا می کردین؟

یادتون بود می گفتید امضای جان کری زیر برجام است؟ پس این امضا چی شد؟ دیدید آمریکایی ها سرتون کلاه گذاشتند هدفشون خارج کردن اورانیوم از ایران بود حالا که اورانیوم از ایران خارج شده دیگه چرا باید به برجام پایبند باشن.

همه این گرونی ها و دلال بازی ها مربوط به قشر خاصی از مردم است که از بی قانونی کشور جولان می دهند، مردم متوسط و فقیر اصلا کاری به اینها ندارند.

هر بار این آقای سیف صحبت کرد به التهای به بازار داد. نرخ سود بانکی رو بیست درصد کنید پول های سرگردان جمع بشه از بازار دلالی هم کمتر میشه.

تتها فرقی که حرف های مقامات اروپایی با حرف های ترامپ داره این هست که میگن به جای امروز ۷ سال دیگه یعنی در پایان زمان تعلیق های هسته ای مثل شروع دوباره غنی سازی در ایران و امکان ایران برای نصب سانتریفیوژهای نسل دو و سه تا هشت بزم ز برش... اصلا مشخص نیست پس ایران برای چی عضو ان پی تی باید باشه، وقتی حتی ابتدایی ترین حق مثل غنی سازی رو هم بعد این همه باج و امتیاز و بازرسی فراتر از پروتکل الحاقی روداده.

از ماست که بر ماست یعنی تمدنی هستیم که خودمان علیه خودمان توطئه می کنیم. چند نفر دلال دارند میخرند و میفروشند و پایه را بالا میبرند و بقیه مردم عادی هم حرص میخورند و دولت هم بود و نبودش فرقی نمی کنه. پیشنهاد: خواهش کنید دلار یا سکه یا خونه بخرید در این شرایط عرضه محدود هرچی تقاضا را با استرس و هجوم به خرید بیشتر کنید قیمت ها بیشتر می شوند و این قضیه ته نخواهد داشت ولی حقوق شما حد دارد بنابراین خودتان را کنترل کنید و فریب دلال را نخورید.

فیلتر تلگرام کاملا با موافقت دولت است. اگر واقعا نظر دولت مخالفت با فیلترینگ تلگرام بود رئیس دولت اقدامی دیگر انجام میداد. فقط روحانی داره اینجا نقش آدم خوبه رو بازی میکنه، اینها چیزهایی نیست که مردم آن را نفهمند.

کاش به جای این همه دنبال حاشیه رفتن و وظیفه اصلی شان را انجام می دادند و ذره ای به فکر مشکلات اشتغال و مسکن و ازدواج جوان ها و رونق کارخونه ها و تولیدی ها بودند. واقعا نمی دونم هدفشان چیست و چرا به بهانه های مختلف انجام امور اصلی مملکت را به تاخیر می اندازند.

این افزایش ارز دولتی از ۳۷۰۰ به ۴۲۰۰ فقط به نفع دولت بود و گرنه جلوی افزایش نرخ ارز گرفته نشد. الان دلار در بازار آزاد با قیمتی نزدیک به ۷۰۰۰ تومان خرید و فروش میشه. پس مشخص نیست مسئولان جلوی چه چیزی رو گرفتند؟

فعلا که در سطح تقاضای عادی شهروندان افزایش قیمت آنچنانی نداشته ایم و دولت فعلا بازار را خوب مدیریت کرده. اونها که دوست دارن نان و طلا بخورند یا اینکه نانشان را بزنند در دلار ۷۰۰۰ تومانی و بخورند، اکثریت ملت نیستند و عده کمی هستند که مدام بازار را متلاطم نگه می دارند.

از اول اردیبهشت اتفاقات عجیبی افتاده است رشد قیمت سکه و طلا واقعا بالا بوده است و برعکس مسکن که قیمت آن بالا رفته بوده تنها پایین آمد، بلکه در حال درجازدن است و فروشنده مسکن بیشتر از خریدار شده است.

ما که قشر متوسط به پایین هستیم چیکار باید بکنیم با این همه گرونی؟ خونه، دلار، طلا و... هر روز به قیمتی می بینه.

تلگرام راهم که فیلتر کردین، دیگه بهانه تان برای گرانی ها چیست؟ این دولت واقعا گل کاشته است.

به نظر می رسد پول ها از مسکن به طلا تبدیل می شود و باید شاهد افت بسیار شدید قیمت مسکن باشیم.

فعلا مسئولان سرگرم تلگرام و انتخاب شهردار هستند. یکی نیست به داد اوضاع نابسامان اقتصاد مملکت برسه.



بهانه‌های ترامپ

چرا ترامپ از برج‌ام عقب‌نشینی کرد





اعلام تصمیم ترامپ مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای با ایران، آن هم ۴ روز زودتر از موعد مقرر (۱۲ می) مورد توجه بسیاری از رسانه‌های دنیا قرار گرفته است. با این حال تمرکز اصلی اکثر رسانه‌های غربی روی موضوع آثار و تبعات اقدام رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا است. اگرچه ترامپ، جان بولتون، مایک پمپئو و دیگر مشاوران ترامپ که از ابتدا نیز با توافق هسته‌ای مخالف بوده‌اند، سعی در طبیعی جلوه دادن اوضاع دارند اما تحلیل‌های موجود نشان می‌دهد که واشنگتن بابت تصمیم اخیر خود، باید هزینه‌هایی را در نظام بین الملل بپردازد. تارنمای آتلانتیک، در گزارشی کوتاه به بررسی تبعات خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای با ایران پرداخته است. متن این گزارش از نظر تان می‌گذرد:

رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا روز سه‌شنبه اعلام کرد که تحریم‌ها علیه ایران را باز خواهد گرداند و به این ترتیب، به توافق هسته‌ای با ایران که در دوران ریاست جمهوری اوباما امضا شده بود، پایان داد. وی صراحتاً اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا از معاهده هسته‌ای با ایران عقب‌نشینی کرده و از آن خارج خواهد شد. در مقابل، برخی معتقدند که اقدامات ترامپ در خصوص خروج توافق هسته‌ای و نوع اعمال تحریم‌ها از سوی وی، غیرقابل انتظار بوده است.

عده‌ای تصور داشتند ترامپ مهلت دیگری را برای اصلاح توافق هسته‌ای از سوی متحدان اروپایی خود در نظر بگیرد یا لاقلاً از اعمال سریع محدودیت‌ها بر سر فعالیت‌های نفتی ایران (خرید و فروش نفت توسط ایران) اجتناب کند. با این حال کاخ سفید در بیانیه‌ای اعلام کرده است که فرصت لازم را برای شرکت‌های خارجی جهت توقف فعالیت و کسب و کار در ایران فراهم خواهد کرد و در صورتی که شرکت‌ها به فعالیت با ایران ادامه دهند، با قوانین اعمالی از سوی آمریکا و تحریم‌های این کشور مواجه می‌شوند.

جان بولتون، مشاور امنیت ملی ایالات متحده آمریکا پس از اعلام تصمیم ترامپ در خصوص خروج از توافق هسته‌ای و در جمع خبرنگاران اعلام کرد که ما (آمریکا) صراحتاً اعلام کرده‌ایم که از این معامله خارج شده‌ایم. همچنین بولتون این ادعا را که ایالات متحده آمریکا نسبت به تعهدات خود در قبال متحدان بین‌المللی خود پایبند نبوده است، رد کرد. وی از قرار دادن دوره‌های زمانی مشخص برای پایان توافق هسته‌ای با ایران خبر داد. دوره‌هایی که بنا بر نوع کالاهای موجود از ۹۰ تا ۱۸۰ روز تعریف شده است. تصمیم رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در خصوص خروج از توافق هسته‌ای چندان دور از انتظار نبود. برخی ماه‌ها در انتظار عملی شدن چنین تصمیمی بودند. او (ترامپ) زمانی که نامزد انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا بود، از این توافق به عنوان بدترین توافق تاریخ نام برده و تعهد داده بود که آن را متوقف کند. اما اقدام اخیر ترامپ احتمالاً پیامدهای عمیق و تأثیرگذاری بر منطقه خاورمیانه خواهد داشت.

همچنین این اقدام (خروج آمریکا از برجام)، روی روابط ایالات متحده آمریکا و متحدان اروپایی آن نیز تأثیرگذار خواهد بود. توافق برجام، تحت عنوان برنامه جامع مشترک، توافقی بود که به صورت رسمی به امضای

ایران، ایالات متحده آمریکا، چین، روسیه، آلمان، فرانسه و انگلیس و به تصویب اتحادیه اروپا رسیده است. در این میان، شرایط برای انگلیس و فرانسه (دو متحد آمریکا) دشوار است. آنها در سازمان ملل متحد و شورای امنیت این سازمان با وضعیت دشواری روبه‌رو هستند. انگلیس و فرانسه، دو عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد (در کنار چین و روسیه) هستند.

همچنین این دو عضو اروپایی شورای امنیت سازمان ملل متحد دارای حق وتو هستند. اگر ایران تصمیم بگیرد مطابق آنچه در برجام پیش‌بینی شده است، ایالات متحده آمریکا را به علت نقض این پیمان به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع دهد، بدون شک از انزوای ایالات متحده آمریکا در یک مجمع بین‌المللی لذت خواهد برد. در این میان، صدور قطعنامه‌ای که اقدام ایالات متحده آمریکا در نقض توافق هسته‌ای را محکوم کند (آن هم با امضای متحدان اروپایی آمریکا) قابل بحث خواهد بود. هرچند ایالات متحده آمریکا در این خصوص می‌تواند از اختیارات خود به عنوان یک عضو دائمی (حق وتو) استفاده کند، اما انزوای واشنگتن برای ایالات متحده خجالت‌آور خواهد بود. مقامات اروپایی این توافق (برجام) را با هدف ممانعت از گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایران حفظ کرده بودند. آنها از ابتدا نیز معتقد بودند که برجام تنها مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ایران بوده و دیگر فعالیت‌های ایران در منطقه را محدود نکرده است. از جمله این فعالیت‌ها (که توسط برجام محدود نشده است) می‌توان به آزمایش موشک‌های بالستیک توسط ایران، دخالت در جنگ یمن و سوریه و معادلات سیاسی عراق، ادامه حمایت از حزب الله لبنان و... اشاره کرد.

دونالد ترامپ در سخنرانی اخیر خود از این موارد به عنوان دلایلی برای ترک برجام نام برد. مقامات اروپایی یعنی امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه، آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان و ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس در این خصوص لابی‌های زیادی با دونالد ترامپ صورت دادند تا بتوانند معامله هسته‌ای با ایران و بقای ایالات متحده آمریکا در آن را حفظ کنند. با این حال لابی‌های افرادی مانند ماکرون و حتی بوریس جانسون (که به عنوان آخرین دیپلمات اروپایی برای حفظ برجام به آمریکا سفر کرده بود) کار ساز نشد و در نهایت رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا تصمیم به خروج از توافق هسته‌ای با ایران گرفت.

اروپاییان به‌طور کلی معتقد بودند که ایران می‌تواند در قالب توافقنامه برجام، به توافقات دیگری، آن هم در یک توافق چهار ستونی (که دغدغه‌های چهارگانه مقامات اروپایی و ترامپ در خصوص مسائل موشکی، سیاست‌های منطقه‌ای، تمدید تحریم‌های هسته‌ای برای پس از سال ۲۰۲۵ و بازرسی از اماکن نظامی ایران را در نظر بگیرد) دست یابد. با این حال در نهایت مقامات اروپایی نتوانستند به این هدف (در مذاکره با ترامپ) دست پیدا کنند.

۲۲

عده‌ای تصور داشتند ترامپ مهلت دیگری را برای اصلاح توافق هسته‌ای از سوی متحدان اروپایی خود در نظر بگیرد یا لاقلاً از اعمال سریع محدودیت‌ها بر سر فعالیت‌های نفتی ایران (خرید و فروش نفت توسط ایران) اجتناب کند. با این حال کاخ سفید در بیانیه‌ای اعلام کرده است که فرصت لازم را برای شرکت‌های خارجی جهت توقف فعالیت و کسب و کار در ایران فراهم خواهد کرد

۲۲

استفاده ابزاری از برجام طرح مشترک اروپا- آمریکا چیست؟

نبی سنبلی

تحلیل‌گر ارشد مسائل بین‌الملل



۱۰ روز مانده به ۱۲ می تحولات خاورمیانه مجدداً شتاب گرفته است. از طرفی شاهد سفر ماکرون و مرکل به واشنگتن و آخرین تلاش‌ها برای حفظ آمریکا در برجام از طریق یک «معامله بزرگ» هستیم. از طرف دیگر نتانیاهو تلاش دارد تا با حمله به تاسیسات نظامی در سوریه و راه‌انداختن نمایش اسناد هسته‌ای قبل از ۱۲ می تیر خلاص را به برجام زده و چشم‌انداز هرگونه توافق با ایران را سال‌ها به تاخیر اندازد. آنچه روشن است این است که مسائل منطقه‌ای، موشکی و هسته‌ای در خاورمیانه با سیاست داخلی کشورها به خصوص آمریکا در هم تنیده و حل آنها را بسیار مشکل ساخته است. بیش از یک سال است که ترامپ شمشیر داموکلس را بالای سر برجام نگه داشته است. محمد بن سلمان با پول و نتانیاهو با زور و تبلیغات وی را تشویق می‌کنند که این شمشیر را پایین آورد. برای درک تحولات پیش رو لازم است نگاهی به گذشته بیندازیم. قبل از شروع جدی مذاکرات هسته‌ای، تحولات سوریه شروع شده بود و عربستان و اسرائیل به همراهی برخی کشورهای اروپایی و آمریکا تلاش کردند تا با تغییر نظام در سوریه، به قول خودشان دست ایران را از این منطقه کوتاه کرده و احتمالاً بساط حزب‌الله را نیز جمع کنند. در دوره مذاکرات برجام، عربستان و اسرائیل از هیچ تلاشی برای به شکست کشاندن مذاکرات دریغ نکردند چرا که اساساً و به درستی هرگونه مذاکره و گفت‌وگو با ایران را از لحاظ استراتژیک به زیان خود ارزیابی می‌کردند.

پس از تحولات موسوم به بهار عربی (که البته به خزان تبدیل شد)، عربستان، امارات و اسرائیل تلاش زیادی به عمل آوردند تا پای آمریکا را به سوریه باز کرده و به هزینه آمریکا منافع خود را علیه ایران تأمین نمایند. اوپاما صریحاً اعلام داشت که «دوست و دشمن» تلاش کردند آمریکا را وارد درگیری سوریه نمایند و از این کار طرفه رفت. کشورهای فوق به دولت بعد دل بستند و از قضا ترامپ پیروز انتخابات شد که برجام را «بدترین توافق» نامیده بود. اما این نکته را نادیده گرفتند که ترامپ بیش از اوپاما منتقد ائتلاف هفت

تریلیون دلار در عراق بدون هیچ دستاوردی بوده و برخلاف اوپاما اولویت بیشتری برای مقابله با تروریسم و داعش قائل بود. او از نظر هوش اقتصادی و حساب هزینه-فایده نیز دست کمی از اوپاما ندارد. بنابراین آنچه عربستان و اسرائیل و حتی خود آمریکا و برخی کشورهای اروپایی نمی‌خواستند، برنامه هسته‌ای ایران در نتیجه برجام و قطعنامه شورای امنیت مشروطیت یافت و ایران فرصت و توانمندی بیشتری برای تمرکز بر سوریه و داعش پیدا کرد. نتیجه این شد که هم تحریم‌های ایران کاهش یافت و هم نفوذ و جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی با از بین رفتن داعش تقویت شد اما این تحولات ریشه در تحول مهم‌تری دارد. به دلیل استقلال انرژی آمریکا، کاهش اهمیت استراتژیک عربستان و اسرائیل و تجربه عراق، آمریکا از زمان اوپاما سیاست خاورمیانه‌ای خود را تغییر داده و حرف‌های ترامپ علیه برجام هرچند به مذاق بن سلمان و نتانیاهو و بن‌زاید خوش آمد اما سیاست آمریکا به‌طور اصولی درگیری مستقیم و پرداخت هزینه سنگین در خاورمیانه نیست. خاورمیانه دیگر برای آمریکا ارزش آن را ندارد که مجدداً میلیاردها دلار برای آن هزینه کند. بنابراین «Leading from Behind» در دوره ترامپ نیز ادامه دارد. ترامپ حمایت نظامی و سیاسی خود از کشورهای عربی و اسرائیل علیه ایران را افزایش داده اما حضور و درگیری مستقیم آمریکا در منطقه تغییر زیادی نداشته است. کشورهای عربی در زمان اوپاما وعده مشارکت نظامی در سوریه را می‌دادند. ترامپ در ابتدا امیدوار بود که این کشورها را بسیج کرده و به جان ایران بیندازد و از آنها حمایت سیاسی، نظامی و تبلیغاتی به عمل آورد. اما وی طی یک سال گذشته ناتوانی کشورهای عربی در یمن و اختلافات میان خودشان را شاهد بوده و به همین خاطر است که اکنون به صورت تحقیرآمیزی می‌گوید: «اگر ما نباشیم - کمی هم فرانسه - آنها یک هفته دوام نمی‌آورند». ترامپ می‌گوید از سوریه خارج می‌شود و از آنها می‌خواهد که خودشان سرمایه و نیروی نظامی برای دفاع از خودشان اختصاص دهند. این یعنی ادامه سیاست اوپاما در خاورمیانه. هدف اصلی طرح بحث خروج از سوریه فشار بیشتر بر کشورهای منطقه در تأمین هزینه نظامی آمریکا از هر دو بعد مالی و انسانی است. ترامپ در کتاب هنر معامله می‌گوید اگر حاضر به خروج از یک توافق نباشید، نمی‌توانید امتیاز

بگیرید. ترامپ به توانمندی کشورهای عربی برای مقابله با ایران و به عقب‌راندن جمهوری اسلامی در خاورمیانه چندان امیدوار نیست و اسرائیل نیز به تهایی نمی‌تواند جمهوری اسلامی را عقب براند. اروپا نیز به نظر نمی‌رسد مایل به همراهی با رویکرد عربی-اسرائیلی باشد، چرا که به افزایش ناامنی در محیط امنیتی اروپا دامن می‌زند، ضمن اینکه ایران را بیش از پیش به سمت روسیه و چین سوق می‌دهد که این امر تأمین‌کننده منافع استراتژیک و اقتصادی اروپا و آمریکا نخواهد بود.

ترامپ برجام را نقطه آسیب‌پذیر ایران می‌داند و معتقد است که با فشار آوردن بر برجام می‌توان ایران را مجبور به دادن امتیاز در حوزه مسائل منطقه‌ای و موشکی کرد. حرف اصلی ترامپ طی دو سال گذشته این بوده که اوپاما «امتیازات زیادی به ایران داده و امتیاز کمی گرفته است». طرح جامع ماکرون و پیوند دادن برجام به مسائل منطقه‌ای و موشکی نیز همین معنی را به ذهن می‌رساند، بنابراین نوعی تفاهم میان آمریکا و اروپا برای استفاده ابزاری از برجام جهت اعمال فشار و گرفتن امتیاز در سایر حوزه‌ها دور از ذهن نیست. مشکل اصلی آمریکا این است که در وجود برجام، ابزاری برای اعمال فشار بر ایران برای گرفتن امتیاز در سایر حوزه‌ها ندارد و این توافق نیز به نوعی نوشته شده که در صورت اجرای ۱۰ سال آینده نیز ابزار اعمال فشار اقتصادی بر ایران در حوزه‌های اصلی بانکی، بیمه و فروش نفت نخواهد داشت. از طرف دیگر، در صورت فروپاشی برجام نیز گرچه آمریکا ابزار اعمال فشار اقتصادی و سیاسی مجدداً به دست می‌آورد اما اولاً اقدام نظامی همچنان پرهزینه خواهد بود که به نظر نمی‌رسد ترامپ مایل به پذیرش چنین ریسکی باشد، ثانیاً ایران نیز در صورت خروج و محدودیتی در برنامه هسته‌ای خود حس نخواهد کرد و شفافیت برنامه هسته‌ای ایران کاهش خواهد یافت؛ چیزی که آمریکا برای دستیابی به آن تلاش زیادی کرده است.

همه اینها در شرایطی رخ می‌دهد که برای هر رئیس‌جمهوری در آمریکا مهم‌ترین هدف در دور اول، انتخاب مجدد است. ترامپ با یک معضل مواجه است؛ متحدین منطقه‌ای آن یعنی عربستان و اسرائیل از وی می‌خواهند تا شمشیر داموکلس را بر گردن برجام‌ها کرده و به مقابله مستقیم با ایران بپردازد و متحدین اروپایی (فرانسه، انگلیس و آلمان) از وی می‌خواهند که این شمشیر را پایین نیاورده و درصد حل اختلافات از طریق مذاکره باشد. پایین آوردن شمشیر و دنباله‌روی از اسرائیل و عربستان به معنی شروع دوره‌ای از بحران است که می‌تواند به شکست انتخاباتی وی کمک کند و اگر چنین نیز نشود، وی از خود یک بحران به عنوان میراث برجای می‌گذارد. بحرانی که در بدترین شرایط، هزینه آن می‌تواند بیش از جنگ عراق (هفت تریلیون دلار) باشد. ضمن اینکه می‌تواند به افزایش بی‌ثباتی در محیط امنیتی و شاید هم گسترش بیشتر تکنولوژی هسته‌ای در خاورمیانه انجامیده که تأمین‌کننده منافع آمریکا و اروپا نیست.

بنابراین یک سناریوی احتمالی منطقی این است که ترامپ شمشیر داموکلس «خروج از برجام» را نگه داشته اما راه‌ها برای مذاکره در خصوص موضوعات مختلف و از جمله «توافق کلان» بازگردد. احتمال تفاهم اروپا و آمریکا در این خصوص وجود دارد. اما از یک طرف، آمادگی ایران برای ورود به گفت‌وگو در حوزه‌های دیگر در شرایط عدم پایبندی آمریکا به برجام، محل تردید است. از طرف دیگر کشورهای عربی و اسرائیل خود را بازنده هرگونه گفت‌وگو و توافق جدید با ایران احساس خواهند کرد و همچنان که نمایش اخیر نتانیاهو نشان داد، عربستان، اسرائیل و امارات که امکان حداکثر تلاش خود را برای تخریب هرگونه گفت‌وگو احتمالی به کار خواهند بست. مناسب بودن شرایط داخلی ایران برای ورود به گفت‌وگو و گوی جدید نیز محل تردید است.

در دور اول، انتخاب مجدد است. ترامپ با یک معضل مواجه است؛ متحدین منطقه‌ای آن یعنی عربستان و اسرائیل از وی می‌خواهند تا شمشیر داموکلس را بر گردن برجام‌ها کرده و به مقابله مستقیم با ایران بپردازد





خروج

روایت نشریه تایم از تصمیم برجای ترامپ

برای استمرار محدودیت‌های هسته‌ای علیه ایران (برای بعد از سال ۲۰۲۵ میلادی) برنامه‌ای ندارد. با همه این اوصاف، بهتر بود ایالات متحده در توافق هسته‌ای با ایران باقی می‌ماند. اقدام اخیر دولت ترامپ در خروج از توافق هسته‌ای با ایران منجر به تضعیف موقعیت جهانی آمریکا و در مقابل، تقویت موقعیت بین‌المللی رقبای آن یعنی چین و روسیه خواهد شد. این دو کشور سال‌ها در صدد متقاعد کردن نظام بین‌الملل هستند که آنها جانشینان بهتر و پایدارتری نسبت به ایالات متحده هستند.

در این میان، مساله دیگری نیز وجود دارد که لازم است مدنظر قرار گیرد. اینکه اگر ایران نیز مانند ایالات متحده آمریکا از برجام خارج شود، در آن صورت فعالیت‌های هسته‌ای خود را از سر گرفته و بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را اخراج خواهد کرد. متعاقباً، ایران غنی‌سازی اورانیوم را نیز آغاز خواهد کرد. این در حالی است که اگر شما قصد دارید بازرسی از داخل ایران را ادامه دهید، لازم است در توافق هسته‌ای با ایران باقی بمانید. موضوع دیگری که در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد، به روابط ایالات متحده آمریکا و تروئیکای اروپایی بازمی‌گردد. تصمیم اخیر صورت گرفته (خروج آمریکا از برجام) منجر به گسست عمیق‌تر میان ایالات متحده آمریکا و شرکای اروپایی آن خواهد شد. بیانیه منتشر شده از سوی سه کشور اروپایی یعنی آلمان، انگلیس و فرانسه در خصوص باقی ماندن این کشورها در توافق هسته‌ای، در همین راستا قابل تحلیل و ارزیابی است.

این کشورها در واکنش به تصمیم اتخاذ شده از سوی رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا ابراز تاسف و نگرانی کردند. همچنین این کشورها بر انجام تعهدات خود وفق توافق هسته‌ای با ایران تاکید کردند. تروئیکای اروپایی این توافق (برجام) را برای حفظ امنیت خود مهم دانسته‌اند. این در حالی است که اختلاف نظرهای دیگری نیز در ایالات متحده آمریکا بر سر مسائلی مانند وضع تعرفه‌های گمرکی بر فولاد و آلومینیوم وجود دارد. امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه سعی دارد به هر نحو ممکن توافق هسته‌ای با ایران را حفظ کند. او در واکنش به اظهارات ترامپ اعلام کرده که قصد دارد بر روی موضوعاتی مانند توان موشکی ایران، اعمال محدودیت‌های منطقه‌ای و موضوع سیاست‌های منطقه‌ای ایران (در چارچوب یک توافق وسیع‌تر) کار کند. با این حال بعید است که رئیس‌جمهور فرانسه در آینده نیز بتواند دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا را (در خصوص بازگشت به توافق هسته‌ای) قانع کند. اما به نظر می‌رسد اینها تنها آثار و تبعات تصمیم ترامپ در خصوص خروج از توافق هسته‌ای با ایران محسوب نمی‌شود. خروج ایالات متحده آمریکا و دولت این کشور از توافق هسته‌ای با ایران، روی مصرف‌کنندگان آمریکایی و زندگی اقتصادی آنها نیز تاثیرگذار خواهد بود. این اقدام ترامپ به مصرف‌کنندگان آمریکایی نیز آسیب وارد خواهد کرد. هم‌اکنون قیمت نفت به بالاترین میزان خود طی سه سال اخیر رسیده است. بدون شک خروج ایالات متحده آمریکا از برجام و وضع دوباره تحریم‌های این کشور علیه ایران، روی قیمت نفت تاثیر بیشتری خواهد گذاشت. در این صورت، تولید نفت ایران و عرضه آن در بازارهای جهانی با بحران مواجه خواهد شد. بدیهی است که در این صورت، قیمت نفت در بازارهای جهانی افزایش خواهد یافت و متعاقباً، قیمت بنزین در آمریکا سیر صعودی خواهد داشت. این موضوع می‌تواند روی زندگی شخصی شهروندان آمریکایی و البته در جریان رقابت‌های انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره امسال نیز روی آرای آنها تاثیرگذار باشد.

داخل این کشور را نیز تحت تاثیر خود قرار خواهد داد. متن این یادداشت از نظران می‌گذرد:

سرانجام دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا وعده خود مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای با ایران را عملی کرد. دونالد ترامپ در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا (در سال ۲۰۱۶ میلادی) اعلام کرده بود که از توافق هسته‌ای با ایران عقب‌نشینی خواهد کرد. وی بارها اعلام کرده بود که پابندی به یک توافق بد، بدتر از نداشتن یک توافق است. با این حال کشورهای چین، روسیه، فرانسه، آلمان و انگلیس (دیگر اعضای ۵+۱) اعلام کرده‌اند که خواستار حفظ این توافقنامه هستند. ایده‌ای که به نظر می‌رسد ایران نیز از آن استقبال کرده است. نباید فراموش کرد که ماهم اکنون در جهانی زندگی می‌کنیم که آمریکا در آن یک بازیگر مشارکت‌کننده (و نه نقش‌آفرین) است. به عبارت بهتر، این معامله (برجام) می‌تواند با حفظ دیگر کشورها در آن و بدون ایالات متحده آمریکا نیز زنده بماند و حفظ شود. دلایل زیادی وجود داشت که ایالات متحده آمریکا می‌توانست با استناد به آنها در توافق هسته‌ای با ایران باقی بماند. البته ایالات متحده آمریکا معتقد بود که این توافقنامه برنامه موشکی ایران را پوشش نمی‌دهد و یا

سعید سبحانی

مترجم

خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های دنیا داشته است. بسیاری از تحلیلگران مسائل بین‌المللی بر این باورند که رفتار اخیر ترامپ، مولد بحران‌های زیادی برای ایالات متحده آمریکا و کاخ سفید خواهد بود. برخی دیگر نیز به انزوای بین‌المللی و اشنگتن اشاره کرده و عدم همراهی تروئیکای اروپایی، چین و روسیه با کاخ سفید را مترادف با تنه‌اماندن آمریکا در میان متحدان خود دانسته‌اند. در حال حاضر، بسیاری از رسانه‌های غربی در صدد ارزیابی تبعات رفتار ترامپ بر نظام بین‌الملل و جامعه جهانی برآمده‌اند. نشریه تایم، در یادداشتی ضمن اشاره به موضوع خروج آمریکا از برجام، به صورت مختصر تبعات این اقدام را در ابعاد داخلی و بین‌المللی مورد بررسی قرار داده است. این نشریه معتقد است که خروج و اشنگتن از توافق هسته‌ای با ایران، صرفاً آثار و تبعاتی بین‌المللی ندارد و



اروپا از چه چیزی نگران است؟

گزارش ایندپندنت از مخالفت اروپا با اقدام ترامپ

مسعود عظیم زاده

مترجم

طی یک سال اخیر مقامات اروپایی رایزنی‌های زیادی با ایالات متحده آمریکا و دولت ترامپ بر سر توافق هسته‌ای با ایران صورت داده‌اند. در اکثر این رایزنی‌ها، تروئیکای اروپایی با ایده تغییر توافق هسته‌ای از سوی واشنگتن در حوزه‌های چهارگانه موافقت کرده‌اند. موضوعی که با مخالفت و هشدار جمهوری اسلامی ایران مواجه شد. هم‌اکنون جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده است که استمرار برجام را در حضور تروئیکای اروپایی، چین و روسیه مورد بررسی قرار خواهد داد و در صورتی که منافع ملت ایران در این خصوص تامین نشود، در برجام خواهد ماند. با این حال به نظر می‌رسد کشورهای اروپایی علاوه بر اینکه خود نیز در ایجاد شرایط فعلی سهم داشته‌اند، نسبت به تاثیر اعمال تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا روی فعالیت‌های اقتصادی بعدی خود در ایران نگرانی‌هایی دارند. بر این اساس، نه تنها ایالات متحده آمریکا تحریم‌های ثانویه علیه ایران را وضع می‌کند، بلکه این تحریم‌ها را علیه کشورهای دیگر نیز اعمال می‌کند. به عبارت بهتر، این تحریم‌ها صرفاً محصور به روابط دوجانبه ایران و آمریکا نمی‌شود و واشنگتن دیگر کشورهایی که با ایران مرادوات تجاری صورت می‌دهند را مشمول تحریم و جرمیه و محدودیت‌هایی از این قبیل می‌نماید. همین مساله نگرانی‌هایی را بین شرکت‌های اروپایی برانگیخته است. نشریه ایندپندنت در گزارش خود در خصوص بیانیه کشورهای اروپایی (سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه) در مخالفت با تصمیم برجامی ترامپ، اشاره‌ای به این نگرانی‌ها کرده است:

پس از اینکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا تصمیم به خروج از توافق هسته‌ای با ایران گرفت، سه کشور اروپایی یعنی انگلیس، آلمان و فرانسه بیانیه‌ای را در این خصوص و در مقابله با تصمیم ترامپ صادر کردند. ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس، آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان و امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه در این بیانیه از تصمیم ترامپ در خصوص خروج از توافق هسته‌ای با ایران ابراز تاسف و نگرانی کردند. آنها این توافق را برای امنیت خود مهم قلمداد کرده و در عین حال تاکید کردند که در توافق هسته‌ای با ایران باقی خواهند ماند.

در بخشی از این بیانیه آمده است:

«ما یادآوری می‌کنیم که برجام به اتفاق آراء در شورای امنیت سازمان ملل متحد و با استناد به قطعنامه ۲۲۳۱ تأیید شد. این قطعنامه، قانونی برای حل اختلاف در مورد برنامه اتمی ایران است. ما از همه طرف‌ها خواسته‌ایم تا به اجرای کامل برجام پایبند باشند و در این خصوص مسئولانه عمل کنند.» امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه نیز در اظهار نظری جداگانه در خصوص تصمیم ترامپ مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای با ایران اعلام کرد که رژیم منع گسترش سلاح‌های جمعی هم‌اکنون در معرض خطر قرار گرفته است. ماکرون در دیدار اخیر خود تلاش کرد تا نظر ترامپ در خصوص توافق هسته‌ای با ایران را تغییر دهد اما در نهایت موفق به این اقدام نشد. وی (در پایان سفر به آمریکا) تاکید کرد که تصمیم ترامپ در تقابل با توافق هسته‌ای و اقدام آن برای خروج از برجام نوعی تصمیم انتخاباتی بوده و بعید است رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا دیدگاه خود را در این خصوص تغییر دهد. ماکرون در جمع خبرنگاران اعلام کرده بود که ترامپ تمایلی برای حفظ و دفاع از این معامله ندارد و قصد دارد بنا بر دلایل داخلی از این توافقنامه خارج شود. فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا (و مسئول کمیته مشترک بررسی برجام) معتقد است

که این معامله (برجام) موفقیت‌آمیز بوده و از دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای جلوگیری می‌کند و پیش‌بینی می‌کند که بقیه جامعه جهانی (غیر از آمریکا) با این پیمان کنار بیایند. موگرینی در این خصوص معتقد است:

«اتحادیه اروپا مصمم است که با توجه به منافع امنیتی خود و حفظ سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، در این خصوص عمل کند. توافق هسته‌ای با ایران نقطه اوج ۱۲ سال دیپلماسی است. این متعلق به کل نظام بین‌الملل و جامعه جهانی است.»

وی از ایران خواسته است تا اجازه از بین بردن این توافق را ندهد اما به نظر می‌رسد در این خصوص نگرانی‌هایی از سوی کشورهای اروپایی وجود دارد. رهبران اروپایی نگران هستند که (در صورت حفظ برجام از سوی اروپا و بدون ایالات متحده آمریکا) واشنگتن از نفوذ خود در سیستم مالی بین‌المللی استفاده کند تا از کسب و کار کشورهای دیگر که مجبور به اعمال تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران نیستند، جلوگیری کند. سفیر جدید ایالات متحده آمریکا در آلمان نیز این موضوع را به صورت تلویحی تایید کرده است. این موضوع نشان می‌دهد که شرکت‌های آلمانی باید بلافاصله فعالیت‌های خود در ایران را متوقف کنند. ریچارد گرتل در این خصوص می‌گوید:

«تحریم‌های ایالات متحده آمریکا بخش‌های بحرانی (حساس) اقتصاد ایران را هدف قرار خواهد داد. شرکت‌های آلمانی که در ایران فعالیت می‌کنند باید فوراً این اقدامات و فعالیت‌ها را متوقف کنند.»

در همین حال، یکی از رقبای منطقه‌ای ایران یعنی رژیم اشغالگر قدس تصمیم ترامپ مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای را جشن گرفته است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل لحتظاتی پس از آنکه ترامپ نطق خود را در خصوص برجام به پایان رساند و خروج رسمی ایالات متحده از این توافق را اعلام کرد، اظهار کرد:

«معاهده کنونی با ایران (برجام) یک دستور العمل فاجعه‌بار است، یک فاجعه برای منطقه ما، یک فاجعه برای صلح جهانی. اسرائیل از آغاز مذاکرات هسته‌ای با این روند مخالف بوده است. حذف تحریم‌ها در معاهده فعلی، نتایج فاجعه‌آمیزی را پیش‌بینی کرده است. این معامله جنگ را به عقب نراند، در واقع آن را نزدیک‌تر کرد. این معامله تجاوز ایران را کاهش نمی‌دهد، بلکه آن را به‌طور چشمگیری افزایش داد.»

تجربه دموکراسی

اولین انتخابات عراق در فضای پساداعش برگزار می شود

فاطمه صالحی

مترجم

۲۲ اردیبهشت سوت آغاز رقابت های انتخابات پارلمانی عراق در سراسر این کشور با حضور ائتلاف ها، فهرست ها و احزاب مختلف برای کسب ۳۲۸ کرسی این پارلمان زده خواهد شد. تعداد کاندیداها در این انتخابات ۷۳۶۷ نفر است که ۲۰۱۴ نفر از آنها از میان بانوان هستند و می توانند بر اساس قانون عراق یک چهارم کرسی های پارلمان را به دست بگیرند.

تعداد احزاب نیز به ۱۴۳ حزب سیاسی می رسد که در قالب ۲۷ ائتلاف انتخاباتی در این میدان به رقابت با یکدیگر خواهند پرداخت. در جریان این انتخابات ۳۲۸ نماینده پارلمان در ۱۸ استان این کشور انتخاب خواهند شد و از مجموع ۳۸ میلیون و ۸۵۴ هزار شهروند عراقی، ۲۴ میلیون و ۲۰۰ هزار تن از آنها اجازه حضور در این انتخابات را خواهند داشت. از مهم ترین ائتلاف های شرکت کننده در انتخابات پارلمانی می توان به «ائتلاف نصر و اصلاح» به ریاست حیدر العبادی، نخست وزیر کنونی، «ائتلاف الوطیة» به ریاست ایاد علاوی، «ائتلاف فتح» به ریاست هادی العامری، «ائتلاف القرار العراقي» به ریاست اسامه نجیفی و «ائتلاف دولت قانون» به ریاست نوری المالکی، معاون رئیس جمهوری اشاره کرد.

باید توجه داشت که تجربه دموکراسی در عراق یک تجربه نوپاست که با وجود اختلافات بر سر چگونگی تحقق آن، گزینه آتی عراقی هایی محسوب می شود که خواهان ایجاد شفافیت بیشتر در نحوه اداره کشور و عملکرد فعال تر برای اتخاذ تصمیمات مهم کشوری هستند. تجربه های انتخاباتی گذشته در عراق از سال ۲۰۰۵ تا کنون شاهد تولد تعدادی از ائتلاف های سیاسی و توافقات برای تشکیل دولت بوده است. در این دوره

از انتخابات به نظر می رسد برای نخستین بار شعارها و سخنرانی هایی که رنگ و بوی طایفه گری می دهد، به شدت کاهش یافته است؛ چرا که عراق چهار دوره انتخاباتی را از سر گذرانده و در تمام این دوره ها، وعده و وعید های گروه های طایفه گرای سیاسی بیش از هر چیز دیگر رخ می نمود. اما شاید در این دوره عراق که یک مرحله بسیار مهم را تحت عنوان مبارزه با داعش با موفقیت پشت سر گذاشته بیش از هر زمان دیگر خود را نیازمند اتحاد می بیند، زیرا این دستاورد بسیار مهم با خون تمام فرزندان این کشور محقق شد. در دوره مبارزه با داعش عراق شاهد برخاستن ساکنان مناطق مختلف این کشور برای آزاد کردن استان ها از لوٹ اشغالگری و حشیانه داعش بود. علاوه بر آن امروزه رای دهندگان عراقی نسبت به قبل بسیار آگاه تر و هوشیارتر هستند و دریافته اند که بسیاری از نامزد هایی که شعار های طایفه گرایی سر داده اند هیچ دستاوردی برای آنها محقق نکرده اند و تنها دستاورد این افراد ایجاد و گسترش ترس و وحشت در میان فرزندان یک سرزمین واحد بوده است.

گروه های سیاسی در جریان تجربه های انتخاباتی گذشته تلاش می کردند تا رای دهندگان عراقی را متوجه تنها یک گزینه مدنظر آنها کنند و این مسأله باعث می شد تا گروه های سیاسی جدید متولد نشوند اما در این دوره از انتخابات که همزمان شد با تصویب قانون مربوط به احزاب، عراق شاهد به وجود آمدن گروه های سیاسی جدید است که برای تشکیل ائتلاف های انتخاباتی تلاش می کنند تا گزینه های بیشتری را پیش روی رای دهندگان عراقی گذاشته و تنها به یک گزینه اکتفا نکنند. بنابراین افزایش گزینه های رای دهندگان باعث می شود تا افق مشارکت سیاسی در این کشور که از نشانه های بهبود زخم های برجای مانده از جنگ و شعار های طایفه گرایی محسوب می شود، گسترده تر شود. این بدان معنی است که رقابت میان گروه های سیاسی نیز شدت می گیرد و دیگر خبری از ائتلاف های گذشته نیست چرا که عراق در برابر مرحله جدیدی است که پیروزی بر داعش و حضور فعال تر

رای دهندگان عراقی از عوامل تعیین نقشه راه آن محسوب می شود. افزایش تعداد نامزدهای انتخاباتی به بیش از ۷ هزار تن، نشان دهنده آن است که یک رقابت جدی برای رسیدن به پارلمان وجود دارد. به طور مثال تعداد نامزدهای استان نینوا نسبت به سال ۲۰۱۴ دو و نیم برابر افزایش داشته و در این انتخابات دست کم ۹۰۷ شخصیت نامزدی خود را اعلام کرده اند. مشخص است که عرصه سیاسی عراق شاهد به وجود آمدن شخصیت های سیاسی جدید از جمله اساتید دانشگاهی و افراد فرهیخته خواهد بود که می توانند در ساختار سیاسی سنتی کشور تغییری ایجاد کنند. همچنین گروهی مانند نیروهای حشد الشعبی به عنوان یک گروه سیاسی جدید و تاثیر گذار در عرصه سیاست به وجود آمده که تلاش دارد تا پیروزی نظامی خود را با پیروزی سیاسی در انتخابات پارلمانی و به دست گرفتن تعدادی از کرسی ها تکمیل کند. تا امروز میزان توزیع برگه های انتخاباتی نشان می دهد که میزان مشارکت مردمی در این انتخابات به احتمال زیاد تا ۸۰ درصد نیز خواهد رسید. ناگفته نماند که در این دوره از انتخابات پارلمانی مطالبات مردم عراق بیشتر حول محور مبارزه با فساد در میان سیاسیون و افراد دارای منصب می چرخد؛

مطالباتی که آیت الله العظمی سید علی سیستانی، مرجع عالی قدر شیعیان عراق نیز چند روز قبل با صدور بیانیه ای به آن اشاره و اعلام کرد که «ناکامی هایی که با تجارب قبلی همراه بوده است اعم از بهره برداری از قدرت از سوی بسیاری از انتخاب شدگان یا کسانی که پست های عالی در دولت گرفتند و در اشاعه فساد و از دست دادن بیت المال به شکل بی سابقه نقش داشتند، برای خودشان حقوق و مزایای زیادی قائل شدند و در انجام وظیفه در خدمت به ملت و ایجاد زندگی کریمانه برای مردم ناکام ماندند، به علت عدم رعایت بسیاری از شروط لازم در آن انتخابات بود.»

مرجعیت عراق بیش از هر چیزی ابتدا بر ضرورت مشارکت حداکثری مردم در انتخابات برای انتخاب فرد اصلح تاکید دارد و بعد از آن انتخاب آگاهانه برای ممانعت از حضور فاسدان در رأس امور اداری و سیاسی کشور. در هر صورت نتایج این دوره از انتخابات عراق بسیار تاثیر گذار و مهم خواهد بود چرا که این کشور به تازگی از یک جنگ نفسگیر علیه داعش پیروز مندانه بیرون آمده و بعد از پاک کردن خاکش از لوٹ اشغالگران و تروریست ها این بار باید در عرصه سیاست با انتخاب افراد شایسته به سمت ساختن عراق دموکرات حرکت کند.

منبع: شبکه النبا





تقویت مقاومت

حزب الله و متحدانش پیروز شدند

داود احمدزاده

کارشناس مسائل خاورمیانه



برگزاری انتخابات پارلمانی لبنان بعد از ۹ سال در یک شرایط خاص زمانی، نگاه‌ها را به سمت عروس خاورمیانه معطوف کرده است و پیروزی چشمگیر حزب الله و احزاب وابسته به آن در این انتخابات، پیام مهمی برای کشورهای منطقه ارسال کرد. در این میان حضور نظامی حزب الله در جبهه سوریه با هدف نابودی گروه‌های تکفیری و داعشی عنصری بس سازنده و کارآمد در این رابطه به شمار می‌رود. زیرا محور عبری-عربی و حتی آمریکا با تصور برهم زدن توازن قوا به ضرر جبهه مقاومت در پی سرتکونی بشار اسد و تحکیم جریان‌های غربگرا در منطقه برآمده بودند. همچنین قبل از برگزاری انتخابات نیز آشکارا حمله سنگینی علیه حزب الله در سطح رسانه‌های منطقه‌ای نزدیک به عربستان و اسرائیل و حتی برخی کشورهای اروپایی راه انداخته بودند.

زیرا حضور حزب الله هم در درون لبنان و هم در منطقه به منزله تقویت محور مقاومت به رهبری ایران محسوب می‌شود. بنابراین اولین پیامد پیروزی جریان ۱۴ مارس در انتخابات اخیر، تقویت هرچه بیشتر جریان مقاومت و به تبع آن بی‌اثر شدن حمله‌ها و حملات سنگین نظامی و رسانه‌ای علیه این نیروها خواهد بود.

دوم اینکه در داخل لبنان نیز برخلاف تصور جریان‌های غربگرا وابسته به سعد حریری در قالب ۱۴ مارس و جریان المستقبل، پیروزی جریان حزب الله به نوعی در ایجاد ثبات و پایداری لبنان و مقاومت در قبال توطئه‌های اسرائیل اثربخش خواهد بود. از دیگر سو باید اضافه کرد که جریان غربگرا به رهبری حریری نمی‌تواند خارج از قواعد بازی در داخل لبنان نسبت به تشکیل دولت جدید بدون حضور قوی و سازنده نیروهای ائتلاف به رهبری حزب الله اقدام اساسی انجام دهد.

باید توجه داشت از جمله دولت‌هایی که از پیروزی

حزب الله و جریان‌های وابسته به آن در انتخابات پارلمانی اخیر به شدت ناراحت شدند، دولت‌های ریاض و تل‌آویو بودند. در واقع این پیروزی تلخ‌ترین خبر برای تل‌آویو و برخی از کشورهای عرب همفکر با این رژیم قلمداد می‌شود.

با این تفاسیر باید منتظر گسترش حملات سیاسی یا برخی اقدامات شتابزده نظامی از جانب رژیم اسرائیل با مشارکت عربستان علیه حزب الله و محور مقاومت به دلیل این پیروزی‌های اخیر پارلمانی باشیم. چرا که هم عربستان و هم اسرائیل به دنبال خلع سلاح حزب الله و تضعیف داخلی و منطقه‌ای آن هستند. در عین حال اولین واکنش مقامات اسرائیلی نسبت به این پیروزی این بود که هرگونه تهدید یا موشک‌پرانی از سوی لبنان که از جانب حزب الله یا نیروهای امل باشد به منزله حمله نظامی از طرف دولت لبنان تلقی خواهد شد و رژیم صهیونیستی این حق را برای خود با هدف حمله همه‌جانبه علیه لبنان و نیز تحریم‌های متعدد در حوزه سیاسی و اقتصادی قائل خواهد بود.

همزمان تجربه تلخ و تکرار دخالت‌های قبلی عربستان در وادار کردن سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان به استعفا و ایجاد تزلزل در ارکان سیاسی این کشور نشان می‌دهد که ممکن است ریاض بار دیگر برای تحت فشار قرار دادن لبنان و به ویژه طرفداران حزب الله ضمن قطع برخی همکاری‌ها در حوزه تجاری و سیاسی از مهره‌های نزدیک به خود برای ایجاد بی‌ثباتی و دوره آشوب سیاسی بار دیگر استفاده کند.

به نظر می‌رسد که براساس برخی تحلیل‌ها و اخبار منتشره حزب الله همچنان خواهان آن باشد که سعد حریری سمت نخست‌وزیری را برعهده داشته باشد. براساس نظام سیاسی لبنان پست نخست‌وزیری از آن سنی‌ها خواهد بود و ظاهراً حزب الله مایل به باقی ماندن حریری در این سمت است. این نشانگر آن است که حزب الله به دنبال ایجاد ثبات و کاهش تنش‌ها و حفظ ارتباطات با جریان‌های مختلف حتی مخالفان داخلی خود است.

در رابطه با کاهش کرسی‌های جریان ۱۴ مارس باید به این نکته توجه داشت که دخالت‌های مکرر عربستان از یک سو و نمایش تبلیغاتی سعد حریری در استعفای خود ساخته، در داخل لبنان تبعات بسیار بدی را حتی برای طرفداران جریان حزب المستقبل و ۱۴ مارس به همراه داشت.

همچنین این کاهش کرسی به توانمندی‌ها و اثرگذاری‌های حزب الله در سطح داخل و منطقه نیز مربوط می‌شود و بسیاری از مردم همچنان از سلاح مقاومت در برابر رژیم اسرائیل دفاع می‌کنند و حاضر نیستند حزب الله خلع سلاح شود.

هم رئیس‌جمهور و هم رئیس پارلمان لبنان خواهان باقی ماندن سلاح در دست حزب الله هستند و حاضر نیستند تسلیم شانتاژهای خبری مبنی بر خلع سلاح حزب الله شوند.

این در حالی است که یکی از اهداف اصلی که ریاض و تل‌آویو اخیراً دنبال کرده‌اند خلع سلاح حزب الله بوده و حتی از طریق رایزنی‌های متعدد و لابی‌گری بحث خلع سلاح حزب الله را در سطح سازمان ملل مطرح و تبدیل به قطعنامه کردند؛ ولی این انتخابات نشان‌دهنده خط بطلانی بر این قطعنامه و مشروعیت و کارآمدی سلاح مقاومت در داخل و خارج لبنان است.

از دیگر سو ما شاهد بودیم که بعد از نمایش استعفای سعد حریری، سفر مجددی که او به ریاض داشت و مذاکرات محرمانه‌ای که با حاکمان سعودی انجام داد، وی تلاش داشت که با قدرت رسانه‌ای و حتی دادن پول در سطح کلان به برخی از احزاب مستقل در داخل لبنان به نوعی مطالبات عربستان سعودی را در تضعیف موقعیت حزب الله لبنان و نیز ایران در منطقه عملی کند.

در صورتی که مشاهده کردیم پیش‌تر و در اوج فضاقت استعفای سعد حریری، سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب الله همچنان بر وحدت رویه در لبنان و بازگشت به مکانیزم مذاکره میان احزاب لبنانی تأکید ورزید. از سوی دیگر بعد از حضور پرتوان نیروهای حزب الله در سوریه و سرکوب نیروهای تکفیری و وابسته به عربستان و غرب شاهد افزایش هرچه بیشتر توان نظامی حزب الله و تأثیرگذاری آن بر معادلات منطقه‌ای هستیم، بنابراین در چنین شرایطی عمده‌ترین دغدغه محور عربی-عبری در منطقه برهم زدن توازن قوا در لبنان و ایجاد اختلافات قومی و مذهبی بوده است. در نتیجه رسانه‌های همسو با عربستان و رژیم صهیونیستی با شانتاژهای مختلف خبری در تلاش بوده و هستند که حزب الله را به عنوان یک نیروی متخل امنیت داخلی و آشوبگر در منطقه معرفی کنند تا از وجهه سیاسی آن نزد مردم لبنان کاسته شود. هدف اصلی در این راستا همچنان پیگیری سیاست خصمانه علیه ایران در شکل دهی به هندسه قدرت جدید با استفاده از نیروهای همسو با عربستان و غرب در منطقه است چرا که حزب الله به عنوان بازوی نظامی ایران عامل مهمی در جلوگیری از تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان و نیز سد نفوذ نیروهای تروریستی و تکفیری و وابسته به عربستان در سوریه و حتی منطقه بوده است.

این در حالی است که با برگزاری انتخابات در لبنان مشاهده کردیم که تلاش‌های محور عبری-عربی راه به جایی نبرد و نیروهای وابسته به حزب الله اکثریت را کسب کردند. نکته آخر و پایانی که می‌توان به آن اشاره کرد اینکه انتخابات اخیر نشان داد که حزب الله به عنوان یک متغیر مستقل توان اثرگذاری داخلی و منطقه‌ای خود را حفظ کرده و برعکس برخی از تصورات اشتباه تحلیلگران غربی، حزب الله نه در قالب یک نهاد نظامی صرف بلکه در قالب یک جریان اجتماعی-سیاسی از محبوبیت و مشروعیت کامل در داخل لبنان برخوردار است.



اهدای کتاب
اهدای دانشایی

کتاب هایتان را همه می خوانند...



کدخدای دیروز، مزاحم امروز

اصلاح طلبان و دولت در حالی از برجام بدون آمریکامی گویند که پیش از این توافق با آمریکارایک دستاورد بزرگ می دانستند





اعتراض تهران

خروج واشنگتن از برجام خشم ایران را به دنبال داشت

وقتی ترامپ در قلاب تلویزیون ظاهر شد و گفت ایالات متحده دیگر در برجام باقی نخواهد ماند، چشم‌ها به تهران دوخته شد تا ببینند آیا خروج از برجام توسط این سوی ماجرا هم رخ خواهد داد؟

تهران اما مانند ترامپ عمل نکرد. رئیس‌جمهور ایران در قلاب تلویزیون ظاهر شد و گفت که برای چند هفته اوضاع را بررسی خواهد کرد.

فرزاد آن روز در مجلس برجام و پرچم آمریکا را آتش زدند و دیگران هر کدام موضع قابل توجهی نشان دادند.

روحانی: فعلا می‌مانیم

دقایقی بعد از تصمیم آمریکا حسن روحانی، رئیس‌جمهوری در گفت‌وگوی زنده تلویزیونی با مردم برجام را توافقی بدون آمریکا توصیف کرد که ادامه خواهد یافت و از این لحظه توافقی میان ایران و ۵ کشور دیگر محسوب می‌شود.

حسن روحانی که اندکی بعد از ترامپ و موگرینی از دفترش در تهران سخن می‌گفت، با تاکید بر اینکه برجام توافق بین‌المللی ایران و آمریکا بوده که آمریکا بخواهد از این توافق خارج می‌شود، افزود: «برجام یک توافق چندجانبه و بین‌المللی بوده؛ برجام توافقی است که مورد تایید شورای امنیت سازمان ملل و قطعنامه ۲۲۳۱ قرار گرفته است، بنابراین آمریکا رسماً امشب اعلام کرد که به تعهدات بین‌المللی توجهی ندارد.» روحانی تاکید کرد: «از این لحظه توافق برجام میان ایران و پنج کشور است؛ از این لحظه ۵+۱، یک‌راز دست داده است و در این شرایط ما باید منتظر آن باشیم که ۶ کشور بزرگ جهانی نسبت به این توافق چگونه عمل خواهند کرد.»

رئیس‌جمهوری با بیان اینکه ما در چند هفته آینده ضمن مذاکره با کشورهای اروپایی، روسیه و چین، رایزنی‌ها و هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهیم، گفت: «اگر در پایان این مدت کوتاه به این نتیجه برسیم که با همکاری پنج کشور عضو برجام می‌توانیم به هر آنچه که منافع ملت ایران بوده برسیم، به‌رغم حرف‌های بی‌نزاکت امشب ترامپ، برجام پایدار خواهد ماند و ما می‌توانیم به سمت ثبات در منطقه قدم‌های خود را برداریم ولی اگر دیدیم که چنین نیست من در گفت‌وگویی با مردم کشورمان ایران موضع‌مان را به اطلاع آنان خواهیم رساند.»

رئیس‌جمهوری کشورمان با بیان اینکه با برجام بدون آمریکا هم مردم ما شاهد خواهند بود که ارزش کشور تأمین می‌شود و کالاهای مورد نیاز نیز به دست آنان می‌رسد، اضافه کرد: «مردم ما هیچ نگرانی‌ای نداشته باشند. امشب ملت ما مصمم‌تر و متحدتر از گذشته است و کار ترامپ نیز یک جنگ روانی و یک فشار اقتصادی بود که نخواهیم گذاشت که او در این موضوع موفق شود.»

روحانی با تاکید بر اینکه به سازمان انرژی اتمی دستور داده است که در صورت نیاز غنی‌سازی صنعتی را بدون محدودیت آغاز کند، گفت: «ما برای اجرایی کردن این تصمیم چند هفته صبر می‌کنیم و با کشورهای پای برجام را امضا کرده‌اند و به آن وفادار مانده‌اند، مذاکره می‌کنیم و در این مذاکره همه چیز بر مبنای منافع ملی ماست، اگر تصمیم شود به ماندن در برجام ادامه خواهیم داد ولی اگر برجام تنها سندی شود که منافع ملی ایران

در آن لحاظ نشده باشد، آن وقت راه و تصمیم ما روشن خواهد بود.»

روحانی در پایان گفت: «مردم ما مشکلاتی در زندگی فردا، هفته بعد، امسال و سال‌های آینده به حول قوه الهی احساس نخواهند کرد و من امشب از یک سونا راحت هستم که مردم آمریکا که مردم بزرگی هستند، گرفتار زعامت کسی شده‌اند که حیثیت آنها را زیر سوال برده است و از سویی خوشحال هستم که یک موجود مزاحم از برجام خارج شده است.»

ترامپ را سرعقل می‌آوریم

اما در ادامه واکنش‌ها به سخنان ترامپ، رئیس‌مجلس، سخنان رئیس‌جمهور آمریکا را «خام» و «سختی» خواند که نشان می‌دهد او فاقد کفایت عقلانی است و گفت: «ایران می‌تواند او را سرعقل بیاورد.» او ادامه داد: همگان سخنان خام و سختی رئیس‌جمهور آمریکا را شنیدید. بیش از یک سال است که او شو دیپلماتیک بازی می‌کند. او یک روز می‌گوید ملت کره شمالی را نابود و رهبر آن را برکنار می‌کند ولی یک روز می‌گوید او فرد محترمی است و با او مذاکره می‌کند! یک روز می‌گوید به زودی از سوریه خارج می‌شود اما دو روز بعد به سوریه حمله می‌کند. شب گذشته هم گفت که من حرفی را بزنم اجرا می‌کنم! اما او فکر می‌کند تاریخ کشورها همچون ذهن فراموشکار او دچار نسیان می‌شوند! ملت آمریکا اسیر فردی خودشیفته شده‌اند و حتی هم‌پیمانان او تلاش می‌کنند که او را از اقدامات احمقانه باز دارند. ترامپ ذوق زده است که از برخی کشورهای کوچک فکر منطلقه اخادی می‌کند. این شان افتخار آمیزی است که دزد سرگردنه بگیر برای رژیم غاصب صهیونیستی شده است؟ او با این اقدامات من جمله خروج از برجام، بی‌اعتمادی به آمریکا را به اوج خود رسانده است. اما ملت ایران نشان داد که حل مسائل را در مسیر گفت‌وگو دنبال می‌کند. کما اینکه ایران با ۱+۵ وارد گفت‌وگو شد. امروز رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید نگران توانمندی ایران در سال‌های آینده هستیم و ایران به سوی تولید بمب اتمی می‌رود. درحالی که خودشان ده‌ها هزار نوع از این بمب را دارند. امنیت جهانی با رفتار شما و توهماتتان درباره ایران به خطر می‌افتد آن هم در موقعیتی که رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فتوا دادند که سلاح‌های کشتار جمعی و تولید آن حرام است. پس از اعلام موضع آمریکا فقط رژیم صهیونیستی

۲۲

اما در نخستین واکنش به اقدام ترامپ، در ابتدای جلسه علنی مجلس نمایندگان در واکنش به خروج آمریکا از برجام پرچم این کشور را آتش زدند. بعد از قرائت گزارش دستور مجلس تعدادی از نمایندگان با حضور در جایگاه هیات‌رئیس‌ه شعار مرگ بر آمریکا را فریاد زدند. در همین حین ذوالنور، عضو فراکسیون نمایندگان ولایی به همراه تعدادی دیگر از نمایندگان با فریاد مرگ بر آمریکا پرچم این کشور و برجام را آتش زدند

۲۲

از او حمایت کرد و اروپا با آن مخالفت کرد. این واکنش‌ها سطح ترامپ را در عرصه بین‌الملل نشان می‌دهد. آقای رئیس‌جمهور اعلام کرد که ایران چند هفته‌ای به اروپا فرصت می‌دهد. این نشان می‌دهد ایران دنبال رفتار ماجراجویانه نیست. هر چند چندان نمی‌توان به پایبندی اروپا امیدوار بود، اما برای اتمام حجت برای اینکه همگان بدانند ایران تمام راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز را طی کرده است، ارزشش را دارد که این فرصت را به اروپا بدهیم. به نظر می‌رسد ترامپ از کفایت عقلانی برای حل و فصل مسائل برخوردار نیست و زبان زور برای او کارسازتر است تا نتیجه کار خود را دریافت کند. اگر روسیه و چین این خلأ بین‌المللی را پر کنند، شاید راهی برای ادامه مسیر باشد در غیر این صورت ایران او را بر سر عقل می‌آورد. در چنین شرایطی ایران هیچ تعهدی ندارد که در جایگاه پیشین هسته‌ای خود قرار بگیرد. سازمان انرژی هسته‌ای آماده باشد تا طبق قانون «اقدام متقابل» وارد عمل شود. شاید برخی اختلافات جزئی و حاشیه‌سازی و برخی فضا سازی‌ها در رسانه‌ها، موجودات سطحی را در آمریکا به وسوسه انداخته باشد اما ملت ایران باید نشان دهد که یکصد و پست سر نظام است. توقعات در این مقطع باید متناسب با شرایط تعدیل شود. در چهل سال گذشته در شرایط بدتر از این وضع قرار داشتیم ولی با وفاق ملی پاسخ قطعی به صهیونیست‌ها و آمریکا خواهیم داد.

آتش زدن برجام در پارلمان

اما در نخستین واکنش به اقدام ترامپ، در ابتدای جلسه علنی مجلس نمایندگان در واکنش به خروج آمریکا از برجام پرچم این کشور را آتش زدند. بعد از قرائت گزارش دستور امروز مجلس و تلاوت آیات ۱۹۰ تا ۱۹۳ سوره آل عمران و قبل از آغاز نطق رئیس‌مجلس شورای اسلامی تعدادی از نمایندگان با حضور در جایگاه هیات‌رئیس‌ه شعار مرگ بر آمریکا را فریاد زدند. در همین حین ذوالنور، عضو فراکسیون نمایندگان ولایی به همراه تعدادی دیگر از نمایندگان با فریاد مرگ بر آمریکا پرچم این کشور و برجام را آتش زدند. آنها فریاد می‌زدند برجام را آتش زدید، ما هم پرچم شما را آتش می‌زنیم و مجدداً فریاد مرگ بر آمریکا را سر دادند. بعد از آن رایجانی، رئیس‌مجلس شورای اسلامی خطاب به کوهکن یکی از کسانی که در حال آتش زدن پرچم آمریکا بود، گفت مراقب باشید مجلس را آتش نزنید.

در واکنش به این اقدام علی‌مطهری، نماینده مردم تهران آتش‌زدن پرچم آمریکا در صحن علنی مجلس را رفتاری «بد» توصیف کرد و افزود: «این اقدام کار درستی نبود. در گزارشی که شب گذشته منتشر شد اعلام شد دو سوم مردم آمریکا با این اقدام ترامپ مخالف هستند. بعد ما با آتش‌زدن پرچم در مجلس در حقیقت مردم آمریکا را در برابر خودمان قرار می‌دهیم.» نایب‌رئیس مجلس ابراز تأسف کرد: «این اقدام ناگهانی برخی نمایندگان مجلس کار عاقلانه‌ای نبود و نمی‌شد هیچ واکنشی به این رفتار ناگهانی نشان داد.» مطهری در ادامه پاره کردن برجام را هم کار خوبی ندانست و افزود: «هر چند کاغذی تحت عنوان برجام در مجلس پاره شد اما مهم‌تر از آن آتش‌زدن پرچم آمریکا بود که کار خوبی نبود.»

گفت‌وگوی تلفنی روحانی و ماکرون

اما در ادامه تحولات در این مورد حسن روحانی عصر چهارشنبه در تماس تلفنی «امانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه گفت: «برجام در نتیجه تلاش‌های طولانی و مستمر از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵ حاصل شد و به واسطه تأیید آن در شورای امنیت سازمان ملل متحد، توافقی بین‌المللی است.» روحانی با سخت‌دانستن اقدام



رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اعلام خروج از برجام تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران ضمن پایبندی صددرصدی به تعهدات خود در برجام، دستیابی به منافع ملی را دنبال کرده و خواهد کرد؛ اما متأسفانه طرف مقابل در اجرای تعهدات، عملکرد رضایت‌بخشی نداشته است. برخلاف خیالات ترامپ، غنی‌سازی در ایران هرگز برای دستیابی به سلاح هسته‌ای نبوده، بلکه این تلاش علمی و فنی در راستای تقویت غرور ملی و نیازهای مردم ایران انجام شده و خواهد شد.»

وی با اشاره به اینکه وزرای خارجه و گروه‌های کارشناسی ایران و کشورهای اتحادیه اروپا باید در مدت کوتاه چند هفته‌ای با جلسات مکرر مسائل مربوط به حفظ برجام را بررسی و به تصمیمی واضح و شفاف برسند، گفت: «باید منافع ایران در موضوعات و مسائل مهم مرتبط با برجام مانند فروش نفت، روابط بانکی، سرمایه‌گذاری‌ها و بیمه به‌طور روشن و صریح مشخص و تضمین شود.»

روحانی با بیان اینکه «همچنین باید تصمیم شرکت‌های خارجی طرف قرارداد و سرمایه‌گذار در ایران برای مواجهه با خروج آمریکا از برجام صریح و شفاف اعلام شود»، گفت: «اگر در مدتی محدود و معین به



تصمیم روشنی درباره برجام برسیم، می‌توانیم تعامل گسترده‌تری میان ایران و اروپا را شاهد باشیم. رایزنی و همکاری ایران و فرانسه در راستای حفظ منافع مشترک و امنیت و ثبات منطقه ادامه خواهد داشت.» روحانی با اشاره به اینکه «امروز یک مسئولیت تاریخی در راستای حفظ برجام بر عهده داریم و آینده تاریخ ثابت می‌کند که ترامپ دچار اشتباه بزرگی شده است»، خاطر نشان کرد: «متأسفانه اروپا فرصت چهارماهه‌ای که می‌توانست از آن

برای حفظ برجام استفاده کند را از دست داد و آن را صرف راضی کردن دولت جدید آمریکا برای ماندن در برجام کرد.» اما نوبل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه نیز در این

گفت‌وگوی تلفنی، با ابراز تأسف از تصمیم ترامپ مبنی بر خروج آمریکا از برجام، گفت: «کشورهای اروپایی در عکس‌العملی جمعی اعتراض خود را نسبت به این تصمیم اعلام کردند.» رئیس‌جمهور فرانسه با بیان اینکه «تصمیم

ترامپ حتی موجب ایجاد تضاد بزرگی در آمریکا شده است»، بر ضرورت حفظ چارچوب برجام و پایبندی همه طرف‌ها به تعهدات‌شان تأکید کرد و افزود: «اروپا به‌طور

منسجم برای پایداری و حفظ برجام تلاش خواهد کرد. وی با تأکید بر اینکه «با گسترش همکاری‌ها می‌توانیم در زمینه چگونگی فعالیت‌های فراتر از برجام برنامه‌ریزی کنیم»، اظهار کرد: «همکاری گسترده ایران و اروپا برای تقویت صلح و امنیت منطقه‌ای بسیار حائز اهمیت است.»

پاسخ فرماندهان نیروهای نظامی ایران به آمریکا

فرماندهان کل ارتش، سپاه و نیروهای کل مسلح، به تصمیم شب‌گذشته رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر خروج از برجام واکنش نشان داده و یک‌صدا اعلام کردند که

اهمیتی برای این موضوع قائل نبوده و از ابتدا نیز به برجام امید بستند. فرمانده کل ارتش گفت که بزرگترین خسارت برجام مشروعیت بخشیدن و نشست پشت میز مذاکره با آمریکا بود. سرلشکر سیدعبدالرحیم موسوی،

فرمانده کل ارتش در نخستین همایش ملی مهارت‌آموزی کارکنان و وظیفه‌نیروهای مسلح با اشاره به اعلام خروج آمریکا از برجام اظهار کرد: «خدا را شکر که آمریکا از برجام خارج شد، این طبیعت نظام سلطه است و براساس

قرآن آنها تا آخر به‌دنبال دوری ما از اصول مان هستند. من از ابتدا معتقد بودم بزرگترین خسارت برجام مشروعیت بخشیدن و نشست پشت میز مذاکره با آمریکا است، البته از این موضوع سایر کشورهای جهان هم متضرر شدند، اما



امضای خود در برجام نیز پایدار نماند. با این کار از یک سو همه جهانیان فهمیدند که حق کجاست و باطل کدام است و از سوی دیگر یک بار دیگر در داخل مشاهده کردیم که اگر می‌خواهیم سربلند باشیم، پایدار بنامیم و در برابر توفان‌ها ایستادگی کنیم، باید روی پای خود بایستیم و به برجام و امثال آن اتکا نکنیم چرا که ملت و سرزمین ایران آن قدر توانمندی دارد که بتواند به عنوان قدرت منطقه‌ای و بعدها به‌عنوان یکی از نامزدهای یک قدرت جهانی، سر بلند کند. «باقری با تاکید بر اینکه این شرایط منوط به تغییر نگاه داخل است اظهار کرد: «ابعاد اقتصاد مقاومتی که مقام معظم رهبری بارها بر آن تاکید کرده‌اند باید در عمل مورد عنایت حاکمان ما قرار بگیرد.»

واکنش مراجع تقلید به ترامپ

سه تن از مراجع تقلید به اقدام آمریکا برای خروج از برجام و سخنان شب گذشته دونالد ترامپ و واکنش نشان داده و آمریکا را غیرقابل اعتماد توصیف کردند. آیت‌الله مقتدایی، نایب‌رئیس جامعه مدرسین نیز به مخالفان داخلی دولت هشدار دادند که مثل تائانیا هو، خوشحالی نکنند. آیت‌الله جوادی آملی در جلسه تفسیر قرآن که در مسجد اعظم برگزار شد، اظهار داشت: «نظام اسلامی در طول ۴۰ سال حوادث زیادی داشته است ولی به این دلیل که دیگران بیشتر به ماهیت آمریکایی پیرند کتاتی عرض می‌شود. یکی از مهم‌ترین دستورات بین‌المللی اسلام وفای به پیمان است، اسلام از رابطه حسنه با کفاری که کاری با شما ندارند نمی‌نکرده است.» استاد برجسته حوزه به بیان اینکه در قرآن بیان شده است که اگر تعهدی سپردید تا زمانی که آنان نقض عهد نکرده‌اند شما هم نکنید، ادامه داد: «قرآن کریم فرموده است که اگر دشمنان در عهد خود خیانت کردند امضای شان را به سمت خودشان پرتاب کنید. نظام اسلامی ما مستقل است و معنای استقلال این است که زنده‌زندی کنید و هیچ‌گاه زیر بار دشمن نروید.» آیت‌الله جوادی آملی با بیان اینکه آمریکا با نقض عهد در برجام، خودش را مفتضح کرد ادامه داد: «امام حسین (ع) در روز عاشورا فرمود اگر دین ندارید آزاده باشید؛ معنای این حرف آن است که ترامپ اگر کافری باشد، ولی اگر انسانی به امضایت متعهد باشد. ترامپ حتی به مسیحیت هم که مدعی آن است پایبند نیست. وفای به عهد جزو قوانین بین‌المللی انسان است و ربطی به دین و آئین ندارد. آمریکا از روز اول دشمن بود. من از همان ابتدا به دکتر ظریف گفتم می‌خواهید رابطه برقرار کنید بکنید ولی هر وقت با آنان دست دادید انگشتان‌تان را بشمارید؛ این حرف طنز و شوخی نبود و حقیقت بود.» آیت‌الله جوادی آملی خطاب به ترامپ گفت: «اگر کافری کافر باش، البته شما نه مسیحی و نه کلیمی هستی ولی انسان که هستی؛ ترامپ اگر انسان هستی باید پای حرف خود بایستی؛ البته مشکل اساسی اینها این است که به هیچ قانونی از قوانین انسانی هم پایبند نیستند که قرآن این افراد را بدتر از چهارپایان می‌داند. هویت مومن به وفای به عهد است. ایران پای امضای خود ایستاد و این نشانه شرف ایران است چون قبلاً بیگانه برای ایران حساب باز نمی‌کرد، ولی امروز آشنایان هم برای آمریکا حساب باز می‌کنند.» وی افزود: «به برکت خون شهدا و رهبری امام، ملت ما از زمین به آسمان رفته‌اند زیرا دشمنان در گذشته داعیه اربابی داشتند ولی امروز با صراحت می‌گویم که به هیچ قانون عقلی و بین‌المللی پایبند نیستند. ما برای امضا و شخصیت آنان (آمریکا) هیچ حرمتی قائل نیستیم زیرا اینها کسانی هستند که به هیچ عهدی وفادار نیستند، البته ظلم ظالم به خودشان بر می‌گردد و عظمت و عزت ایران بیش از پیش می‌شود.»

رئیس مجلس، سخنان رئیس‌جمهور آمریکا را «خام» و «سختی» خواند که نشان می‌دهد او فاقد کفایت عقلانی است و گفت: «ایران می‌تواند او را سر عقل بیاورد.» او ادامه داد: همگان سخنان خام و سختی رئیس‌جمهور آمریکا را شنیدید. پیش از یک سال است که او شو دیپلماتیک بازی می‌کند. او یک روز می‌گوید ملت کره شمالی را نابود و رهبر آن را برکنار می‌کند ولی یک روز می‌گوید او فرد محترمی است و با او مذاکره می‌کند!

آموزی کارکنان وظیفه نیروهای مسلح سرمایه انسانی را یکی از مهمترین ابعاد قدرت کشورها عنوان کرد و گفت: «در جمهوری اسلامی ایران براساس مبانی دین اسلام و رهنمودها و تدابیر امام خمینی و رهبری، سرمایه انسانی جایگاه ارزشمندی دارد.» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ادامه داد: «اگر امروز در جمهوری اسلامی ایران امنیت و آرامش وجود دارد و این امنیت دارای ثبات و پایداری است و ما می‌توانیم با قاطعیت به دولت‌مردان خود اعلام کنیم که بدون نگرانی از تجاوزات و تهدیدات، به برنامه‌ریزی و توسعه ملی بپردازند، به دلیل وجود این قدرت دفاعی و بازدارندگی کشور است وگرنه در نیت، توان و قصد دشمنان برای تهاجم و تجاوز به این کشور و نظام هیچ تردیدی وجود ندارد. بارها مقامات فعلی کشورهای ظالم جهان اعلام کرده‌اند که قصد تهاجم به ایران را داشته‌اند اما جرات چنین کاری را پیدا نکرده‌اند. در همین مدت یک سال و اندی که رئیس‌جمهور آمریکا روی کار آمده، وزیر دفاع آنها اذعان دارد که بارها برای آماده شدن برای تهاجم به ایران مورد فشار قرار گرفته، اما این ارتش آنها بوده که به آن رهبر بی‌خرد اعلام کرده که تهاجم به ایران به این سادگی‌ها نیست و هزینه و تلفات بی‌نهایت بالایی دارد و دستاوردی نخواهد داشت.»

وی همچنین با اشاره به اظهارات ولیعهد عربستان سعودی درباره حمله نظامی به ایران گفت: «در سه ماه قبل این جوان بی‌خردی که در عربستان حاکم شده، به همراه آمریکایی‌ها هر کدام به گردن دیگری می‌اندازند که به ایران حمله کنند؛ عربستان به آمریکا می‌گوید که تو حمله کن و من حمایت می‌کنم و پول آن را پرداخت می‌کنم.» وی با اشاره به خروج آمریکا از برجام خاطر نشان کرد: «با نظامی مواجهم که حتی در امضای خود در برجام پایدار نماند؛ برجام مطلوب ملت ایران و آن چیزی نبود که ما آن را بیست‌دیم اما برای اتمام حجت با جهان ایران با کرامت و بزرگواری برجام را پذیرفت. اما آن کشور استکباری به

با این حال بزرگترین سودی که برجام داشت اثبات عدم پایبندی آنها به برجام است؛ هر آدم بی‌عقلی بعضاً کارهای خوبی هم از او سر می‌زند که از این بابت از کاری که این فرد انجام داد، متشکریم.» سرلشکر موسوی با تاکید بر اینکه ما ملت بسیار بزرگی هستیم و اتفاق دیشب این درس را به ما داد افزود: «امیدواریم این کار آمریکا درس عبرتی برای سعودی‌ها که برای جلب رضایت آمریکایی‌ها خودشان را به آنها می‌چسبانند، باشد. ما به وعده‌های خداوند اعتماد داریم، اگر برسر مواضع اصولی خود بایستیم، پیروز نهایی میدان خواهیم بود.»

سردار جعفری: همه ایران مانند نیروهای مسلح متحد شویم

سردار سرلشکر محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی سخنانی در اولین همایش ملی مهارت آموزی کارکنان وظیفه‌نیروهای مسلح اظهار داشت: «بنده خروج شرورانه آمریکا را از برجام که قبل از آن هم اعتباری نداشت را تیریک می‌گویم. کاملاً مشخص بود که آمریکایی قابل اعتماد نیست و دوباره ثابت شد که به هیچ وجه آمریکا در تعهداتش قابل اعتماد نیست.» وی گفت: «در آینده همه ایران همانند نیروهای مسلح یک دل و هماهنگ روی منابع و ظرفیت‌های داخلی متمرکز می‌شویم.» سردار جعفری افزود: «نیمه امیدی که به برجام بسته شده و فرصت یکی دوهفته‌ای هم که رئیس‌جمهور دیشب اعلام کرد روشن است که اروپایی‌ها بین ایران و آمریکا نمی‌توانند مستقلانه تصمیم بگیرند و وابسته به آمریکا هستند و سرنوشت برجام روشن است. خروج آمریکا از برجام نشان داد موضوع غنی‌سازی هسته‌ای بهانه بود و موضوع آنها، اقتدار نظامی و موشکی و تاثیرگذاری ایران در منطقه و مقاومت منطقه است. ایستادگی ما در منطقه در حال از پا درآوردن استکبار و باعث عظمت جمهوری اسلامی ایران شده است. باتوجه به اینکه موضوع دشمنان توان نظامی ماست، نیروهای مسلح باید توجه عمیق‌تری نسبت به افزایش توان خود داشته باشند. رژیم ایران قبل از انقلاب اگر قدرتی داشت وابستگی‌اش به استکبار و تجهیزاتی که از آنها می‌گرفت بود، پس از انقلاب این موضوع دگرگون شده و روی مولفه‌های ملی و داخلی و نیروی انسانی تمرکز شد. قدرت امروز ما قابل مقایسه با زمان جنگ تحمیلی نیست و به‌خاطر پیشرفت تجهیزات و موشکی ما است.»

سرلشکر باقری: با نظامی مواجهم که حتی پایبند به امضای خود نیستند

سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح صبح چهارشنبه در نخستین همایش ملی مهارت





احساس کند رفتار آنها در چارچوب موضع گیری هایی است که انجام می دهند، ایران روابط خود را ادامه خواهد داد.» وزیر کشور در پایان تأکید کرد: «مسائل موشکی و منطقه ای جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه قابل مذاکره نیست.» در اظهارنظری دیگر معاون پارلمانی رئیس جمهور هم با اشاره به برنامه ریزی های دولت برای مقابله با اقدامات رئیس جمهور آمریکا گفت: «به ملت عرض می کنم که جای هیچ نگرانی وجود ندارد.» حسینعلی امیری در حاشیه جلسه هیات دولت درباره اقدام رئیس جمهور آمریکا برای خروج از برجام، اظهار کرد: «صحبت های رئیس جمهور کشورمان در واکنش به این اقدام ترامپ یک صحبت بسیار متقن، منطقی و بیان کننده اراده ملت ایران بود. این موضع گیری ترامپ مردم ما را منسجم تر، متحدتر و یکپارچه کرد و ما قطعاً امروز شاهد انسجام و وحدت بیشتر مردم خواهیم بود. تجربه ۴۰ سال اخیر نشان داده هرگاه ما با خطر یا تهدیدی مواجه بوده ایم، مردم صرف نظر از هر گرایش سیاسی یا قومی، همه در کنار هم منسجم و یکپارچه بودند. جمهوری اسلامی ایران از مدت ها پیش برای هر کدام از موضع گیری های احتمالی ترامپ درباره برجام، کارهای کارشناسی قابل توجه انجام داد و تدبیر لازم را اتخاذ کرد. دولت در این زمینه دارای برنامه است. یکی از پیش بینی های دولت این بود که ترامپ از برجام خارج شود و به همین دلیل در این زمینه برنامه ریزی های لازم در حوزه های اقتصادی و سایر حوزه ها انجام شد.»

به فال نیک می گیریم

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هم در واکنش به تحولات مربوط به برجام گفت: «مجلس به هر میزانی که مصلحت اقتضا کند، آماده تصویب بوده که برای حمایت از سیاست های موشکی و برنامه های دفاعی کشور است.» علاءالدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با اشاره به اعلام ترک توافق هسته ای توسط آمریکا گفت: «خروج آمریکا از برجام را باید به فال نیک گرفت، ترامپ با امضای سند ترک توافق هسته ای یک بار دیگر نشان داد که در جامعه جهانی به آمریکا اعتمادی نیست و همه مقررات بین المللی را به سخره می گیرد.» رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در ادامه این مطلب افزود: «اعلام موضع دیگر اعضای برجام در جهت مخالفت با تصمیم آمریکا و تأکید بر پایبندی بر برجام قابل تقدیر است. جمهوری اسلامی ایران در مقطع فعلی در یک ارزیابی جامع باید بر اساس منافع ملی خود تصمیم گیری کند و هیات مربوط به این موضوع تصمیم گیری مهمی در این خصوص برعهده دارد.»

تجمع دانشجویان مقابل لانه جاسوسی

در اعتراض به خروج برجام از سوی آمریکا، شماری از دانشجویان دانشگاه های تهران مقابل لانه جاسوسی سفارت سابق این کشور تجمع کردند. دانشجویان در این تجمع که با حضور پر تعداد رسانه های خارجی برگزار شد با دست داشتن نوشته هایی چون «برجام آمریکایی خسارت محض»، «دوباره تحریم تجربه اعتماد»، و سر دادن شعارهایی چون «آمریکا، اروپا ننگ به نیرنگتان»، «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل» به رفتار آمریکا در برجام اعتراض کردند. دانشجویان قبل از شروع رسمی تجمع، پرچم آمریکا را به آتش کشیدند. شعارهایی همچون «مطالبه یک کلام، برجام و السلام» در این تجمع به گوش می رسید. تجمع کنندگان به مسئولان کشور هشدار دادند نتیجه مذاکره مجدد با اروپا همچون اعتماد به آمریکا محتوم به شکست است.

شورای نگهبان در جلسه این شورا با اشاره به خروج آمریکا از برجام گفت: «ترامپ با خروج از برجام نشان داد هیچ اعتقادی به تعهدات بین المللی ندارد و فقط با توجه به اغراض سیاسی و هوای نفس خود تصمیم می گیرد.» وی با بیان اینکه اقدام رئیس جمهور آمریکا به اعتراف احزاب و گروه های سیاسی داخل آمریکا از روی بی توجهی به عواقب آن صورت گرفته است، افزود: «افراد برجسته سیاسی در دنیا به ویژه در آمریکا و اروپا عهدشکنی در برجام را موجب بی اربوبی و بی اعتباری آمریکایی ها می دانند.» آیت الله جنتی در ادامه به موضع گیری منفی علیه آمریکا در جهان به ویژه کشورهای اروپایی اشاره و اضافه کرد: «موضع گیری منفی از سوی اروپایی ها کفایت نمی کند و ما منتظر اقدام عملی آنها برای اجرای تعهدات خودشان در این زمینه هستیم.» رئیس مجلس خبرگان رهبری با اشاره به هشدارها و موضع گیری بحق مقام معظم رهبری در طول مذاکرات مبنی بر عهدشکنی آمریکا تأکید کرد: «اقدام نابخردانه آمریکا نشان داد نظر مقام معظم رهبری از سایر نظرات دقیق تر است و علاوه بر آن ایشان از همه بهتر دشمن را می شناسند و از همه بهتر مسائل سیاسی را درک می کنند.» وی با تأکید بر موضع حق و حکیمانه مقام معظم رهبری در مسائل مختلف گفت: «همه ملت، مسئولان و دولت باید متحد در یک صف تسلیم مقام معظم رهبری باشیم و مطمئناً در این صورت ملت ما از این بحران نیز سربلند بیرون خواهد آمد و در غیر این صورت دچار خسارت خواهیم شد.»

واکنش اعضای دولت

فردای روزی که ترامپ اعلام کرد از توافق هسته ای خارج خواهد شد، اعضای کابینه به جمع خبرنگاران رفتند و به سخنان رئیس جمهور آمریکا واکنش نشان دادند. عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور در حاشیه جلسه هیات دولت با بیان اینکه موضوع خروج آمریکا از برجام ماه هاست که در دولت مورد بحث است، گفت: «کارگروه هایی در حوزه های مختلفی مانند اقتصادی، تجاری، امنیتی، تشکیل شده و همه تصمیم گیری های مختلف اتخاذ شده است و صحبت های شب گذشته رئیس جمهور جمع بندی همه این تصمیم گیری ها بود. ما تهدیدی نسبت به عهدمان داشتیم که به آن متعهد بودیم و خواهیم بود، اما آمریکا ثابت کرد که بدعهدی می کند و نمی شود به تعهدات او توجه داشت. ما ملت مستحکمی هستیم و شرایط و امکاناتی که داریم ما را برای هرگونه پاسخگویی آماده کرده است. امیدواریم با حفظ وحدت و انسجام و با دیپلماسی قوی تر بتوانیم از این مرحله عبور کنیم.» رحمانی فضلی در خصوص رفتار اروپا در قبال حفظ برجام نیز عنوان کرد: «باید در مدت زمانی که مشخص شده است با اروپایی ها وارد مذاکره شویم. اگر ایران

آمریکا با خروج از برجام دیگر هیچ اعتباری ندارد

آیت الله کارم شیرازی نیز در جلسه درس خارج فقه خود در مسجد اعظم قم، با اشاره به نقل قول مسئولان آمریکایی برای مذاکره مجدد با ایران به منظور افزودن بندهای جدید به برجام افزود: «آمریکایی ها می گویند ما برجام را قبول نداریم و بیاید دوباره مذاکره کنیم و بندهایی به برجام اضافه کنیم، به فرض اینکه جمهوری اسلامی وارد مذاکره مجدد با شما شود، چه تضمینی وجود دارد که چند روز بعد اعلام نکنید که این توافق جدید را هم قبول ندارید. نقض برجام توسط آمریکا ثابت کرد که حرف و تعهد مسئولان آمریکایی هیچ اعتباری ندارد.»

آمریکا هیچ گاه قابل اعتماد نبوده است

آیت الله نوری همدانی پیش از ظهر چهارشنبه در درس خارج خود در مسجد اعظم با اشاره به خروج ترامپ از برجام اضافه کرد: «آمریکا ۴۰ سال است که با دروغ و تحریم با ما رفتار کرده و حتی به طمس حمله نظامی کردند.» وی با بیان اینکه آمریکا از ابتدا هم برای ما قابل اعتماد نبود اظهار داشت: «در چند سال اخیر هم بارها از سوی رهبری گفته شد که به آمریکا اعتماد نکنید ولی برخی از مسئولان این کار آزموده شده را تجدید آزمون کردند و معلوم شد که حرف رهبری درست است. همه باید با شور و شعور علیه دشمنان بایستند. همه کسانی که به کشور و انقلاب و نظام علاقه مند هستند باید در برابر آمریکا محکم باشند.» آیت الله نوری همدانی با اشاره به خروج ترامپ و مواضع برخی اروپایی ها اضافه کرد: «مسئولان فریب این اظهارات را نخورند چون ممکن است نقشه جدیدی برای ایران داشته باشند. هدف اروپا این است که با باقی ماندن در برجام بگویند اگر می خواهید ما بنامیم باید مذاکره موشکی داشته باشید.» وی با تأکید بر اینکه ایران باید فعالیت صلح آمیز هسته ای خود را شروع کند، اضافه کرد: «همه مردم و مسئولان باید بر محور دستورات رهبری و تحت ولایت ایشان رفتار کنند و مطمئن باشند که روزی حکومت زمین به صالحان خواهد رسید.» ایشان با بیان اینکه دشمنان اسلام با همه قوا به میدان آمده اند، رسالت حوزه را دوچندان دانست و افزود: «خدا از علما پیمان گرفته که در برابر ظالمان و فریاد مظلومان نیاید بی تفاوت باشند.»

منتظر اقدام عملی هستیم

رئیس مجلس خبرگان رهبری هم با اشاره به پیش بینی عهدشکنی آمریکا از سوی رهبر انقلاب گفت: «این پیمان شکنی آمریکا نشان داد نظر ایشان از سایر نظرات دقیق تر بوده و از همه بهتر سیاست را می فهمند.» آیت الله احمد جنتی، رئیس مجلس خبرگان رهبری و دبیر

کدخدای دیروز، مزاحم امروز

اصلاح طلبان و دولت در حالی از برجام بدون آمریکا می‌گویند که پیش از این توافق با آمریکا را یک دستاورد بزرگ می‌دانستند

علی گنجی

روزنامه نگار

کدخدای دیروز مزاحم امروز شده است. مدافعان برجام که از قبل مذاکرات تا آمدن ترامپ می‌گفتند آمریکا رئیس دنیاست و باید با او مذاکره کرد، حالا که ترامپ از توافق هسته‌ای خارج شده و حیات برجام را به خطر انداخته است می‌گویند که تنها یک مزاحم از توافق هسته‌ای خارج شده و اتفاق چندان مهمی نیفتاده است. در واقع دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا رسماً خروج کشورش را از برجام اعلام کرد. در توافقی که بین ایران و ۵+۱ منعقد شده بود، حالا عملیاتی از کشورهای مهم از آن خارج شده و درباره آینده این توافق ابهامات زیادی وجود دارد. آنچه رخ داده این است که اصلاح طلبانی که در روز اجرائی شدن برجام، در صفحه نخست روزنامه‌های خود عباراتی همچون «صبح بدون تحریم، روز شکست حصر اقتصادی، تحریم‌ها به تاریخ پیوست و روز فروپاشی تحریم‌ها» تیترو می‌کردند، امروز که آمریکا از برجام خارج شده، همین روزنامه‌ها با بزرگ کردن خروج آمریکا از برجام این اتفاق را طبیعی جلوه داده و به حرف‌های موگرینی دل خوش کرده‌اند.

تیترو روزنامه‌ها و رسانه‌های اصلاح طلب در فردای روزی که ترامپ اعلام کرد از برجام خارج شده است نکات قابل تاملی را به همراه خود دارد. در همین رابطه روزنامه قانون در مطلبی با عنوان «اروپایی‌ها در کنار ایران» نوشت: «سرنان انگلیس، آلمان و فرانسه در واکنش به تصمیم سه‌شنبه‌شب دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا مبنی بر خروج این کشور از برجام، با انتشار بیانیه‌ای، بر پایبندی خود به توافق هسته‌ای با ایران تأکید کردند... فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز بلافاصله پس از اعلام دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا مبنی بر خروج آمریکا از برجام تأکید کرد که اتحادیه اروپا به توافق هسته‌ای با ایران پایبند است.»

روزنامه آرمان نیز در یادداشتی با عنوان «برجام بدون آمریکا» به قلم «علی خرم» نوشت: «می‌توان گفت که خدا به یاری ایرانی‌ها آمد و اکنون بین آمریکا و اروپا یک شکاف جدی به وجود آمده است. شکافی که شاید از بعد از جنگ دوم جهانی تا به حال پیش نیامده بود... ترامپ با شکلی مزورانه می‌گوید که ما در کنار مردم ایران هستیم! در حالی که آنچه خانم موگرینی گفت که در کنار مردم ایران هستیم و با هم علیه خروج از برجام کار کنیم، حرفی است که به دل مردم می‌نشیند و فکر می‌کند ایران باید جدیدیت و همیت بیشتری به کار ببرد که در دیپلماسی با اروپایی‌ها موفق شود و اروپاییان را در کنار خودش نگه دارد». روزنامه آفتاب یزد نیز در یادداشتی با عنوان «تلاش اروپا برای ماندن ایران در برجام» نوشت: «در باره اظهارات موگرینی، عصبانیت وی از یک سو و قوت قلبی که به مردم ایران می‌داد نیز قابل توجه است. پیش‌تر هم رهبران اتحادیه اروپا به نوعی اشاره کرده بودند که حتی با خروج آمریکا از برجام، آنها زیر عهد نمی‌زنند. ابراز تأسف ماکرون از اقدام ترامپ بیانگر همین مطلب است». همچنین روزنامه شرق در سرمقاله امروز با عنوان «روز تهنیتی ترامپ» به قلم «حسین مرعشی» نوشت: «مردم ایران حتماً می‌دانند

تحریم‌های یکجانبه آمریکا جدید نیست... اصلاح طلبان از تحریم استقبال نمی‌کنند؛ اما به دلیل بین‌المللی نبودن اقدام ترامپ، اثرات آن محدود خواهد بود... هیچ‌یک از متحدان اروپایی با این شیوه او همراه نشدند. خانم موگرینی نیز بر حفظ برجام و مسئولیت اتحادیه اروپا برای حفاظت از این توافق بین‌المللی تأکید کرد و با ادبیاتی خاص، از ماندن در کنار ملت ایران سخن گفت. «خوش بینی ساده لوحانه به اروپا و تعریف و تمجید از مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا توسط اصلاح طلبان، سلفی حقارت نمایندگان لیست امید در مجلس با فدریکا موگرینی را به ذهن متبادر می‌کند. این ساده‌لوحی - البته در حالت خوش بینانه - از سوی رسانه‌های اصلاح طلب در حالی است که همصدایی اروپا با آمریکا حتی توسط فعالان این جریان نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در همین رابطه روزنامه اعتماد در شماره امروز در یادداشتی به قلم «علی تاجرنیا» از حامیان برجام نوشت: «یکی از اصلی‌ترین طرف‌های معاهده برجام آمریکا بوده است. اروپایی‌ها در این مدت نشان داده‌اند که در صورت عدم همراهی آمریکا حاضر به اتخاذ یک موضع مستقل نیستند و در عمل نشان دادند که با آمریکایی‌ها همراه هستند. بحث خروج از برجام باید به عنوان مساله جدی مورد توجه قرار بگیرد.»

تاجرنیا در ادامه تأکید کرد: «حقیقت این است که نباید موضوع برجام را آنقدر حیثیتی کنیم که نتوانیم نسبت به آن تصمیم‌های عاقلانه‌ای مبتنی بر منافع ملی بگیریم». همچنین در روزهای گذشته «احمد زیدآبادی» از فعالان اصلاح طلب در مصاحبه با روزنامه آرمان گفته بود: «شکاف‌های موجود بین برخی از کشورهای اروپایی با آمریکا بیشتر شکل رسانه‌ای دارد و در واقعیت هیچ شکافی وجود ندارد... اتفاقاً صدای واحدی از همه آنها به گوش می‌رسد. در شرایط کنونی کشورهای اروپایی به این نتیجه رسیده‌اند که برجام باید باقی بماند؛ با این وجود این توافق نیاز به تقویت و متمم دارد که باید هر چه سریع‌تر انجام شود. به نظر می‌رسد آمریکا و کشورهای اروپایی در مقابل ایران تقسیم کار انجام داده‌اند. آمریکا فشارهای خود را نسبت به ایران افزایش داده و در مقابل کشورهای اروپایی تلاش می‌کند در شرایطی که ایران تحت فشار است با ایران وارد مذاکره شوند تا نتیجه دلخواه هر دو گروه حاصل شود. همه کشورهای غربی نیز به دنبال این هستند که ایران از مواضع خود عقب‌نشینی کند تا شرایط برای شکل‌گیری یک «برجام ۲» یا اضافه کردن مکمل به برجام به وجود بیاید.» لازم به ذکر است که «امانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه بعد از خروج آمریکا از برجام تأکید کرد: «ما به طور کلی روی یک چارچوب گسترده‌تر شامل فعالیت هسته‌ای، فعالیت‌های موشک‌های بالستیک و ثبات در خاورمیانه به ویژه سوریه، یمن و عراق کار خواهیم کرد. روزنامه ایران در مطلبی با عنوان «ضرورت‌های پذیرش FATF نوشت: «در ابعاد اقتصادی اگر بخواهیم به عنوان یک کنشگر فعال و بازی‌ساز در عرصه نظام بین‌الملل حضور داشته باشیم، باید الزامات و قواعد این نظام را نیز بپذیریم، چرا که ما عملیاتی توانیم جدای از دیگر بازیگران و عناصر موثر در این حوزه فعالیت چندانی نداشته باشیم... حتی اگر ما به بهانه سخت شدن راه حمایت از جنبش‌های آزادبخش به مخالفت با شروط FATF بپردازیم باز هم اشتباه بزرگی

کرده‌ایم، چرا که در آن صورت با منزوی شدن و قفل شدن اقتصاد کشور، نه تنها در داخل آسیبی جدی خواهیم دید، بلکه دیگر امکان چندانی برای حمایت مادی و معنوی از این حرکت‌ها نیز نخواهیم داشت... پس زدن شروط FATF و انزوای اقتصاد ما در نهایت فشارهایی چند برابر فشارهای موجود به افشار مختلف وارد خواهد کرد که بعید به نظر می‌رسد جامعه ما تاب تحمل آن را داشته باشد. اولین نتیجه چنین فشارهایی بروز مجدد آشوب‌های عمومی در سطوح وسیع خواهد بود؛ بنابراین به هیچ عنوان عاقلانه نیست که نتایج تأثیر این دست عوامل را از معادلات خود برای پذیرش شروط FATF کنار بگذاریم.» ارگان رسانه‌ای دولت در تحلیلی تامل‌برانگیز، حمایت ایران از محور مقاومت را به معیشت مردم گره زده و هشدار داده است که اگر FATF را اجرا نکنیم، آشوب‌های عمومی رخ خواهد داد. گفتنی است به‌رغم هشدارهای کارشناسان پیرامون FATF و خطراتی که برای استقلال و امنیت اطلاعات اقتصادی کشور به همراه دارد، در کمال ناباوری با ۱۳۹ رای موافق، کلیات FATF در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، به عبارتی مجلس در تحریم ارکان مختلف اقتدارآفرین از رئیس‌جمهور آمریکا سبقت گرفت. کارشناسان معتقدند که همکاری با FATF موجب افزایش همکاری بانک‌های خارجی نخواهد شد. تجربه یکی، دو سال گذشته در همکاری با این نهاد بین‌المللی نیز این موضوع را اثبات می‌کند. در موضوع روابط ایران و بانک‌های خارجی آنچه که مهم است مساله تحریم‌های ثانویه بانکی آمریکاست. این تحریم‌ها از سال ۲۰۱۰ علیه ایران تشدید شده و تا الان نیز ادامه پیدا کرده و برجام نیز در آنها تغییر قابل توجهی ایجاد نکرده است. در حالی دولت روحانی به دنبال اجرای کامل برنامه اقدام FATF با هدف خروج ایران از بیابانه عمومی این نهاد بین‌المللی است که بندهای ۲۱ و ۳۱ این برنامه با موضوع «شناسایی و به اشتراک گذاری اطلاعات مربوط به ذی نفع واقعی»، تهدیدکننده جدی امنیت ملی هستند زیرا زمینه لازم برای موفقیت تحریم‌های ثانویه بانکی را فراهم می‌کنند. بند ۲۱ برنامه اقدام عبارت است از: «تضمین اجرای تمامی الزامات مربوط به شناسایی یا احراز هویت ذی نفع واقعی در تمامی موارد از جمله زمانی که مشتریان اشخاص حقوقی باشند» و بند ۳۱ این برنامه هم عبارت است از: «تضمین ارائه همکاری بین‌المللی در زمینه تبادل و به اشتراک گذاری اطلاعات مربوط به ذی نفع واقعی». با توجه به اینکه ۲۲۳ فرد، نهاد و موسسه ایرانی در لیست تحریم‌های ثانویه بانکی آمریکا قرار دارند و همچنین ۸۷ فرد و نهاد ایرانی که امکان در لیست تحریمی قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل قرار دارند؛ در صورت شناسایی ذی نفع واقعی و به اشتراک گذاری اطلاعات آن، شاهد اعمال تحریم‌ها از سوی بانک‌ها و موسسات اقتصادی ایرانی که در لیست تحریم قرار دارند، علیه افراد و نهادهای ایرانی که در لیست تحریم قرار دارند، خواهیم بود. متأسفانه اصلاح طلبان در پی آن هستند که به افکار عمومی این انگاره دروغین را القا کنند که تداوم سیاست‌های امنیت بخش ایران در منطقه، موجب فلاکت معیشتی و اقتصادی برای مردم و کشور می‌شود. این در حالی است که این جماعت در سال ۹۴ نیز با القای دوگانه دروغین «هسته‌ای - معیشت»، مدعی بودند که توانایی هسته‌ای ایران، معیشت مردم را دچار مشکل کرده و با امضای برجام همه مشکلات از جمله تورم و رکود و بیکاری و حتی مشکل آب خوردن مردم نیز حل می‌شود. مرتبط کردن حمایت ایران از محور مقاومت با مساله معیشت، از یک سو فرار به جلو در مقابل پاسخگویی به عدم نتیجه در برجام و کارنامه اقتصادی دولت است و از سوی دیگر ناظر بر فریب جدید برای برجامیزه کردن جامعه و تحمیل برجام‌های ۲ و ۳ و ۴ به کشور است.

۳ سال مشقت آور

در فاصله ای کوتاه روحانی، تلگرام و برجام را از دست رفته می بیند

محمد دین پرور

روزنامه نگار

«کاری که در دولت حسن روحانی در خصوص برجام شد، مهم تر از کاری بود که مرحوم مصدق برای ملی شدن صنعت نفت کرد؛ چرا که در ملی شدن صنعت نفت، نفت به دست آمد ولی در برجام امنیت.» این اظهارات سخنگوی حزب کارگزاران است در اندک زمان باقیمانده تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته. البته او تنها کسی نبود که حسن روحانی را به مصدق تشبیه کرده بود. خیلی های دیگر هم بودند که وقتی روحانی به برجام رسید، تصاویر و نام او را در کنار نخست وزیر دوران قبل از انقلاب قرار دادند. حالا شرایط تغییر کرده، اما هنوز هستند کسانی که روحانی را تشبیه می کنند به مصدق. با این تفاوت که حال و روز او را شباهت می دهند به روزگاری که مصدق دیگر در اوج نبود؛ وقتی که آمریکا به او پشت کرد.

روحانی جدید

شاید آن روز که حسن روحانی در دوران باراک اوباما با خوشحالی تمام در قاب تلویزیون ظاهر شد و امضای برجام را یک پیروزی تاریخی اعلام کرد، هرگز تصور نمی کرد به فاصله اندکی و با تغییر رئیس جمهور در آمریکا او دوباره باید در قاب تلویزیون ظاهر شده و تمام تلاشش را بکند تا خروج آمریکا از برجام را تنها خارج شدن یک مزاحم برای مردم تفسیر کند.

اوضاع برای حسن روحانی حالا که سه سال تا پایان ریاست جمهوری اش فاصله دارد بسیار سخت شده است. او اکنون نه برجام دارد نه تلگرام و نه حمایت بخش قابل توجهی از حامیان سابقش را.

اشتباهات مصدق

زمانی که برخی حامیان دولت بر انجام مذاکرات اصرار می کردند و می گفتند آمریکا قابل اعتماد است، بسیاری از دلسوزان با تجربه و دوراندیش با یادآوری خیانت های آمریکایی ها هشدار می دادند که این آمریکا قابل اعتماد نیست. در این میان رهبر معظم انقلاب نیز هشدارهای فراوانی در این مورد داده بودند. حضرت آیت الله خامنه ای سال گذشته با انتقاد از کسانی که معتقدند «در مقابل آمریکا، قدری کوتاه بیاییم تا دشمنی آن کم شود» افزودند: «تجربیات تاریخی از جمله ماجرای دکتر مصدق نشان می دهد آمریکایی ها حتی به کسانی که به آنها امید می بندند، رحم نمی کنند.» ایشان در همین زمینه افزودند: «مصدق برای مبارزه با انگلیسی ها سراغ مذاکره با آمریکا رفت و به آنها اعتماد کرد اما همین آمریکایی ها بودند که ضد او کودتا کردند.» رهبر انقلاب در جمع بندی این بخش از سخنان شان تاکید کردند: «آمریکایی ها حتی به امثال دکتر مصدق هم راضی نمی شوند، آنها نوکر، توسری خور و سرسپرده می خواهند تا مثل دوران محمدرضا پهلوی بر کشور مهم و پرمفعت ایران حکومت کنند.»

جبهه ملی هم درس نگرفت

حمید روحانی هم در اظهارنظری در این مورد گفته بود: «برخی سیاستمداران از آمریکا صد بار گزیده شده اند اما همچنان تجربه و عبرت نگرفته اند؛ اگر کسانی که امروز دنبال مذاکره با آمریکا بودند از تاریخ انقلاب درس گرفته بودند امروز شاهد برجامی یکطرفه نبودیم.» روحانی با بیان اینکه تجربه برجام تجربه سنگینی برای کشور بود عنوان کرد: «قبل از دولت یازدهم افراد زیادی به آمریکا اعتماد کردند و از آنها ضربه خوردند؛ مصدق هم ضربه اصلی را از اعتماد به آمریکا خورد و در نهایت سرنگون شد؛ جبهه ملی هم در کودتا درس نگرفت و به آمریکا اعتماد کرد که در نهایت منجر به منزوی شدن خودشان شد.» وی در ادامه افزود: «نهیض آزادی هم معتقد بود که باید با آمریکا تفاهم داشت و بدون آمریکایی توان در دنیای امروز دوام آورد که در نهایت آنها هم از اعتماد به آمریکا ضربه اساسی خوردند و امروز هم می بینیم که لیبرالیست هایی که به اسم اسلام و با لباس روحانیت اندیشه های لیبرالیستی را دنبال می کنند، ضربه سنگینی به کشور زده و حیثیت ایران را زیر سوال بردند.» وی با بیان اینکه از ابتدا برخی به دنبال برجام شماره دو و سه بودند عنوان کرد: «امروز برخی از برجام عبرت نگرفته و اگر جو کشور با آنها همراه شود، منتظر هستند که در اولین فرصت سراغ مذاکره با آمریکا رفته و دست خود را به طرف آنها دراز کنند.»

روحانی عنوان کرد: «آنها در مذاکرات تنها به برجام یک بسنده نکرده و به آمریکا قول داده بودند که بعد از اجرای برجام یک، مراحل بعدی را در قالب برجام دو و سه پیش ببرند؛ امروز هم برخی به دنبال فرصت برای مذاکره مجدد با آمریکا هستند اما در شرایط فعلی که مردم از برجام خیری ندیده اند قدرت بیان نظرات خود را ندارند.» وی افزود: «مذاکره کنندگان نه تنها از تاریخ درس نگرفتند، بلکه از دستور رهبر انقلاب هم سرپیچی کردند چرا که رهبر انقلاب بارها اعلام کردند که اگر چه مانع مذاکرات نمی شوند، اما مذاکره بی فایده است و به آمریکا اعتمادی نداشته و آدم عاقل کار بیهوده نمی کند.»

آیا اصلاح طلبان، روحانی را تنها می گذارند؟

این سوال مهمی است که شاید ذهن رئیس جمهور را هم به خود مشغول کرده است. بخش قابل توجهی از

»

شاید آن روز که حسن روحانی در دوران باراک اوباما با خوشحالی تمام در قاب تلویزیون ظاهر شد و امضای برجام را یک پیروزی تاریخی اعلام کرد، هرگز تصور نمی کرد به فاصله اندکی و با تغییر رئیس جمهور در آمریکا او دوباره باید در قاب تلویزیون ظاهر شده و تمام تلاشش را بکند تا خروج آمریکا از برجام را تنها خارج شدن یک مزاحم برای مردم تفسیر کند

»

بدنه اجتماعی او متعلق به اصلاح طلبان است و اگر آنها او را ترک کنند او برای تداوم کارش با مشکلات متعددی مواجه خواهد شد.

عباس عبدی در این مورد می گوید: «راهبرد اصلی جریان اصلاحات در صورت برهم خوردن برجام همان مسیری است که باید در گذشته در آن حرکت می کرد که برجام دچار این مشکل نشود.

چرا برجام دچار مشکل شد؟ تنها مشکل برجام روی کار آمدن ترامپ نبود که نمی خواهد مساله آن است که ما باید روی وحدت سیاست داخلی خود دست بگذاریم. ما اگر در داخل وحدت نداشته باشیم، ممکن نیست بتوانیم سیاست خارجی موثری را پیش ببریم. زمانی که وحدت داخلی ما خدشه دار شد و به آن اهمیت ندهیم، نتیجه این می شود که ترامپ به خود اجازه می دهد هرکاری را انجام دهد. بنابراین مساله ما در سیاست داخلی رسیدن به وحدت است. چه برجام باشد، چه نباشد راهبرد ما باید بازسازی سیاست داخلی باشد. کشوری که سیاست داخلی آن به سیاست خارجی گره خورده و تحت تاثیر آن است، استقلال خود را از دست داده. موضوع حائز اهمیت آن است چنانچه ما در مسیری حرکت کنیم که قدرت داخلی و سیاسی خود را تقویت کنیم، دیگر تحت تاثیر ماندن یا نماندن برجام نخواهد بود. برجام یا هر توافق دیگری زمانی موثر است که بازتاب سیاست داخلی باشد. اگر جریان اصلاح طلب خط مشی خود را در این مسیر قرار دهد، بعید است با مشکل مواجه شود. اگر برجام نبوده مشکلات بسیار عمیق تر از امروز بود. ظاهراً برخی علاقه دارند نگاه به خارج را تعمیم دهند. آن کسانی که از طریق نگاه به خارج می خواستند مسائل داخل را حل کنند امروز باید پاسخگوی این موضوع باشند. دیدگاه دیگری بود که نگاه متفاوتی به خارج داشت. این عده همیشه نگاه به خارج داشته و متصور بودند که باز یچه بیگانه هستند، بنابراین هر دو دیدگاه باید از این موضوع درس گرفته تا باز یچه سیاست خارجی دیگران نشوند.»

غلامرضا طریفیان هم در این مورد می گوید: «ناید فراموش کرد که این مسائل رخ داده در برجام به صورت غیرمترقبه بوده و جامعه هم این موضوع را درک خواهد کرد چرا که اصلاح طلبان یا روحانی مدعی نشده بودند پس از برجام تمام زمام امور بین الملل را به دست خواهند گرفت.

ایران در توافقنامه برجام یک سوی ماجراست و سوی دیگر ۶ قدرت بزرگ جهانی قرار دارد. این موضوعی است که مردم هم می دانند و هم درک می کنند گرچه به هر حال خروج از برجام پیامد هایی دارد، البته نباید فراموش کرد که تصور تبعات خروج از برجام بیشتر از آن چیزی است که رخ خواهد داد. وقتی جامعه با واقعیت روبه رو شود نگرانی های ایجاد شده هم تعدیل خواهد شد. مسئولان هم باید به مردم اطلاعات درست بدهند و اجازه ندهند روز به روز نگران تر شوند. اما به طور کلی نمی توان گفت تاثیر برجام بر بدنه اجتماعی حامی دولت یا اصلاح طلبان چیست و آیا تاثیر مستقیمی دارد یا خیر اما اصولگرایان هم نباید از آسیب رسیدن به موقعیت اصلاح طلبان خوشحال باشند چرا که اگر مردم از اصلاح طلبان ناامید شوند اقبالی به اصولگرایان نخواهند داشت و کل مجموعه ضرر می بیند.»

به هر حال هرچه هست به نظر می رسد اصلاح طلبان تمایل چندانی ندارند هزینه های از بین رفتن برجام را در کنار روحانی بدهند. آنها احتمالاً فاصله گذاری های بیشتری را با روحانی آغاز خواهند کرد. روزهای سخت روحانی در راه است.

طعنه‌های دلوایسان به برجامیان

خروج آمریکا از برجام چه تاثیری در سیاست داخلی ایران دارد؟

علیرضا مشهدی

روزنامه نگار

حالا که ترامپ از برجام خارج شده دقیقاً همان حالتی رخ داده است که منتقدان دولت یا همان دلوایسان هشدارش را می‌دادند. در چنین شرایطی است که اکنون آنها دست بالا را در مباحثات این روزها آن هم در مواجهه با مدافعان برجام دارند.

برخی از آنها در این چند روز همه حرف‌های سابق‌شان را برای دولت و حامیان‌شان بازخوانی کرده‌اند.

حالا سوال اساسی این است که اصولگرایان از این پس چه نسبتی با دولت برقرار خواهند کرد؟ آیا این وضعیت آرایش سیاسی کشور را بر هم زده و برتری را نسبی دلوایسان خواهد کرد؟

نقطه مشترک نداشتیم

امیر محیبیان در این مورد گفته است: «اصولگرایان در قبال برجام دارای موضع واحدی نبودند؛ گروهی آن را با ترکمنچای مقایسه می‌کردند و گروهی دیگر آن را یک ضرورت ولو نامطلوب می‌شمردند ولی همه در یک نکته مشترک بودند و آن اینکه باید مذاکرات از موضع بدبینانه نسبت به آمریکا و در راستای دریافت حداکثر امتیاز از این مذاکرات به نفع منافع ملی صورت گیرد. خط کلی اصولگرایان این نیست که برجام شکست بخورد تا از آن بهره‌برداری سیاسی کنند. اگر کسی یا جریانی چنین فکری داشته باشد فارغ از فرصت‌طلبی حتماً نسبت به منافع ملی خیانتکار است. اما ما معتقدیم نباید سرنوشت‌مان را به بقای برجام گره بزنیم. اگر چنین کنیم و غرب از آن مطلع شود؛ عملاً برجام به نقطه ضعف ما تبدیل شده و دائماً بر آن فشار وارد می‌شود. شخصاً معتقدم باتوجه به شرایطی که بود ظریف و تیم مذاکره‌کننده کار خوبی انجام دادند و فرصتی را

برای مانور سیاسی و دیپلماتیک برای ایجاد کردند ولی شدیداً مخالف افزایش انتظار و توقع مردم از نتایج محتمل برجام بوده و هستیم؛ در حال حاضر هم نباید در مردم این حس پدید آید که با خروج ترامپ از برجام و انحلال آن به پایان راه می‌رسیم. باید خود را برای ادامه راه بدون برجام آماده کنیم. اگر خود را برای سخت‌ترین وضعیت آماده کنیم اگر هم در برجام ماندیم باید فرصت‌های نسبی را سریعاً نقد کنیم. باید به خودمان و بقیه تفهیم کنیم که برجام یک واقعه در مسیر دیپلماسی این کشور است نه تمامی دیپلماسی ما.»

اما اظهار نظر حسین شریعتمداری که از مخالفان برجام بود هم در این مورد قابل توجه است. او نقدهایی را متوجه روحانی ساخته و گفته است: «یادآوری این ماجرا به یقین برای برخی از دوستان تلخ و ناگوار است. دوستانی که به‌رغم هشدارهای بی‌دری دلسوزان، به آمریکا اعتماد کرده و امتیازات فراوانی را بر سر این اعتماد بیجا، به دشمن تابلودار مردم این مرز و بوم واگذار کرده بودند، اما یادآوری این نکته از آن جهت ضروری است که شاید فقط شاید- برای این دوستان عبرت‌انگیز و درس‌آموز باشد. روز دوم فروردین ۱۳۹۴، رهبر معظم انقلاب در سخنان نوروزی خود در حرم رضوی علیه‌السلام هشدار دادند که:

«فریب لخبند طرف مقابل را نخورید، به وعده‌ای که می‌دهد اعتماد نکنید، چون وقتی خورش از پل گذشت برمی‌گردد و به ریش شما می‌خندد. اینها این قدر وقیح‌اند.» دیشب ترامپ برجام را پاره کرد! اما نه اینکه به نقطه قبل از برجام بازگردد، بلکه آمریکا در حالی از برجام خارج می‌شود که ده‌ها امتیاز نقد از ایران گرفته است، برنامه هسته‌ای کشورمان را نابود کرده است و نه فقط به هیچ‌یک از تعهدات خود در برجام عمل نکرده و تحریم‌ها را که لغو آن موضوع مذاکرات بود لغو نکرده است، بلکه ده‌ها تحریم جدید هم به آن افزوده است به وضوح می‌توان دید که هیچ‌یک از امتیازاتی که داده‌ایم قابل برگشت نیست یا

اینکه بازگشت آنها با دشواری و صرف هزینه‌های فراوان همراه است. به بیان دیگر، آمریکا شیره برجام را تا آخرین قطره میکشید است و حالا تقاله آن را دور می‌اندازد!

حالا جای این سوال است که آیا می‌توان انکار کرد، امروز که آمریکا خورش از پل گذشته است، برگشته و دارد به ریش ما می‌خندد؟!

آقای روحانی بعد از سخنان ترامپ و در واکنش به خروج آمریکا از برجام گفته است که برجام را بدون حضور آمریکا ادامه می‌دهیم! و این پرسش را بی‌پاسخ گذاشته‌اند که مگر تحریم‌ها که موضوع اصلی برجام بوده و هست، برخاسته از تحریم‌های ثانویه آمریکا Secondary Sanction نیست و مگر نه اینکه کشورهای دیگر از ترس جریمه و تحریم‌های آمریکا حاضر به روابط تجاری با ما نبوده نیستند؟!

و بالاخره، قرار بود اگر ترامپ برجام را پاره کرد، ما آن را آتش بزنیم. باید تقاله برجام را دور بیندازیم و به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خودمان بازگردیم و مطمئن باشیم آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.»

محمد علی پورمختار، نماینده مجلس هم در اظهار نظری در این مورد گفته است: «مخالفت اصولگرایان از ابتدا با برجام به دلیل آشنایی این جریان سیاسی با بدعهدی‌های آمریکا بود. از همان ابتدا جریان اصولگرایی به آمریکا اطمینان نداشت زیرا این کشور در طول روابط خود با ایران صرفاً منافع خود را مورد توجه قرار داده و از ابزارهای بین‌المللی برای استعمار و تحمیل فشار به سایر کشورها استفاده می‌کند. آمریکا امروز بهتر از هرکس دیگری می‌داند که ایران پایبندی کامل به برجام داشته درحالی که هیچ کدام از طرفین دیگر به تعهدات خود عمل نکرده‌اند. ما اصلاً از برهم خوردن برجام نگران نیستیم زیرا این توافق آورده‌ای برای ما نداشت. ایالات متحده پس از برجام، دشمنی‌ها، تحریم‌ها و تعارضات خود با جمهوری اسلامی ایران را افزایش داد، بنابراین برجام هیچ سودی نداشته است که حالا برهم خوردن آن بخواهد برای کشور مضر باشد. مردم ما بدتر از برجام را دیده‌اند که به عنوان نمونه می‌توان به حمایت آمریکا از صدام اشاره کرد. نه ماندن در برجام نفع دارد و نه خروج از آن ضرر، بلکه این یک بازی است که آمریکا برای فشار به سایر کشورها به راه انداخته است. اگر آمریکا در برجام به تعهدات خود عمل می‌کرد ایران نیز از این توافق سود می‌برد اما وقتی این کشور به صورت آشکارا این توافق را نقض کرده است، ماندن در آن نفعی برای مردم و کشور نخواهد داشت.» در اظهار نظری دیگر سیدمحمد حسینی، سخنگوی جمنما هم گفته است: «جریان اصولگرایی از آغاز مذاکرات نسبت به نتیجه آن خوش‌بین نبود زیرا این جریان به بدعهدی و غیرقابل اعتماد بودن طرف آمریکایی ایمان داشت اما خوش‌بینی جریان اصلاح طلب به طرف آمریکایی بیش از اندازه بود. اکنون پس از گذشت سال‌ها از توافق برجام، پیش‌بینی جریان اصولگرایی درست از آب درآمده و ما شاهد هستیم که طرف آمریکایی توافق به هیچ‌کدام از تعهدات خود پایبند نیست. امیدوارم این اتفاق سبب شود تا در موضع‌گیری علیه آمریکا، یکپارچگی و انسجام در کشور ایجاد شود. با برهم خوردن برجام، اعتماد مردم به جریان اصولگرایی بیشتر جلب شده و افکار عمومی متوجه خواهد شد اگر انتقادی در گذشته وجود داشته از باب دلسوزی و رعایت مسائل کشور بوده است، نه کینه‌توزی و دشمنی. پیش‌بینی من از شرایط سیاست داخلی ایران در دوران پس‌برجام آن است که اعتماد مردم به جریان اصولگرایی بیش از پیش خواهد شد.»

به نظر می‌رسد اگر اصولگرایان شرایط زمانه خود را به خوبی بشناسند می‌توانند بار دیگر به موقعیت سابق خود بازگردند.







نگذاریم اروپا وقت کشی کند

گفت و گوی مثلث با منسوری آرانی

که آمریکایی‌ها انتظارش را می‌کشیدند. اما امروز می‌بینیم در این چند هفته‌ای که آقای روحانی اعلام ضرب الاجل کرده است باعث می‌شود که آن فضا برای پرداختن به موضوعاتی علیه ایران از کشورهای دیگر گرفته شود. باید بگویم امروز این بازی ایران بوده است که موجب شده ابتکار عمل در دستان ایران قرار بگیرد بنابراین به نظرم در پاسخ به برخی دوستان که عنوان می‌کنند آقای روحانی باید از برجام خارج می‌شد باید بگویم در این صورت قطعاً کشور دچار هزینه می‌شد و ابتکار عمل به دست غرب می‌افتاد، در حالی که می‌توانیم قدرتمندانه در این فرصت باقیمانده به گونه‌ای عمل کنیم تا همه چیز به سود ما تمام شود و استفاده لازم را در این مدت ببریم. بر این اساس باید بگویم با توجه به جمع جهات این بهترین تصمیم در شرایط کنونی است منوط به اینکه ما فرصت را از دست ندهیم.

سیاست داخلی چقدر نیازمند آن است که به کمک سیاست خارجی بیاید؟

موضوعات راهبردی موضوعات کل نظام است و همانطور که در موضوعات نظامی همه آحاد مردم به میدان آمدند و اگر آنها نبودند توفیقات امروز را نداشتیم، جنگ سیاسی هم همین رویکرد را دارد و مادامی که همه با هم همقدم نشوند نمی‌توان انتظار موفقیت داشت. اگر ژاپنی‌ها توانستند بعد از جنگ جهانی دوم کمر خود را راست کنند و از نظر اقتصادی حرف اول را بزنند این به فرهنگ عمومی مردم شان باز می‌گردد. آنها با وجود اختلاف عقیده در کنار هم قرار گرفتند و اقتصادشان را نجات دادند. در موضوع سیاسی هم همین است، ما می‌توانیم اختلاف دیدگاه داشته باشیم اما وقتی ما در یک شرایط ویژه قرار می‌گیریم نمی‌توانیم به دلیل اختلاف عقیده با دولت مقابله کنیم. اینجا دیگر پای منافع ملی در میان است، بنابراین همه گروه‌ها باید بیابند پشت سر دولت تا آن بتواند در عرصه بین‌المللی موفق شود. سیاست مانند بازی فوتبال است یک زمانی ما هر کدام طرفدار یک تیم هستیم و چه بحث‌هایی بر سر این تیم و آن تیم وجود دارد، اما زمانی که پای تیم ملی به میان می‌آید دیگر همه فقط از یک تیم و یک رنگ حمایت می‌کنیم.

برخی می‌گویند لازمه وحدت واقعی این است که دولت اشتباه خود را بپذیرد؟

ضمن احترام به همه افراد باید بگویم تصمیمی که برای امضای برجام گرفته شد تصمیم نظام بود و مقام معظم رهبری در صحبت‌های شان زحمات دولت را تأیید کردند. توجه داشته باشیم ما با کشورهای کوچکی روبه‌رو نیستیم و هرکسی وارد مذاکرات می‌شود با مسائل سخت و دشواری روبه‌رو خواهد بود و من برخلاف دوستان شرایط امروز را شرایط بدی نمی‌دانم، بنابراین باید همه با هم متحد باشیم.

منسوری آرانی یکی از اعضای کمیسیون برجام بود و در مجلس نهم که غلبه با مخالفان برجام بود، در دفاع از برجام جدیت داشت. با او که از ریاست دانشگاه جنگ تا مقام‌های نظامی را در کارنامه دارد، حالا در روزهای افول برجام به گفت و گو نشستیم. او می‌گوید برجام تصمیم نظام بود و همان گونه که آن روز همه باید پای دفاع از آن می‌ایستادیم، امروز هم همه باید پای هر تصمیمی که مصالح نظام ایجاب می‌کند بایستیم.

انتقاداتی که این روزها در عرصه داخلی از سوی منتقدان شنیده می‌شود بی‌توجه به این شرایط است که مطرح می‌شود.

چطور قرار است از این فضا استفاده کرد؟

به هر صورت دیپلمات‌های ما باید هوشیار باشند و اجازه ندهند کشورهای اروپایی وارد وقت کشی شوند که در این صورت آمریکایی‌ها هم وارد عمل خواهند شد و ممکن است شرایط را به سود خود بازگردانند. بنابراین ما باید به‌طور جد مواظب باشیم وارد مذاکرات دیگری نشویم. در همین راستا به‌طور جد همه مردم با هر جریان فکری باید انسجام خود را حفظ کنند. چرا که یادمان نرود دیپلمات‌های ما زمانی می‌توانند نقش خود را خوب بازی کنند تحت حمایت همگانی مردم و نیروهای داخلی باشند. در چنین شرایطی است که می‌توانیم از مشکلات و چالش‌ها عبور کنیم. به هر صورت این موضوع خیلی پیچیده‌تر از مسائل قبلی نیست.

این نقد که منتقدان دولت مطرح می‌کنند که عدم خروج از برجام نشان ضعف بود آیا چنین تلقی‌ای وجود دارد؟

آقای روحانی اگر از برجام خارج می‌شد ممکن بود اروپایی‌ها مدعی شوند که ما می‌توانستیم جای خالی آمریکا را پر کنیم و در این شرایط باز ایران وارد یک جنگ روانی می‌شد

امروز با خروج آمریکا از برجام انتقادهای دولت شدت گرفته است، چقدر این انتقادهای دولت وارد است؟

ما برای اینکه بتوانیم یک تحلیل جامع داشته باشیم، باید برگردیم به زمانی که برجام تصویب شده بود و حتی به قبل‌تر از آن. شما یادتان می‌آید که آن زمان آمریکایی‌ها همه تلاش خود را کردند تا ایران را ساقط کنند و در این راستا مسائل مختلفی مطرح شد که در حوصله این گفت‌وگو نیست؛ به هر صورت آن پرونده ما به راه انداختند و تقریباً آنها در این راستا موفق شدند و توانستند شرایطی را فراهم کنند که پرونده‌ای در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ما باز کنند و بعد از آن و به استناد آن پرونده را به شورای امنیت سازمان ملل متحد بردند و تحریم‌های متعددی علیه ایران به تصویب رساندند که مهم‌ترین آن قطعنامه ۱۵۲۹ بود؛ قطعنامه‌ای که حتی شرکای ما یعنی روسیه و چین حاضر نشدند آن را به سود ما و تو کنند و به همین دلیل بود که موضوع مذاکرات مطرح شد. در چنین شرایطی بود که ما وارد مذاکرات شدیم تا بتوانیم منافع ملی را عملیاتی کنیم. در همین زمان بود که مجلس هم به موازات دولت وارد عمل شد و طرح اقدامات متقابل را به تصویب رساند و با تأیید رهبری یک مجموعه ۲۸ بندی نهایی شد تا دولت در راستای مذاکرات آن را عملی کند. نهایتاً با این مذاکرات بود که آژانس انرژی اتمی بحث PMDA را بست و گزارش آن را به سازمان ملل داد و در نهایت شورای امنیت نیز با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ قطعنامه قبلی را ملغی کردند. اما آنچه اخیراً شاهد آن بودیم یعنی خروج آمریکا از برجام قابل مقایسه با زمانی نیست که ما تصمیم گرفتیم مذاکرات را به سرانجام برسانیم. در شرایط فعلی می‌بینیم آمریکایی‌ها از سوی بسیاری از کشورهای اروپایی که حتی در زمره متحدان او محسوب می‌شدند محکوم شد و این عمل را تقبیح کردند. بنابراین بستری که امروز در عرصه جهانی ایجاد شده بستری کاملاً به نفع ما است. فراموش نکنیم در هیچ کدام از چالش‌هایی که ما در گذشته داشتیم از جمله جنگ ایران و عراق هیچ‌گاه شرایط مانند امروز به سود ما نبوده است. البته باید یادمان باشد این فضای روانی همیشه دوام ندارد و ما نهایتاً یک ماه بیشتر فرصت نداریم در این فضا بازی کنیم. بنابراین



زمان محک اروپا

ید طولای آمریکا در عهدشکنی

امیرعلی ابوالفتح

کارشناس مسائل آمریکا



پس از ماه‌ها کش و قوس و تهدید برجام، سرانجام ۴ روز زودتر از موعد اعلام شده یعنی ۱۸ اردیبهشت، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا تصمیمش مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای را اعلام کرد. ترامپ در سخنانی سرشار از توهین و تهدید علیه ملت ایران ضمن خروج از برجام اعلام کرد که تحریم‌ها علیه ایران را نیز دوباره اعمال می‌کند و تحریم‌های جدیدی نیز در راه است. در حقیقت ترامپ با این تصمیم، عهدشکنی‌ها و نقض توافقات را که آمریکا از مدت‌ها پیش در قبال توافق هسته‌ای شروع کرده بود، رسمیت بخشید. اعلام خروج آمریکا از برجام در شرایطی اتفاق افتاد که طی هفته‌های گذشته تقریباً تمامی سران کشورها به خصوص کشورهای اروپایی و روسای عمده‌ترین نهادهای بین‌المللی در کنار گروهی از اعضای کنگره آمریکا که بعضاً از مخالفان برجام نیز بودند، از ادامه توافق هسته‌ای حمایت کردند؛ با این حال، ترامپ همه درخواست‌ها را نادیده گرفت تا قدرت خود را به رخ دیگران بکشد؛ به ویژه اینکه هم اینک با سخیف‌ترین و مبتذل‌ترین پرونده‌های سیاسی-اخلاقی تاریخ آمریکا مواجه است.

همچنین تصمیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا برای خروج از برجام، گرچه یک رویداد کم‌سابقه در نادرید گرفتن توافقات جهانی بود اما از یک جنبه قابل انتظار بود؛ چرا که ایالات متحده، دولت کنونی و جریان ملی‌گرای حاکم بر این کشور از سه منظر به برجام نگاه می‌کرد و تصمیمش بر اساس این سه دلیل مطرح کرد.

یکی از این سه دلیل، تبدیل شدن توافق هسته‌ای به موضوعی حیثیتی و شخصی برای دونالد ترامپ بود و به همین دلیل وی دائم برجام را بدترین توافق آمریکا توصیف می‌کرد. بنابراین ناچار بود در قبال چنین موضوعی واکنش نشان دهد و جز خروج از برجام نمی‌توانست برای حامیان خود تصویری از یک فرد مقتدر ارائه دهد.

دلیل دوم اینکه از دید دولت کنونی ایالات متحده

آمریکا، توافق برجام به دلایل درون‌متنی و هم به دلایل برون‌متنی دچار نقصان و کمبود است و از دید آمریکایی‌ها باید اصلاح شود. در مورد دلایل درون‌متنی، اصلی‌ترین انتقاداتی که آمریکایی‌ها مطرح می‌کردند یکی غروب برجام و دیگری جدول زمانی محدودیت‌ها بر ایران است که اصلی‌ترین مورد آن محدودیت ۱۰ ساله برای استفاده از سانتریفیوژهای جدید بود. آمریکایی‌ها اعلام کردند که این بخش حتماً باید تغییر کند.

ترامپ و تیم نزدیک به او یک سری ایرادات برون‌متنی نیز به توافق هسته‌ای وارد آورده‌اند که از جمله می‌توان به دربرنگرفتن موضوع موشکی ایران و محدود کردن فعالیت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی در این توافق اشاره کرد.

ایالات متحده آمریکا با اتکا به این سه دلیل از توافقی که توسط قطعنامه شورای امنیت تضمین شده بود، خارج شد، البته این نادیده گرفتن توافق جمعی، صرفاً به برجام محدود نمی‌شود و حداقل در دولت ترامپ، شاهد بودیم که آمریکا از پیمان آب‌وهوایی پاریس خارج شد و شهر قدس را به عنوان پایتخت شهر اسرائیل به رسمیت شناخت. در عین حال در دولت‌های پیشین آمریکا نیز پیمان‌های دیگری قربانی شده‌اند؛ از پیمان آب و هوایی کیوتو در دولت «بیل کلینتون» تا پیمان منع تولید موشک‌های ضد موشک در دولت «جورج دبلیو بوش»، بنابراین پیش‌بینی می‌شود که پیمان‌های بین‌المللی و توافق‌های دوجانبه و چندجانبه دیگری از این دست نیز توسط دولت ایالات متحده آمریکا و جریان ملی‌گرای ضد مشارکت‌جویی بین‌المللی نقض و نادیده گرفته شود.

درباره سناریوهای پیش‌روی ایران و برجام با محوریت کشورهای اروپایی با وجود اعلام آمادگی سران اروپا برای پیش بردن تعهدات‌شان در قبال برجام و ایران اما فلان‌زود است که اظهار نظر قطعی شود، زیرا فعلاً جهان در شک و بهت تصمیم ترامپ به سر می‌برد.

با وجودی که اتحادیه اروپا هم‌زمان با اعلام خروج آمریکا از برجام گفت که به این توافق متعهد می‌ماند و منافع اقتصادی ایران را تضمین می‌کند، درباره این تصمیم اروپا تا حدودی باید با دیده تردید نگریست. زیرا بر اساس سوابق

و تجارب دور از انتظار است که اتحادیه اروپا بین ایران و ایالات متحده آمریکا، طرف ایران را بگیرد و احتمالاً در نهایت، به خواست آمریکا تن خواهد داد. در عین حال در صحبت‌های دونالد ترامپ او به این مساله اشاره کرد که ایالات متحده آمریکا آمادگی انجام مذاکرات جدید را دارد که از دید آمریکا شامل مذاکرات فراگیرتر می‌شود. از دیگر سو ایران نیز اعلام کرده که آماده مذاکرات در برخی حوزه‌ها و با شرایط خاص با اتحادیه اروپا است؛ البته باید زمان بگذرد و ببینیم که آیا اروپایی‌ها می‌توانند تضمین‌های لازم را به ایران بدهند یا خیر.

اگر اروپا تضمین‌های لازم را ندهد، سناریوی دیگری از سوی جمهوری اسلامی ایران دنبال خواهد شد که احتمالاً بازگشت به فعالیت‌های هسته‌ای خواهد بود، البته پیامدهای این امر احتمالاً به لحاظ اقتصادی و امنیتی پیامدهای نامطلوبی به دنبال خواهد داشت اما شاید بتوان گفت جمهوری اسلامی ناخواسته در حال قرار گرفتن در موقعیتی است که شاید چاره‌ای جز این نداشته باشد. یعنی اگر قرار باشد برجام هیچ منفعتی برای ایران نداشته باشد دلیل ندارد که جمهوری اسلامی ایران به چیزی دل ببندد که از پایه و اساس نابود شده است. زیرا در برهه فعلی که ایالات متحده آمریکا از برجام خارج شده، در آینده نیز ممکن است به دنبال فشارهای واشنگتن، اروپا دیگر نتواند در این توافق با ایران همراهی کند که این مساله به مفهوم پایان برجام است. نباید فراموش کرد که ۱۵ سال پیش رویکرد مشابه واشنگتن در قبال توافق هسته‌ای ایران با سه کشور اروپایی در نهایت به توسعه کمی و کیفی برنامه‌های هسته‌ای ایران منجر شد و زمانی آمریکایی‌ها پای میز مذاکره نشستند که تعداد سانتریفیوژهای ایران از چند صد عدد به ۲۰ هزار عدد رسیده بود؛ تکرار این وضع در آینده، دور از انتظار نخواهد بود. البته تردیدهایی جدی وجود دارد که آمریکا با وجود تمامی امکانات سیاسی-اقتصادی و حتی نظامی بتواند جهان را به تنهایی و با وجود مخالفت عمومی شکل دهد. آمریکای قرن بیست و یکم ضعیف‌تر از آن است که بتواند بار دیگر بر سکوی تک‌ابرقدرتی جهان بنشیند.

همچنین جدا از اینکه تصمیم ترامپ در خروج از برجام چه تاثیری بر ایران خواهد داشت و ایران چه واکنشی نشان خواهد داد، آنچه اهمیت دارد این است که آمریکا بیش از هر زمان دیگری در تاریخ بیش از ۲۰۰ ساله این کشور در جهان تنها مانده است و این تنهایی شاید نه در کوتاه‌مدت که مسلماً در میان مدت و بلندمدت خسارات سنگینی به وجهه آمریکا وارد خواهد کرد. تاریخ نشان داده است قدرت‌ها زمانی رو به افول می‌گذارند که از کمک دیگران احساس بی‌نیازی کنند. آمریکای ترامپ نه رهبر جهان غرب که از این پس رقیب جهان غرب خواهد بود.



فریادهایش در روز تصویب برجام هنوز از یاد نرفته است. بیژن نوباوه که در مجلس نهم از مخالفان برجام بود و برای به تصویب نرسیدن آن حتی تا پای ایستراکسیون هم پیش رفتند، امروز به یادآوری خاطرات آن روزها می‌پردازد. مثلث گفت‌وگویی با این نماینده سابق مجلس داشت تا نظرش در رابطه با راهکار ایران به ویژه در عرصه سیاست داخلی را بداند؛ او که همچنان بر عقاید گذشته‌اش سخت پافشاری می‌کند، می‌گوید وحدت در شرایطی محقق می‌شود که حامیان برجام از مردم عذرخواهی کنند. آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح این گفت‌وگو است.

اول باید عذرخواهی کنند

گفت‌وگویی مثلث با بیژن نوباوه

بود که با نقض آمریکا از بین رفته است. حالا این یک مدل جدیدی است که گفته می‌شود ما آن را با طرف‌های اروپایی ادامه می‌دهیم. ما نباید به خودمان دروغ بگوییم چرا که همین طرف‌های اروپایی هم قابل اعتماد نیستند و در گذشته بدعهدی‌هایشان به ما ثابت شده است. بنابراین امروز شرایط جور دیگری است و به نظرم ما باید خودمان را تجهیز کنیم برای یک پیروزی.

برای این تجهیز شدن و حرکت به سمت پیروزی چقدر لازم است به یک وحدت داخلی برسیم؟

صد در صد ما نیاز به وحدت داریم و تا امروز آنچه ما را به پیروزی رسانده وحدت مردم بوده است. اما اینها شعار است تا زمانی که ما عوامل برهم‌زننده وحدت را شناسایی کنیم. همه می‌دانیم آب و غذا خوردن خوب است و لازمه زندگی است اما آب و غذای مسموم می‌تواند ما انسان‌ها را به کشتن دهد، بنابراین نباید ما وحدت دروغین را مطرح کنیم. همان زمان هم گفتند مذاکره، که رهبر معظم انقلاب گفت مذاکره خوب است اما خواهید دید که آمریکا چه می‌کند. وقتی این موضوع به صراحت گفته شد و ما در زمان گروگانگیری هم دیدیم که آمریکایی‌ها دروغ می‌گفتند و همین موضوع بود که ما جرایمک فارلین پیش آمد. امروز صحبت از وحدت مطرح می‌کنند در حالی که این افراد اول باید ببینند عذرخواهی کنند و بگویند این اقدام (امضای برجام) اشتباه بود تا راه برای وحدت باز شود.

برخی می‌گویند الان از واژه «دیدید گفتیم» نباید زیاد استفاده کرد، بلکه باید به دولت برای عبور از شرایط کمک کرد.

در قرآن به صراحت گفته شده است آیا کسانی که می‌بینند با کسانی که نمی‌بینند برابرند؟ آیا ظلمت و تاریکی با نور و روشنائی با هم برابر است؟ کسی که دشمن‌شناسی را بهتر بلد است، آیا باید در سایه قرار بگیرد و حرف شما درست است؟ این گفتیم گفتیم‌ها باید هزار بار دیگر ادامه پیدا کند تا جایی که بپذیریم کارمان اشتباه بود. زمانی می‌توانیم وحدت پیدا کنیم که این تفکر حامی آمریکا باور بگوید اشتباه کردیم وگرنه وحدت دروغی است و پایدار نخواهد بود. تا زمانی که تفکر ما نمی‌توانیم محکوم نشود مطمئن باشید وحدتی شکل نخواهد گرفت. من می‌گویم باید وحدت واقعی باشد شما وقتی می‌توانید با من وحدت داشته باشید که دشمن من نباشید. کدام عقل سلیمی است که بگوید وحدت بد است.

مقابل صد در صد انجام نداد؛ برجام تنها امتیازی که برای ما داشت این بود که اجازه فروش نفت را به ما داد، آن هم بدون التزام آمریکا درباره بازگشت دلار بود و نه تنها خودش این امر را انجام نمی‌داد بلکه دیگر کشورها را از این اقدام منع می‌کرد. متأسفانه کسانی که یک آمریکاباوری داشتند دست به چنین اشتباهی زدند و نتیجه این اعتماد به آمریکا در دو سال گذشته مشخص شد. به نظر من خروج آمریکا از برجام سرآغاز فصل جدیدی از خودباوری ما در داخل کشور است و این می‌تواند به نفع ما باشد، چرا که اگر آمریکا در برجام می‌ماند و رفع تحریم‌ها را دوباره تمدید نمی‌کرد ما دوباره از امتیازات برجام نمی‌توانستیم استفاده کنیم، اما خروج از برجام آمریکا توانست این امتیاز را به ما بدهد که ما می‌توانیم در مورد بسیاری از تعهداتی که مانند پروتکل الحاقی صد در صد داوطلبانه بود یا بحث خروج از NPT که بر اساس منافع کشور این امکان را می‌دهد که در آن تجدیدنظر کند، تصمیماتی اتخاذ کنیم.

به نظرم باید این خروج را به فال نیک گرفت چرا که در چنین مواقعی مردم کشور ما متحد می‌شوند و ما به شعاری که اول انقلاب مطرح بود بازمی‌گردیم. معتقدم آنچه در شب گذشته رخ داد، تفکر آمریکاباوری بود.

شما از گذشته گفتید. لطفاً در مورد امروز هم راهکار بفرمایید.

صحبت‌های من ناظر به آینده هم بود؛ من گفتم ما امروز چیزی در دست نداریم و باید همه چیز را از ابتدا آغاز کنیم با این تفاوت که دیگر آن آمریکا باوری وجود ندارد و همه به این نتیجه رسیده‌اند که این تصور شکست خورده است و در آینده نباید به افرادی که این باور را دارند اجازه عرض اندام بدهیم، به صورتی که ما را به سمت مذاکره‌ای دیگر بکشانند.

یعنی شما می‌گویید برجام را باید کنار بگذاریم؟

اصلاً من چنین حرفی نزدم، چرا که می‌گویم برجامی وجود ندارد. این یک برنامه اقدام جامع مشترک

امروز موضوع برجام صدر اخبار است. هر چند همه در این رابطه از سیاست خارجی صحبت به میان می‌آورند، اما به نظر می‌رسد باید سیاست داخلی در شرایط امروز از توجه ویژه‌ای برخوردار شود، امروز راهکار سیاست داخلی چیست؟

وقتی موضوع برجام مطرح می‌شود به نظر من باید مساله از اول بررسی شود چرا که اساساً برجام برنامه اقدام جامع مشترک بوده است. وقتی ما نگاه می‌کنیم می‌بینیم در مفاد اصلی برجام که شرایط غیرقابل چشم‌پوشی وجود داشت به این معنا که این امکان را به هر یک از اعضای داد که بدون آنکه تضمینی برای مجاهدت‌های آنها در اجرای برجام وجود داشته باشد می‌توانستند از برجام خارج شوند یا به تعهداتشان عمل نکنند. در مورد آمریکا نیز که موضوع بازگشت دلار مطرح شده بود این امکان را به آنها می‌داد که نه تنها به عنوان یک قرارداد، بلکه به عنوان یک تعهد بند محسوب کنند و عملاً شب گذشته این موضوع با خروج آمریکا اثبات شد و ما دیدیم هیچ اتفاقی برای این کشور رخ نمی‌دهد و آمریکا توانست در شرایطی که ایران به همه تعهداتش پایبند است، همه تعهداتش را نقض کند و این هزینه زیادی برای کشور داشت، به صورتی که همه فعالیت هسته‌ای کشورمان تحت تاثیر این قرارداد قرار گرفت؛ بیش از ۱۰ تن مواد غنی شده که ظرفیت بالایی برای کشور ما بود را از دست ما گرفت و همچنین نیروگاه‌های مهم ما را تقریباً پلمب کرد و دیدیم که جامعه بین‌الملل هم هیچ مقابله‌ای با این موضوع نکرد.

آنچه مخالفان برجام از جمله من در مجلس نهم به این موضوع اعتراض داشتیم نوع نگاه این توافق بود. وقتی ما می‌گوییم برنامه اقدام جامع مشترک اولاً جامعیتش زیر سوال بود و همه جهات را در نظر نگرفته بود. بخش دوم این توافق اقدام مشترک بود به این معنا که هر طرفی باید بر اساس نوع تعهدش از آن انتظار داشته باشد، در حالی که ایران همه تعهداتش را انجام داده بود و طرف

دست ایران بسته نیست

ترامپ می خواهد امتیاز بیشتری از ایران بگیرد



حسن بهشتی پور

کارشناس مسائل هسته‌ای

دونالد ترامپ تیر آخرش را نیز به پیکر توافق هسته‌ای با ایران وارد آورد و آخرین ساعات سه شنبه، ۱۸ اردیبهشت به وقت تهران، اعلام کرد که آمریکا از برجام خارج می‌شود. او در صحبت‌های خود، از بازگشت تحریم‌ها نیز سخن گفت و حتی احتمال می‌رود که تحریم‌های ثانویه نیز برگردد. براساس این نوع تحریم‌ها، کشورها بین برقراری روابط اقتصادی با آمریکا یا ایران باید یکی را انتخاب کنند.

اکنون کشورهای اروپایی که متحد آمریکا محسوب می‌شوند در دوراهی قرار دارند؛ اگرچه به نظر می‌رسد که در صورت بازگشت تحریم‌های ثانویه، کشورهای اروپایی نیز با آمریکا همراه خواهند شد. چرا که برای اروپایی‌ها روابط با آمریکا بیش از روابط با ایران ترجیح دارد و حجم مبادلات شان با آمریکا با حجم مبادلات شان با ایران قابل مقایسه نیست.

این در شرایطی است که بازگشت به گذشته سیاست شکست خورده‌ای برای آمریکایی‌ها به حساب می‌آید؛ جان کری، وزیر خارجه دولت باراک اوباما که از جمله مذاکره‌کنندگان در زمان مذاکرات هسته‌ای بود، پیشتر در سخنانی به این موضوع اشاره کرد که ایران در سال ۲۰۰۳ فقط ۱۶۳ سانتریفیوژ داشت؛ یعنی زمانی که دولت بوش پسر با ایران درباره همین مساله درگیر بود نمی‌پذیرفت ایران غنی‌سازی داشته باشد اما بعد از گذشت ۱۰ سال در سال ۲۰۱۳ آمریکا با ایرانی مواجه است که ۱۹ هزار سانتریفیوژ دارد و این یعنی در این سیاست به نتیجه نرسیدیم.

پیام جان کری در واقع این بود که مخالفت با غنی‌سازی ایران بی نتیجه ماند؛ زیرا صنعت هسته‌ای در ایران در اثر تحریم‌ها نه تنها متوقف نشد، بلکه گسترش روزافزون پیدا کرد و در نهایت موجب بومی شدن صنعت هسته‌ای در این کشور شد. بنابراین در آن مقطع به این نتیجه رسیدند که از طریق برجام با ایران به یک راهکار جامع دست پیدا کنند.

در رابطه با اهداف و دلایل ترامپ برای خروج از برجام باید توجه داشت که او هدفش تنها فشار بر ایران است و می‌خواهد با این طرق، تهران را بر سر مسائل موشکی و منطقه‌ای پای میز مذاکره بکشاند. همچنین ترامپ به دلیل اینکه قبل از سمت ریاست جمهوری هیچ‌گونه سابقه سیاسی نداشته است و یک بازرگان بوده که در تجارت عادت به بلوف زدن، چانه‌زنی و تحت فشار قرار دادن طرف مقابل کرده تا بتواند امتیاز بیشتری کسب کند، در مورد برجام نیز همین بازی را به راه انداخته است. در واقع ترامپ بازی‌ای را پیش گرفته تا ایران را تحت فشار قرار دهد و بتواند امتیاز بیشتری کسب کند.

از دیگر سو پس از سخنان ترامپ و اعلام خروج از برجام، حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران در سخنرانی

خود تاکید کرد اگر طرف‌های اروپایی، روسیه و چین ظرف دو هفته آینده با ایران به توافق برسند ما می‌توانیم توافق برجام را بدون آمریکا ادامه دهیم. در این فرض اتحادیه اروپا باید نظام تحریم را به گونه‌ای سازماندهی کند که شرکت‌های متوسط و کوچک با ایران رابطه‌شان را ادامه دهند و شرکت‌های بزرگ اروپایی همچنان با ایران رابطه نداشته باشند. بر این جمع باید چین، هند، ژاپن، کره جنوبی و روسیه را هم افزود زیرا طرف اصلی تجاری با ایران هستند.

با وجودی که از سخنرانی رئیس‌جمهور ترامپ برمی‌آید که او به دنبال احیای رژیم تحریم‌ها علیه ایران است اما باید توجه داشت که ترامپ این واقعیت را نادیده گرفته که رژیم تحریم ایران که حاصل هماهنگی ۱۲ ساله بین اتحادیه اروپا، آمریکا و حتی روسیه، چین، هند، ژاپن و کره جنوبی بود، بر اساس برجام فروپاشیده است، یعنی صرفاً با دستور رئیس‌جمهوری آمریکا نمی‌توان همان رژیم قبلی تحریم‌ها را برقرار کرد. از آنجا که آن تحریم‌ها بر اساس پرونده‌سازی هسته‌ای علیه ایران برقرار شده بود، اینک که آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای یازده بار تایید کرده ایران برجام را اجرا کرده است، دنیا با یک دستور به راحتی با ترامپ هماهنگ نمی‌شود، بلکه این احتمال وجود دارد که دیگر کشورها با همه امکانات خود سعی کنند برای حفظ منافع اقتصادی خود در ایران تا آنجایی که می‌توانند تحریم‌های آمریکا را در قبال ایران دور بزنند.

در شرایط کنونی آمریکا نمی‌تواند متحدان خود را برای خروج از برجام قانع کند زیرا مستندات حقوقی ساخته شده دیگر اعتباری ندارد؛ به همین دلیل ترامپ با استفاده از زور و تهدید و پول عربستان می‌خواهد دیگران را به همراهی با خود ترغیب کند. به نظر می‌رسد آمریکا در این مسیر با مشکلات متعددی روبه‌رو خواهد شد. در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ ایران از طریق مذاکره با تروئیکای اروپایی یعنی سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه تلاش کرد پرونده‌سازی هسته‌ای را به سرانجام برساند. اما چرا سه بیانیه مهم (اول در سعدآباد، دوم بیانیه بروکسل و سوم بیانیه پاریس) به نتیجه نرسید و ناکام ماند؟ در تشریح این مساله، نکات زیادی قابل

در شرایط کنونی آمریکا نمی‌تواند متحدان خود را برای خروج از برجام قانع کند زیرا مستندات حقوقی ساخته شده دیگر اعتباری ندارد؛ به همین دلیل ترامپ با استفاده از زور و تهدید و پول عربستان می‌خواهد دیگران را به همراهی با خود ترغیب کند. به نظر می‌رسد آمریکا در این مسیر با مشکلات متعددی روبه‌رو خواهد شد

ذکر است اما نکته مهم که به عدم حضور آمریکا در این مذاکرات بازمی‌گردد این است که در مذاکرات ایران و گروه تروئیکای اروپا و اتحادیه اروپا چون آمریکا وارد بازی نشده بود و حضور مستقیم نداشت، دولت بوش پسر با همه امکانات خود تلاش می‌کرد از طریق سنگ اندازی مانع از به نتیجه رسیدن مذاکرات شود. با در نظر گرفتن این تجربه تلخ بود که ایران موافقت کرد به جای سه کشور اروپایی، با آمریکا هم مذاکره کند و به گمان توازن بخشی به این معادله روسیه و چین را هم وارد مذاکره کرد. به همین دلیل بود که مذاکرات با گروه ۵+۱ حدود چهار سال بعد در ژوئن ۲۹ تیر سال ۱۳۸۷ (نوزدهم جولای ۲۰۰۸) آغاز شد.

در این رابطه باید به نقش آمریکا توجه داشته باشیم و این نکته را مدنظر قرار دهیم که اگر قرار است بار دیگر با اتحادیه اروپا، چین و روسیه وارد مذاکره شویم ضرورت دارد به این تجربه تاریخی توجه کنیم.

به نظر می‌رسد سیاست ترامپ درباره خروج از برجام هم در داخل آمریکا با چالش جدی روبه‌رو است و هم بین متحدان آمریکا؛ اما این نباید ایران را از این واقعیت غافل کند که اتحادیه اروپا درباره سایر موضوعات از جمله حقوق بشر، مبارزه علیه تروریسم و آنچه بی‌ثبات‌سازی ایران در منطقه می‌خواند، با آمریکا همسو است. بنابراین ایران ضمن آنکه باید در مذاکرات آتی با اتحادیه اروپا، روسیه و چین دست پر داشته باشد باید بتواند در موضوعات دیگری که به امور دفاعی مربوط نیست، از خود انعطاف و تمایل برای همکاری نشان دهد.

همان گونه که مقامات جمهوری اسلامی بارها تاکید کرده‌اند ایران بر سر مسائل دفاعی‌اش با هیچ کشوری وارد مذاکره نخواهد شد و در خصوص مسائل منطقه‌ای نیز بارها تهران اعلام داشته که حضورش در کشوری چون سوریه به درخواست دولت قانونی آن صورت گرفته است، بنابراین دلیلی ندارد که بر سر این مسائل کوتاه بیاییم و بار دیگر با کشورهای غربی به مذاکره بنشینیم.

نکته بسیار مهم آن است که برای جلوگیری از متهم کردن ایران به ساخت سلاح هسته‌ای، ایران باید همکاری خود را با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای حفظ کند و فعالیت‌های خود را زیر نظر آژانس ادامه دهد؛ حتی اگر به عنوان آخرین گزینه از آن پی‌تی‌تی هم خارج شود. همانند اسرائیل، هند و پاکستان که آن پی‌تی‌تی را نپذیرفتند اما عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستند. جمهوری اسلامی ایران اصلاً دستش بسته نیست و راهکارهای متعددی در پیش دارد که می‌تواند هر کدام را که کم‌هزینه‌تر و تاثیرگذارتر بر تنظیم رفتار طرف مقابل است، پیش بگیرد.





توطئه مشترک

چه باز یگرانی از تصمیم برجامی آمریکا استقبال کردند؟



پایان دادن به سلاح‌های اتمی و سلاح کشتار جمعی در منطقه خاورمیانه و همه جهان است.»

طبق گزارش خبرگزاری اردن (پترا)، المومنی همچنین ضرورت پاسخ ایران به دعوت آمریکا برای مذاکره، استمرار گفت‌وگو و همکاری با همه طرف‌ها به منظور عاری شدن منطقه از سلاح کشتار جمعی و دستیابی به تفاهم‌هایی جهت ممانعت از خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای و توقف رقابت تسلیحاتی را خواستار شد. وی اشاره کرد که برقراری امنیت و ثبات در منطقه و جهان از اهمیت زیادی برای همه طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است.

وزارت خارجه عمان، در کمتر از ۲۴ ساعت پس از خروج دولت آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران، با انتشار بیانیه‌ای به این مساله واکنش نشان داد. در این بیانیه آمده است که «عمان که روابطی دوستانه و همکاری با آمریکا و جمهوری اسلامی ایران دارد، پیگیری این تحولات را ادامه می‌دهد و تلاش‌های ممکن را برای حفظ ثبات منطقه به کار می‌گیرد.»

وزارت خارجه عمان ضمن تأکید بر اجتناب از تقابل، اعلام کرد که «معتقدیم که ایران و آمریکا به تحقق صلح و ثبات در منطقه توجه دارند و گزینه رویارویی به سود هیچ طرفی نیست.»

طبق این بیانیه «عمان از موضع پنج عضو دیگر توافق [هسته‌ای] که در تحقق صلح و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی سهیم است، تقدیر و تشکر می‌کند.»

عمان از جمله کشورهای میانجیگر میان ایران و طرف غربی (آمریکایی) در خصوص مذاکراتی بود که سرانجام در تابستان ۱۳۹۴ به امضای توافق هسته‌ای منجر شد. وزارت امور خارجه قطر، بر خلاف عربستان، امارات و بحرین که واکنشی بسیار سریع به خروج آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران (برجام) داشتند و آن استقبال کردند، پس از گذشت ۲۰ ساعت به آن واکنش نشان داد و خواستار تشدید تحریم ایران نشد.

بر اساس آنچه وبگاه رسمی وزارت امور خارجه قطر منتشر کرده است، «دوحه تحولات پرونده توافق هسته‌ای ایران را که در سال ۲۰۱۵ میان ایران و کشورهای ۵+۱ امضا شد و شورای امنیت در قطعنامه شماره ۲۲۳۱ آن را تأیید کرد، از نزدیک دنبال می‌کند.»

در حالی که عربستان و امارات در بیانیه خود از بازگشت تحریم‌های ایران استقبال کردند و خواستار تشدید آن شدند، دوحه اعلام کرد که «اولویت اصلی منطقه خاورمیانه، عاری‌سازی از سلاح اتمی و اجتناب از ورود نیروهای منطقه‌ای به رقابت تسلیحاتی است که عواقب خوبی ندارد» و افزود که «قطر نیز مانند دیگر کشورهای خلیج (فارس) طرفی از اعضای توافق نبوده اما به حکم موقعیت جغرافیایی خود و روابط سیاسی و تاریخی با اعضای توافق، به شکل مستقیم درگیر پیامدهای تصمیم‌هایی است که اعضای توافق، اتخاذ می‌کنند.»

دوحه خواستار تحرک جمعی در چارچوب جامعه بین‌الملل با هدف تضمین عدم آغاز رقابت اتمی احتمالی به دلیل فقدان اعتماد متقابل شد و توضیح داد که «هدف روند عاری‌سازی منطقه از سلاح اتمی در وهله اول تحقق صلح و ثبات است... بنابراین همه بازیگران باید توجه داشته باشند که تاوان عاری‌سازی منطقه خاورمیانه از سلاح اتمی، تشدید وضعیتی نباشد که ملت‌های منطقه که درگیر کشمکش‌ها هستند، تاب تحمل آن را ندارند. در پایان این بیانیه دوحه از تلاش همه بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای و شرکای توافق که تلاش می‌کنند فقیه هرگونه تشدید احتمالی وضعیت را پایین بکشند و کسانی که تلاش می‌کنند راهکاری بیابند که عاری‌سازی منطقه از تسلیحات اتمی را تضمین کند، تقدیر می‌کند و حل اختلافات از طریق گفت‌وگو را به نفع همه طرف‌ها می‌داند.

تصمیم جنجالی ترامپ مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای با ایران، با انتقاد بازیگران بین‌المللی مواجه شد. اکثر بازیگران جهانی از اتحادیه اروپا گرفته تا بسیاری از کشورهای نظیر چین، روسیه، ترکیه و... این اقدام را محکوم کرده و نسبت به اتخاذ چنین تصمیمی از سوی رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا ابراز تاسف کردند. در این میان، تنها بازیگرانی که از اقدام ترامپ در قبال توافق هسته‌ای استقبال کردند، رژیم اشغالگر قدس و ارتجاع عرب بودند.

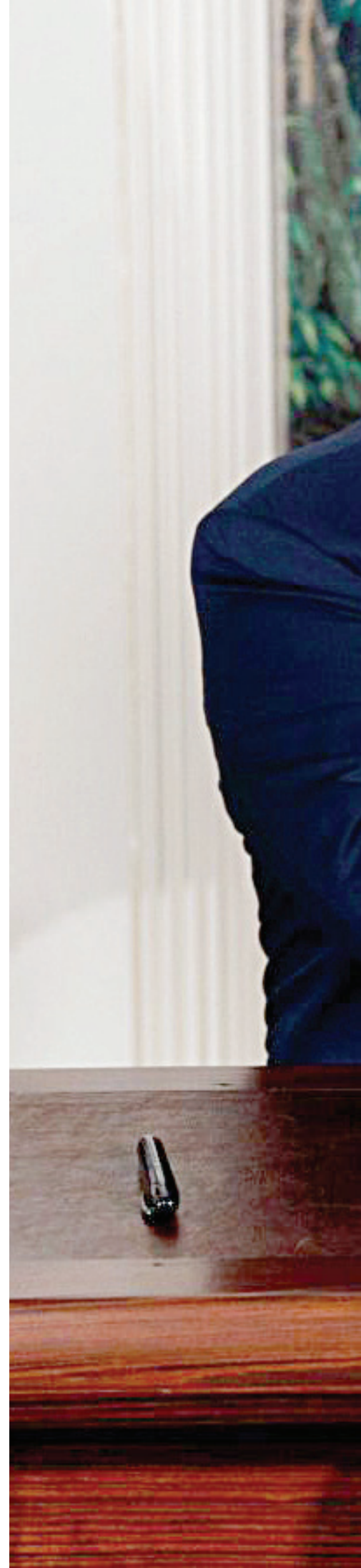
نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی دقایقی پس از اعلام خروج آمریکا از برجام توسط ترامپ از وی به دلیل آنچه «رهبری شجاعانه برای مقابله با ایران» خواند قدردانی کرد. بنیامین نتانیاهو در نشست خبری که پس از نشست خبری دونالد ترامپ برگزار شد، در ادامه فراکنی‌های خود در مورد ایران گفت: «رفع تحریم‌ها علیه ایران نتایج فاجعه‌باری داشته است. این توافق نه تنها تجاوزگری‌های ایران را کاهش بلکه آن را در عراق، لبنان، یمن و به خصوص سوریه که ایران قصد ساخت تاسیسات نظامی و حمله به اسرائیل را دارد، افزایش داده است.»

وی در ادامه ادعاهای بی‌اساس خود علیه کشورمان افزود: «رژیم ایران در حال توسعه موشک‌های بالستیک با توانایی حمل کلاهک هسته‌ای است. ایران از زمان عملی شدن برجام تلاش‌های مخفی خود را برای تولید سلاح هسته‌ای تشدید کرده است. بقای این توافق می‌تواند امنیت جهانی را با مخاطره روبه‌رو کند.» نتانیاهو در پایان از آنچه رهبری شجاعانه ترامپ برای مقابله با ایران خواند حمایت کرد. این در حالی است که مقامات کشورمان هشدار داده بودند که در صورت خروج آمریکا از برجام گزینه‌های متعددی پیش روی ایران وجود دارد که از آنها در صورت لزوم استفاده خواهند کرد.

دودستگی اعراب در مواجهه با ترامپ

غیر از کشورهای مرتجع عربی، دیگر بازیگران موثر در اتحادیه عرب نسبت به تصمیم اتخاذشده از سوی ترامپ واکنشی سلبی نشان دادند. سه کشور عربی عربستان، امارات و بحرین، دقایقی پس از اعلام خروج آمریکا از برجام در شامگاه سه‌شنبه، در بیانیه‌هایی جداگانه از نقض عهد آمریکا در برجام استقبال و حمایت کردند و خواستار تحریم ایران و توسعه دامنه توافق به موضوع توانمندی دفاعی موشکی ایران شدند. دبیرکل اتحادیه عرب نیز در واکنش به لغو برجام از سوی آمریکا مدعی شد که توافق صرفاً هسته‌ای با ایران کافی نیست بلکه باید بازنگری شود و همه سیاست‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای ایران هم در آن مد نظر قرار گیرد. «احمد ابوالغیط» که جمع خبرنگاران در حاشیه افتتاحیه کنفرانس سالاته سازمان تربیت، فرهنگ و دانش عربی (آکسو) در تونس گفت: «باید در توافق هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱ که در سال ۲۰۱۵ امضا شده است بازنگری شود.» وی اضافه کرد: «توافق سال ۲۰۱۵، تنها به برنامه‌های هسته‌ای ایران اختصاص داشت، اما این تنها موضوعی نیست که باید درباره ایران و سیاست‌هایش پیگیری می‌شود. ایران بدون برنامه هسته‌ای نیز سیاست‌های خود را در منطقه پیش می‌برد.» ابوالغیط گفت: «موضع اتحادیه عرب در لزوم اعمال فشارهای بیشتر بر ایران به قوت خود باقی است و در نشست اخیر اتحادیه در اردن و عربستان بر آن تأکید شد.» وی ادعا کرد: «ایران اگر بخواهد روابط مطلوبی با همسایگان عرب خود داشته باشد باید در روش و سیاست‌هایش بازنگری کند.»

با این حال، «محمد المومنی» سخنگوی دولت اردن همکاری ایران با همه طرف‌ها به منظور عاری شدن منطقه سلاح‌های کشتار جمعی را مورد تأکید قرار داد. المومنی اظهار کرد: «موضع تاریخی و روشن اردن، حمایت از همه تلاش‌ها و طرح‌های بین‌المللی از جمله تلاش آمریکا برای



مذاکره بر سر «برجام پلاس» دولت روحانی به دنبال مذاکره جدید با اروپا است

تلاش خاص تروئیکای اروپایی مبنی بر انعقاد توافق ثانویه یا مکمل با جمهوری اسلامی ایران همچنان ادامه دارد. علی‌رغم خروج ایالات متحده آمریکا از برجام و اعلام حمایت تروئیکای اروپایی و افرادی مانند فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا از برجام، همچنان خواسته‌های غیرمنطقی مقامات اروپایی بر سر شروط چهارگانه ترامپ از جمله «تحدید توان موشکی ایران»، «کنترل فعالیت‌های منطقه‌ای ایران»، «اعمال بازرسی از اماکن نظامی ایران» و «اعمال محدودیت‌های هسته‌ای برای پس از سال ۲۰۲۵ میلادی» به قوت خود باقی است. از این رو منظور مقامات اروپایی از حفظ برجام، حفظ توافق هسته‌ای به صورت موجود نیست. این محاسبه باید در معادلات سیاست خارجی کشورمان به صورتی جدی و به دور از هرگونه اشتباه، مدنظر قرار داده شود. از سوی دیگر، بازی و مانور رسانه‌های غربی در این خصوص کاملا قابل تامل است.

برخی رسانه‌های غربی معتقدند که برجام بدون حضور ایالات متحده آمریکا دیگر از اعتباری برخوردار نیست زیرا با وضع دوباره تحریم‌های ثانویه واشنگتن علیه تهران، عملاً شاهد برهم خوردن توافق هسته‌ای و نقض غرض آن خواهیم بود. با این حال برخی رسانه‌های دیگر معتقدند که کلیت سند برجام بر هرگونه اقدام واشنگتن در تقابل با آن غلبه دارد.

رمزگشایی از مواضع اخیر مقامات غربی، می‌تواند نقش موثری در ترسیم خواسته‌های تروئیکای اروپایی در قبال «برجام جدید» داشته باشد. مواضع اخیر «بوریس جانسون» وزیر خارجه محافظه‌کار انگلیس در جریان سفر به ایالات متحده آمریکا، بار دیگر بازی مستقیم لندن در زمین واشنگتن را در مقابل دید همگان به تصویر کشید. جانسون ابتدا در یادداشتی در روزنامه «نیویورک تایمز» نوشت: «من معتقدم حفظ محدودیت‌های موجود در این توافق علیه برنامه هسته‌ای ایران به مقابله با رفتارهای تهاجمی تهران در منطقه هم کمک خواهد کرد. من از یک چیز اطمینان دارم؛ تمام گزینه‌های جایگزین، بدتر هستند.

عاقلانه‌ترین مسیر، ارتقای دستبندهاست نه باز کردن آنها.»

در ادامه نیز وزیر خارجه انگلیس پرده از چهره ظاهری دیپلمات‌مآبانه خود برداشت و به جای تاکید بر «مهار زیاده‌خواهی‌های هسته‌ای ترامپ» تاکید کرد: «ما باید در برابر ایران محکم‌تر بوده و نواقص توافق را برطرف کنیم. این توافق می‌تواند مانع مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای در منطقه شود. ترامپ حق دارد خواستار توجه به موضوع محدودیت‌های زمانی اعمال شده علیه برنامه هسته‌ای ایران (بند‌های موسوم به غروب آفتاب) شود.» همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقامات اروپایی درصدد هستند تا به قول خود افکار عمومی دنیا را نسبت به اعمال محدودیت‌های تازه در قبال توافق هسته‌ای توجیه کنند. در این میان، تحدید توان موشکی ایران، اصلی‌ترین خواسته غرب را شامل می‌شود.

تابستان سال گذشته و در جریان برگزاری نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک نیز مقامات ارشد انگلیسی، فرانسوی و آلمانی در دیدار با سران آمریکا و رژیم صهیونیستی به آنها تعهد دادند نهایت تلاش خود را در راستای «تغییر توافق هسته‌ای» یا «همکاری برای ابطال برجام» انجام دهند. به عبارت بهتر، مقامات اروپایی از ابتدا به ترامپ و نتانیاهو تعهد داده‌اند تابع تصمیم نهایی آنها در قبال برجام هستند، حتی اگر بنا به دلایلی موافق خروج از برجام نباشند. در حال حاضر نیز تروئیکای اروپایی در صدد است فرمول «برجام بدون آمریکا» را با استناد به «تعهدپذیری بیشتر ایران» و «تعهدپذیری کمتر غرب» اعمال و اجرا نماید.

مقامات دولت و کنگره آمریکا در ریل‌گذاری استراتژیک سال ۲۰۱۵ میلادی، «برجام» را به عنوان یک «پدیده مستقل» در نظر گرفته و آن را به مثابه قطعه‌ای از پازل «تحدید و کنترل ایران قدرتمند» تعریف کردند. بر این اساس، قرار بود برجام صرفاً حکم یک «پیش‌درآمد» یا «نماد» را برای مهار قدرت همه‌جانبه ایران داشته باشد. در مذاکرات ایران و اعضای ۵+۱ در ماه نوامبر سال ۲۰۱۴ میلادی، جان کری تلاش کرد این

«پیش‌درآمد»، ماهیتی «هسته‌ای-موشکی» داشته باشد و صرفاً محدود به توان هسته‌ای ایران نشود. حتی کار تا آنجا پیش رفت که طرف آمریکایی حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران را منوط به گنجاندن موضوع توان موشکی کشورمان در برجام کرد. با این حال مواضع حکیمانه و قاطعانه رهبر معظم انقلاب اسلامی سبب شد دولت اوباما در نهایت از این خواسته عقب‌نشینی کند. با این حال دموکرات‌های آمریکا در همان زمان نیز تاکید داشتند بدون اعمال محدودیت علیه توان موشکی ایران، برجام پروژه‌ای ناقص محسوب می‌شود. این فرمولی است که هم‌اکنون توسط اروپا نیز دنبال می‌شود.

تروئیکای اروپایی (انگلیس، آلمان و فرانسه) در همان دوران برگزاری مذاکرات هسته‌ای نیز متفق‌القول بودند توان هسته‌ای و موشکی ایران مکمل یکدیگر محسوب می‌شود و مهار یکی از این دو بدون دیگری، خلل‌چندانی در قدرت منطقه‌ای ایران ایجاد نخواهد کرد. با این حال در سال ۲۰۱۵ میلادی، تروئیکای اروپایی و دموکرات‌های کاخ سفید به این نتیجه رسیدند موضوع توان موشکی ایران می‌تواند به اولویت دوم مذاکرات ایران و اعضای ۵+۱ تبدیل شود تا در آینده‌ای نزدیک بتوانند آن را نیز در همان زمینه «مهار ایران قدرتمند» تعریف کنند. چنان‌که از سخنان افرادی مانند بوریس جانسون، وزیر خارجه انگلیس، امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و زیگمار گابریل وزیر خارجه آلمان برمی‌آید، تروئیکای اروپایی معتقد است حد یقف مواضع خود در قبال برجام را باید «تحدید توان موشکی ایران» اعلام کند. اعلام مکرر نگرانی مقامات فرانسوی، آلمانی و انگلیسی از توان موشکی کشورمان در همین راستا قابل ارزیابی است. تروئیکای اروپایی قصد دارند بر سر «برد موشک‌ها»، «وزن کلاهک‌ها» و «تعداد موشک‌های تحت مالکیت ایران» با کشورمان وارد مذاکره شوند. از این رو باید نسبت به بازی اتحادیه اروپا و خصوصاً سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس در تقابل با برنامه هسته‌ای و موشکی ایران رصد هوشمندانه‌ای داشت. هم‌اکنون، در حالی که ترامپ از برجام خارج شده است دیگر جایی برای طرح مسائلی مانند «توافق مکمل» و «ثانویه» وجود ندارد. در این میان، تروئیکای اروپایی باید تعهد دهند علاوه بر اجرای دقیق برجام (بدون اضافه کردن کمترین بند و کلمه‌ای به آن)، نسبت به ارائه تضمین‌های لازم اقتصادی به ایران متعهد شوند. بدیهی است که ملت ایران اجازه تحمیل «برجام ۲» آن هم با استناد به تکنیک لبخند مقامات اروپایی را نخواهد داد، موضوعی که باید از سوی دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان به طرف‌های اروپایی تفهیم شود.



تحریم‌های مربوط به حوزه بانکداری، بیمه و نفت علیه کشورمان است. با این حال سوال اصلی اینجاست که چنین اقدامی چگونه و بر اساس چه مکانیزمی اعمال می‌شود؟

مکانیزم اعمال تحریم‌های ثانویه آمریکا

به طور کلی، در تحریم ثانویه، کشور تحریم کننده، کشورهای دیگر را نیز مجبور به رعایت این قوانین تحریمی می‌کند و در صورت عدم رعایت، آنها را مورد مجازات قرار می‌دهد. به عبارت بهتر، این تحریم‌ها و اعمال آنها صرفاً به مناسبات دوطرفه ایران و ایالات متحده آمریکا باز نمی‌گردد. در این خصوص ایالات متحده آمریکا شرکت‌های تجاری، بانک‌ها و... در سرتاسر دنیا را نسبت به انجام هر گونه مرادده تجاری با ایران تهدید کرده و علیه آنها جرایم مالی سختی اعمال می‌کند.

تحریم‌های اقتصادی شامل تحریم بانکی و غیربانکی می‌شود. تحریم غیر بانکی این گونه تشریح می‌شود که سرمایه‌گذاری و واردات و صادرات به کشور تحریم شده ممنوع است اما در تحریم بانکی، هدف تحریم، موسسات مالی است.

با توجه به میزان اثرگذاری تحریم‌های ثانویه بانکی بر اقتصاد کشور و همچنین اهمیتی که این موضوع می‌تواند در برقراری ارتباط با بانک‌های بین‌المللی داشته باشد، این مسأله از اهمیت زیادی برخوردار است. هدف تحریم‌های ثانویه بانکی تحت الشعاع فعالیت‌های موسسات مالی (اعم از داخلی و خارجی) است که مستقیم یا غیرمستقیم به نهادهای تحریمی خدمت ارائه می‌دهند. به عبارتی زمانی که این تحریم‌ها علیه نهادی صادر شوند، ذیل آن تحریم‌ها این موضوع بیان می‌شود که هیچ‌یک از موسسات مالی حق ارائه خدمت به نهادهای تحریم شده را ندارند و در صورت خدمت‌رسانی به این نهادها، مجازات می‌شوند.

حال اگر موسسات مالی به نهادهای تحریمی خدمات ارائه دهند در این صورت، اگر این نهادها در داخل کشور تحریم شده باشند در لیست تحریم قرار خواهند گرفت ولی اگر از خارج کشور تحریم شده، این اتفاق بیفتد، موسسه مالی‌ای که این تخلف را انجام داده است دیگر اجازه گشایش حساب کارگزاری در آمریکا ندارد. با توجه به جایگاه اقتصادی آمریکا و همچنین نقش غیرقابل انکار دلار در تجارت جهانی، بانک‌ها و موسسات مالی بین‌المللی برای ادامه روند فعالیت خود مجبور هستند تا قوانین بانکی آمریکا را رعایت کنند و از ارائه خدمت به نهادهای تحریمی امتناع ورزند، چرا که برای تبادل معاملات خود نیازمند دلار آمریکا می‌باشند. بنابراین بانک‌ها در صورت تخلف از این تحریم‌ها از برقراری ارتباط با نظام بانکی آمریکا محروم می‌شوند. اما آنچه در عمل، آمریکا در دستور کار خود قرار می‌دهد، گرفتن جریمه سنگین و تعهد به عدم همکاری با نهادهای تحریم شده از این موسسات مالی است. برای مثال کردیت بانک سوئیس در سال ۸۸ مبلغ ۵۳۶ میلیون دلار را به دلیل نادیده گرفتن تحریم‌های آمریکا علیه ایران جریمه شد یا موسسه مالی ان‌جی‌اوهلند با همین اتهام مبلغ ۶۱۹ میلیون دلار در خرداد ۱۳۹۱ به پرداخت جریمه متهم شد.

مکانیزم معافیت از تحریم‌های ثانویه

مکانیزم معافیت استثنایی برخی کشورها یا شرکت‌ها از تحریم‌های ثانویه آمریکا، موضوع دیگری است که باید در این خصوص مدنظر قرار گیرد. در این میان، ایالات متحده آمریکا به عنوان وضع کننده تحریم‌های ثانویه علیه کشورمان، می‌تواند برخی شرکت‌های خصوصی و دولتی را نسبت به این تحریم‌ها مستثنی کرده و حتی با وجود ارتباط مالی و اعتباری و تجاری آنها با ایران، علیه آنها جریمه یا تحریمی را وضع نکند. به نظر می‌رسد کشورهای اروپایی و خصوصاً تروئیکای اروپایی قصد داشته باشند از این مکانیزم برای مستثنی کردن خود از تحریم‌های ثانویه آمریکا استفاده کنند.



محاصره نفت و بانک

کدام تحریم‌های آمریکا باز می‌گردد؟

تحریم‌های ضد ایرانی را بازگردانند. «
وی در ادامه گزاره گوییه‌هایش ادعا کرد برجام، برنامه هسته‌ای ایران را که هدفش دستیابی به تسلیحات هسته‌ای است، متوقف نکرده است.

تحریم‌های ثانویه ایران بازمی‌گردد

اقدام ترامپ در بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران، به معنای بازگشت تحریم‌های ثانویه علیه کشورمان است. اولین تحریم ثانویه آمریکا علیه ایران در سال ۲۰۱۰ در قانونی به نام سیسادا (SISADA) تصویب شد که در بند ۱۰۴ آن به تشریح مجازات موسسات مالی مرتبط با نهادهای تحریمی می‌پردازد. همچنین در قانونی دیگر به نام کاهش تهدید ایران (TRA) مصوب سال ۲۰۱۲ در بند ۲۱۵ به اعمال تحریم‌ها علیه موسسات مالی و افرادی می‌پردازد که در جهت گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در حال فعالیت هستند و ارائه خدمت می‌کنند. در قانون دیگری به نام قانون اختیارات دفاع ملی (NDA) که در سال ۲۰۱۲ در دستور کار آمریکا قرار گرفت در بند ۱۲۴۵ آن به بررسی تحریم‌های مربوط به بخش مالی ایران می‌پردازد و در آخر قانونی تحت عنوان ایفکا (ifca) که در سال ۲۰۱۳ به تصویب کنگره آمریکا رسید، در بند ۱۲۴۷ این گونه بیان می‌کند که در صورت ارائه خدمت موسسات خارجی به افراد ایرانی مقرر در لیست تحریم (SDN LIST)، تحریم به آنها اعمال خواهد شد و از بازگشایی حساب کارگزاری منع می‌شوند.

یکی از اهداف ترامپ از لغو برجام، بازگرداندن

متعاقب عدم تمدید تعلیق تحریم‌های هسته‌ای ایران (وفق سند برجام)، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از بازگشت تحریم‌ها علیه کشورمان در یک بازه زمانی نسبتاً کوتاه خبر داده است. جان بولتون، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهوری آمریکا تصمیم ترامپ برای خروج از برجام را «یک بیانیه مستحکم آمریکایی» برای ممانعت از توسعه تسلیحات هسته‌ای و قابلیت موشک‌های بالستیک از سوی ایران توصیف کرد.

بولتون در ادامه گفت: «تصمیم ترامپ تحریم‌های ایالات متحده را که پیش از توافق هسته‌ای علیه ایران اعمال شده بود [و پس از توافق تعلیق شده بود] را بار دیگر برقرار می‌کند.» مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهوری آمریکا می‌گوید شرکت‌هایی که هم‌اکنون در حال تجارت با ایران هستند، ۶ ماه وقت دارند تا توافقات [حضور] خود را کاهش دهند.

همچنین مشاور امنیت ملی آمریکا ابراز امیدواری کرد همان گونه که واشنگتن تحریم‌های ضد ایرانی را بازگرداند، اتحادیه اروپا نیز تحریم‌های ضد ایرانی خود را مجدداً علیه تهران اعمال کند. جان بولتون در مصاحبه با فاکس نیوز ادعا کرد: «ایران به شیوه‌های مختلفی نشان داده است که نمی‌تواند نسبت به محدودیت‌های اعمال شده در توافق هسته‌ای بی‌توجه باشد. آنچه آنها می‌خواهند کسب منافع اقتصادی از این توافق بود که اوپاما و جان کری این منافع را به آنها رساندند، البته آنها سعی دارند این منافع اقتصادی را حفظ کنند؛ اما من فکر می‌کنم عملکرد واقعی ایرانی‌ها، آنها را در جایگاهی قرار می‌دهد که دوستان اروپایی‌مان نیز همراه ما

تنفس مصنوعی

واکنش چین و روسیه به خروج آمریکا از برجام چگونه بود؟

خروج دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران از ابعاد مختلفی قابل تأمل است. به‌طور کلی اقدامات یکجانبه واشنگتن و ترونیکی‌های اروپایی در خصوص مذاکره مجدد بر سر برجام (طی یک‌سال گذشته)، مورد حمایت دو بازیگر شرقی یعنی پکن و مسکو نبوده است. از سوی دیگر، روسیه و چین علاوه بر آنکه دارای حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل متحد بوده و دو عضو دائم این مجموعه به‌شمار می‌آیند، دو عضو امضاکننده توافق هسته‌ای با ایران محسوب می‌شوند. در اینجا به مرور مواضع و واکنش‌های دو کشور روسیه و چین متعاقب خروج ایالات متحده از برجام می‌پردازیم.

حمایت لاوروف از ادامه برجام

وزیر امور خارجه روسیه یک روز پس از اعلام خروج واشنگتن از توافق هسته‌ای، بر پایبندی کشورش به برجام تأکید کرد و گفت: «روسیه به طرح اقدامات مشترک و جامع درباره برنامه هسته‌ای ایران پایبند خواهد ماند.» سرگئی لاوروف که با آغاز به کار دولت هفتم روسیه کفیل مقام وزیر امور خارجه روسیه محسوب می‌شود، روز چهارشنبه هفته گذشته در واکنش به پرسش‌های خبرنگاران در خصوص خروج آمریکا از برجام در سخنانی کوتاه به خبرنگاران این مطلب را بیان کرد.

تاس هم در خبری اعلام کرد که الکساندر گوشکو که به تازگی معاون وزیر امور خارجه روسیه شده است، در این باره گفته روسیه با تمامی طرف‌های توافق هسته‌ای در تماس است و در نشست آتی رئیس‌جمهوری روسیه و صدراعظم آلمان این موضوع محور مذاکرات خواهد بود. در بیانیه وزارت خارجه روسیه که سه‌شنبه شب در پایگاه اینترنتی این وزارتخانه منتشر شد، آمده است:

«ایران به تعهدات خود در چارچوب برجام کاملاً پایبند بوده و این امر به‌طور منظم از طرف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید شده است.»

روسیه به‌طور همه‌جانبه از این روند حمایت و استقبال می‌کند و با ایران تاسف شدید، اعلام می‌کند که اقدامات واشنگتن به اعتماد بین‌المللی به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در جریان اجرای برجام دائماً مهارت عالی خود را به اثبات رساند، ضربه می‌زند.»

در بخش دیگری از بیانیه آمده است: «از تصمیم رئیس‌جمهوری آمریکا که به صورت یکجانبه از اجرای تعهدات خود در برجام خودداری کرده و دوباره تحریم‌های آمریکایی علیه ایران را احیا می‌کند، به شدت مایوس شدیم.» وزارت خارجه روسیه خاطر نشان کرده است: «برجام توافق چندجانبه مهمی است که در سال ۲۰۱۵ با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تأیید شده است، این توافق فقط به آمریکا تعلق ندارد، بلکه متعلق به کل جامعه جهانی است که بارها بر علقه‌مندی برای حفظ آن و اجرای مستمر و پایدار این توافق برای تحکیم امنیت و صلح بین‌المللی، منطقه‌ای و نظام منع اشاعه سلاح هسته‌ای تأکید کرده است.»

بسیار نگرانیم که آمریکا بار دیگر برخلاف خواست اکثریت کشورهای و صرفاً در جهت منافع کوتاه‌بینانه و سودجویانه خود اقدام می‌کند و معیارهای قوانین بین‌المللی را نادیده می‌گیرد.»

وزارت خارجه روسیه در بیانیه خود خاطر نشان کرده است: «هیچ دلیلی برای اختلال در برجام وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ این توافق کارایی خود را به‌طور کامل اثبات کرد، برجام به‌طور موثر از عهده حل تمام وظایف محوله برمی‌آید.»

در بیانیه دستگاه دیپلماسی روسیه تصریح شده

است: «تصمیمی که روز هشتم ماه می (خروج آمریکا از برجام) اعلام شد، بار دیگر ناتوانی واشنگتن از اجرای توافق‌هایی را که در آن شرکت می‌کند، اثبات کرد. این اقدام همچنین نشان داد که ایرادهای آمریکا به فعالیت‌های هسته‌ای کاملاً قانونی ایران صرفاً بهانه‌ای برای تسویه حساب سیاسی با این کشور است.»

در این بیانیه همچنین گفته شده است: «موضوعی که آمریکا اعلام کرده نقض مفاد برجام است و اعضای کمیسیون برجام باید سریعاً و به‌طور دقیق این وضعیت را در جریان مراحل پیش‌بینی شده، بررسی و مورد ارزیابی قرار دهد.» در پایان خاطر نشان شده است که روسیه برای ادامه همکاری با سایر اعضای برجام آماده است و به توسعه همکاری‌های دوجانبه و گفت‌وگوهای (روابط) سیاسی با جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌دهد.

ریابکوف به تهران سفر می‌کند

سرگئی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه و عضو ارشد تیم مذاکره کننده هسته‌ای این کشور در سلسله مذاکرات برجامی با ایران نیز اقدام واشنگتن در نقض توافق هسته‌ای با ایران را محکوم کرد. ریابکوف حتی ساعاتی قبل از اعلام نظر نهایی ترامپ در خصوص برجام و خروج رسمی ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران تأکید کرد: «دلیلی ندارد که فکر کنیم ایران در حال ساخت بمب اتمی است. مسکو بر این باور است که نمی‌توان ایران را به امتیاز دادن‌های یکطرفه مجاب کرد. روسیه مخالف افزایش فشارها بر ایران است. روسیه به آمریکا توصیه می‌کند که توافق هسته‌ای با ایران را از بین نبرد. طرح فرانسه برای توافق الحاقی بر برجام باید بررسی شود. روسیه منتظر پیشنهاد مدون گفت‌وگو درباره توافق الحاقی است.»

با این حال، هنوز مشخص نیست که آیا با وجود ابطال توافق هسته‌ای از سوی ترامپ و خروج یکجانبه واشنگتن از برجام، آیا روسیه همچنان از ایده فرانسه مبنی بر انعقاد توافق الحاقی استقبال می‌کند یا خیر. در این خصوص قرار است سرگئی ریابکوف در این هفته به تهران سفر کرده و با مقامات وزارت امور خارجه کشورمان در خصوص آخرین تحولات برجام دیدار و گفت‌وگو کند.

ایراز تاسف پکن از اقدام یکجانبه ترامپ

از سوی دیگر، مقامات چینی نیز ضمن محکوم کردن اقدام رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، نسبت به این اقدام ایراز تاسف کردند. وزارت امور خارجه چین در واکنش به تصمیم شب گذشته رئیس‌جمهور آمریکا برای خروج از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بیانیه‌ای منتشر کرد.

در این بیانیه آمده است: «چین از تصمیم آمریکا برای خروج از توافق هسته‌ای با ایران متأسف است و از همکاری کامل با این توافق حمایت می‌کند. چین به همکاری تجاری و اقتصادی با ایران بدون نقض تعهدات بین‌المللی ادامه خواهد داد.»

همچنین لیو شیائومینگ، سفیر چین در انگلیس نیز با اعلام حمایت پکن از توافق هسته‌ای گفت: «کره شمالی بر تصمیم رئیس‌جمهور آمریکا درباره برجام نظارت می‌کند. اگر شما از توافقی که دولت قبلی کشورتان امضا کرده کناره‌گیری کنید، یک سابقه بد ایجاد خواهید کرد.» وی که در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ به‌عنوان سفیر چین در کره شمالی فعالیت کرده است، در ادامه تأکید کرد که تضعیف توافق هسته‌ای یک گام رو به عقب خواهد بود.



سرانجام دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد. این اقدام در حالی صورت گرفت که مطابق آخرین نظرسنجی‌های صورت گرفته در آمریکا، حدود دو سوم شهروندان این کشور مخالف خروج ترامپ از برجام بودند. از سوی دیگر، نوع واکنش‌های صورت گرفته نسبت به اقدام رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا نیز نشان دهنده انزوای واشنگتن در نظام بین‌الملل و عدم استقبال جامعه جهانی از تصمیم کاخ سفید است. در این خصوص گفت‌وگویی با دکتر هادی آجیلی عضو هیات علمی دانشکده روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی و کارشناس مسائل بین‌الملل صورت داده‌ایم که از نظر تان می‌گذرد.



است که بسیاری از شرکتهای تجاری و اعتباری دیگر کشورها از جمله کشورهای اروپایی دیگر حاضر به همکاری با ایران نخواهند بود. این حقیقتی است که باید آن را در تحلیل وضعیت موجود مدنظر قرار داد. نباید فراموش کرد که کشورهای اروپایی در طی ۲ سال اخیر نیز نتوانستند شرکت‌های خود را برای سرمایه‌گذاری در ایران ترغیب کنند زیرا فشارهای وارده از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا مانع از این روند می‌شود. حال که ایالات متحده به صورت رسمی از برجام خارج شده است این روند تشدید خواهد شد، بنابراین، حتی اگر اروپاییان بخواهند برجام را حفظ کنند و نخواهند نقش پلیس خوب و پلیس بد را مانند آنچه تاکنون صورت داده‌اند ایفا کنند، باز هم نمی‌توانند از تاثیر اعمال تحریم‌های ثانویه آمریکا بر شرکتهای خود جلوگیری کنند.

در اینجا نکته دیگری نیز وجود دارد که باید نسبت به آن توجه کنیم. اینکه سه تن از رهبران اروپایی یعنی آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و تراز می، نخست‌وزیر انگلیس با هدف آنچه حفظ برجام می‌خواندند، به ایالات متحده سفر کرده و با ترامپ دیدار و گفت‌وگو کردند اما در این خصوص نتوانستند به موفقیتی دست پیدا کنند. حتی آنها حاضر به پذیرش شروط چهارگانه ترامپ در خصوص گنجانند موضوع توان موشکی ایران در برجام، بازسازی از امکان نظامی ایران و... شدند اما در نهایت ترامپ وقعی نسبت به خواسته‌های این سه رهبر اروپایی نهداد. در حال حاضر و با وجود اعمال دوباره تحریم‌ها، کشورهای اروپایی ناچارند اگر خواستار حفظ واقعی برجام هستند جریمه شرکت‌های اروپایی (که از سوی آمریکا و برای تجارت با ایران وضع می‌شود) را بپردازند و یا به صورت مستقیم با ایالات متحده آمریکا وارد مناقشه شوند. دو اقدامی که هیچ یک از آنها را تروئیکای اروپایی و اتحادیه اروپا صورت نمی‌دهد.

در نهایت باید این نکته را مدنظر قرار دهیم که وقتی اروپا از پایبندی به برجام سخن می‌گوید، منظورش یکی تعهدپذیری ایران و ادامه عمل به تعهدات ایران و قف برجام است و دیگری، خریدهای ایران از اروپا در حوزه واردات و انتفاع مالی اروپا در این خصوص حفظ شود. اگر نه در این میان دغدغه‌ای از سوی اتحادیه اروپا و خصوصاً تروئیکای اروپایی در خصوص عمل به تعهدات خود مطابق توافق هسته‌ای با ایران وجود ندارد.

اروپا قدرت مهار تحریم‌های ثانویه آمریکا را ندارد دکتر هادی آجیلی در گفت‌وگو با مثلث

که ایران درصدد دستیابی به بمب اتم است و حتی با وجود برجام نیز این اقدام را صورت می‌دهد. اما با گذشت زمان، مشاهده واقعبینانه و انتشار گزارش‌های رسمی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، این ذهنیت مردم آمریکا تغییر کرد. به گونه‌ای که هم‌اکنون اکثر آنها از توافق هسته‌ای با ایران حمایت می‌کنند.

اخیراً رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنانی قاطعانه تصریح کردند که نسبت به مذاکره با تروئیکای اروپایی و تعهدپذیری آنها در قبال حفظ توافق هسته‌ای نیز خوشبین نیستند. نظر شما در خصوص سخنان ایشان چیست؟

▲ طی سال گذشته، نظر دولت فعلی این بود که اروپا توان انعقاد توافقاتی ثابت و دائمی با ایران را ندارد و برای تعلق تحریم‌ها، باید با ایالات متحده آمریکا وارد مذاکره شود. از این رو خود دولت مصر بود که مهره اصلی که زمام تحریم‌ها را در دست دارد ایالات متحده آمریکا است و در این معادله، اروپا نقش تبعی و ثانویه دارد. الان هم با توجه به بازگشت تحریم‌ها، کشورها و دولت‌های اروپایی نمی‌توانند شرکت‌ها و کمپانی‌های خصوصی را نسبت به همکاری با ایران ترغیب نمایند. تحریم‌های اعمال شده از سوی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا به گونه‌ای

دونالد ترامپ سرانجام به صورت همزمان افکار عمومی دنیا و حتی افکار عمومی کشور خود را نادیده انگاشت و خروج رسمی ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران را اعلام کرد. این اقدام چه عواقب و تبعات می‌تواند برای واشنگتن در پی داشته باشد؟

▲ آنچه مسلم است اینکه دونالد ترامپ در حال عمل کردن نسبت به وعده‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا است. وعده‌هایی که وی سعی در عملی ساختن همه آنها طی یک سال اخیر داشته است. از سوی دیگر، ترامپ نسبت به میراث‌های به‌جامانده از دولت قبلی آمریکا، یعنی دولت اوباما دید منفی و بازدارنده‌ای دارد و سعی دارد هر نشانی از دولت اوباما را در دوران ریاست جمهوری خود از بین ببرد. این قاعده به صورت مشخص در خصوص برجام نیز صادق است. در این راستا ترامپ به همان رویکرد تاجرمایانه خود استناد می‌کند. او از کشورهای مرتجع عربی مانند عربستان سعودی پول دریافت می‌کند و از سوی دیگر، حمایت رژیم صهیونیستی و لابی‌های وابسته به این رژیم را نیز کسب می‌کند. در یک جمله می‌توان اعلام کرد که آمریکا در دوران ریاست جمهوری ترامپ به مزدور کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. او از آنها پول می‌گیرد و در ازای آن، سیاست‌های مورد علاقه آنها را پیاده می‌کند.

افکار عمومی آمریکا در دوران ریاست جمهوری اوباما اکثر مخالفان انعقاد توافق هسته‌ای با ایران بودند اما هم‌اکنون شاهد حمایت اکثر آنها از برجام هستیم. دلیل این تغییر نگرش چیست؟

▲ در دوران ریاست جمهوری اوباما به واسطه ایران هراسی صورت گرفته از سوی مقامات آمریکایی، هنوز مشخص نبود که ایران به تعهدات خود عمل می‌کند. همچنین به افکار عمومی آمریکا این گونه القا کرده بودند

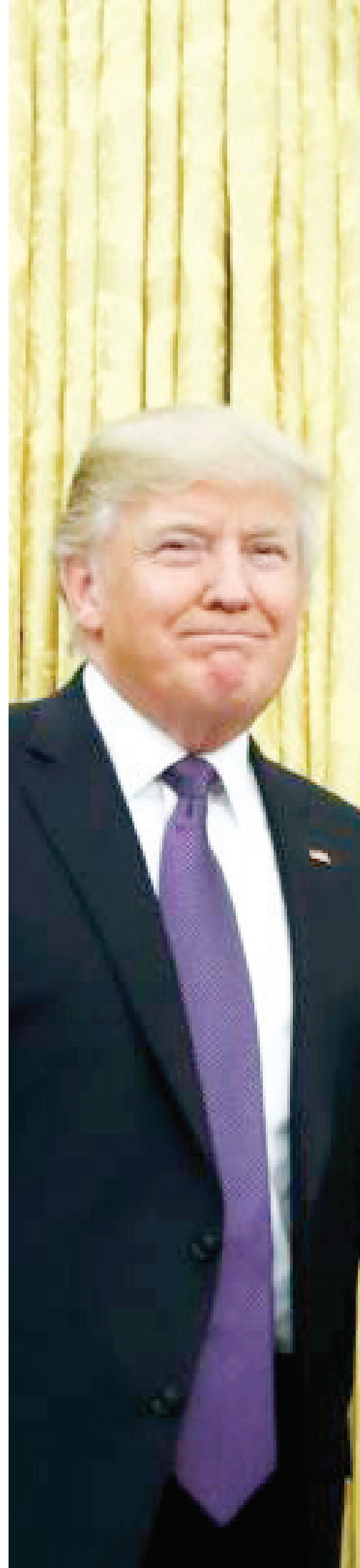
بنگاه تحریم

وزارت خزانهداری آمریکا چگونه به تحریم اقتصادی ایران اقدام می کند؟

با استعمار بی حد و حصرش جیب‌های خود را پر کرده بود، در سال ۱۷۸۱ به عنوان سرپرست امور مالی منصوب شد و ثبات را به امور مالی کشور بازگرداند. کارکنان او شامل خزانه‌دار، منشی و حسابرسان بودند. این کابینه سه نفره تا سال ۱۷۸۴ اداره امور مالی کشور را در دست گرفتند. در این زمان بود که موریس به خاطر بیماری از سمتش استعفا داد. هیات خزانه که متشکل از سه نماینده بود به اداره امور مالی کنفدراسیون مستعمرات سابق تا سپتامبر ۱۷۸۹ ادامه داد. اولین کنگره ایالات متحده در ۴ مارس ۱۷۸۹ در نیویورک تشکیل جلسه داد و شروع به کار دولت را تحت قانون اساسی اعلام کرد. در دوم سپتامبر ۱۷۸۹، کنگره یک موسسه دائمی برای مدیریت امور مالی دولت ایجاد کرد. الکساندر همیلتون مدتی بعد، در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۷۸۹، به عنوان اولین وزیر خزانه‌داری سوگند یاد کرد. همیلتون در زمان انقلاب به عنوان دستیار جورج واشنگتن خدمت کرده بود و از اهمیت زیادی در تصویب قانون اساسی برخوردار بود. همیلتون به دلیل نوع مدیریتش، انتخابی منطقی برای حل مشکل بدهی‌های سنگین دولت بود. اولین اقدام رسمی همیلتون این بود که گزارشی را به کنگره تقدیم کرد که در آن پایه و اساس سلامت مالی دولت را پی افکند. در کمال تعجب بسیاری از قانونگذاران، وی را تقبل کردن بدهی‌های دولت فدرال و بازپرداخت بدهی ۷۵ میلیون دلار دولت به منظور احیای اعتبار عمومی اصرار داشت. همیلتون پیش‌بینی کرد که آمریکا در سال‌های آتی رشد صنعتی و تجاری بالایی داشته باشد و اظهار کرد که درآمد دولت بر اساس عوارض گمرکی صورت خواهد گرفت. سیاست‌های مالی اثربخش او همچنین باعث سرمایه‌گذاری در بانک ایالات متحده شد که به عنوان عامل مالی حکومت عمل کرد. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی در وزارت خزانه‌داری ایالات متحده مدیریت تعدادی از برنامه‌های مختلف تحریم‌ها را بر عهده دارد. با استفاده از مسدود کردن دارایی‌ها و محدودیت‌های تجاری برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی و اهداف امنیت ملی، این تحریم‌ها می‌تواند جامع یا گزینشی باشد. برخی از تحریم‌های اعمالی از سوی اداره کنترل دارایی‌های خارجی در وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا به شرح زیر است:

- تحریم‌های مربوط به حوزه بالکان
- تحریم‌های اعمال شده بر بلاروس
- قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم‌ها علیه روسیه، ایران و کره شمالی
- تحریم‌های علیه جمهوری آفریقای مرکزی
- تحریم‌های مبارزه با قاچاق مواد مخدر
- تحریم‌های مبارزه با تروریسم
- تحریم‌های علیه کوبا
- تحریم‌های جمهوری دموکراتیک کنگو
- تحریم‌های سایبری
- تحریم‌های علیه ایران
- تحریم‌های مربوط به قانون ماگنیتسکی
- تحریم‌های مرتبط با عراق
- تحریم‌های مربوط به لیبی
- تحریم‌های مربوط به لبنان
- تحریم‌های منع اشاعه تسلیحات هسته‌ای علیه ایران، سوریه و کره شمالی
- تحریم‌های علیه کره شمالی
- تحریم‌های علیه سومالی
- تحریم‌های علیه سودان جنوبی
- تحریم‌های علیه سوریه
- تحریم‌های علیه سازمان‌های جنایی فراملی
- تحریم‌های مربوط به روابط اوکراین و روسیه
- تحریم‌های مربوط به ونزوئلا
- تحریم‌های مربوط به یمین
- و تحریم‌های مربوط به زیمبابوه.

وزارت خزانه‌داری آمریکا یکی از بخش‌های اجرایی دولت فدرال ایالات متحده آمریکا است و خزانه نیز به وسیله قانون کنگره در سال ۱۷۸۹ اداره می‌شود تا درآمد دولت را مدیریت کند. این وزارت همچنین وظیفه چاپ تمام اسکناس‌های رایج فدرال را از طریق اداره مالیات داخلی در اختیار دارد، اسناد بدهی داخلی را از طریق اداره مالیات داخلی اداره می‌کند و از طریق مجوزها و اختیارات قانون‌گذاری و اجرایی بر امور مربوط به سیاست مالی نظارت می‌کند. ریاست وزارت خزانه‌داری را وزیر خزانه‌داری بر عهده دارد که عضوی از کابینه ریاست جمهوری است. الکساندر همیلتون، دولتمرد آمریکایی و از پدران بنیان‌گذار ایالات متحده آمریکا، اولین کسی بود که صدارت خزانه‌داری این کشور را بر عهده گرفت و در ۱۱ سپتامبر ۱۷۸۹ به عنوان رئیس این وزارت سوگند یاد کرد. جورج واشنگتن، رئیس جمهوری وقت ایالات متحده، به توصیه رابرت موریس، همیلتون را به این سمت منصوب کرد. همیلتون به‌تنبهایی اولین سیستم مالی این کشور را به راه انداخت و به مدت چندین سال در مدیریت دولت واشنگتن حضوری عمده داشت. پرتره او در اسکناس ۱۰ دلاری حک شده است. وزیر کنونی خزانه‌داری استیون منوچین است که در ۱۳ فوریه ۲۰۱۷ توسط سنای آمریکا تایید شد. جووینا کارانزا، که در ۲۸ آوریل ۲۰۱۷ منصوب شد، خزانه‌دار فعلی آمریکاست. تاریخ وزارت خزانه‌داری در آشوب انقلاب آمریکا آغاز شد، زمانی که کنگره قاره‌ای در فیلادلفیا مساله حیاتی تامین مالی جنگ استقلال علیه بریتانیای کبیر را بررسی کرد. کنگره هیچ قدرتی برای وصول مالیات نداشت و هیچ پایه و اساس ملموسی برای تامین بودجه سرمایه‌گذاران خارجی یا دولت‌ها در دسترس نبود، بنابراین نمایندگان تصمیم گرفتند به دلیل شرایط انقلابی، پول کاغذی را به شکل قبض‌های اعتباری صادر کنند. در ۲۲ ژوئن ۱۷۷۵، تنها چند روز پس از نبرد بانکر هیل، کنگره ۲ میلیون دلار در لایحه به تصویب رساند؛ در ۲۵ جولای، ۲۸ شهروند فیلادلفیا توسط کنگره برای امضا و شمارش پول استخدام شدند. در ۲۹ ژوئیه ۱۷۷۵، دومین کنگره قاره‌ای مسئولیت اداره امور مالی حکومت را به عهده گرفت. کنگره تصریح کرد که هر یک از مستعمره‌ها به صندوق‌های سرمایه‌گذاری قاره‌ای کمک می‌کنند. برای تضمین کنترل صحیح و کارآمد بدهی ملی رو به رشد در برابر روابط ضعیف اقتصادی و سیاسی بین مستعمرات، کنگره، به تاریخ ۱۷ فوریه ۱۷۷۶، کمیته‌ای پنج نفره را برای نظارت بر خزانه، تسویه حساب و گزارش به‌طور دوره‌ای به کنگره منصوب کرد. در اول آوریل همان سال، یک دفتر خزانه‌داری که متشکل از بازرس کل و منشی بود، برای تسهیل رسیدگی به دعاوی و حفظ حساب‌های عمومی برای دولت مستعمرات متحده تاسیس شد. با امضای اعلامیه استقلال در ۴ ژوئن ۱۷۷۶، جمهوری تازه متولد شده به عنوان یک ملت مستقل قادر به تامین وام از خارج بود. به‌رغم تزییق وام‌های خارجی و داخلی، مستعمرات آمریکایی قادر به تاسیس یک سازمان سازماندهی شده برای مدیریت مالی نبودند. مایکل هیلگاس در تاریخ ۱۴ مه ۱۷۷۷ به عنوان خزانه‌دار ایالات متحده شناخته شد. دفتر خزانه‌داری سه بار بین ۱۷۷۸ تا ۱۷۸۱ از نو سازماندهی شده بود. ارزش ۲۴۱/۵ میلیون دلار اسکناس در کشورهای این قاره به سرعت کاهش یافت. تا ماه مه سال ۱۷۸۱، دلار بانو ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ برابر نسبت به ارزش سخت سقوط کرد. اعتراضات علیه این پول بی ارزش، مستعمرات را پر کرد. بسیاری معتقد بودند که چنین ارزی «لیاقت آن را ندارد که پول واحد این قاره باشد.» رابرت موریس، تاجر ثروتمند که



کنترل از راه دور

کارگزاری وزارت خزانه‌داری در سیاست تحریم

ابراهیم منقی

استاد دانشگاه تهران



وزارت خزانه‌داری آمریکا را می‌توان بخشی از ساختار قدرت ایالات متحده دانست که کنترل فضای مالی، بانکی و پولی تمامی کشورهای جهان را به انجام می‌رساند. موضوع اصلی فعالیت‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا می‌تواند کنترل تمامی بازیگرانی دانست که فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و راهبردی آنان در داخل یا خارج از کشور می‌تواند بر امنیت و قدرت ایالات متحده تأثیرگذار باشد. «دیوید کوهن» در دوران باراک اوباما، عهده‌دار معاونت وزارت خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم بود. کوهن در روند ایفای نقش سازمانی خود برای کنترل معادله مالی بازیگران گریز از مرکز در سیاست و اقتصاد جهانی موفق بوده است. در دوران دونالد ترامپ نیز «استیو منوچین» به عنوان وزیر خزانه‌داری ایالات متحده و خانم سیگال ماندلر معاون ضد تروریسم وزارت خزانه‌داری ایالات متحده در صدد هستند تا گام‌های فزاینده‌تری برای مهار قدرت اقتصادی کشورهای مختلف به ویژه ایران اعمال کنند. از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران از نوامبر ۱۹۷۹ در معرض تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده قرار داشته، بنابراین تمامی وزرای خزانه‌داری آمریکا همواره تلاش داشتند تا زمینه کاهش قدرت ایران را به وجود آورند. مساله اصلی اینکه سیاست امنیتی آمریکا از طریق سازوکارهای اقتصادی ارتباط مستقیم با الگوهای رفتاری وزارت خزانه‌داری دارد. برنامه FATF را می‌توان به عنوان بخشی از اقدامات اقتصادی و مالی وزارت خزانه‌داری آمریکا برای کنترل انتقال پولی و بانکی کشورهای مختلف به ویژه ایران دانست.

نقش وزارت خزانه‌داری آمریکا در کنترل مالی، بانکی و پولی ایران

بخش قابل توجهی از سیاست تحریم اقتصادی ایران توسط وزارت خزانه‌داری تنظیم می‌شود. هم‌اکنون هر شرکت و کشوری که خواسته باشد به فعالیت‌های اقتصادی با ایران به ویژه در حوزه مالی، بانکی و تجاری مبادرت نماید، لازم است مجوز لازم را از وزارت خزانه‌داری آمریکا کسب کند. در سال‌های جنگ سرد میزان اثر بخشی وزارت خزانه‌داری آمریکا برای کنترل اقتصادی کشورهای که در لیست امنیتی قرار می‌گرفتند، محدود بود. در آن دوران تاریخی وزارت بازرگانی نقش محوری برای کنترل اقتصاد و سیاست کشورهای مورد نظر ایفا می‌کرد. شبکه‌ای شدن اقتصاد و سیاست جهانی، نقش وزارت خزانه‌داری را ارتقا داده است. محور اصلی شبکه‌ای شدن اقتصاد را باید کنترل نرم افزاری نهادهای مالی و بانکی از طریق شبکه‌هایی دانست که کنترل آن توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا انجام می‌گیرد. همان گونه که سرویس‌های اطلاعاتی، امنیتی و قضایی در کشورهای مختلف از قابلیت لازم برای دسترسی به چگونگی انتقال منابع مالی کارگزاران مختلف برخوردارند، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده نیز دارای چنین نقش و جایگاهی در اقتصاد و سیاست جهانی خواهد بود. بخش قابل توجهی از محدودیت‌های اقتصادی ایران در دوران تحریم‌های چند جانبه و حتی در دوران بعد از تنظیم برنامه جامع اقدام مشترک توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا انجام می‌گیرد. این نهاد مالی و پولی

امنیتی در صدد است تا تمامی بازیگرانی که تحرک مالی آنان با سیاست راهبردی آمریکا مغایرت دارد را کنترل کند. هرگاه تحریم اقتصادی جدیدی علیه ایران توسط کنگره اعمال می‌شود، وزارت خزانه‌داری می‌بایست از سازوکارهای لازم برای اجرا و تحقق چنین سیاستی برخوردار باشد. به همین دلیل است که نقش وزارت خزانه‌داری به گونه‌ای است که از یک سو باید دستورالعمل‌های اجرایی رؤسای جمهوری ایالات متحده برای تحریم کشورهای مختلف را اجرا کند و از سوی دیگر تلاش دارد تا زمینه‌های لازم برای اعطای اطلاعات دقیق به نهادهای امنیتی آمریکا به ویژه اف. بی. آی را در دستور کار قرار دهد. نقش وزارت خزانه‌داری آمریکا از این جهت اهمیت یافته است که معادله قدرت و تهدیدات آمریکا عمدتاً ماهیت مالی دارد. مقام‌های آمریکایی به این موضوع اشاره دارند که اگر امکان کنترل قابلیت پولی و مالی کشورهای هدف را در دستور کار قرار دهند، در آن شرایط به مزاد بیشتری برای اهداف امنیتی و اقتصادی خود ناائل می‌شوند.

رویکرد تیموتی گایتنر (وزیر خزانه‌داری اوباما) در راستای محدودسازی قدرت مالی و بانکی ایران

تیموتی گایتنر، وزیر خزانه‌داری پیشین آمریکا دارای رویکرد معطوف به محدودسازی ایران بود. به طور کلی، وظایف مربوط به وزارت خزانه‌داری را باید کنترل سازوکارهای اقتصادی شرکت‌ها، افراد و کشورهای دانست که در معرض انجام فعالیت‌هایی اقتصادی فراقانونی قرار دارند. رویکرد سازمانی و شخصیتی گایتنر مربوط به محدودسازی فعالیت اقتصادی ایران در سیاست بین الملل بود. باید توجه داشت که کنترل تمامی فعالیت‌های اقتصادی ایران توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا انجام می‌گیرد. این وزارتخانه تلاش دارد تا تحریم‌های یک جانبه و چند جانبه علیه ایران را کنترل و نظارت کند.

رویکردهای وزارت خزانه‌داری در اعمال تحریم‌های راهبردی علیه ایران

در ارتباط با چگونگی اجرا و مطلوبیت تحریم‌های اعمال شده، دورویکرد وجود دارد؛ رویکرد اول بر این امر تأکید دارد که وزارت خزانه‌داری آمریکا توانسته است محدودیت‌های هسته‌ای علیه ایران را اعمال کند؛ رویکرد دوم معطوف به شرایطی است که انعکاس عدم کارآمدی تحریم‌ها برای منصرف‌سازی ایران از فعالیت‌های هسته‌ای را نشان می‌دهد. بحران اقتصادی کشورهای جهان غرب، آسیب‌پذیری واحدهای اروپایی برای قطع خرید نفت از ایران را با مشکل روبه‌رو ساخته است.

وزیر خزانه‌داری پیشین آمریکا در این رابطه گفته بود که علاوه بر مناقشه غرب درباره برنامه انرژی هسته‌ای ایران که به قطع صادرات نفت ایران به اروپا منجر شد، بحران مالی در منطقه یورونیوز اقتصاد آمریکا را به خطر انداخته است.

حاشیه‌سازی ایران در سیاست وزارت خزانه‌داری آمریکا

وزارت خزانه‌داری آمریکا تلاش دارد تا محدودیت علیه ایران را بر اساس سازوکارهای اقتصادی، راهبردی و بین‌المللی تنظیم کند. به طور کلی وزارت خزانه‌داری از سازوکارهایی بهره می‌گیرد که زمینه لازم برای محدودسازی قدرت آن گروه از بازیگران را فراهم سازد که امکان ایجاد چالش در

برابر اهداف و منافع راهبردی آمریکا را دارا هستند. در این ارتباط، تیموتی گایتنر اعلام کرده بود که ایالات متحده علیه کشورهایی که با سیاست‌های جدید جامعه جهانی ضد ایران هم‌گام نشوند هم تحریم‌هایی اعمال خواهد کرد. گایتنر به گفته منابع خبری حامل پیام قاطع «شما یا با ما هستید، یا علیه ما» برای «غول‌های آسیایی» بوده و به این ترتیب تلاش می‌کرد ایران را در فضای اقتصاد شرق آسیا محدود سازد. در آن مقطع وزیر خزانه‌داری وقت آمریکا اظهار امیدواری کرده بود که شاهد تلاش‌های بیشتری از سوی کشورهای همانند هند، کره و چین خواهند بود. نامبرده تأکید داشت که از طریق گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس، می‌توان منابع مناسب دیگری را جایگزین نفت ایران کرد. او گفت: «به اعتقاد ما این بخشی از نقش هند در جامعه بین‌المللی است». هند برای کاهش خرید نفت از ایران در بوجوه تحریم‌های جهانی علیه این کشور تحت فشار قرار داشت. پیوند موضوعات وزارت خزانه‌داری با مسائل امنیتی و راهبردی آمریکا و اسرائیل کوهن، معاون وزارت خزانه‌داری در امور تروریسم و متخصص اطلاعات مالی طی سخنانی گفت:

«مردم ایران با هیچ‌ان و عدم اطمینان به دنبال خرید ارزهایی مانند دلار یا یورو هستند، با این حال دسترسی به ارز مشکل است و زمانی که مردم تمکن مالی دارند، مجبور به پرداخت نرخ بازار غیررسمی هستند.» وزارت خزانه‌داری ایالات متحده تلاش همه‌جانبه‌ای برای گسترش محدودیت‌های اقتصادی و تکنولوژیک علیه ایران به انجام رسانده است. بسیاری از اقدامات وزارت خزانه‌داری آمریکا بر اساس مصوبات کنگره به انجام می‌رسد. هر یک از این مصوبات، محدودیت‌های اقتصادی قابل توجهی را علیه ایران ایجاد می‌کند. بخش قابل توجهی از کارگزاران وزارت خزانه‌داری آمریکا را گروه‌های اسرائیلی محور تشکیل می‌دهند. به طور مثال «سیگال ماندلر» معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی دارای تبار اسرائیلی است. نامبرده در صدد است تا ریسک اقتصادی و امنیتی هرگونه معامله با ایران را افزایش دهد. خانم ماندلر محور اصلی فعالیت‌های خود را بر اساس «شفافیت مالی و پولی» قرار داده است. این گروه از کارگزاران راهبردی آمریکا در صدد افزایش محدودیت‌های اقتصادی جدیدی علیه ایران هستند که امکان تحقق اهدافی همانند کم‌انرژی‌سازی قدرت آمریکا در ایران را امکان‌پذیر می‌سازد. چنین فضا و وضعیتی را می‌توان به عنوان بخشی از فرآیندهای راهبردی ایالات متحده برای کنترل قدرت اقتصادی کشورهای دانست که با ضعف مالی روبه‌رو بوده و در نتیجه تلاش دارند تا از گردونه محدودیت‌های مربوط به تحریم اقتصادی خارج شوند.

نتیجه‌گیری

در سال‌های بعد از جنگ سرد جایگاه و اهمیت وزارت خزانه‌داری آمریکا به گونه قابل توجهی افزایش یافته است. نقش وزارت خزانه‌داری آمریکا معطوف به کنترل قدرت و تحرک اجرایی کشورهایی همانند ایران بوده است. چنین فرآیندی به گونه اجتناب‌ناپذیری می‌تواند سیاست امنیتی و راهبردی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. بخش قابل توجهی از کارگزاران وزارت خزانه‌داری آمریکا، به این موضوع اشاره دارند که مقابله با تروریسم و کشورهای انقلابی در سال‌هایی که تحول تکنولوژیک حاصل گردیده صرفاً از طریق سازوکارهای مالی و پولی امکان‌پذیر است. کنترل اقتصاد و سیاست جهانی توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا واقعیت‌های اقتصاد جهانی در چارچوب جامعه شبکه‌ای را منعکس می‌سازد. محور اصلی جامعه شبکه‌ای را اقتصاد اطلاعاتی شکل داده است. وزارت خزانه‌داری آمریکا تلاش دارد تا سازوکارهای فعالیت و نقش‌یابی خود را در چارچوب کنترل نرم افزاری جهان از طریق شبکه‌هایی به انجام رساند که قابلیت پیوند نهادهای مالی بین‌المللی را داشته و از این طریق امکان بررسی هرگونه انتقال مالی، پولی و بانکی را فراهم می‌سازد.

ایالات متحده به نمایندگی از این وزارتخانه و تصفیه پرداخت‌های مالیاتی دیگر حساب‌های دریافتی دولت را به عهده دارد.

از نظر سازمانی، وزارت خزانه از دو بخش اصلی تشکیل می‌شود که عبارتند از دفاتر عملیاتی و ادارات که بخش ادارات، فرمول بندی سیاست‌های مالی و مدیریت وزارتخانه را به انجام می‌رساند. وزیر خزانه‌داری در راس وزارتخانه، معاون وزیر و خزانه‌دار پس از او قرار دارند. وزیر خزانه‌داری که یکی از اعضای کابینه دولت به شمار می‌رود، مدیریت وزارت خزانه‌داری را به عهده دارد و مشاور ارشد این وزیر، نقش خزانه‌دار ایالات متحده را ایفا می‌کند. الکساندر همیلتون، نخستین وزیر خزانه‌داری بود که توسط جورج واشنگتن، منصوب و در ۱۱ سپتامبر سال ۱۷۸۹ سوگند یاد کرد. استیو منوچین که پیشتر یک بانکدار سرمایه‌گذاری بوده است، مقام وزارت خزانه‌داری دولت دونالد ترامپ را به عهده دارد. ده دوره قبل از منوچین، نیکلاس اف. بردی، وزیر خزانه‌داری رونالد ریگان و جورج اچ. دبلیو. بوش برای دو دوره ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ و ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ بود. پس از او، لوید ام. بنشتن، رابرت رایبن و لارنس سامرز در سه دوره ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴، ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ و ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱، وزیر خزانه‌داری بیل کلینتون بودند. اما در دوره‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳، ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ و ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹، پال او. نیل، جان دبلیو. اسنو و هنری ام. پالسون پسر، وزارت خزانه‌داری جرج دبلیو. بوش را اداره کردند. در دو دوره ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ و ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ از ریاست جمهوری باراک اوباما نیز این مقام به تیموتی اف. گینتر و جیکوب جی. لیورسید.

در پلان راهبردی ۲۰۱۸-۲۰۲۲ منوچین برای وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، اهداف تقویت رشد اقتصادی و ارتقای امنیت ملی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. کمک به دستور کار «نخست آمریکا» دونالد ترامپ نیز از جمله اهداف این وزارتخانه برشمرده شده است. در ذیل هدف سوم، شناسایی، خنثی‌سازی و شکستن هر گونه تهدید استراتژیک نسبت به سیستم مالی بین‌المللی و سیستم مالی ایالات متحده دیده می‌شود که به مأموریت این وزارتخانه در زمینه امنیت ملی از جمله قانون قدرت‌های فوری بین‌المللی اقتصادی (IEEPA)، قانون پاتریوت ایالات متحده و اداره تروریسم و هوش مالی (TFI) ارتباط دارد. بر اساس این پلان، اعمال تحریم، بخش ۳۱۱ از قانون پاتریوت، همکاری شرکای بین‌المللی آمریکا، تأمین مالی و پشتیبانی از بازپرسی از مجرمان و روابط دیپلماتیک، یک گروه از ابزارهای فشار TFI برای مقابله با ریسک‌های پیش روی ایالات متحده هستند. مأموریت TFI به صورت محافظت از سیستم مالی ایالات متحده و بین‌المللی برای مقابله با کشورهای سرکش، تسهیلگران تروریسم، کاربران سلاح‌های کشتار جمعی، پولشویی، مواد مخدر و سایر تهدیدهای امنیت ملی ایالات متحده عنوان شده است.

FATF یکی از سرفصل‌های اصلی TFI قلمداد می‌شود که برای مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم طراحی شده است. برنامه ردیابی تأمین مالی تروریسم یا TFTP نیز پس از حملات تروریستی در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برای شناسایی، پیگیری و پیگیری تروریست‌هایی مانند القاعده و شبکه‌های وابسته به آنها آغاز شد. از آن زمان، TFTP رهنمودهایی ارائه کرده است که در پیشگیری یا تحقق بسیاری از حملات تروریستی قابل مشاهده و خشونت‌آمیز و مقابله با حملات دهه گذشته کمک کرده است.



تحریم‌های فراسرزمینی چگونه وزارت خزانه‌داری تحریم‌های جدیدی علیه ایران اعمال خواهد کرد

رضامحیدزاده

پژوهشگر اقتصاد سیاسی توسعه



دیباچه

روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ و پیش از پایان مهلت دونالد ترامپ برای آنچه او رفع معایب برجام می‌نامید، ایالات متحده به صورت رسمی و یکجانبه از برجام خارج شد و ترامپ اعلام کرد که فرمان بازگشت تحریم‌های ایران را امضا می‌کند. به این ترتیب انتظار می‌رود که در یک دوره زمانی ۹۰ تا ۱۸۰ روزه که مهلتی برای تنظیم پایان قرارداد شرکت‌های اروپایی و آسیای شرقی با ایران به شمار می‌رود، تحریم‌های پیشین ایالات متحده علیه ایران دوباره اعمال شوند. هر چند اتحادیه اروپا اعلام کرده به برجام پایبند می‌ماند اما اجرای قراردادهایی مانند فروش ایرباس به ایران هنوز مورد ابهام است و این شرکت اروپایی قصد دارد تا شرایط را بررسی کند. به طور حتم، محدودیت شدید برای فروش نفت، مبادلات بانکی و ارزی بین‌المللی و از جمله سرفصل‌های کلیدی تحریم ایالات متحده علیه ایران خواهد بود. در این میان، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده در تنظیم و اجرای تحریم‌های بازگشتی و تحریم‌های جدید، نقش مهمی دارد که محور توجه این نوشتار است.

وزارت خزانه‌داری ایالات متحده

وزارت خزانه‌داری ایالات متحده یا USD، یک سازمان اجرایی است که نقش خزانه‌داری دولت فدرال ایالات متحده را به عهده دارد. این وزارتخانه در سال ۱۷۸۹ و بر اساس قانون کنگره ایالات متحده به منظور مدیریت درآمدهای دولت، تأسیس شده است. ایده

تأسیس این وزارتخانه به زمان ستیز برای استقلال ایالات متحده از بریتانیا و مساله تأمین مالی آن مربوط می‌شود. کنگره کنتیننتال در آن دوران، برای وضع مالیات و گردآوری آن، هیچ قدرتی نداشت و از این روی چاپ پول اعتباری آغاز شد. گردآوری مالیات و مدیریت درآمدهای دولت، مهمترین نقش وزارت خزانه‌داری ایالات متحده به شمار می‌رود اما مأموریت رسمی این وزارتخانه، به صورت تقویت امنیت ملی آمریکا از طریق مدیریت اثربخش مالیه دولت ایالات متحده، ارتقای رشد اقتصادی، ثبات، سلامت و امنیت سیستم مالی بین‌المللی و سیستم مالی آمریکا عنوان می‌شود. وزارت خزانه‌داری مسئول چاپ اسکناس و ضرب سکه نیز هست، البته وزارت خزانه‌داری تنها مسئول چاپ اسکناس است و فدرال رزرو سکان هدایت سیاست پولی ایالات متحده را به عهده دارد. در واقع فدرال رزرو به مثابه بانکدار دولت ایالات متحده عمل می‌کند؛ پرداخت‌های الکترونیکی مالیات‌ها، پرداخت چک حقوق کارکنان دولت، انتشار اوراق بهادار خزانه

۲۲

وزارت خزانه‌داری ایالات متحده یا USD، یک سازمان اجرایی است که نقش خزانه‌داری دولت فدرال ایالات متحده را به عهده دارد. این وزارتخانه در سال ۱۷۸۹ و بر اساس قانون کنگره ایالات متحده به منظور مدیریت درآمدهای دولت، تأسیس شده است. ایده تأسیس این وزارتخانه به زمان ستیز برای استقلال ایالات متحده از بریتانیا و مساله تأمین مالی آن مربوط می‌شود

۲۲

اداره کنترل دارایی‌های خارجی یا OFAC در وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، بر اساس سیاست خارجی ایالات متحده و اهداف امنیت ملی این کشور، اعمال تحریم‌های اقتصادی و تجاری علیه کشورهای خارجی و رژیم‌های هدف، تروریست‌ها، قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر، فعالیت‌های مربوط به گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و دیگر تهدیدات امنیت ملی را مدیریت کرده و به اجرا می‌آورد.

OFAC فهرست افراد، گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی یا شرکت‌های تحت کنترل یا مدیریت کشورهای هدف را منتشر می‌کند.

به طور کلی، تحریم‌های آمریکا علیه ایران به تحریم‌های اقتصادی، تجاری، علمی و نظامی علیه ایران که از سوی دولت ایالات متحده، یا به درخواست این کشور و از طریق شورای امنیت سازمان ملل اعمال شده اشاره دارد. وزارت خزانه‌داری آمریکا، یکی از محورهای اصلی تعیین و اجرای این تحریم‌ها بوده است. در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹) و ریاست جمهوری اصلاحات در ایران و بیل کلینتون در ایالات متحده، رویکرد دیپلماسی-محور دولت اصلاحات و طرح گفتگوی تمدن‌ها توسط او موجب شد تا کلیتین برخی از تحریم‌های مربوط به تجهیزات پزشکی و دارو را بردارد اما در سال ۲۰۰۴ که سال پایانی دولت اصلاحات (دور دوم) بود، وزارت خزانه‌داری آمریکا تحریم‌های علمی را وضع کرد که شامل ممنوعیت انتشار مقالات علمی نوشته‌شده در ایران در مجلات بین‌المللی بود به طوری که موسسه مهندسی برق و الکترونیک (IEEE)، چاپ مقالات پژوهشگران ایرانی را متوقف کرد. اما OFAC در آوریل سال ۲۰۰۴ به IEEE اعلام کرد که برای انتشار مقالات ایرانی، نیاز به اخذ مجوز نیست و کل فرایند انتشار، از تحریم‌ها معاف است. با این وجود، نقش عمده OFAC در اعمال تحریم‌ها یا محدودیت‌های مالی بوده است. در سپتامبر ۲۰۰۶، دولت ایالات متحده بانک صادرات ایران را تحریم و آن را از انجام معامله با مؤسسات مالی آمریکایی و لوبو به صورت غیرمستقیم، منع کرد. استوارت لوی، معاون وزارت خزانه‌داری، اعلام کرد که بانک صادرات به خاطر انتقال وجوه به گروه‌های خاصی از جمله حزب الله لبنان، مشمول این تحریم شده است. بر مبنای این ادعا، از سال ۲۰۰۱ یک سازمان تحت کنترل حزب الله، مبلغ ۵۰ میلیون دلار آمریکا از طریق بانک صادرات، به طور مستقیم از ایران دریافت کرده است.

تحریم‌های وزارت خزانه‌داری دو فهرست اصلی SDN و تلفیقی دارد. مهمترین سرفصل‌های تحریمی این وزارتخانه در قالب این دو عنوان است؛ طبق دستور اجرایی ۱۳۶۰۸ فهرست تلفیقی، انجام معاملات معین و ورود افراد مظنون از ایران و سوریه به ایالات متحده ممنوع شده است. این افراد و مؤسسات، شامل مؤسسات و افراد ناقص تحریم‌های ایالات متحده درباره سوریه و ایران از جمله تحریم‌های ضد تروریسم یا اشخاص درگیر در مبادلات مالی و اقتصادی خاص با سوریه و ایران هستند، البته دستور ۱۳۶۰۸، بلوکه کردن اموال یا منابع اشخاص تحریمی را الزامی نکرده است اما احتمال دارد که اموال و منافع چنین اشخاصی، تحت دستورات دیگر مقامات OFAC بلوکه شده باشند.

از جمله تحریم‌های مربوط به فهرست‌های غیر SDN و تلفیقی می‌توان به تحریم حقوق بشر اشاره کرد؛ در تاریخ ۱۹ اکتبر سال ۲۰۱۲، باراک اوباما فرمان اجرایی E.O. ۱۳۶۲۸ را امضا کرد که در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران و سوریه، تحریم‌های خاصی را اجرا می‌کند. طبق بند ۱ این فرمان، وزیر خزانه‌داری ایالات

متحده، تحت اختیارات بین‌المللی خود در امور اضطراری اقتصادی، به اعمال برخی تحریم‌های مندرج در بخش ۶ قانون تحریم‌های ایران (اصلاحیه سال ۱۹۹۶) اقدام خواهد کرد. وزیر امور خارجه و یا وزیر خزانه‌داری این تحریم‌ها را بر اساس مفاد ISA در رابطه با مجازات جامع، تحریم، حسابرسی و تبعیض در سال ۲۰۱۰ با اصلاحیه یا معاهده تحریم اعمال می‌کند. در تاریخ ۱۲ ژانویه ۲۰۱۸ نیز OFAC، تعداد ۱۴ فرد و نهاد را در رابطه با نقض جدی حقوق بشر و سانسور در ایران و سلاح‌ها به امضا رسانده است. منوچین درباره این تحریم‌ها اعلام کرده است که ما «برنامه‌های موشکی بالستیک ایران و فعالیت‌های بی‌ثبات‌سازی مورد هدف قرار می‌گیرند اما در عین حال، همچنان روی رفاه اقتصادی مردم ایران، تاکید داریم».

بر اساس اعلام وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، این اقدامات به موجب دستورالعمل اجرایی (E.O.) ۱۳۵۵۳ که نقض جدی حقوق بشر توسط دولت ایران را هدف گرفته است، انجام شد؛ E.O. ۱۳۶۰۶ که نقض حقوق بشر توسط دولت‌های ایران و سوریه را از طریق فناوری اطلاعات مورد هدف قرار می‌دهد؛ E.O. ۱۳۶۲۸ که هدف مقابله با سانسور یا دیگر فعالیت‌های منجر به محدودیت یا مجازات استفاده از آزادی بیان یا تظاهرات شهروندان ایران یا محدودیت دسترسی به رسانه‌های چاپی یا پخش را دنبال می‌کند و E.O. ۱۳۳۸۲ که تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و حامیان آنها را هدف قرار داده است.

اما مهمترین تحریم‌های خزانه‌داری ایالات متحده در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران و پیش از برجام بوده است. سوم آبان ۱۳۸۶ (بیست و پنجم اکتبر ۲۰۰۷) وزارت خزانه‌داری آمریکا شماری از بانک‌ها، نهادها و شرکت‌های ایرانی را در فهرست تحریم‌های خود گنجانید. همچنین بانک جهانی نیز اعلام کرد از دادن خدمات به این بانک‌ها و موسسه‌ها خودداری خواهد کرد. وزارت خزانه‌داری ایالات متحده در سال ۲۰۰۷ نیز بانک‌های سپه، ملی، کارگشایی و آریان را از انتقال پول به ایالات متحده تحریم کرد. این بانک‌ها در فهرست‌های خاص ملی OFAC قرار گرفته بودند. فهرست SDN فهرستی از اشخاص و افرادی است که از دسترسی مالی به سیستم مالی ایالات متحده ممنوع شده‌اند و راه‌های خروج از فهرست SDN نیز بسیار دشوار است. در سال ۲۰۰۸، خزانه‌داری ایالات متحده به سی‌تی‌گروپ دستور داد تا مبلغ ۲ میلیارد دلار از پول ایران در حساب‌های سی‌تی‌گروپ رافریز کند.

این محدودیت‌ها موجب شد تا فرصت فعالیت افراد و شرکت‌های کوچک در یک بازار حواله و انتقال پول در یک سیستم مبادله غیرقانونی و زیرزمینی به وجود آید. در جدیدترین فهرست SDN، نام مرکز تحقیقاتی شهید اسلامی در رابطه با تحریم‌های ثانویه، صنایع شهید



مهمترین تحریم‌های خزانه‌داری ایالات متحده در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران و پیش از برجام بوده است. سوم آبان ۱۳۸۶ (بیست و پنجم اکتبر ۲۰۰۷) وزارت خزانه‌داری آمریکا شماری از بانک‌ها، نهادها و شرکت‌های ایرانی را در فهرست تحریم‌های خود گنجانید. همچنین بانک جهانی نیز اعلام کرد از دادن خدمات به این بانک‌ها و موسسه‌ها خودداری خواهد کرد.



خرازی در همین رابطه، صنایع شهید مقدم در همین رابطه، صنایع شهید صنیع‌خانی و صنایع شهید شوشتری به چشم می‌خورد.

وزارت خزانه‌داری آمریکا بیست و هفتم خرداد ۱۳۸۹ (۱۷ ژوئن ۲۰۱۰) اقدام‌های تحریمی علیه چند شرکت کشتیرانی ایران اتخاذ کرد و سپس ۲۲ شرکت نفتی، انرژی و بیمه دولت ایران آن را اداره می‌کند هدف تحریم‌های کاخ سفید قرار گرفت. همچنین این وزارتخانه در سوم تیر (بیست و چهارم ژوئن ۲۰۱۱) به تحریم شرکت هواپیمایی «ایران ایر» و همچنین اتحادیه اروپا در تاریخ دهم آذر (اول دسامبر ۲۰۱۱) به تحریم بیش از ۱۸۰ شرکت و شخصیت ایرانی اقدام کرد. اقدام تحریمی دوم آذر (سیزدهم دسامبر ۲۰۱۱) وزارت خزانه‌داری آمریکا علیه ۲ مقام نظامی ایران و در سی‌ام آذر (بیست و یکم دسامبر ۲۰۱۱) علیه ۱۰ شرکت کشتیرانی کشورمان از دیگر موارد بود. دوم دی (بیست و سوم دسامبر ۲۰۱۱) نیز سوئیس دارایی‌های ۱۸۰ شخص حقیقی و حقوقی را مسدود و آمریکا یازدهم دی (اول ژانویه ۲۰۱۲) بانک مرکزی ایران را تحریم کرد. تحریم دیگر وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، افزودن نام چهار شرکت و یک شهروند ایرانی به اتهام ارتباط با برنامه هسته‌ای و موشک بالستیک ایران در دی‌ماه ۱۳۹۱ بود.

اما پس از برجام نیز افزوده شدن شماری از شخصیت‌ها و شرکت‌های ایرانی از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا به فهرست تحریمی در بیست و یکم آذر ۱۳۹۲ و تکرار این فرایند در هفدهم بهمن ۱۳۹۲، تحریم هشت شرکت چینی و ۲ شرکت اماراتی به بهانه همکاری با ایران در تاریخ نهم اردیبهشت ۱۳۹۳، گنجانیدن نام هشت شخصیت حقیقی به همراه ۲۰ شرکت و موسسه مالی از جمله نفتکش ایرانی در فهرست تحریمی وزارت خزانه‌داری آمریکا به بهانه نقض تحریم‌های هسته‌ای و موشکی ایران در تاریخ هفتم شهریور ۱۳۹۳، از جمله تحریم‌ها و محدودیت‌هایی بود که پس از برجام بر ایران تحمیل شد.

اما جدیدترین تحریم‌های وزارت خزانه‌داری ایالات متحده به فرمان خروج ترامپ از برجام بازمی‌گردد. استیو منوچین در ۱۱ آوریل سال جاری میلادی اعلام کرد در صورتی که رئیس جمهوری آمریکا معافیت ایران از تحریم‌های اتمی آمریکا را تأیید نکند، این موضوع به معنی خروج آمریکا از توافق اتمی وین نیست. اما بدین معنی است که تحریم‌های اولیه و ثانویه آمریکا دوباره علیه ایران اعمال خواهد شد. این تحریم‌ها جنبه فراسرزمینی داشته و نه تنها دولت ایران، بلکه تمامی شرکت‌ها و نهادهایی که با ایران وارد تعامل شوند را دربر خواهد گرفت. طبق اعلام منوچین یا دور جدیدی از تحریم‌ها علیه ایران آغاز خواهد شد، یا تحریم‌هایی که بعد از توافق اتمی تعلیق شدند دوباره برقرار می‌شوند.

درباره تصمیم ترامپ روی برجام سه استراتژی کلی خروج، اعتراض/فشار برای تغییر یا تعریف متمم و وفاداری/ماندن در برجام مورد انتظار بود. اما سیکالی که از ایالات متحده صادر می‌شد این بود که وزارت خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا طراحی یک راهبرد دیپلماتیک، اقتصادی و ارتباطات استراتژیک را برای خروج از برجام آغاز کرده‌اند که شامل اعمال مجدد تحریم‌ها و برخورد با واکنش‌های احتمالی از سوی اروپا، روسیه، چین و ایران است. تنها در صورت اتخاذ استراتژی سوم بود که در رابطه با تحریم‌های ایران، فهرست یا رویکرد جدیدی مشاهده نمی‌شد اما در حال حاضر به دنبال فرمان ترامپ، فهرست تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده به اندازه پیش‌برجام یا بیشتر از آن علیه ایران احتمالاً دنبال خواهد شد.

همکاری وجود داشته باشد، مشمول جرایم وزارت خزانه‌داری می‌شوند.

اصولا وزارت خزانه‌داری در خط مقدم برخورد اقتصادی ایالات متحده با ایران است، به این صورت که وزارت خارجه در صف مقدم برخوردهای دیپلماتیک، وزارت دفاع در صف مقدم برخوردهای نظامی و امنیتی و وزارت خزانه‌داری در خط مقدم برخوردهای اقتصادی (جنگ اقتصادی) علیه ایران قرار دارد. اما شخص وزیر قدرت تاثیرگذاری بالایی ندارد. استیون منوچین، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا پیش از این در بانک گلدمن ساکس فعال بوده و به این دلیل که حمایت‌های مالی زیادی از بانک انجام داده به عنوان وزیر معرفی شده است. در واقع این مرسوم است کسانی که بیشترین کمک مالی را به نامزد برنده ارائه می‌کنند، صراحتا توسط رئیس جمهور منتخب یا به عنوان وزیر معرفی می‌شوند یا تعدادی از سفارتخانه‌ها به این افراد داده می‌شود، بنابراین منوچین هم از همین مسیر وارد شده و پیش از این در مقوله سیاست خیلی صاحب نظر نبود. اما باید در نظر داشت که وی هم یهودی تبار است و هم در وال استریت فعالیت می‌کند. افرادی که در وال استریت در بخش مالی و بانکی فعالیت می‌کنند نگاه انتقادی نسبت به ایران دارند، لذا اگرچه منوچین فردی سیاسی نبود اما به دلیل اینکه در دولت ترامپ وزیر خزانه‌داری شده، مجری سیاست‌های رئیس جمهور در فضای به شدت برجانی و ایرانی در کابینه ترامپ شده است. به همین خاطر بخشی از اظهارنظرهای وی در مورد ایران متأثر از پمپاژ ایران‌ستیزی است که توسط دونالد ترامپ به وی اعمال می‌شود. در غیر این صورت وزیر خزانه‌داری همان نقشی را که در دولت‌های پیشین داشته در این دولت هم دارد. البته در دولت باراک اوباما گشایش‌هایی در بخش هسته‌ای صورت گرفت، اما قوانین تحریمی غیرهسته‌ای با همان شدت گذشته پیگیری می‌شد. از این جهت منوچین کاراکتر موثری ندارد، بلکه در فضای روانی که علیه ایران شکل گرفته موثر است.

در ادامه باید گفت وزارت خزانه‌داری مجری مصوباتی است که در ایالات متحده آمریکا تصویب می‌شود. این وزارت امکان دارد با مواردی از مصوبات مخالفت کند اما در حقیقت وظیفه عمل‌کننده و ناظر دارد. وزارت خزانه‌داری این وظایف را در مورد ایران به ادعای آمریکاییان کامل و درست انجام داده است. اگرچه در دولت قبلی هم وزارت خزانه‌داری برای رصد فعالیت‌های مالی و چرخش مالی ایران بیش از پیش فعال شد؛ مدیران خزانه‌داری و مسئول دفتر OFAC مرتبا به کشورهای مختلف سفر می‌کردند و فعالان اقتصادی خصوصا بانکداران را تعقیب و تهدید می‌کردند تا با ایران همکاری نداشته باشند. همچنین وزارت خزانه‌داری به کرات جرایم سنگینی را علیه بانک‌های بزرگ جهان و فعالان اقتصادی اعمال کرده یا بانک‌ها را به تامین مالی برنامه‌های هسته‌ای و برنامه موشکی ایران یا کمک به پولشویی در ایران متهم می‌کردند. این دستورات عملی به تدریج فضای رعب و وحشت را بین فعالان اقتصادی ایجاد کرد یا این هدف که تا حد امکان به ایران نزدیک نشوند یا حتی تسهیلاتی به ایران ندهند. لازم به ذکر است این محدودیت‌ها در دولت کنونی آمریکا تشدید شده و رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا صراحتا اعلام کرده که کشورها با ایران همکاری اقتصادی نکنند چرا که ممکن است متحمل جرایم اقتصادی سنگین یا تنبیهاتی شوند؛ بنابراین وزارت خزانه‌داری و دفتر OFAC نقش اصلی را در تحریم‌ها علیه ایران داشته و دارند و طبق ادعای خودشان در تلاش هستند ایران را در محاصره اقتصادی قرار دهند.



مجری تحریم

وزارت خزانه‌داری در خط مقدم جنگ اقتصادی علیه ایران قرار دارد

امیرعلی ابوالفتح

کارشناس مسائل آمریکا



تهیه‌هایی وضع کرده‌اند. مضاف بر اینکه فرمان‌های اجرایی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا هم وجود دارد. در واقع زمانی که قوانین تحریمی اعلام می‌شود، نویسندگان این قوانین مشخص می‌کنند که کدام دستگاه دولتی وظیفه اجرای قوانین تحریمی علیه کشوری مانند ایران را دارد. برخی از این تحریم‌ها بر عهده وزارت خزانه‌داری است. وزارت خزانه‌داری که متولی نظارت بر اجرای قوانین تحریمی علیه ایران است، توسط سازمان دیگری که زیرمجموعه وزارت خزانه‌داری است به نام دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی (OFAC) فعالیت می‌کند. این دفتر بر تمام تحریم‌هایی که توسط وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا علیه هر کشوری در جهان انجام می‌گیرد نظارت می‌کند. اما در رابطه با ایران و نطقی که وزیر خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا کرده و ایران را بر سر مساله برجام تهدید به تحریم کرده، باید توجه داشت تحریم‌های غیرهسته‌ای و تحریم‌هایی که وزارت خزانه‌داری بر آن نظارت دارد، همچنان اجرا می‌شود. اما در برجام ایالات متحده آمریکا متعهد شده تحریم‌های هسته‌ای را به حالت تعلیق درآورد. این مورد هم توسط دفتر OFAC نظارت می‌شود و کسانی که علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در ایران و همکاری‌های اقتصادی هستند مورد به مورد توسط این دفتر بررسی می‌شوند. این دفتر بعضی اوقات دستورالعمل‌های جدیدی صادر کرده یا به روزرسانی‌هایی انجام می‌دهد و مشخص می‌کند که فعالان اقتصادی در چه حوزه‌هایی می‌توانند با ایران همکاری کنند و در چه حوزه‌هایی اگر

با در نظر گرفتن اظهارنظرها و اقدامات مقامات ایالات متحده علیه ایران می‌توان گفت یکی از وظایف دولتمردان آمریکا ادعای تهدید علیه ایران است؛ از رئیس جمهور گرفته تا وزیر خارجه، وزیر دفاع، رئیس سیا و وزیر خزانه‌داری همواره در حال تهدید ایران هستند. در برهه فعلی نیز عده‌ای در جبهه مخالفان مانند آمریکا در توافق هستند و عده دیگر در جبهه حامیان این مساله. در این بین استیون منوچین، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا، که از جمله مخالفان توافق هسته‌ای است اخیرا در کنگره این کشور از امکان وضع تحریم‌های جدید علیه ایران سخن گفته است. او همچنین مدعی شد تحریم‌هایی که در دستور کار است محاصره اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را در پی دارد. این سیاستمدار ثروتمند به خبرنگاران گفت که «یا دور جدیدی از تحریم‌ها علیه ایران آغاز خواهد شد یا تحریم‌هایی که بعد از توافق اتمی تعلیق شدند دوباره برقرار می‌شوند». در خصوص عملکرد وزارت خزانه‌داری باید گفت در چهل سال گذشته نهادی مختلفی تهدیدهایی علیه جمهوری اسلامی ایران وضع کرده‌اند که یکی از این نهادها وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا است؛ علاوه بر آن وزارت خارجه و وزارت انرژی ایالات متحده آمریکا هم

قمار اردوغان

اردوغان گام به گام به هدفش نزدیک تر می شود



رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه، چهارشنبه ۱۸ آوریل ۲۹ فروردین، در آنکارا اعلام کرد که انتخابات زود هنگام پارلمانی و ریاست جمهوری ترکیه که قرار بود در نوامبر ۲۰۱۹ برگزار شود، حدود یک سال ونیم زودتر، در تاریخ ۲۴ ژوئن ۲۰۱۸ به طور همزمان برگزار خواهد شد. وی علت تصمیمش برای انتخابات زود هنگام را، وضعیت کشورهای همسایه (سوریه و عراق) و نیز ضرورت تصمیم گیری درباره مسائل اقتصادی و سیاسی ذکر کرد. به گزارش اسپوتنیک، یکشنبه، ۶ می (۱۶ اردیبهشت) رئیس جمهوری ترکیه، در جمع هواداران حزب عدالت و توسعه ترکیه در استانبول، بدون اشاره به آغاز بیش از سه ماهه تجاوز نظامی ارتش ترکیه به خاک سوریه و تداوم آن، طی اظهاراتی بر خلاف موازین بین‌المللی اعلام کرد: «نظامیان ترکیه آماده مأموریت‌های جدید در سوریه باشند، تنگ کردن حلقه محاصره تروریست‌ها را کنار نمی‌گذاریم، عملیات‌های جدیدی را به «سپر فرات» و «شاخه زیتون» خواهیم افزود، بنابراین نظامیان ما آماده مأموریت‌های جدید باشند. ما هرگز از فرایند عضویت در اتحادیه اروپا دست برنخواهیم داشت. ترکیه در حال تبدیل شدن به قدرتی مهم در جهان است. هدف ما این است که سیستم‌های دفاعی زمینی، هوایی و دریایی ترکیه صد درصد بومی شوند.» البته تحلیلگران مسائل ترکیه معتقد هستند:

۱- اردوغان، در آستانه برگزاری انتخابات زود هنگام در ترکیه، در پی جلب توجه افکار عمومی به عملیات‌های نظامی ارتش ترکیه در خارج از مرزهای این کشور، با هدف کسب موقعیت‌ها و امتیازهای انتخاباتی است.

۲- انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی ترکیه می‌تواند سیستم ریاستی (پرزیدنیال) مطلوب اردوغان و حزب حاکم در ترکیه را به طور گام به گام تحکیم بخشد. انتخابات پارلمانی آتی در ترکیه به معنای آغاز تغییر نظام سیاسی در این کشور است؛ پس از این انتخابات قرار است قانون اساسی جدید ترکیه در این کشور به اجرا درآید و حدود اختیارات و قدرت ریاست جمهوری بیشتر خواهد شد. به همین دلیل بسیاری این انتخابات را برای ترکیه رویدادی سرنوشت‌ساز می‌دانند.

در انتخابات آتی، احزاب و گروه‌های سیاسی می‌توانند ائتلاف تشکیل دهند و اگر این ائتلاف‌ها ۱۰ درصد از آرا را به دست بیاورند، می‌توانند به پارلمان راه یابند. در صورتی که در گذشته برای ورود به پارلمان هر یک از احزاب باید جداگانه ۱۰ درصد رای می‌آوردند. در انتخابات ریاست جمهوری نیز نامزدی که موفق به کسب حداقل (۵۰ درصد+ یک رای) از آرا شود، به‌عنوان رئیس جمهوری ترکیه انتخاب خواهد شد. در غیر این صورت دو نامزدی که بیشترین رای را آورده‌اند، به دور دوم انتخابات راه خواهند یافت. کمیسیون برگزاری انتخابات سراسری جمهوری ترکیه، ۱۰ حزبی که حق فعالیت و شرکت در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری این کشور دارند را این چنین معرفی و اعلام کرد:

- ▶ حزب عدالت و توسعه (AKP) (حزب حاکم)
- ▶ حزب جمهوریخواه خلق (CHP) مهم‌ترین حزب اپوزیسیون
- ▶ حزب حرکت ملی گرا (MHP)
- ▶ حزب خوب (İYİ) منشعب از حزب حرکت ملی گرا

- ▶ حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP)
- ▶ حزب سعادت (SAADET)
- ▶ حزب وطن (VATAN)
- ▶ حزب اتحاد بزرگ (BBP)
- ▶ حزب دموکرات (DP)
- ▶ حزب ترکیه مستقل (BTP)

نامزدهای ریاست جمهوری

حزب حاکم، یعنی عدالت و توسعه، رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور فعلی را نامزد ریاست جمهوری معرفی کرده است. اردوغان در انتخابات مذکور، با احزاب حرکت ملی گرا و حزب اتحاد بزرگ (منشعب از حزب حرکت ملی گرا) ائتلاف کرده است. حزب جمهوریخواه خلق ترکیه، قوی‌ترین حزب مخالف حکومت نیز در تاریخ ۴ می ۲۰۱۸ (۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۷) محرم اینجها را به‌عنوان نامزد خود برای انتخابات ریاست جمهوری این کشور معرفی کرد. این حزب با احزاب سعادت، خوب و دموکرات، برای انتخابات پارلمانی ائتلاف کرده است.

همچنین خانم مرال آکشنر، رئیس حزب خوب، آقای دوغوپرینچک، رئیس حزب وطن، آقای تمل کارا ملا اوغلو، رئیس حزب سعادت و آقای دمیرتاش، از حزب دموکراتیک خلق‌ها نیز آمادگی خود را برای احراز پست ریاست جمهوری ترکیه اعلام کرده‌اند.

البته مدتی است که حزب اسلامگرای «سعادت» (طرفداران مرحوم نجم‌الدین اربکان)، قصد دارد نظر موافق عبدالله گل، یازدهمین رئیس جمهوری ترکیه را برای نامزدی پست ریاست جمهوری از سوی حزب مذکور جلب کند. گفته می‌شود اگر حزب سعادت موفق شود عبدالله گل (از افراد مؤسس حزب عدالت و توسعه) را به‌عنوان نامزد خود راهی انتخابات کند، ضمن آنکه اعتبار و آرای حزب عدالت و توسعه زیر سوال رفته و تقلیل خواهد یافت، حزب سعادت نیز به جایگاه بهتری ارتقا پیدا می‌کند. البته اردوغان طی مصاحبه با رسانه‌های گروهی ترکیه به عبدالله گل پیام داد و از وی درخواست کرد «بهتر است، کاندیدا نشود.»

نگاه ایران

ثبات و اقتدار حکومت‌های منتخب مردم در کشورهای همسایه، به‌ویژه جمهوری ترکیه، غایت آمال ملت و مسئولان جمهوری اسلامی ایران است. به‌رغم رقابت منطقه‌ای تهران-آنکارا، به‌لحاظ رخدادهای داخلی و خارجی ترکیه و توجه به شرایط جاری ترکیه و منطقه، حزب عدالت و توسعه و مسئولان آن، دارای موقعیت برتر و سیاست‌های معتدل تری نسبت به سایر احزاب و رقبا هستند و فعلاً گزینه‌ای والا تر مشاهده نمی‌شود.

حکومت‌های غرب گرا

جامعه ترکیه طی سال‌های ۱۹۲۳ الی ۲۰۰۲ میلادی، تک قطبی با دوره‌های متناوب تک‌حزبی (تا

سال ۱۹۴۶) و چند حزبی بود؛ مشخصات اجتماعی محصول حکومت‌های غرب گرا (راست و چپ گرا- لائیک- نظامی‌ها) در جمهوری ترکیه، عبارت هستند از:

- ▶ تفکیک اساسی نحله فکری احزاب بر مبنای اندیشه‌های تفسیری غرب گرا
- ▶ حق وتوی ارتش و نهاد قضایی لائیک
- ▶ سیاست غرب گرایی با محور نزدیکی بیشتر به آمریکا، تداوم عضویت موثر در ناتو، مطالبه عضویت در اتحادیه اروپا
- ▶ حکومت‌های شکننده، احزاب و شخصیت‌های وابسته، نظامیان کودتاگر
- ▶ عدم ثبات اقتصادی، شکست اصلاحات نئولیبرالی

با چاشنی پوپولیسم اقتصادی و اما سال‌ها پس از استیلای مشخصه‌های مذکور، اصلاحات سیاسی- اقتصادی مرحوم پروفوسور، دکتر تورگوت اوزال، موجبات گسترش حقوق و جایگاه اجتماعی اسلامگرایان در این کشور را فراهم کرد. سپس در سال ۲۰۰۲، حزب عدالت و توسعه (منشعب از دیدگاه‌های سیاسی مرحوم اربکان)، با پیروزی در انتخابات، اصول سیاست داخلی و خارجی خود را احیای حقوق بشر، برقراری ثبات اقتصادی و عضویت در اتحادیه اروپا اعلام کرد. حزب مذکور با اتخاذ سیاست دموکراتیک اسلامی، حمایت گروه‌های بسیاری، حتی ارتش این کشور را کسب کرد. اگرچه حزب عدالت و توسعه، از روش‌های لیبرالی در سیاست داخلی و خارجی استفاده کرد ولی لائیک‌های ترکیه (متفاوت با سکولارها)، همچنان اعتقاد داشته و دارند که حزب مذکور، راهبردهای حمایت و خدمت به نظام شریعت اسلامی را براساس سیاست‌های نئوعثمانی‌گرایی پیگیری و اجرا می‌کند. در دوران اقتدار حزب عدالت و توسعه در ترکیه، ویژگی‌های اجتماعی به شرح ذیل حادث شد:

- ▶ چند قطبی شدن فضای سیاسی و اجتماعی در ترکیه
- ▶ تغییر گفتمان غرب گرایی (westernization) به گفتمان اروپا گرایی (Europeanization)
- ▶ ثبات سیاسی نسبتاً پایدار، گسترش عدالت اجتماعی
- ▶ ثبات اقتصادی، رشد و توسعه پایدار
- ▶ ارتقای رفاه اجتماعی

نتیجه گیری

در صورت تداوم پیروزی‌های پانزده ساله حزب عدالت و توسعه در انتخابات آتی ترکیه، ورژن ابدایی «دموکراسی اسلامی» اردوغان در ترکیه به‌طور کامل شکل خواهد گرفت. غرب نیز به رهبری آمریکا، به اتفاق ناتو و هم‌سویی اتحادیه اروپا، خواهد توانست ثبات سیاسی لازم را در منطقه (خلیج فارس- عراق) و سایر نقاط بحرانی غرب آسیا ایجاد کند. غربی‌ها معتقدند به‌رغم اسلامگرایی حزب عدالت و توسعه و رهبرانش، می‌توانند از جمهوری ترکیه، به‌عنوان پل ارتباطی برای نیل به مقاصد و منافع شان، نهایت بهره‌برداری را داشته باشند.

مدتی است که حزب اسلامگرای «سعادت» (طرفداران مرحوم نجم‌الدین اربکان)، قصد دارد نظر موافق عبدالله گل، یازدهمین رئیس جمهوری ترکیه را برای نامزدی پست ریاست جمهوری از سوی حزب مذکور جلب کند. گفته می‌شود اگر حزب سعادت موفق شود عبدالله گل (از افراد مؤسس حزب عدالت و توسعه) را به‌عنوان نامزد خود راهی انتخابات کند، ضمن آنکه اعتبار و آرای حزب عدالت و توسعه زیر سوال رفته و تقلیل خواهد یافت، حزب سعادت نیز به جایگاه بهتری ارتقا پیدا می‌کند. البته اردوغان طی مصاحبه با رسانه‌های گروهی ترکیه به عبدالله گل پیام داد و از وی درخواست کرد «بهتر است، کاندیدا نشود»

جنگ روانی اردوغان

مخالفان عدالت و توسعه بر ملی‌گرایی تاکید دارند

سیامک کاکایی

کارشناس مسائل ترکیه



انتخابات زودهنگام پارلمانی و ریاست جمهوری ترکیه، ورود به شرایط جدیدی برای این کشور محسوب می‌شود. از آن جهت که اکنون دو جبهه مخالفان حزب عدالت و توسعه و جبهه قدرتمند حزب عدالت و توسعه به رویارویی سیاسی روی آورده‌اند و اقدام رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در اعلام انتخابات زودهنگام در واقع یک حرکت غافلگیرانه برای رقبایی است که به تدریج خود را برای برگزاری انتخابات در سال آینده آماده می‌کردند. در این بین جدای از حرکت و اقدامات مستمر حزب جمهوری خلق که پیش‌تر نیز توانسته بود اجتماعات میلیونی علیه سیاست‌های اردوغان به راه بیندازد، حزب جدیدی به نام حزب «خوب» به رهبری خانم مرال آکشر با اقبال به فضای سیاسی ترکیه ورود پیدا کرد و در یک ابتکار حساب شده از سوی جمهوری خلق و شخص قلیچ دار اوغلو با اضافه شدن ۱۵ پارلمان‌تار این حزب به حزب نوتاسیسیس، عملاً جواز ورود به انتخابات پیدا کرد. این بدان معناست که جریان‌های سیاسی در ترکیه وارد دوره فعالی شده‌اند. تا آنجا که فردی چون خانم آکشر که پیشینه سیاسی‌اش به حزب حرکت ملی بازمی‌گردد و یک ملی‌گراست، این بار شاخه جدیدی تاسیس کرده که به دنبال جلب آرای بخش ملی‌گرایان ترکیه است. در این بین پرسش اصلی آن است که آیا شرایط برای پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات پیش‌رو مهیا است و یا از نظر عوامل جامعه‌شناختی چه عوامل و چالش‌هایی در مقابل رجب طیب اردوغان قرار دارد؟

تغییر پیدا کرده و نقش، نفوذ و اختیارات رئیس‌جمهوری کاملاً دگرگون شده به همین دلیل اگرچه تمام احزاب در صدد کسب کرسی‌های بیشتر در پارلمان هستند، لیکن انتخابات ریاست جمهوری انتخابات دست‌پایینی نخواهد بود. به همین دلیل اردوغان باتوجه به شگردهای پیشین و وجهه سیاسی‌اش تلاش دارد افکار عمومی را به سمت خود معطوف بدارد؛ یعنی جوی ایجاد کند که در آن جامعه تصور کند که نبود اردوغان در مسند قدرت ممکن است منتهی به ایجاد کشمکش و فراز و فرودها در عرصه اقتصادی و سیاسی شود. اما احزاب مخالف تلاش دارند این ذهنیت را از فضای افکار عمومی بزدایند. در ترکیه چندین گروه مهم وجود دارند که نحوه مشارکت آنها در انتخابات بر سرنوشت انتخابات هم پارلمانی و هم ریاست جمهوری تاثیر مستقیم خواهد داشت.

یکی از آنها، حضور احزاب مخالف منتقد است که تلاش کردند به بازسازی خود بپردازند و سیاست‌های دولت را به چالش بکشانند. دوم، گروه‌های قومی-مذهبی همچون علویان و کردها که می‌توانند بر سرنوشت انتخابات تاثیرگذار باشند اما رهبران هر یک از گروه‌ها و حتی اردوغان تلاش‌شان بر این مبنا استوار است که بخشی از جامعه را به سمت خود جلب کنند. در کنار آن، احزاب سیاسی که از ابتکارات لازم استفاده کردند نیز وجود دارند. اکنون شرایط ترکیه یک شرایط نسبتاً پیچیده شده و بدیهی است که این انتخابات بر بافت آینده کشور تاثیرگذار باشد. اما از نگاه جامعه‌شناختی بخشی از جامعه تحت‌الشعاع نگرانی ناشی از بروز بحران، در سطوح اقتصادی، امنیتی و قومی در ترکیه هستند و این موضوع به خصوص از سوی حزب حاکم دامن زده می‌شود که نقطه آسایش و راه‌برون‌رفت از این وضعیت را تنها در انتخاب اردوغان متصور شوند. ضمن آنکه ترکیه در عرصه بیرونی در ارتباط با سوریه و تاحدودی عراق درگیرانه عمل کرده و ممکن است در زمان منتهی به انتخابات اردوغان از این ابتکارات در عرصه خاورمیانه در زمینه عملیات در سوریه و تبلیغات در این زمینه، ایجاد فضای تقابلی با اسرائیل درباره مسائل مختلف مانند مساله فلسطین و همین‌طور تمرکز بر ضرورت نقش‌های منطقه‌ای ترکیه، از منظر سیاسی و امنیتی، برخی فشارهای روانی وارد آورد. در این ارتباط تیم اردوغان مهارت‌های لازم تبلیغاتی را دارد.

نکته دوم، اینکه شرایط حاکم در فضای ترکیه بدان معنی نیست که احزاب مخالف مجال حضور جدی در عرصه انتخابات را نداشته باشند، بلکه تلاش می‌کنند در همین محدودیت زمانی جامعه را در مسیری سوق دهند که اگر عدالت و توسعه شخص اردوغان را نیابد، نه تنها نگرانی به وجود نخواهد آمد بلکه ترکیه به دوره جدیدی وارد خواهد شد. در این رابطه احزاب رقیب روی عنصر ملی بیشتر تاکید دارند. چنانچه نامزد حزب جمهوری خلق برای ریاست جمهوری گفته که او رئیس‌جمهور ۸۰ میلیون مردم ترکیه از علوی تا کرد و ملی‌گرا و تمام جامعه خواهد شد. یعنی او تلاش دارد این اطمینان خاطر را در سطوح رسانه‌ای و افکار عمومی ایجاد کند که رفتن اردوغان به معنای ورود ترکیه به دوره بحرانی نخواهد بود.

در نهایت باید به این نکته توجه داشت که اردوغان در اعلام انتخابات زودهنگام در واقع به دنبال پیشبرد استراتژی‌ای است که شخص او و حزب متبوعش پیش‌تر در قالب استراتژی ۲۰۲۳ (مصادف با یکصدمین سال تاسیس جمهوری ترکیه) طراحی کرده‌اند و اردوغان در این زمینه سعی کرده که حضور دو دوره‌ای خود را ترسیم کند. به همین دلیل است که اکنون نیز بر نکاتی مانند امنیت، اقتصاد، رفاه و توسعه تمرکز دارد تا بتواند نگاه افکار عمومی را به فضای ایجادشده معطوف بدارد و از جنگ روانی بهره‌ای لازم را ببرد.

باید توجه داشت که اقدام اردوغان در اعلام انتخابات زودهنگام یک دلیل بنیادین دارد و آن اینکه شرایط موجود را مناسب‌ترین زمان برای ورود به عرصه رقابت‌ها تلقی کرده است، چرا که سیاست خارجی تهاجمی ترکیه با بهره‌گیری از عناصر ملی‌گرایی در سوریه و عراق سبب توجه بخشی از افکار عمومی به شخص اردوغان شده است. شاید اردوغان چنین پیش‌بینی می‌کرد که ممکن است روند تحولات یک سال آینده ترکیه در مسیر افزایش انتقاداتها از سیاست‌های دولت پیش‌برود. یعنی اگر تحولات در سوریه سمت و سوی دیگری پیدا کند که در نتیجه آن ترکیه مجبور به خروج از عفرین شود، دامنه نارضایتی‌ها افزایش پیدا می‌کند که چرا ترکیه وارد این ماجرا جویی‌ها شده است. اما در وضعیت کنونی بخشی از افکار عمومی متمرکز بر اقتدار ترکیه در مواجهه با تهدیدهای بیرونی است و این برگی است که می‌تواند برای اردوغان موثر واقع شود. در کنار این مساله، تبلیغات حزب عدالت و توسعه مبتنی بر ایجاد جو نگرانی در شرایط رای‌نیابردن این حزب و رای‌نیابردن اردوغان بر بخشی از فضای رسانه‌ای ترکیه که تا حدودی نیز تحت نفوذ دولت هستند مستولی شده است. این نیز موضوعی است که می‌تواند مورد بهره‌برداری اردوغان قرار گیرد. به ویژه که در همین روزهای آغاز تبلیغات انتخاباتی، شخص اردوغان بر سه موضوع بیشتر تمرکز کرده است؛ یک: مسائل امنیتی؛ دو: موضوع اقتصاد؛ سه: پیشرفت و توسعه ترکیه. در مقابل مخالفان، فضای بسته سیاسی و اجتماعی ترکیه را به نقد کشیده و احزابی چون حزب جمهوری خلق بر دموکراسی و در کنار آن موضوعات جمع‌نگری تمرکز کرده است. در این میان با آنکه احزاب مخالف تلاش دارند به فعالیت‌های تبلیغاتی خود انسجام ببخشند اما این انتقاد به صورت جدی از مخالفان وجود دارد که چرا نتوانسته‌اند در رابطه با نامزدی پست ریاست جمهوری به اجماع برسند.

چنانچه اکثر گروه‌ها مانند جمهوری خلق، حزب خوب، حزب سعادت و دیگر گروه‌های کردی، هر یک نامزد مورد نظر خود را برای پست ریاست جمهوری معرفی کرده‌اند که این مساله می‌تواند موازنه را به نفع اردوغان تغییر دهد. از دیگر سو اقدام چهار حزب جمهوری خلق، حزب خوب، حزب سعادت و حزب دموکرات در ایجاد ائتلاف انتخاباتی برای پارلمان توجه محافل را به خود جلب کرده است. بعضی نیز معتقدند که ممکن است قلیچ دار اوغلو، رهبر حزب جمهوری خلق رایزنی جدی با کردها انجام دهد، باهدف آنکه نظر آنها را جلب کند تا در آینده اگر نامزد آنها در انتخابات ریاست جمهوری رای مناسبی کسب کرد و انتخابات به دور بعد کشیده شد از این نامزد حمایت کند. یک سناریوی دیگر نیز این است که گروه‌ها در فرصت باقی‌مانده پیش‌رو به انتخابات بتوانند به نحای مختلف قانونی بر سر یک نفر به اجماع برسند. پیش‌تر بحث‌هایی بر سر عبدالله گل، چهره سیاسی مشهور ترکیه وجود داشت اما ظاهراً به اجماع نهایی نرسیدند.

نکته قابل‌تامل در انتخابات پیش‌روی ترکیه، توجه به اهمیت انتخابات ریاست جمهوری در مقایسه با انتخابات پارلمانی است. به دلیل آنکه نظام سیاسی ترکیه در نتیجه همه‌پرسی سال گذشته از پارلمانی به ریاستی



«نه» به غرب گرایی

مردم ترکیه به شدت مخالف نزدیکی به اسرائیل هستند

سیدعلی قائم مقامی

کارشناس مسائل ترکیه



جمهوری ترکیه وارث دولت عثمانی از پیچیدگی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زیادی برخوردار است. در این کشور اقوام مختلفی با عرف و عادات متنوع و گرایش‌های سیاسی و فرهنگی مختلف زندگی می‌کنند. ترکیه از لحاظ ساختار پیچیده سیاسی و اجتماعی و فرهنگی شبیه جامعه ایران است. در ترکیه اقوام و زبان‌های مشترک بین ایران و ترکیه نظیر ترک‌ها، ترکمنان، کردها، آذری‌ها، کولی‌ها (رومان) و عرب‌ها زندگی می‌کنند. اقوام دیگری نظیر لازها، ساکن شهرهای ساحلی دریای سیاه، آذری‌های شیعه مهاجر از ایران و قفقاز، اهل سنت حنفی و شافعی ترک و کرد و عرب و علویان ترک و کرد و عرب زبان نیز در ترکیه ساکن هستند. مهاجرت از روستا به شهرها از دهه ۲۰۰۰ میلادی در این کشور با سرعت ادامه دارد؛ در ترکیه جمعیت شهرنشین ۷۴ درصد و روستائین ۲۶ درصد است. قانون اساسی ترکیه متکی بر اصول مصطفی کمال آتاتورک است که یکی از این اصول ملی‌گرایی ترک است. دولت ترکیه در ۱۰۰ سال اخیر تلاش کرده که جامعه یکدست تک‌زبانی، تک‌فرهنگی و لائیک غربی-اروپایی به‌وجود آورد اما چندان موفق نباشد. ستون فقرات فکری اکثر جامعه ترکیه مبتنی بر سنتز «اسلام سنی محور-ترک» است. مردم ترکیه از لحاظ سیاسی و فکری گرایش‌های مختلفی دارند؛ سال‌های طولانی جناح راست «ملی‌گرایی لائیک» و غرب‌گرا بر ترکیه حکمرانی کرده است. احزاب راست پایبند نظام لیبرال کاپیتالیست و نظام بازار آزاد هستند. احزاب راست دارای طیف سیاسی و فکری مختلفی هستند؛ نظیر «پان‌ترکیست افراطی و لائیک»، ملی‌گرایی مذهبی، لیبرال راست و اسلام‌گرای سنی.

احزاب چپ نیز دارای گرایش‌های مختلفی هستند؛ نظیر سوسیال دموکرات‌های اروپا‌گرا، سوسیالیست‌ها و مارکسیست‌لنینیست. اقلیت بسیار کمی هنوز پایبند اندیشه مارکسیست لنینیست هستند. سوسیال دموکرات‌ها بزرگترین جمعیت جناح چپ هستند. جامعه علوی ترکیه به‌طور عمده در جناح چپ سوسیال دموکرات و لائیک قرار دارند، زیرا قرن‌ها تحت فشار و سرکوب دوران حاکمیت عثمانی و دوران جمهوری ترکیه قرار داشتند. بزرگترین معضل دولت ترکیه، مساله کردی و سپس علویان است. جامعه علوی ترکیه هنوز از حقوق فرهنگی و مذهبی رسمی محروم هستند. کردهای ترکیه نیز مانند اکثر جامعه ترکیه گرایش‌های سیاسی و فکری مختلفی دارند. اما پ ک ک و طیف‌های وابسته به آن با گرایش سوسیالیست پان‌کردیست افراطی بین جامعه کردی نفوذ گسترده‌ای دارند. میان جامعه کردی ترکیه همچنین گرایش‌های اسلامی سنی یا ملی مذهبی قدرتمندی وجود دارد. ملی‌گرایی کردی و پان‌کردیست به‌عنوان واکنشی در مقابل گرایش و سیاست اجرایی ملی‌گرایی ترک و پان‌ترکیست ظهور کرده و تقویت شد. در نتیجه جنگ حداقل چهل ساله بسیار مخرب و خونین و برادرکشی بر مردم ترکیه تحمیل شد. اکنون طرفین به کشتار یکدیگر افتخار

می‌کنند. دولت ترکیه براساس اصل غرب‌گرایی که یکی از اصول آتاتورک است، سیاست غرب‌گرایی را دنبال می‌کند. همه حکومت‌های حاکم بر ترکیه بلااستثنا اعلام کرده‌اند که متحد استراتژیک آمریکا و ناتو هستند. ترکیه از دهه پنجاه و شصت میلادی تلاش کرد که هماهنگ با اروپا عمل کند. حکومت حزب عدالت و توسعه نیز در سال ۲۰۰۵ میلادی مذاکرات برای عضویت در اتحادیه اروپا را آغاز کرد. براساس ۳۵ سرفصل مذاکرات برای عضویت باید از همه ابعاد سیاسی اقتصادی، اجتماعی، حقوق بشر، قوای سه‌گانه، رسانه‌ها، انرژی، کار و کارگری، سیاست داخلی و سیاست خارجی و غیره اصلاحاتی انجام دهد.

مردم ترکیه در چند سال اخیر بر خلاف سیاست‌های غرب‌گرای حکومت‌ها، مخالف شدید سیاست‌های غرب محور و به‌خصوص آمریکامحور دولت ترکیه هستند. اکثر مطلق مردم ترکیه ضد صهیونیست و ضد اسرائیل هستند. بین مردم ترکیه گرایش دوری از اروپا، مخالفت با آمریکا و ناتو، وحدت بین ترکیه با کشورهای همسایه و جهان اسلام و روسیه تقویت شده است. از این منظر مردم ترکیه خواهان ترک سیاست اقتصادی لیبرال کاپیتالیست و تبدیل ترکیه به بازار کالاهای غربی هستند. ترکیه به علت امضای قرارداد اتحاد گمرکی با اتحادیه اروپا، بازار کشور را برای ورود آزاد کالاهای اتحادیه اروپا و به تبع آن به کشورهای ثالث متحد اقتصادی اتحادیه اروپا از جمله اسرائیل نژادپرست گشوده است. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه بحق اعلام کرده است که ترکیه حدود ۱۵۰ هزار میلیارد دلار صادرات داشته است اما از واردات بیش از ۲۲۰ میلیارد دلار واردات سخن نمی‌گوید. دولت ترکیه همیشه با کسری تراز پرداخت خارجی روبه‌رو بوده است، همچنین بیش از ۴۵۰ میلیارد دلار بدهی داخلی و خارجی بخش دولتی و خصوصی دارد. جمعیت نیروی کار ترکیه ۳۱ میلیون نفر است. نرخ بیکاری رسمی ترکیه ۳ میلیون و ۱۶۰ هزار نفر برابر با ۱۱ درصد است. نرخ بیکاری بین گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال ۲۴ درصد است. «بیکاری» آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و خلاف قانون و ارزش‌های اخلاقی را به‌وجود آورده است. مردم اعتراض شدیدی نسبت به واگذاری تشکلهای دولتی و عمومی به بخش خصوصی داخلی و خارجی دارند. طرح‌های کلان بخش ساختمانی و راه و پل سازی نظیر «پل سوم و کانال

استانبول» به شرکت‌های خارجی واگذار شده است. صنایع دفاعی ترکیه نیز به‌طور عمده وابسته به آمریکا و کشورهای ناتو، به‌صورت تولید مشترک با حق لیسانس و پاتنت است. دولت ترکیه با کشورهای آسیایی، آفریقایی، آمریکای لاتین و کشورهای منطقه است اما حکومت حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان در سیاست منطقه‌ای به‌خصوص عراق، سوریه، یمن و لیبی سیاستی مخرب و وابسته به آمریکا و کشورهای ناتو به‌خصوص اتحادیه سه‌گانه آمریکا، انگلیس، فرانسه و اسرائیل در منطقه داشته و دارد. ترکیه از گسترش ناتو در بالکان و کشورهای شرقی، خلیج فارس و دریای سیاه حمایت کرده و می‌کند. ترکیه عامل سازماندهی و تسلیحاتی گروه‌های تروریستی تکفیری در عراق و سوریه بود و تلاش می‌کند که با بهره‌برداری از آنها، نفوذ و قدرت چانه‌زنی خود را در این کشورها و به‌خصوص سوریه تقویت و گسترش دهد.

حداقل نیمی از مردم ترکیه مخالف سیاست داخلی و خارجی حکومت رجب طیب اردوغان هستند. اردوغان از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۲ متحد گروه فتح‌الله گولن بود و همه ارکان‌های دولت را در اختیار وی گذارده بود. اما اکنون به بهانه مبارزه با گروه تروریستی و کودتاگر گولن حالت فوق‌العاده در کشور اعلام کرده است. ده‌ها هزار نفر را به عضویت در گروه گولن متهم یا به‌صورت بی‌گناه بازداشت کرده است. مردم ترکیه سیاست اردوغان در سوریه و دشمنی با بشار اسد را خائنه و در جهت منافع صهیونیسم می‌دانند. زیرا اگر ترکیه از گروه‌های تکفیری تروریستی حمایت نمی‌کرد، طرح مشترک با آمریکا تحت عنوان «آموزش و تجهیز مخالفین سوریه» را اجرایی می‌کرد، سوریه تخریب نمی‌شد و میلیون‌ها نفر از مردم سوریه آواره و قتل‌عام نمی‌شدند. همچنین بنا به ادعای اردوغان، دولت ترکیه به پناهندگان سوری ۳۱ میلیارد دلار هزینه نمی‌کرد. از دیگر سو، امنیت ملی سوریه، عراق، ترکیه و ایران به نفع صهیونیسم به خطر نمی‌افتاد. حضور آمریکا در سوریه، عراق و منطقه افزایش نمی‌یافت و یگان‌های مدافع خلق و حزب اتحاد دموکراتیک سوری وابسته به پ ک ک تحت حمایت تسلیحاتی، نظامی و اطلاعاتی آمریکا در سوریه ظهور نمی‌کرد. در نهایت دولت ترکیه ناچار نمی‌شد که عملیات سپهر فرات و شاخه زیتون را آغاز کند و جوانان کرد را که به پیاده نظام آمریکا در منطقه تبدیل شده‌اند به قتل برساند و در میتینگ‌های انتخاباتی به این مساله افتخار کند. حداقل نیمی از مردم ترکیه مخالف نظام ریاست‌جمهوری مورد نظر اردوغان هستند و آن‌را صریح خود را با نظام ریاست‌جمهوری در ترکیه که تکفیک قوا را تا حدود زیادی از بین می‌برد، اعلام کرده و آن‌را مانع ادامه مذاکرات برای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا دانسته است.



**قانون اساسی
ترکیه متکی بر اصول
مصطفی کمال آتاتورک
است که یکی از این اصول
ملی‌گرایی است**

وزن‌کشی سیاسی

قد علم کردن احزاب سعادت و خوب در مقابل حزب حاکم

ناصر پورابراهیم

کارشناس مسائل ترکیه



در ۷ آوریل ۲۰۱۸ دولت باغچه‌لی، رهبر حزب حرکت ملی، با درخواست انتخابات زودرس ریاست جمهوری، زنگ انتخابات در ترکیه را به صدا درآورد. در ابتدا تصور می‌شد که این درخواست صرفاً از جانب وی مطرح است و عدالت و توسعه تمایل چندانی به انتخابات زودرس ندارد، به‌ویژه اینکه اردوغان و رهبران حزب عدالت و توسعه هرگونه انتخابات زودهنگام و پیش از ۲۰۱۹ را انکار می‌کردند اما پذیرش سریع این پیشنهاد از سوی وی، بیانگر این بود که دو طرف در این زمینه با یکدیگر هماهنگی کامل دارند و از زمان فراندوم تغییر قانون اساسی این موضوع در دستورکار دو رهبر حزبی بوده است اما دلایل این انتخابات زودرس چیست؟

عوامی چند را می‌توان بر این موضوع ذکر کرد. اول اینکه در زمان برگزاری فراندوم قانون اساسی بعد از کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ مشخص شد که حزب عدالت و توسعه برای کسب ۵۰ درصد آراء نیازمند اتحاد با حزب حرکت ملی است و این حزب به عنوان متحد راهبردی عدالت و توسعه در دوران پس از کودتا در عرصه سیاست داخلی ایفای نقش می‌کند. دوم اینکه انجام عملیات عرفین، افکار عمومی را تا حدود بسیار زیادی موافق اردوغان کرده و این عملیات حتی از جانب احزاب مخالف نیز به شکل جدی مورد انتقاد قرار نگرفته است؛ بنابراین کاتالیزور خوبی برای بسیج مردمی و اخذ آرا از جانب عدالت و توسعه محسوب می‌شود. عامل سوم، مربوط به وضعیت داخلی حزب عدالت و توسعه است که بعد از کودتای نافرجام جولای ۲۰۱۶ به‌رغم تصفیه‌های گسترده در ساختار اداری و بوروکراتیک و اخراج طرفداران گولن از آن، هیچ تعرضی به بدنه سیاسی حزب عدالت و توسعه و نمایندگان آن نشده هرچند تصفیه‌های زیادی قبل از کودتا و بعد از دوران نخست‌وزیری داوود اوغلو انجام شده بود اما مسلمان این انتخابات نوعی غربال مهره‌های سیاسی در درون عدالت و توسعه محسوب می‌شود که دامنه آن نه تنها به طرفداران گولن محدود نمی‌شد، بلکه نیروهای هوادار عبدالله گل را نیز شامل خواهد شد. عامل مهم دیگری که در انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری و مجلس ترکیه نقش دارد وضعیت بد اقتصادی این کشور است که در سال‌های بعد از کودتا و با تیره‌تر شدن روابط این کشور با اتحادیه اروپا، آمریکا و عربستان این مساله حادث شده است. به‌رغم رشد اقتصادی ۷/۴ درصدی در اقتصاد ترکیه، این کشور با مشکلات مهمی در بخش جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تورم روبه‌رو بوده است. از زمان آغاز اعتراضات رضا خراب در آمریکا، ارزش پول ملی این کشور (لیره) روند کاهشی بی‌سابقه‌ای را شاهد بوده است (تقریباً ۲۵ درصد) و این انتخابات تقریباً نوعی جلب اعتماد سرمایه‌گذار خارجی است، همان‌طور که خود اردوغان نیز در زمان اعلان انتخابات زودهنگام به این موضوع اشاره کرد.

انتخابات زودرس در ترکیه تأثیرات مهمی نیز بر

احزاب مخالف عدالت و توسعه خواهد داشت. اعلان برگزاری انتخابات زودرس در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۸ امکان هرگونه سازماندهی این احزاب را از بین می‌برد، به‌طوری که در فاصله کمتر از ۵۰ روز مانده به انتخابات (که یک ماه آن نیز در ماه مبارک رمضان خواهد بود) عملاً کمپین‌های انتخاباتی و تبلیغاتی کارایی چندانی نخواهند داشت. استفاده این احزاب نیز از رسانه‌های جمعی چندان گسترده نیست، فرصت چندانی هم به احزاب داده نمی‌شود و این وضعیت فرصت مناسبی برای عدالت و توسعه با هدف پیروزی در انتخابات مهیا می‌کند.

دومین تأثیر آن حذف اتوماتیک حزب جدیدالتاسیس خوب (ای پارتی) از فرآیند انتخابات است؛ چرا که با برگزاری انتخابات در این تاریخ، این حزب از نظر فاصله زمانی قادر به شرکت در این انتخابات نمی‌شود. اما با انتقال ۱۵ نماینده مجلس به این حزب از سوی حزب جمهوریخواه خلق عملاً این طرح بی‌اثر شد. تأثیر چهارم اینکه با توجه به کاهش محبوبیت عدالت و توسعه در کلانشهرها، برگزاری این انتخابات قبل از انتخابات شهرداری‌ها می‌تواند تا حدودی توازن را به نفع عدالت و توسعه برگرداند. کاهش کارایی شهرداران عدالت و توسعه در کلان‌شهرها، تصفیه نیروهای شهرداران به اتهام طرفداری از گولن و احزاب کردی باعث شده تا در سال‌های اخیر انتقادات و نارضایتی جدی به این نهاد شهری وارد شود و پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری نیز می‌تواند تا حدودی قدرت سازماندهی و بازیابی خود در انتخابات شهرداری‌ها در آگوست ۲۰۱۹ را افزایش دهد.

احزاب مخالف و انتخابات ریاست جمهوری:

۱- با مروری بر انتخابات گذشته در ترکیه و سید آرای هریک از احزاب در آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: رفتار انتخاباتی مردم ترکیه غیرقابل پیش‌بینی نیست، هریک از احزاب دارای سید رای مشخصی هستند.

۲- اقتصاد عامل مهمی در تعیین رفتارهای انتخاباتی مردم محسوب می‌شود.

۳- شکست و پیروزی احزاب، تابعی از شخصیت و منش رهبران آن است. در بیست سال اخیر مردم ترکیه از نظر انتزاجی محافظه‌کار و راست‌گرا بوده‌اند. با بیان ویژگی‌های فوق می‌توان مرور مختصری بر وضعیت احزاب مخالف در ترکیه داشت.

مهم‌ترین حزب مخالف عدالت و توسعه حزب جمهوریخواه خلق است که بیشتر رویکردی سوسیال دموکرات دارد و میزان آرای آن نیز در دهه اخیر بیش از ۳۰ درصد نبوده است. اختلافات داخلی درون حزب، ضعف در کادرسازی، سردرگمی فکری و راضی بودن به جایگاه حزب مخالف عدالت و توسعه از مهم‌ترین نقاط ضعف آن به‌شمار می‌رود. این حزب برای انتخابات آتی ابتدا به فکر ایجاد بلوکی واحد علیه اردوغان بود و مذاکرات چندی با حزب سعادت و حزب خوب (ای پارتی) برای حمایت از کاندیدای واحد داشت و براساس اخبار غیررسمی توافق ضمنی برای کاندیداتوری عبدالله گل نیز حاصل شده بود. اما اعتراضات در درون حزب در خصوص تأکید بر انتخاب کاندیدایی از درون حزب، قلیچ داراوغلو،



رهبر حزب را مجبور به عقب‌نشینی کرد و در نهایت منجر به معرفی محرم اینجه شد. وی در عرصه سیاست ترکیه معروف به سرسختی و پشتکار است و از نظر کاریزما و لحن سخن نیز بی‌شباهت به اردوغان نیست. اما اینکه امکان پیروزی وی در انتخابات است یا خیر، با توجه به سید رای این حزب و تجربه‌های قبلی انتخابات در ترکیه این احتمال چندان قوی نیست.

دومین حزب مخالف عدالت و توسعه، حزب تازه‌تاسیس خوب (ای پارتی) به رهبری مرل آقشتر است. از نظر خط مشی سیاسی و حامیان آن، این حزب آلترناتیو حزب حرکت ملی به رهبری دولت باغچه‌لی است و اعضای موسس آن نیز سابقاً عضو حرکت ملی بوده‌اند و ملی‌گرایان و محافظه‌کاران طرفدار این حزب محسوب می‌شوند. مرل آقشتر از نیمه دوم ۲۰۱۷ همواره بر احتمال وجود انتخابات زودرس تأکید داشته و از همان دوران نیز خود را نامزد ریاست جمهوری اعلام کرده بود. وی



تعیین کننده نتیجه انتخابات باشد. با مروری مختصر به وضعیت احزاب در انتخابات ترکیه می توان چنین استنتاج کرد که مهمترین احزابی که سرنوشت انتخابات را رقم خواهند زد، عبارت خواهد بود از حزب سعادت و حزب خوب (ای پارتی) چرا که افزایش آرای آنان به معنی کاهش آرای عدالت و توسعه و حزب حرکت ملی خواهد بود. براساس شواهد و فرایندهای تبلیغاتی راهبرد سه حزب مخالف عدالت و توسعه، وزن کشی سیاسی در مرحله اول انتخابات، عبور به مرحله دوم و حمایت سه حزب از کاندیدای واحد در آن زمان خواهد بود. اینکه رهبران احزاب موفق به اقناع هواداران خود به حمایت از کاندیدای مشترک در دور دوم خواهند شد، خود موضوعی پیچیده و در خور تأمل است. در آن سو عدالت و توسعه و حزب حرکت ملی با تمامی امکانات و شیوه سعی خواهند کرد تا با بسیج حامیان خود، کار را در مرحله اول انتخابات تمام کنند.

ملی دارد و البته جلب رای دهندگان زن نیز از دیگر اهداف وی است. وی یکی از مهم ترین دلایل عدم اجماع سه حزب روی عبدالله گل بود زیرا حاضر به انصراف از کاندیداتوری نشد.

حزب سعادت به رهبری تمل قارامولا اوغلو در واقع همان حزب رفاه اربکان است که بعد از فوت وی و کسب موفقیت عدالت و توسعه به محاق رفته بود اما با کادرسازی و حفظ استقلال خود از عدالت و توسعه توانسته در اذهان عمومی به ویژه در میان اسلامگراها جایگاهی را به دست آورد و رهبر این حزب نیز خود را مهبیای رقابت با اردوغان کرده است.

حزب دموکراتیک خلق نیز حزب مهم دیگری است که به جهت زندانی شدن رهبران آن در زندان به جرم هواداری از پ ک ک قادر به تأثیر گذاری چندانی در انتخابات نخواهد بود اما طرفداران کرد این حزب نیز درصد آرای مهمی در انتخابات دارند که می تواند

انتخابات زودرس در ترکیه تأثیرات مهمی بر احزاب مخالف عدالت و توسعه خواهد داشت. اعلان برگزاری انتخابات زودرس در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۸ امکان هرگونه سازماندهی این احزاب را از بین می برد، به طوری که در فاصله کمتر از ۵۰ روز مانده به انتخابات (که یک ماه آن نیز در ماه مبارک رمضان خواهد بود) عملاً کمپین های انتخاباتی و تبلیغاتی کارایی چندانی نخواهند داشت

به عنوان یک سیاستمدار با تجربه و یک زن که سابقه وزارت داخله (وزارت کشور) ترکیه را نیز دارد، سعی در جلب آرای ناراضیان به عدالت و توسعه و حزب حرکت

محرم اینچه مقابل اردوغان

رقیب جدید رئیس جمهور ترکیه کیست؟



حسین پاشایی

کارشناس مسائل خاورمیانه



در بستر تحولات سیاسی ترکیه، برگزاری «انتخابات زودرس» از چندی پیش قابل پیش بینی بود تا اینکه نهایتاً دولت باغچه‌لی پیشنهاد انجام انتخابات زودرس را در ژوئن امسال مطرح کرد. به نوعی می‌توان گفت که اغلب احزاب اپوزیسیون از این پیشنهاد حمایت کردند و جز مخالفت لفظی تمل کاراملا اوغلی رهبر حزب سعادت، صدای مخالفتی شنیده نشد. جبهه اقتدار از مدت‌ها پیش با همکاری و ائتلاف بین حزب حرکت ملی و حزب حاکم عدالت و توسعه به وجود آمده بود و اوچ این ائتلاف در فرآیند تغییر قانون اساسی خود را نشان داد؛ این بار نیز از مدت‌ها قبل زمره‌های همکاری و ائتلاف جدید به گوش می‌رسید. دولت باغچه‌لی حتی نام این ائتلاف را نیز مشخص کرده بود؛ ائتلاف «جمهور» نامی است که او برای همگامی با حزب حاکم در انتخابات آتی در نظر گرفته است. بعضی از ناظران اعتقاد دارند که اگر حزب حرکت ملی به تنهایی در انتخابات آتی شرکت می‌کرد، نمی‌توانست از سد ۱۰ درصدی مجلس ملی عبور کند و به نوعی باغچه‌لی با مطرح کردن ائتلاف جمهور حضور حداقلی حزب حرکت ملی را در مجلس آتی تضمین کرد. تجربه فرآیند گذشت نیز حزب حاکم عدالت و توسعه را به همکاری و ائتلاف با حرکت ملی ترغیب می‌کرد؛ کم‌اینکه با همکاری یکدیگر توانسته بودند در فرآیند پیروزی شکننده‌ای کسب کنند. به هر حال پس از آنکه اردوغان و آک پارتی تاریخ ۲۴ ژوئن را برای برگزاری انتخابات همزمان ریاست جمهوری و مجلس ملی انتخاب کردند، ائتلاف جمهور با پیوستن حزب دیگر جریان ملی گرای یعنی حزب بزرگ وحدت اعلام وجود کرد.

در مقابل احزاب مخالف که با توجه به نتایج فرآیندوم سال گذشته این بار به شکست دادن عدالت و توسعه بسیار امیدوار هستند در ابتدا با میدان داری تمل کاراملا اوغلو، رهبر حزب اسلامگرایی سعادت و کمال قلیچ‌داراوغلو، رهبر حزب جمهوری خلق، بسیار تلاش کردند که بتوانند برای رقابت با اردوغان حول شخصیت واحدی به توافق برسند. برای این منظور به سراغ عبداللہ گل، رئیس جمهور سابق و از بنیانگذاران حزب عدالت و توسعه که در سال‌های اخیر انتقاداتی به شیوه حکمرانی اردوغان دوست سابق خود

را داشته باشد.

برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری دوره وجود دارد؛ یا باید شخصی که قصد کاندیداتوری دارد حزب متبوعش در مجلس ملی فراکسیونی متشکل از ۲۰ نماینده مجلس داشته باشد یا موفق به جمع آوری یکصد هزار امضا از شهروندان ترکیه‌ای شود. برای این منظور در اقدامی غیرمنتظره ۱۵ نفر از نمایندگان حزب جمهوری خلق با دستور قلیچ‌داراوغلو از حزب متبوع خود استعفا داده و به حزب خوب ملحق شدند تا مرال آکشنر بتواند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند. فردای آن روز آکشنر در دیداری که از مقر حزب حرکت جمهوری خلق به منظور قدردانی از پیوستن ۱۵ نماینده به حزیش داشت اعلام کرد که به‌رغم این او با جمع آوری یکصد هزار امضا در انتخابات شرکت خواهد کرد. این امر به منزله اعتماد به نفس زیاد خانم آکشنر در مواجهه با اردوغان قلمداد شد. طبق شنیده‌ها در همان ساعات اولیه جمع آوری امضاها نیز تعداد کسانی که به حمایت از او برای امضا مراجعت کرده بودند از مرز یکصد هزار عبور کرد.

در حزب جمهوری خلق اما اوضاع به گونه‌ای دیگر بود. پس از به سرانجام نرسیدن پروژه کاندیدای مشترک، اسامی چند نفر برای نامزدی از طرف حزب مطرح شد که در نهایت حول نام محرم اینچه از مخالفان درون حزبی رهبری کمال قلیچ‌داراوغلو به توافق رسیدند. محرم اینچه تا کنون چندین بار در کنگره‌های حزبی برای رهبری حزب با قلیچ‌داراوغلو رقابت کرده است. با این وجود، قلیچ‌داراوغلو او را برای رقابت با اردوغان برگزید. گمان می‌رود با توجه به مشی پوپولیستی و سخنوری محرم اینچه، تور کمیته‌های انتخاباتی داغ‌تر از پیش باشد.

در نهایت با توجه به اینکه در ۹ مه مهلت ثبت نام و جمع آوری امضا به اتمام خواهد رسید با حد نصاب رسیدن امضاهای مرال آکشنر و تمل کاراملا اوغلی، انتخابات ریاست جمهوری با رقابت، رجب طیب اردوغان، محرم اینچه، مرال آکشنر، تمل کاراملا اوغلو و البته صلاح‌الدین دمیرتاش رهبری مشترک سابق حزب دموکراتیک خلق‌ها که اکنون در بازداشت به سر می‌برد، برگزار خواهد شد.

اما در سوی دیگر در انتخابات مجلس ملی مخالفان توانستند با تشکیل ائتلاف «ملت» متشکل از حزب جمهوری خلق، حزب اسلامگرایی سعادت، حزب خوب و حزب دموکرات که گویی قرار است با حزب خوب لیست مشترکی ارائه دهند، اعلام وجود کنند. با این اوصاف احزاب مخالف که نتوانستند و یا به قولی نخوانستند در انتخابات ریاست جمهوری حول محور کاندیدای مشترک گرد هم آیند. در انتخابات مجلس ملی با ائتلاف ملت در مقابل ائتلاف جمهور حزب حاکم و احزاب موافق رقابت خواهند کرد.

به نظر می‌رسد که هدف احزاب مخالف با توجه به تعدد کاندیداها کشیدن انتخابات ریاست جمهوری به دور دوم باشد. اگر انتخابات به دور دوم بکشد آن‌ها می‌توانند با بسیج مخالفان حول یک کاندیدا، اردوغان را با مشکل جدی مواجه کنند. از سوی دیگر اگر نتوانستند از پس اردوغان در انتخابات ریاست جمهوری برآیند با کسب پیروزی در مجلس ملی مانع از یکدست شدن دوباره حاکمیت شوند.

در نهایت در رابطه با این موضوع که از منظر منافع جمهوری اسلامی ایران کدام یک از کاندیداهای مورد نظر می‌تواند مورد ترجیح باشد به نظر می‌رسد که با وجود تمامی مشکلاتی که با سیاست‌های منطقه‌ای اردوغان وجود دارد و با توجه به اوضاع سیاسی منطقه، همچنان ترجیح حزب عدالت و توسعه باشد، البته با توجه به سیاست‌های انزواگرایانه حزب جمهوری خلق در امور خاورمیانه و نزدیکی با غرب و ناتو شاید به قدرت رسیدن احزاب مخالف حول محور حزب جمهوری خلق نیز دست‌های ایران را در منطقه بازتر کند.

داشته است، رفتند. آن گونه که از شنیده‌های غیررسمی پیدا بود گویی در ابتدا عبداللہ گل نیز برای شرکت در انتخابات بی‌میل نبود؛ البته تنها شرط او این بود که به تنهایی و به عبارتی تنها کاندیدای مشترک احزاب مخالف در برابر اردوغان باشد. برای همین منظور هم قلیچ‌داراوغلو و هم کاراملا اوغلو دیدارها و گفت‌وگوهای زیادی با خانم مرال آکشنر رهبر حزب تازه تاسیس «خوب»، دیگر پدیده نوظهور عرصه سیاسی ترکیه داشتند تا بتوانند او را قانع به پذیرش کاندیدای مشترک حول محور عبداللہ گل بکنند. خانم آکشنر از مدت‌ها پیش در حزب حرکت ملی علم مخالفت با رهبری باغچه‌لی را برافراشت و ابتدا سعی داشت که با زیرک‌شدن باغچه‌لی از رهبری حزب و انجام کنگره سراسری، به عنوان دبیرکل حزب حرکت ملی انتخاب شود که با واکنش شدید باغچه‌لی مواجه شد و در نهایت به همراه تعداد دیگری از مخالفان پس از اخراج از حرکت ملی، اقدام به تشکیل حزب «خوب» کردند. مرال آکشنر از مدت‌ها قبل آمادگی خود را برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرده بود و در مقابل پیشنهاد نامزدی مشترک عبداللہ گل کوتاه نیامد و به‌رغم اصرار دیگر رهبران مخالف بر کاندیداتوری خود اصرار ورزید. با این اوصاف پروژه کاندیداتوری عبداللہ گل به ویژه پس از دیدار تهدیدآمیز خصوصی آکار، رئیس ستاد مشترک ارتش - که به گفته محرم اینچه با فرود هلی کوپتر حامل او در باغچه‌خانه عبداللہ گل به دیدار او رفته بود - با شکست مواجه شد و این اقدام احزاب مخالف برای ایجاد ائتلاف در انتخابات ریاست جمهوری سرانجامی نداشت. پس از آن تصمیم گرفته شد که در انتخابات ریاست جمهوری هر حزبی کاندیدای خود

”

به نظر می‌رسد که هدف احزاب مخالف با توجه به تعدد کاندیداها کشیدن انتخابات ریاست جمهوری به دور دوم باشد. اگر انتخابات به دور دوم بکشد آن‌ها می‌توانند با بسیج مخالفان حول یک کاندیدا، اردوغان را با مشکل جدی مواجه کنند. از سوی دیگر اگر نتوانستند از پس اردوغان در انتخابات ریاست جمهوری برآیند با کسب پیروزی در مجلس ملی مانع از یکدست شدن دوباره حاکمیت شوند.

”

ان الحسن مصباح الهدى ونور الحياة



بهترین فرصت برای کمک به
کودکانی که تمنای زندگی دارند

شماره حساب بانک پارسیان: ۸۱۰۴۴۴۴۹ * ۷۲۰ # ۰۲۱ - ۲۳۵۴۰

شماره حساب بانک پارسیان: ۸۱۰۴۴۴۴۹



محک

مؤسسه خیریه حمایت از
کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org

آمین رونمایی از سامانه الکترونیک

شماره یکم کلمات ارزش

شماره یکم کلمات ارزش

شماره یکم کلمات ارزش

شماره یکم کلمات ارزش

شماره یکم کلمات ارزش

شماره یکم کلمات ارزش



سامانه لیما



واردکنندگان هم به طور طبیعی برای تامین ارز مورد نیاز خود در این سامانه با مشکل مواجه می شوند.

در سویی دیگر سامانه نیما همان طور که بانک مرکزی تایید می کند پاسخگوی تمامی نیازهای ارزی نیست و تکمیل آن زمانبر خواهد بود. به هر حال هستند گروه هایی که تقاضای ارز آنها تعریف نشده و باید برای تامین آن به بازار آزاد و کانال های دیگر ورود کنند. رئیس کل بانک مرکزی وعده داده که در مورد آنها هم احتمالاً تصمیم گیری می شود، ولی فعلاً باید با شرایط کنار آمده و تحمل کنند. در عین حال که تعهدی برای افزایش سهم ارزی وجود ندارد. به اعتقاد کارشناسان، اتفاقاتی که در حوزه ارز طی سه ماه گذشته رخ داد و اینکه بعد از تعطیلات عیدیی دلیل نرخ ارز به ۵۰۰ و ۶۰۰ تومان رسید، به نظر می آید که وقت آن بود دولت به این قضیه ورود کند و با سیاست گذاری دقیق تری بتواند سرکشی دلار را مهار کند. از سوی دیگر پس از نوسانات ارزی و تصمیم جدید دولت مبنی بر تعیین دلار ۴۲۰۰ تومانی به عنوان دلار تک نرخی، این ارز با قیمت اعلام شده صرفاً به متقاضیان قانونی اعم از تجار تخصیص داده می شود که رئیس کل بانک مرکزی به تازگی اعلام کرد از ۲۱ فوروردین تا کنون حدود ۹۲۱۰ فقره ارز ۴۲۰۰ تومانی معادل دو میلیارد و ۳۶۰ میلیون دلار تخصیص یافته و برخلاف برخی اعلام ها، روند صادرات و واردات متوقف نشده و ارز اختصاص یافته است. همچنین سایر متقاضیان که به دنبال تهیه دلار هستند باید فعلاً صبر کنند.

به گفته فعالان بازرگانی در شرایط فعلی برای استفاده از دلار ۴۲۰۰ تومانی میزان تقاضا برای ثبت سفارش به شدت بالا رفته است و روند صادرات و واردات را با مشکل روبرو کرده است و سامانه نیما هنوز به طور کامل راه اندازی نشده است و ثبت سفارش برای خیلی از کالاها با مشکل روبرو است و اما کسانی که از سال گذشته ثبت سفارش داشته اند در بعضی موارد در کالاهای اساسی توانسته اند ثبت سفارش جدید انجام بدهند و در سال جدید موفق شده اند تخصیص ارز داشته باشند.

بعد از راه اندازی سامانه نیما اعلام شد هر صادراتی که انجام می شود باید از آن از طریق سیستم بانکی مبادله شود. این مسئله صادرکنندگان به ویژه صادرکنندگان به عراق و افغانستان را با مشکل روبرو کرده است که اکنون بخشنامه ها و اصلاحیه هایی ابلاغ می شود که بتواند سامانه نیما را اصلاح و ایرادات آن را برطرف کند.

در این رابطه جهان بخش سنجایی شیرازی - عضو اتاق بازرگانی مشترک ایران و عراق - به ایسنا گفت: در حال حاضر دولت الزام صادرکنندگان به حوزه عراق را برای بازگشت ارز از طریق سیستم بانکی معاف کرده است.

به گفته وی، برای همین با این تصمیم این نوید داده می شود که در حوزه عراق و افغانستان دچار وقفه یا کاهش صادرات نشویم و امیدوار هستیم که با توجه به مزیت رقابتی که صادرات به عراق نسبت به سایر کشورها پیدا کرده است می توانیم از طریق سیاست های جدید شاهد افزایش صادرات به عراق و افغانستان باشیم.

عضو اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق معتقد است که اگر کل صادرات به دنیا را در نظر بگیریم ثبات نرخ ارز تا زمانی که تفاوت نرخ در بازار رسمی و غیر رسمی پر نشود در کوتاه مدت و بلند مدت تأثیر منفی بر صادرات خواهد داشت. اما خوشبختانه معافیت برای صادرکنندگان به عراق و افغانستان لحاظ شده است و برای همین اثرات اقدامات جدید ارزی در حوزه عراق و افغانستان تخریبی نیست و به دلیل اینکه مزیت رقابتی برای صادرات به دیگر کشورها کاهش پیدا کرده، تعداد بیشتری از صادرکنندگان تمایل خواهند داشت که صادراتشان را به عراق و افغانستان انجام دهند تا از تسهیلاتی که دولت برای صادرات به این دو کشور در نظر گرفته برخوردار شوند.

حدود یک ماه از اجرایی شدن سیاست بانک مرکزی برای ساماندهی بازار ارز گذشته و با وجود شروع فعالیت سامانه ارزی (نیما)، بازیگران این بازار نتوانسته اند چندان جای خود را پیدا کنند. رئیس کل بانک مرکزی از بانک ها و صرافی ها خواسته تا در جایگاه خود قرار گیرند، اما در سویی دیگر صادرکنندگان و واردکنندگان در فروش و تامین ارز با مسائلی مواجه هستند.

با اعلام سیاست جدید ارزی و اجرایی شدن آن از ۲۱ فروردین، کانال های فروش و دریافت ارز تغییر کرد و در مجموع در قالب سامانه ارزی «نیما» گرد آمد. این سامانه، نظام یکپارچه مدیریت ارز بوده و قرار بر این است تا با فعالیت آن تمامی منابع و مصارف ارزی در یک محل جمع و بر اساس ترجیح متقاضی و اولویت های سیاستگذار، عرضه و تقاضای ارز تعدیل شود.

در مجموع در سامانه نیما چهار گروه عمده حضور دارند؛ اول واردکنندگان کالا و خدمات به عنوان متقاضیان ارز، گروه دوم شامل صادرکنندگان کالا و خدمات به عنوان عرضه کننده ارز، گروه سومی که واسطه - گران شامل بانک ها و صرافی ها هستند و منابع را از سمت عرضه - کنندگان به متقاضیان هدایت می کنند. همچنین گروه چهارمی که نقش ناظر را دارد؛ یعنی سیاست گذار بر اساس پیش بینی منابع و مصارف، نرخ، دامنه آزادی نرخ، اولویت ها و سقف مصارف را از طریق سامانه کنترل می کند. این ورود صادرکنندگان و واردکنندگان است که به چرخش ارز در نیما شکل می دهد و موجب انجام معاملات ارزی می شود. در این بین بانک ها و صرافی ها نیز به عنوان واسطه بین دو گروه اول عامل انجام معاملات هستند. در سیاست جدید ارزی، ورود به بازار برای تامین یا فروش ارز و البته با هر نرخ غیر از ۴۲۰۰ تومان برای دلار یا نرخ های اعلام شده برای سایر ارزها، ممنوع و قاچاق است و باید از محل سامانه نیما انجام شود. این در حالی است که بعد از اعلام طرح دولت برای ساماندهی بازار ارز تا حدود دو هفته سامانه نیما فعالیت خاصی نداشت و تا رونمایی رسمی از آن زمان صرف شد. حتی بعد از آن نیز تا کنون به روال عادی بازنگشته و آن طور که رئیس کل بانک مرکزی چندی پیش اعلام کرد ادعایی هم در مورد جامع بودن سیاست ارزی وجود ندارد و به تدریج کامل می شود.

سیف، در تازه ترین جلسه خود با بازیگران ارزی، نشست با بانک ها و صرافان داشته و از آنها به عنوان بازیگران اصلی بازار ارز یاد کرده است و گفته که باید انگیزه کامل از جانب بانک ها و صرافی ها برای حضور و فعالیت در سامانه نیما داشته باشند. وی البته عملکرد بانک ها در مدت گذشته در نیما را تایید کرده و در مقابل انتظاراتش از صرافی ها این بوده که با تحرک بیشتری در این طرح به فعالیت بپردازند.

این در شرایطی است که در سویی دیگر صادرکنندگان و وارد کنندگان، دیگر اعضای اصلی بازار ارز هستند که نسبت به روال موجود رضایت چندانی نداشته و ظاهراً کمتر دیده شده اند. گفت و گو با برخی گروه های اصلی عرضه ارز یعنی پتروشیمی ها از این حکایت دارد که آنها برای فروش ارز ناشی از صادرات با مشکلاتی مواجه هستند؛ به طوری که نمی توانند به روالی معمول و انطور که پیش بینی شده، ارز خود را به بانک ها و صرافی های تعیین شده بفروشند و موفقیت چندانی برای فعالیت در سامانه نیما نداشته اند. صادرکنندگان همچنین از افزایش هزینه خود برای فروش ارز گله داشته و عنوان می کنند که تا پیش از این ارز خود را از کانال صرافی فروخته و یک کارمزد می پرداختند، اما اکنون باید برای فروش به بانک ها یک انتقال اضافه به بانک ها انجام دهند که کارمزد دیگری هم در بانک ها از آنها دریافت می شود که باتوجه به بالا بردن ارقام، هزینه های سنگینی برای آنها به همراه دارد. آنها می گویند ریزنی بسیاری برای رفع مسائل موجود و موانع عرضه ارز داشته اند و تا کنون شرایط به حالت عادی برنگشته است. در این شرایط

رویکرد نیما

شکست سیف

و انیما در کنترل نرخ ارز ناموفق بود؟

فقدان «دلار اسحاق»

چرا اثری از دلار ۴۲۰۰ تومانی در بازار دیده نمی‌شود؟



بانک مرکزی سعی می‌کند با این تعبیرها بر التهابات بازار سرپوش بگذارد و خود را از آنچه در بازار پیش می‌آید تبرئه کند.

به نظر می‌رسد این بار دیگر وقت آن رسیده که یک دستی به تیم اقتصادی دولت بکشند تا شاید بتوان فکری برای این همه التهاب و نوسان کرد؛ چه آنکه به نظر می‌رسد تیم حاضر در صحنه یا صحنه را ترک می‌کنند و یا حضورشان در صحنه نمی‌تواند التیام بخش هیچ‌یک از دردهای اقتصادی کشور باشد. نکته جالب این است که هر بار مقام مسئولی لب به سخن می‌گشاید، شرایط نه تنها بهتر نمی‌شود که هر بار نوسانات جدیدی را موجب می‌شود و هر بار بازار را به لبه پرتگاه می‌کشاند. هفته گذشته هم از آن روزهایی بود که همه بیدار بودیم و مقامات در خواب. گویی مقامات ماه‌هاست در خواب رفته‌اند و خیال بیدار شدن ندارند که هر بار قیمت‌های بازار اوج می‌گیرد و راهی برای خروج از بن بست ارزی کشور پیدا نمی‌کنند.

حال بازار طلای کشور خوب نیست

بازار طلای کشور هم حال خوبی ندارد و قیمت‌ها سر به فلک کشیده است. دیروز قیمت سکه امامی هم با قیمتی معامله شد که برای همیشه در آذهان می‌ماند. قیمت سکه امامی دیروز به دو میلیون و ۲۴۰ هزار تومان رسید. جالب این است قیمت فروش سکه از سوی صرافی‌ها با قیمت خرید تفاوتی ۴۰ هزار تومانی داشت و چنین معامله‌ای سودهای کلانی را برای صراف‌های کشور به ارمغان آورد.

اما سیف بازار سکه کشور را هم از قلم نینداخت و اعلام کرد که سکه‌های پیش فروش شده زودتر از موعد تحویل متقاضیان داده می‌شود. این در حالی است که اعلام کرده این سکه‌ها را به صورت کارت‌های الکترونیکی در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد تا سکه‌ها در کارت‌ها باقی بمانند. گویا باز هم یادشان رفته چه میزان از ذخایر طلای کشور به باد رفت اما هنوز هم قیمت‌ها سر به فلک می‌کشند.

برجام هم مزید بر علت شده است

هرچند می‌توان به تعبیری خود مقامات را مقصر اصلی این هیجانات دانست و به بیانی آنها را بازی گردانان اصلی بازار تعریف کرد، اما آینده سیاسی کشور هم به نگرانی‌ها افزوده است و مزید بر علت شده است. این روزها که همه جا حرف از آینده برجام است، همه مسائل به آن گره خورده و همه نگران این هستند که با خروج آمریکا از برجام چه بر سر آینده اقتصادی و سیاسی کشور خواهد آمد. واقعیت این است که حتی برجام هم نتوانست گره‌گشای بسیاری از تنگناهای اعتباری و ارتباطی کشور باشد، پس با این حساب خروج از برجام می‌تواند پیامدهای اقتصادی زیادی داشته باشد و همین است که مردم در این شرایط به بازار ارز و سکه پناه برده‌اند و سعی می‌کنند با تبدیل ریال هایشان به دلار حداقل مامنی امن برای پس اندازهای‌شان بسازند.

مسائل آن قدر در هم گره خورده که از هر طرف می‌خواهی گره‌ای را باز کنی باز هم مسائل بیشتر در هم گره می‌خورند و نمی‌توان راهی برای خروج از این همه تنگنا پیدا کرد. بنابراین آنچه به نظر می‌رسد این است که بازار ارز کشور به این زودی‌ها خیال رام شدن ندارد و تا زمانی که مقامات از خواب عمیقی که در آن فرو رفته‌اند بیدار نشوند نمی‌توان به کنترل نوسانات بازار امیدوار بود.

تلاطمات ارزی مهار شد

در همین حال، جلسه هم‌اندیشی رئیس کل بانک

و خرید و فروش‌های دلالت‌ده در بازار رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. هرچند این روزها شاهد صف‌های طولیل و حضور پررنگ مردم در خیابان‌های فردوسی نیستیم، اما در کوچه‌پس‌کوچه‌های این خیابان‌ها باز هم دلالت‌ده در حال انجام فعالیت‌های سفته‌بازانه هستند و معاملات‌شان در بازار غیررسمی را ادامه می‌دهند. در این بین فعالان بازار ارز از زکود شدید در این بازار گله دارند و می‌گویند وضعیت حاکم بر بازار ارز به سایر بازارهای اقتصادی هم رسیده و همین امر موجب شده تا رکود در اقتصاد حاکم شود.

مقامات در خواب غفلت

اما آنچه جای تعجب دارد این است که هر بار مسئولان جلسات هم‌اندیشی برگزار می‌کنند و فکر می‌کنند با گرد همایی هایشان می‌توانند راهی برای بن بست ارزی کشور بیابند اما دیگر باید خود مقامات هم به این نتیجه رسیده باشند که این جلسات خروجی مثبتی ندارد و گردانندگان بازار تاکنون نتوانسته‌اند راهی پیش پای فعالان ارزی کشور بگذارند. از طرفی در حالی که قیمت‌ها هم روز به روز بالا می‌رود و هر روز باید منتظر قیمت‌های جدیدی در بازار باشیم، رئیس کل بانک مرکزی با کمال خونسردی اعلام می‌کند نوسانات ارزی مهار شده است. معلوم نیست این مقام مسئول در خواب مانده یا خودش را به خواب زده و نمی‌داند که در بازار چه خبر است و از قیمت‌های اعلام‌شده در بازار غیررسمی خبر ندارد. این اولین بار نیست که در اوج هیجانات ارزی بازار رئیس کل

هنوز چند هفته از بسته‌سازی دولتی برای مهار نوسانات ارزی نمی‌گذرد که باز هم سایه نوسانات جدیدی بر بازار ارز و سکه کشور سنگینی می‌کند. دیروز قیمت دلار در بازار آزاد کشور به هفت هزار تومان رسید و بالاترین قیمت برای کل تاریخ چهار دهه پیش را به ثبت رساند. این روزها باز هم اعلام قیمت‌ها در بازار ارز و سکه به مهم‌ترین عناوین خبری رسانه‌ها بدل شده و آنچه بیشتر از هر چیزی بر سر زبان عامه مردم می‌چرخد، همین اعلام وضعیت قیمت‌ها در بازار ارز و سکه است. چندی پیش که اعلام کردند دلار به هفت هزار تومان رسیده دیگر چندان برای مان تعجب‌آور نبود و گویی از قبل می‌دانستیم که قرار است قیمت‌ها در بازار تا این میزان بالا رود اما آنچه نگران‌کننده است این است که با این شرایط قرار است اقتصاد کشور به کجا برود و چه کسی قرار است این ناملایمات را در بازار کنترل کند؟

از زمانی که اعلام ارز تک‌نرخ در اقتصاد باب شد، بازار را متهم کردند و گفتند هر دلاری که با قیمت بالاتر از ۴۲۰۰ تومان معامله شود قاچاق است. حتی بعد از آن بود که گفتند صرافی‌ها هم حقی برای خرید و فروش ارز در بازار ندارند و این بار باید بانک‌ها معاملات بازار را پوشش دهند. هرچند از همان زمان هم صرافی‌ها و هم دلالت‌ده به صورت غیرمستقیم و از راه‌های مختلف فعالیت‌های دلالت‌ده‌شان را ادامه می‌دادند، اما بعد از گذشت حدود یک ماه، بازار قاچاق دلار بیشتر از همیشه رونق گرفت

اختلافات داخلی دولت

گفت و گوئی مثلث با فاطمه مقیمی، عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی

که خود یک مسئول دولتی اعلام کند. به هر حال مارشال دولت داریم، رئیس دولتی که انتخاب شده با آرای قابل توجه است. اگر این نابسامانی در مجموعه دولت هم باشد، صحت این قضیه توسط رییس یا سخنگوی دولت باید اعلام شود. به همین علت من تصور می‌کنم اظهار نظرهای شخصی، حداقل در مورد خود می‌گویم؛ غیر از اینکه آتشی به این معرکه بیشتر اضافه می‌کند و تلاطم و بازار شایعات را بیشتر می‌کند، سود دیگری ندارد. من همان چیزهایی را می‌بینم که حکومت، نظام و دولت اعلام می‌کنند. هر چیز غیر رسمی یا شایعات شبکه‌های مجازی را نمی‌توانم به عنوان یک اصل صحت بگذارم و من هم آنها را تکرار کنم به عنوان کسی که مصاحبه می‌کنم.

دوره‌ای که آقای طیب نیا بود، این فضا را نداشتیم. به نظر تان آن دوره، دوره خاصی بود که این فضا نبود یا نه، روش‌های مدیریتی خاصی نبود که این شکل بگیرد؟

همه این‌ها می‌تواند باشد؛ هم مدیریت افراد با هم در زمان ایشان با الان متفاوت است، هم مدیریت روش‌هاش برمی‌گردد به شرایط موجودی که وجود دارد. در زمان آقای طیب نیا، شرایط و وضعیت تحریم به این صورت نبود. مثل اینکه است که شما بگویید وزیر اقتصاد سه دوره قبل یا اول انقلاب را الان بخواهیم تصمیم‌گیری‌هایش را مقایسه کنیم. یک موقعی در زمان بحران جنگ بود، یا بحران مسائل دیگر اقتصادی و ارتباطی بود، الان یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که ما داریم در بحث مربوط به ارزمان، این است که خیلی خارج از ایران هم ممکن است موجودی‌های ارزی ایران وجود داشته باشد که حتما هم وجود دارد، ولی امکان جابه‌جایی و ورود این ارز به دایره و میدان بانک مرکزی متأسفانه به مشکل خورده، یعنی به هر حال این تحریم‌ها دامنه‌اش آن قدر گسترده شده که امیدوارم با یک تصمیم‌گیری هوشمندانه دوطرفه بین دو طرف این قضیه، به یک توافق و آرامش برای کل این مجموعه اقتصادی فی‌مابین برسیم. به دلیل اینکه فقط هم خروج از برجام یا تعهدی که آمریکا داشته، منحصر به ضررهای ایران نخواهد بود و دامنگیر بسیاری از موارد دیگر و حتی خود کشوری که می‌خواست خروج از تعهدات اعلام شده داشته باشد، حتما در نظام بین‌المللی خواهد بود.

الان این سیاست‌هایی که بعد از تک‌نرخ شدن ۴۲۰۰ تومان اعلام کردند و یک سری کارهای دستوری و بگیر و ببند و اینها هم بود، به نظر تان همین روش باید پیش رود تا این فضا بخواهد آرام شود یا نه، مثلا یک سری دستورهای جدید هم باید اضافه شود؟

حتما؛ با شرایطی که الان به وجود آمده، پیش‌بینی‌هایی که بوده و الان نظراتی که دارند به خصوص از فعالان اقتصادی یا بخش خصوصی می‌گیرند، کاش این قبل از اعلام ۴۲۰۰ تومان اتفاق می‌افتاد. من مطمئن هستم با این شرایطی که امروز کسب اطلاعات از بخش خصوصی و متولیان و متصدیان بخش خصوصی می‌شود، حتما تأثیرگذاری در یک تغییر رویه و روش خواهد داشت، ولی کاش قبل از اعلام و تصمیم‌گیری‌ها، این نشست‌ها اتفاق می‌افتاد.

گفته می‌شود التهاب دلار و ارز در حال حاضر به خاطر افراد سودجویی است که دنبال خرید و فروش غیر قانونی هستند؛ همه ماجرا این است؟

در حال حاضر نمی‌توان به شنیده‌ها و شایعات اعتماد زیادی کرد. باید به ریشه اخبار و سلامت بودن اطلاعاتی که می‌خواهیم انتقال دهیم، حتما توجه داشته باشیم، به خصوص اینکه وقتی شما از طریق یک رسانه عریض بنده را اعلام می‌کنید، اگر من بخواهم تأیید یک مطلبی را داشته باشم، یعنی دارم صحنه می‌گذارم بر شایعاتی که هست. یکسری اتفاقات دارد به وجود می‌آید، یک سری شایعات هست. اتفاقات، نرخ نابسامان ارز است که به‌رغم اینکه معاون اول رئیس‌جمهور فرمودند که نرخ ۴۲۰۰ تومان است و ما هم صد درصد قبول داریم که نرخ حتما همین است، ولی قابلیت دسترسی به این نرخ برای آن چندین موردی که اعلام شده، هنوز به صورت واضح و مشخص معلوم نیست که واقعا از چه راهکارهایی باید استفاده کرد، اما از اینکه به هر حال فضای آشفته‌ای را در بازار رقم زدند و شایعات مربوط به همین نوسانات نرخ ارز را اعلام می‌کنند، این هم خودش مقوله دیگری است که متأسفانه هرچه جلوتر می‌رویم و طی این چند روز اخیر، می‌بینیم که این نوسان نرخ ارز بسیار بیشتر از آن چیزی بوده که می‌توانستیم در نظر داشته باشیم. ما دو نرخ و سه نرخ بودن ارز را شاهد بودیم در چندین سال و همه ما به همین علت اعتقاد به این داشتیم که باید تک‌نرخ شدن ارز را دولت قدم بگذارد و انجام دهد تا از نظر اقتصاد و شرایط معاملات تجاری، به یک باور درست معاملات بتوان محاسبات را انجام داد. اما الان وقتی که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که نه تنها تک‌نرخ نشد، بلکه فقط جهش بی‌رویه نرخ ارز به صورت کاذب شکل گرفته است. من نه اینکه بگویم فقط امیدوارم، اعتقاد هم دارم که دولت تفکر درست را مدیریت و اجرا کند و حتما باید به ضرورتی در اولین فرصت این دهنه و افسار کنترل مدیریتی بحران ارز را با یک راهکار منطقی و حساب‌شده به دست بگیرد، چون به هر حال هم وضعیت صادرات ما به شرایط نامطلوبی رسیده، هم وارداتمان هم بخش‌های خدماتی مربوط به تجارت مان از جمله کار حمل و نقل مان. به همین علت امیدوارم شرایطی ضروری را که دولت حتما به این مهم توجه ویژه دارد، در نظر بگیرد و ضرب‌الاجل زمانی تصمیم‌گیری رسیدن به یک وضع غیربحرانی را رقم بزند.

به نظر تان در خود دولت یک دوگانگی وجود دارد برای این مدیریت؛ تا بین خود دولت و نظام این دوگانگی وجود دارد که در انتخابات می‌بینیم. یعنی هر دولت مثلا یک تیمش یک چیز می‌خواهد و یک تیمش یک چیز دیگر با متلا بین خود نظام و دولت فضایی وجود دارد که این مدیریت پیش نمی‌رود؟

من تصور نمی‌کنم. این‌ها حرف‌هایی است که گفته می‌شود. خیلی وقت‌ها صحبت از این است که منتظر خروج یا ابقای دولت آمریکا در مجموعه برجام و تعهد به آن را جبران می‌کنند. به همین علت خیلی از خرید و فروش‌ها حتی در سطح صنایع تولید داخلی ما محدود شده، به خاطر اینکه می‌گویند ببینیم چه می‌شود و ارز چقدر بالا می‌رود. از یک طرف هم اختلافات داخلی دولت هست. من فکر می‌کنم این خیلی نمی‌تواند سندیت داشته باشد تا زمانی

مرکزی و مدیران عامل بانک‌ها و موسسات اعتباری با حضور نمایندگان صرافی‌ها با محوریت سامانه نیما در بانک مرکزی برگزار شد. در این جلسه رئیس کل بانک مرکزی از تحقق اشراف همه‌جانبه بر بازار ارز با راه‌اندازی سامانه نیما خبر داد. ولی الله سیف با بیان اینکه سامانه نیما در ابتدای شروع فعالیت، شاهد استقبال خوبی از جانب بازیگران بازار ارز است، گفت: «بانک‌ها و صرافی‌ها به عنوان بازیگران اصلی این سامانه باید به جایگاه خود اشراف داشته باشند و باتوجه به نقش موثر خود به ایفای فعالیت‌های پرآزاد و زمینه تقویت این سامانه را به عنوان ابزاری برای ثبات بازار ارز فراهم کنند.»

وی افزود: «در چهار دهه گذشته به دلیل عدم اشراف کامل در بازار ارز شاهد نوسانات و تلاطماتی در بازار ارز بودیم که خوشبختانه با فعالیت سامانه نیما اشراف همه‌جانبه بر بازار ارز در حال وقوع است.» رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به اینکه باید احتمالات و نواقص این سامانه مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا با قدرت بیشتری به فعالیت بپردازد تصریح کرد: «سامانه نیما در طول زمان می‌تواند عملکرد خود را نشان دهد و بانک مرکزی از هرگونه نقد و پیشنهاد در این زمینه با هدف ارتقای عملکرد سامانه نیما استقبال می‌کند.» سیف با تأکید بر لزوم انگیزه کامل از جانب بانک‌ها و صرافی‌ها برای حضور و فعالیت در سامانه نیما خاطر نشان کرد: «خوشبختانه در این مدت بانک‌ها فعالیت مناسبی در سامانه نیما داشته‌اند و انتظار می‌رود همسو با آنها، صرافی‌ها نیز با تحرک بیشتری در این طرح به فعالیت بپردازند.» رئیس شورای پول و اعتبار با تأکید بر اینکه ایامات و انتقادات بانک‌ها و صرافی‌ها در کمیته‌های کارشناسی بانک مرکزی مورد بررسی قرار می‌گیرد گفت: «از بانک‌ها و صرافی‌ها انتظار می‌رود با طرح سوالات و ایهامات در جهت تقویت این سامانه گام بردارند و بانک مرکزی نیز ضمن استقبال از نظرات با تمام توان کارشناسی، به رفع نواقص اهتمام می‌ورزد.»

ماموریت جدید ارزی سه دستگاه

معاون اول رئیس‌جمهور نیز با اعلام اختصاص منابع ریالی خرید ارز حاصل از صادرات افزود: «وزارتخانه‌های کشاورزی، صنعت، معدن و تجارت و بانک مرکزی به صورت روزانه مردم را در جریان تحولات ارزی قرار دهند.» اسحاق جهانگیری با اشاره به حمایت همه دستگاه‌ها و ارکان نظام از اجرای سیاست‌های جدید ارزی گفت: «این سیاست‌ها موجب جلوگیری از خروج سرمایه‌های ملی، مقابله با قاچاق، حمایت از تولید داخلی و نیز ایجاد اطمینان در مردم و فعالان اقتصادی برای ثبات و پیش‌بینی‌پذیر کردن اقتصاد کشور می‌شود و دولت کمترین تردیدی در خصوص موفقیت این سیاست‌ها ندارد و با قدرت این سیاست‌ها را اجرایی خواهد کرد.» معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به انتشار اخبار بدون مبنا و بی‌اساس در خصوص خرید و فروش ارز در بازار غیررسمی گفت: «باتوجه به اینکه دولت نیازهای واقعی ارزی را تأمین می‌کند و اگر کسی برای واردات کالا نیاز به ارز داشته باشد می‌تواند با مراجعه به نظام یکپارچه معاملات ارزی (نیما) ارز به قیمت مصوب ۴۲۰۰ تومان دریافت کند، منطقی نیست که کسی برای واردات کالا از بازار سیاه ارز تهیه کند.» وی افزود: «متأسفانه این اخبار نادرست که منبع آن مبهم و نامشخص است توسط برخی رسانه‌ها تیتیر می‌شود اما وقتی پرسیده می‌شود این میزان ارز کجا و با چه منظوری خرید و فروش شده است پاسخ می‌دهند که کسانی به آنها این طور گفته‌اند که البته نباید به این اطلاعات غیر صحیح اتکا کرد.»

طیب نیارشد تورم را مهار کرد

گفت و گو با مجید رضا حریری، عضو اتاق بازرگانی

محمد اکبری

خبرنگار

آقای حریری در حال حاضر دلیل نوسانات بازار ارز را چگونه می بینید؟ به رغم اعلام تک نرخی شدن ارز اما گفته می شود دلار در بازار آزاد قیمت بالای ۷ هزار تومان را تجربه می کند. این یعنی سیاست های تک نرخی ارز شکست خورده است؟

باید بدانیم که آیا واقعا دلار به این قیمت خرید و فروش می شود یا نه؟ چه کسانی هستند که دلار را با این قیمت می خریدند یا می فروشند و چه کسانی روی این التهاب سرمایه گذاری می کنند و هیجانی شدن بازار را به نفع خود می دانند. عموماً اگر کسی دلار هفت تومانی می خرد، یعنی پول کثیفش را از مملکت خارج می کند و فرار می کند، یعنی دارنده پول های کثیف هستند و فرار غیرقانونی سرمایه از کشور می کنند یا اینکه می خواهند با آن قاچاق بیاورند. اگر شما شکل دیگری سراغ دارید، به من بگویید، چون واردکننده که نمی تواند برود از آن دلارها بخرد؛ جنسش را باید بیاورد در گمرک و اسناد و مدارک دلار ۴۲۰۰ تومانی اش را نشان دهد که از کجا خریده است. عمده تا به نظر من این شرایط برای ایجاد جو روانی برای شکست این سیاست توسط کسانی است که از این سیاست و شفاف سازی و برنامه تک نرخی شدن ارز لطمه می بینند. چه کسی از این سیاست لطمه می بیند؟ کسی که بیزنس سیاه دارد، کسی که کسب و کار سیاه دارد و کسی که نمی خواهد کار شفاف کند. هر کسی دنبال شفافیت باشد، به نظر من از اینکه بساط دلارفروشی از داخل صرافی های بی دروپیکر به یک سامانه ای که به هر حال قابل رصد است، برگردد، باید دفاع کند. من منتقد خیلی از رفتار اقتصادی دولت هستم، ولی این اتفاق که اتفاق افتاد است در جهت شفاف شدن مبادلات پولی در مملکت، باید به آن احترام گذاشت.

پس نظرتان این است که در حال حاضر باید منتظر باشیم تا دولت و نظام تصمیمی که در مورد ارز گرفتند، به نتیجه خاصی برسد؟

هر سیاست اقتصادی را باید یک دوره زمانی برای آن تعیین کرد و باید گذاشت تا ببینیم نتیجه اش چیست. حتماً در اعلام این سیاست ها نقاط ضعف بزرگی وجود دارد، حتماً این است که روی رقمش می شود بحث کرد که ۴۲۰۰ درست است یا ۳۸۰۰ درست است یا ۴۸۰۰ درست است. من مطلق نمی کنم؛ حتماً می توان گفت که در جریان اجرا یک سری اشکال بسیار بزرگ هم می توان از آن درآورد، اما اصلش را نباید زیر سوال ببریم. اگر معتقد هستیم که درد اقتصاد ما یعنی یکی از بزرگترین دردهایش عدم شفافیت است و اینکه در دنیا بیابند و بگویند ایران بهشت پولشویی است و به همین بهانه ما را در تمام بانک های دنیا قفل مان کنند - برای اینکه روابط پولی در ایران بی در و پیکر است - پس باید تصحیح شود. به هر حال این پول هایی که با آنها از خارج از کشور قاچاق می آید، از کجا تأمین می شود؟ ارز آن را از یک جایی می خریدند که

می رفتند قاچاق می آوردند. من با هر نوع محدودیت برای فعال اقتصادی مخالفم، با هر نوع کنکاش در زندگی مردم موافق نیستم، اما اینکه مبادلات مالی مردم در دنیا چک می شود، به خاطر این است که اگر چک نکنند، فسادهای بسیار بزرگ تری برای آن جامعه دارد، یک اصل پذیرفته شده است، یعنی هر کسی در هر جای دنیا نمی تواند چه پول ملی و چه ارز خارجی را بی دروپیکر و بدون اینکه قابل رصد باشد، نقل و انتقال دهد. در کشور ما اینجوری بود؛ یعنی شما اگر می خواستید بروید بانک، ۱۵ میلیون تومان شما بشود ۱۵ میلیون تومان و یک تومان، یک فرم شب می گذارند جلوی تو می گویند پر کن. اما می توانستی بروی در خیابان فردوسی و میلیون ها دلار بخری و بفروشی و هیچ کجا هم ثبت نشود، هیچ کس هم نفهمد این پول صرف مواد مخدر می شود، صرف ورود کالای قاچاق می شود، صرف گروهک تروریستی یا از این دست می شود یا هر چیز دیگر و هیچ چیز معلوم نباشد.

به نظرتان در حال حاضر موفقیت روند سیاست های داخلی مورد شک و شبهه است یا واقعا بحث هایی که اشاره می شود که از خارج کنترل می شود، تقصیر تلگرام است و غیره موضوعیت دارد؟

به هر حال دولت به مشکلات و ضعف ها آگاه است و باید در حل و فصل آن بکوشد. شاید کسی بگوید تقصیر دولت نبوده است، یکی بگوید تلگرام مشکل ساز است، کسی مسائل دیگر را پیش بکشد، اما حتماً بدانید که در مبادلات ارزی در کشور ما، نه تنها در مبادلات ارزی، در کل اقتصاد ما به دلیل ضعف های سیستمی که در آن وجود دارد، دشمن از آن استفاده می کند. این دشمن چه دشمن خارجی، یعنی دشمنی که می گویم، من با آن واژه سیاسی اش کاری ندارم؛ یعنی هر کس که با ما اختلاف نظر دارد، می داند نقطه ضعف ما کجاست، یعنی شما طی ۲۰-۳۰ سال گذشته هیچ وقت ندیدید که ایران مورد تهاجم بعد از قبه جنگ تحمیلی که در اول انقلاب بوده، نباشد. ما الان با آمریکا سالیان سال است دعوا داریم و مطمئن باشید که سالیان سال دیگر هم که دعوا داشته باشیم، به ما مستقیماً حمله نظامی نمی کنند، برای اینکه آنجا نقطه ضعف ما نیست، ولی همیشه هر کسی می خواهد ما را اذیت کند، روی اقتصادمان دست می گذارد، برای اینکه نقطه ضعف ما است. قبلاً این بود که ما با خارجی ها که اختلاف نظر داشتیم، روی نقطه ضعف مملکت ما دست می گذاشتند و با آن بازی می کردند و اقتصادمان را به هم می ریختند. جدیداً در این چند سال، اختلافات سیاسی

۲۲

اگر معتقد هستیم که درد اقتصاد ما یعنی یکی از بزرگترین دردهایش عدم شفافیت است و اینکه در دنیا بیابند و بگویند ایران بهشت پولشویی است و به همین بهانه ما را در تمام بانک های دنیا قفل مان کنند - برای اینکه روابط پولی در ایران بی در و پیکر است

۲۲

داخلی طرفین هم مزید بر علت است. مثلاً گروهی از دولت که خوش شان نمی آید، این می رود، آن یکی می آید، این جناح می رود، دولت مورد حمایت آن یکی جناح سر کار می آید. دعوی سیاسی را می آورند در زمین اقتصاد و از نظر اقتصادی مشکلات عدیده ای شکل می گیرد. برای اینکه این نقطه ضعف مملکت است؛ باید این نقطه ضعف برطرف شود و علاجش هم این است که اقتصاد شفاف، رقابتی و آزاد شود. هر دولتی بخواهد هر قدمی در راه شفافیت بردارد در اقتصاد ما، مطمئن باشید آن کسانی که از اقتصاد زیرزمینی و غیرشفاف بهره می برند و میلیاردها می خورند، جلوی آن می ایستند و با آن مقابله می کنند؛ حالا باشا سابعه یا با بازار را به هم ریختن. پول نقدینگی بالای ۱۵۰۰ میلیارد تومانی که در مملکت است، بخش هایی از آن دست تعداد محدودی از آدم هاست و اینها دارند کسب و کار سیاه می کنند. هر موقع دل شان بخواهد، می توانند دولت را تحت تاثیر قرار دهند و روی بازار فشار بیاورند و آن بازار را به هم بریزند. وقتی که دولت مجبور می شود برای حل مشکل طلبکاران صندوق های قرض الحسنه پول چاپ کند و به آنها بدهد که بروند خانه بنشینند، آن بدهکار اصلی که پول ها هنوز دستش است، با همان ۲۱ هزار میلیارد تومان می تواند به ۱۰۰ جای بازار ایران فشار بیاورد و دولت را مستأصل کند. وقتی قاچاق کالا از ۲۵ میلیارد می آید به ۱۳-۱۲ میلیارد می رسد، یعنی ۱۰-۱۲ میلیارد دلار پول کثیف دست یک عده ای است که می توانند دولت را به خاطر اینکه منفعت شان را به هم ریخته، مورد آزار قرار دهند و به هر روشی روی آن فشار بیاورند. پس اقتصاد را باید شفاف، رقابتی و آزاد کرد، دعوی سیاسی برود در زمین سیاست، دعوی فرهنگی برود در زمین فرهنگ، اجازه دهند اقتصاد خودش به حیات خود ادامه دهد و پیش برود.

به نظرتان تغییرات از دولت یازدهم تا دولت دوازدهم در تیم اقتصادی این روند را به وجود آورد و سیاست های اقتصادی و پولی در حال تغییر باعث این التهاب شد؟ اختلافاتی در این تیم وجود داشت؟

باید پرسید که این تیم چه تغییر عمده ای کرده است؟ شما به جز رفتن آقای طیب نیا، دیگر چه تغییری در این تیم اقتصادی می بینید؟ اگر شما نظرتان روی آقای نهندیان است که باید گفت همه شان سر کار هستند و تغییر خاصی نمی بینیم. یعنی وزرا و تیم اقتصادی دولت خیلی تغییر نکرده است، شرایط تغییر کرده است. به هر حال شاید یک سری سیاست های قبلی می توانسته یک روزی یک جایی سر باز کند. من معتقد هستم ابزار آقای طیب نیا ابزار بسیار مثبت تری بود در حوزه اقتصادی و به هر حال یک دستاورد برای دولت گذشت و آن این بود که سرعت رشد تورم را مهار کرد، ولی اینکه بگوییم نگرش اقتصادی دولت با یک وزیر تغییر می کند، این ها یک مقدار غلو است.

چه اتفاقی باعث شده که در حال حاضر این التهاب به وجود آمده است؛ فقط این است که دولت خواسته یک شفاف سازی به وجود بیاورد و افراد در خطر به خاطر منافع خود این روند را به وجود آورده اند؟

در دو سال گذشته دولت چند اقدام بزرگ انجام داده است. یکی این بوده است که تراکنش های مالی بزرگ را از طریق سازمان امور مالیاتی پایش کرده و از دارندگان تراکنش های مالی سنگین، مالیات طلب کرده و آنها مجبور شده اند بیابند و بگویند اصلاً این درآمد را از کجا آورده اند؛ حالا اولش مالیات طلب کردن است، بعد باید منشأ و مبدأ پولشان معلوم شود که از



رفت. مردم آن طرف مرخص دارند، اصلا شورای پزشکی هم تشخیص می‌دهد در ایران هم می‌توانند معالجه‌اش کنند، ولی دلشان می‌خواهد مرخص‌شان را خارج از کشور ببرند. به هر حال آنها دنبال یک بازار سیاه می‌روند یا اینکه مردم فرزندان را دارند که خارج از کشور درس می‌خوانند؛ اگر دولت نتواند نیازشان را تامین کند، می‌روند و از بازار سیاه تامین می‌کنند و هزاران چیز دیگری که الان من نمی‌توانم به تتهلایی تبیین کنم و حتما باید یک تیمی همه‌جانبه بنشینند و نیازهای خرد مردم را تامین کنند و به شکلی تمام نیازهای ارزی پاسخ داده شود که بازاری کنار این بازار شکل نگیرد. این چیزی است که می‌تواند این سیاست را به شکست برساند، اگر اصرار کنیم بر اینکه نیازهای مردم واقعی نیست و به آن پاسخ ندهیم. اینکه ما بیابیم و بگوییم این اقدام را وارد کنیم، آن اقدام را وارد نکنیم؛ لوازم آرایش نمی‌گذاریم وارد شود، عطر نمی‌گذاریم وارد شود، گندم را می‌گذاریم وارد شود، این با سلیقه مردم نیست. مردم نیازهای شان را از زیر سنگ هم شده تامین می‌کنند. ما برای اینکه بازارهای موازی غیرقانونی تشکیل نشود، باید نیازهای واقعی مردم را تامین کنیم؛ حالا با یک نرخ، با دو نرخ، من نمی‌دانم، راهکارهایش متفاوت است. اینکه در مقابل واقعیات جامعه مقاومت کنیم و نیازها را نادیده بگیریم، می‌تواند بازار را شکست دهد. دوم اینکه به هر حال این جو روانی که علیه اقدامات دولت در بازار ایجاد می‌شود، دولت باید با اعتمادسازی و تکیه بر اعتماد عمومی به مردم، این جو را بشکند. راه آن این است که اقداماتش طوری باشد که آرامش به مردم بدهد. اینکه مدام بیابند و بگویند همه چیز خوب است، مردم نگاه می‌کنند و می‌بینند همه چیز خوب نیست. باید به مردم حقایق را گفت، باید خاضعانه و خادمانه از مردم تقاضای همکاری و کمک کرد و تا حد ممکن فضا را به طرف اعتماد بین دولت، حکومت و مردم برد تا بتوانیم از پتانسیل این مردم استفاده کنیم. من یادآوری می‌کنم برای خودم و برای شما؛ ماطی دوران جنگ با عراق، درآمدهای ارزی مان به‌طور متوسط سالی حدود ۱۰ میلیارد دلار بوده، ولی با اینکه مردم احساس می‌کردند همه باید با هم دستشان را به همدیگر بدهند، توانستند آن شرایط را از سر بگذرانند. الان در بدترین شرایط مانگه کنیم، بالای ۱۰۰ میلیارد دلار عایدات ارزی داریم، یعنی ۱۰ برابر زمان جنگ عایدات ارزی داریم. چه شده که نمی‌توانیم مملکت را با آن اداره کنیم؟ این سوال مهمی است.

به نظر تان در حال حاضر چقدر از این جو برای برجام و نگرانی‌های روی رفتارهای ترامپ است؟

همه جریان آن نیست. باید به داخل هم توجه کرد. مردم در حال حاضر به موضوع فساد و اختلاس توجه بسیاری دارند. مردم مدام نگاه می‌کنند که رکورد اختلاس یک موقعی در این مملکت ۱۲۳ میلیارد تومان بود؛ اختلاسی که فاضل خداداد و رفیق دوست که انجام دادند، ۱۲۳ میلیارد تومان بود. دهه ۶۰ رکورد اختلاس در مملکت ۱۲۳ میلیارد بود، الان که دهه ۹۰ هستیم، بعد از سی و چند سال رکورد اختلاس شده است برای مثال ۱۲ هزار میلیارد تومان. صد برابر رکورد شکاندیم. اینها را مردم نشکاندند. وقتی مردم می‌بینند آقای خاوری در کانادا می‌نشیند در کازینو، حتما اعتمادشان کمتر می‌شود و حتما به شایعات بیشتر توجه می‌کنند. وقتی مردم می‌بینند که یک نفر می‌تواند با امضای چهار تا وزیر برود سه میلیارد دلار نفت را ببرد و بفروشد و پولش را برنگرداند، حتما اعتمادشان کاسته می‌شود. ما هنوز هم که هنوز است و تا سالیان آینده هم تاثیر رفتار دولت نهم و دهم را در اقتصاد و فرهنگ و در جامعه و در حکومتداری خواهیم دید؛ بالای احمدی‌نژاد اثراتش در اقتصاد و مملکت ما تا سالیان آینده هم می‌ماند. هنوز بخشی از همین بحران دلار، بلایی است که محمود احمدی‌نژاد روی سر مملکت آورد.

شود و فضای روانی آن بخوابد؟ به هر حال این جو روانی بسیار ناراحت‌کننده است و تاثیرات مخربی دارد که نمی‌توان از آن چشم پوشید.

سیاست دولت در جهت بهتر شدن و شفاف‌تر شدن اوضاع است. حالا موفق شود یا شکست بخورد، باید بنشینیم و نگاه کنیم و ببینیم چه می‌شود؛ زور آن سمت بیشتر می‌چرید یا زور دولت. آنهایی که کسب و کارهای سیاه داشتند، می‌توانند دولت را زمین بزنند یا نه. این را باید نشست و نگاه کرد. به همین دلیل معتقدم اگر کسی اعتقاد به شفافیت و سلامت اقتصادی دارد، باید از این سیاست دولت حمایت کند و نگذارد شکست بخورد. در عین حال دولت هم باید خیلی کارها بکند که سیاستش شکست نخورد. به هر حال نیازهای ارزی ای در مملکت وجود دارد که واقعیت است، حقیقت است؛ به هر حال زمانی که مردم نیازهای ارزی دارند؛ حالا شاید من نپسندم، شما بیسندی، شما بیسندی و من نپسندم. مردم می‌خواهند بروند مسافرت، با هزار دلار نمی‌شود مسافرت خارج از کشور

کجا آورده‌اند. این یک اقدام درست بوده است. اقدام دوم، الکترونیک کردن هر چند ناقص، هر چند هنوز هم جای ایراد دارد، اما حرکت به سمت مکانیزه کردن و الکترونیزه کردن گمرکات بوده که تاثیر بسیار خوبی روی محدودیت قاچاق از مبادی رسمی داشته است. اقتصادی که در گمرک بوده، به هر حال در حال حاضر آمار رسمی ستاد مبارزه با قاچاق کالا اعلام کرده است که نصف شده است. سوم؛ سر و صورت دادن به قصه‌ای بوده به نام صندوق‌های قرض الحسنه که بیش از دو دهه اقتصاد ما را تحت فشار قرار داده است. به هر حال با تمام هزینه‌هایی که دولت داد، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی، توانست این صندوق‌ها را ببندد و بازارش را سر و سامان دهد. این اقدامات، اقداماتی است که در جهت شفافیت و در جهت درستی اقتصاد است. قطعاً کسانی که داشتند از این محل‌ها اقتضای حرام، سیاسی و فسادآور می‌کردند، ساکت نمی‌نشینند؛ قطعاً با دولت مقابله می‌کنند. همزمانی این اتفاقات با قصه روی کار آمدن دیوانه‌ای مثل ترامپ و رفتاری که در آن طرف قصه برجام با ما داشته است، اینها همه می‌تواند دست به دست هم بدهد و ما در شرایطی قرار گرفتیم که در این شرایط اگر هر کسی بخواهد گلیم خودش را از آب بکشد و برود بیرون، چیزی به نام زمین بازی، نمی‌ماند که بعد گلیم مان را بخواهیم از آب بیرون بکشیم. یعنی هر کسی که به کشوری به نام ایران به نظامی به نام نظامی سیاسی ایران اعتقاد دارد، بایستی از این اتفاقاتی که به اسم شرایط شفافیت درون نظام است، حمایت بکند.

چشم‌انداز این شرایط را چگونه می‌بینید؟ اعتقاد دارید که این فضای روانی بتواند در مدت زمان کمی مهار

روح فوتبال تکلیف کی روش را تعیین می کند

اگر در جام جهانی بیش از سه بازی انجام ندهیم یعنی پیشرفتی نکرده ایم





فوتبال صاحب یک روح است. در واقع این روح فوتبال است که به افکار عمومی جهت می دهد؛ البته این نکته را فراموش نکنیم که بعضی اوقات سعی می کنیم شرایطی را که روح فوتبال به ما دیکته می کند، دستخوش تغییرات و دستکاری کنیم. چرا می گویم فوتبال روح دارد؟ حرف عجیبی به نظر می رسد؟ نه. چون این فوتبال از لحاظ اجتماعی خوانش بسیار گسترده ای دارد. بنابراین برای این فوتبال تولید روح شده است. نیرویی که باعث انگیزه و حرکت در جامعه می شود یا بر عکس، مردم را ناامید و دلسرد و خسته می کند. بنابراین این فوتبال صاحب قدرتی است و صاحب یک نوع انرژی در ذات خود است که می تواند منشا اتفاقات شیرین یا تلخ باشد. روح فوتبال که علاقه مندم عمیقاً درباره اش فکر کنیم در واقع یک جور نقشه راه است. نقشه ای که آدرس های مختلفی به ما می دهد؛ افکار عمومی را با مرئیان خوب و بد آشنا می کند، آنها را با بازیکنان کم کار یا پراکنجه آشنا می کند، آنها را که خرافاتی هستند و می خواهند با ترندهای مسخره ای مثل جادو و فوتبال به فعالیت شان ادامه دهند را به ما معرفی می کند، تیم تاکتیکی را از تیم به هم ریخته مشخص می کند و خلاصه این روح فوتبال همه آدرس هایی که نیاز داریم را در اختیار ما قرار می دهد. در مورد کارلوس کی روش دیدگاه های مختلفی وجود دارد. من می گویم بعد از هفت سال و چند ماه این روح فوتبال است که فضا را درباره کی روش روشن می کند، ماندن یا رفتن او را مشخص می کند. آخرین تصمیم البته قرار است بعد از جام جهانی گرفته شود که آیا کی روش در تیم ملی بماند یا خیر. اما روح فوتبال چگونه به ما درباره ماندن یا رفتن کی روش آدرس واقعی می دهد؟ منظورم از آدرس واقعی این است که ما واقعیت نهان شده در میان افکار عمومی را متوجه خواهیم شد. متوجه می شویم که کی روش بهتر است برود یا بماند. اما این آدرس چگونه به دست ما خواهد رسید؟ پاسخ را باید در مرور چند جام جهانی جستجو کنیم. ما طی دهه های اخیر چند بار به جام جهانی صعود کرده ایم. یک بار با آقای جلال طالبی موفق شدیم سه امتیاز بگیریم و آمریکا را شکست دهیم اما دو بازی دیگر را باختیم و به ایران برگشتیم. یک بار با برانکو به جام جهانی رفتیم که با یک امتیاز برگشتیم و بار دیگر با کی روش در جام جهانی حاضر شدیم که باز هم یک امتیاز کسب کردیم. ما در همه جام های جهانی که حاضر شدیم تنها موفق شدیم سه بازی انجام دهیم. این سه بازی هرگز به عدد چهار نرسید. در جام جهانی قبلی ما مقابل آرژانتین و بوسنی بازی را واگذار کردیم و با یک تساوی برابر نیچر به ایران برگشتیم اما بعد از جام جهانی هرگز نتوانستیم آن سه بازی و به طور کلی عملکرد تیم ملی مان و سرمربی اش را کارشناسانه بررسی کنیم. ابزارهایی در این بین وارد شرایط آن روز شدند تا کارشناسان اساساً چنین اجازه ای پیدا نکنند. مردم به خیابان ریختند. آنها خوشحال بودند چون تیم ملی با نتیجه یک بر صفر از آرژانتین باختت بود. این شادی در تاریخ شادی های مردمی در دنیا بی نظیر بود. تاکنون چنین اتفاقی رخ نداده بود اما ما انجامش دادیم. چرا؟ چون فضا به شدت به نفع کی روش دستکاری شد. بعد از این یک امتیاز که در جام جهانی کسب کردیم به جام ملت های آسیا وارد شدیم. در آنجا هم حذف شدیم. بازی را به عراق واگذار کردیم اما همان جریانی که در جام جهانی به کمک کی روش آمده بود این بار هم باخت به عراق را شست تا مردم فوتبال دوست و البته احساساتی ما همچنان حامی سرسخت کی روش باقی بمانند. اما چگونه این اتفاق رخ داد؟ وقتی تیم ملی ما به عراق باخت فضا به طور کامل ظرفی به نفع کی روش تغییر کرد به طوری که باز هم باخت خفیف مقابل آرژانتین به رخ مخالفان

کشیده شد. حتی به خاطر دارم بازی برابر آرژانتین بازپخش شد و تعریف و تمجیدهایی صورت گرفت که شرایط آن روز فوتبال هم باز دستخوش دستکاری هایی بشود که به نفع فوتبال ملی ما نبود. با همه اینها فرصتی نداریم که افسوس گذشته را بخوریم. امروز کی روش به خوبی می داند که به پایان این کوزه نزدیک می شود و به نظر من روح فوتبال که همین مردم هستند بعد از جام جهانی درباره کی روش قضاوت خواهند کرد. معتقدم مردم دیگر به انجام سه بازی در رقابت های جام جهانی راضی نخواهند بود. مردم ما از مربی که با این همه حاشیه همچنان مورد حمایت فدراسیون فوتبال قرار گرفته است انتظار ندارند که با یک امتیاز و انجام تنها سه بازی برگردد. اگر تیم ملی با سه بازی از جام جهانی خداحافظی کند هیچ سیاست با جریان تبلیغی نمی تواند مردم را راضی کند که باز هم این مربی را روی نیمکت سرمربیگری تیم ملی ببینند. از این بابت شک ندارم. اگر برای تیم ما در جام جهانی روسیه اتفاقی نیفتد که معنایش پیشرفت باشد اطمینان داشته باشید که کی روش در پایان جام جهانی به پایان راه خود با تیم ملی فوتبال کشورمان خواهد رسید. روح فوتبال یا بهتر بگویم مردم ما او پس می زنند. من به شخصه فکر می کنم زمان تغییر فرار رسیده است. تغییر اما چگونه باید صورت بگیرد؟ به نظر من در صورتی که تیم ملی نتواند بیش از سه بازی در جام جهانی انجام دهد و کی روش رفتنی شود، راه حل مناسب برای ایجاد تغییر این است که ما باید به لیگ فوتبال مان و بازیکنان شاغل در لیگ مان نگاه رو بیکرد جدی تری داشته باشیم. باید روح تازه ای در فوتبال داخلی ما دمیده شود و شرایط برای جوان گرایی حتی بیش از آنچه امروز می بینیم فراهم شود. اتفاقی که امروز پیش از ما رخ می دهد این است که ما نسبت به بازیکنانی که خارج از لیگ داخلی مان بازی می کنند رو بیکرد جدی داریم و بازیکنان شاغل در لیگ مان را زیاد جدی نمی گیریم. این نگرش باید تغییر کند. با همه اینها علاقه مندم بار دیگر تاکید کنم که روح فوتبال درباره کی روش و عملکرد این مربی حکم های تازه ای صادر خواهد کرد. حتماً بارها شنیده اید که علاقه مندان به محیط زیست درباره زمین روحی دارد که هشیار و بیدار است. آنها اعتقاد دارند زمین روحی دارد که هشیار و بیدار است. فوتبال هم همین طور است. مریانی را دیده اید که در طول یک فصل روی نیمکت سه تیم می نشینند و در پایان فصل در هیچ کدام از تیم های شان نتیجه نمی گیرند؟ این روح فوتبال است که از آنها انتقام می گیرد و آنها به نقطه پایان خود می رسند بی آنکه انرژی از خود در فوتبال به جا بگذارند اما همین روح فوتبال از فرگوسن مردی افسانه ای می سازد که نه تنها در تاریخ فوتبال منچستر پیروز است، بلکه در تاریخ فوتبال جهان بی نظیر و دست نیافتنی باقی می ماند.

این روزها فدراسیون فوتبال و مدیران فوتبال در حال محک زدن فضای عمومی هستند. می خواهند از روی واکنش ها به پاسخ این سوال برسند که آیا کی روش بعد از جام جهانی باید بماند یا برود. البته من این رویه را حرفه ای نمی دانم اما تاکید می کنم نتایجی که کی روش

۲۲

در جام جهانی قبلی ما مقابل آرژانتین و بوسنی بازی را واگذار کردیم و با یک تساوی برابر نیچر به ایران برگشتیم اما بعد از جام جهانی هرگز نتوانستیم آن سه بازی و به طور کلی عملکرد تیم ملی مان و سرمربی اش را کارشناسانه بررسی کنیم. ابزارهایی در این بین وارد شرایط آن روز شدند تا کارشناسان اساساً چنین اجازه ای پیدا نکنند

۲۲

با تیم ملی مان در جام جهانی به دست می آورد، آن چنان اهمیت دارد که تکلیف تمدید کردن یا نکردن قرارداد این مربی را تعیین خواهد کرد. نمی دانم چرا عده ای تاجحت تغییر پیش می آید به یک استدلال نه چندان عمیق پناه می برند و می گویند، چون فاصله بازی های جام جهانی تا بازی های جام ملت های آسیا کم است پس باید با مربی ادامه دهیم که در جام جهانی روی نیمکت سرمربیگری تیم ما نشست است. معتقدم در صورتی که به گزینه تغییر رسیدیم نباید با این بهانه خودمان را متوقف کنیم. چه اشکالی دارد که با تیم ملی امید ایران در بازی های جام ملت های آسیا حاضر شویم؟ کاری که کره جنوبی انجامش داد و امروز فواید این سیاست گذاری درآمدت را می بیند. مگر ما با کی روش هم حذف نشدیم؟ یکی به من بگوید چه اتفاقی رخ داد؟ فاجعه بود؟ من هنوز هم معتقدم کی روش شخصیت متفاوتی به تیم ملی ما بخشیده است اما اگر قرار باشد از این شخصیت تازه یا متفاوت نتیجه دلخواه عایدمان نشود چه اصراری به ادامه همکاری وجود دارد؟

من باز هم می گویم که کی روش را باید از دو جنبه دید. او یک شخصیت فنی دارد که شامل تمرین های این مربی است. شامل نظم، هوش آنالیز تیم حریف، انتخاب استراتژی برای بازی ها و دیسیپلین اوست و در واقع روش این مربی را مشخص می کند. اما وجه دیگر او را باید در رفتارهای این مربی جستجو کنیم. جایی که تند و تیز است. در بیان نظراتش از الفاظ تند استفاده می کند. اهل ملاحظه کردن نیست. مدارای بسیار کمی دارد. پوشش او شاید با فرهنگ ما خیلی هماهنگ نباشد و مسائلی از این دست. همه اینها و مواردی که در توضیح شخصیت فنی کی روش گفتم اتفاقاً در این مربی وجود دارد. بنابراین ما با دو وجه متفاوت روبه رو هستیم؛ بار فنی و شخصیت اجتماعی کی روش. شخصیت اجتماعی او مورد قبول خیلی ها نیست و البته مورد قبول من هم نیست، یعنی اگر به من بگویند تمایل داری از دوستان کی روش باشی، بنده علاقه ای به این دوستی ندارم اما اگر به من بگویند علاقه داری دست نوشته های فنی اش را داشته باشی بی علاقه نیستم که این نوشته ها را داشته باشم. در بخش پایانی این یادداشت علاقه مندم به نکته دیگری هم اشاره کنم. فرض کنیم که تیم ملی ما در جام جهانی با سه بازی به کار خود پایان دهد اما از طرفی بتواند خوب بازی کند و از سویی دیگر بتواند بیش از یک امتیاز کسب کند. در این صورت ما با پیشرفتی روبه رو شده ایم؟ پاسخ من این است؛ وقتی ما از کسب امتیاز بیشتر صحبت می کنیم، یعنی به دنبال عدد هستیم، عدد و ارقام. چیزهایی که به درد تاریخ نگار ما می خورد اما وقتی از خوب بازی کردن حرف می زنیم درباره کیفیت به حساسیت هایی رسیدیم. خوب بازی کردن هم تعریف های متفاوتی دارد. گاهی ما خوب دفاع کردن را خوب بازی کردن می دانیم و گاهی ما ارائه بازی هجومی را خوب بازی کردن برمی شمیریم. بنابراین بستگی دارد از چه زاویه ای می خواهیم تیم ملی را تحلیل کنیم. اگر عدد یک را شکستیم و دو امتیازی با سه امتیازی شدیم عملکرد کی روش خوب بوده؟ اما در حالی که نزد خودمان به این سوال پاسخ می دهیم نباید فراموش کنیم که شکسته شدن عدد یک تحت تاثیر انجام همان سه بازی بوده است. سه بازی که در همه دوره های جام جهانی برای ما رخ داده است. در بحث کیفیت هم عرض کردم که چقدر تعریف ها متفاوت است. بنابراین از نظر من چه یک امتیاز، چه دو امتیاز چه بیشتر و چه بدون امتیاز؛ اگر بیش از سه بازی در جام جهانی انجام ندهیم کیفیتی نصیب تیم ملی مان نشده است. با این حال بنده امیدوارم شرایط برای تیم ملی فوتبال کشورمان به گونه ای پیش برود که همه ما از نتایج به دست آمده راضی باشیم و بعد از گذشت بیش از هفت سال حضور کی روش متوجه پیشرفت هایی در بخش کیفیت فوتبال ایران شویم.

با کی‌روش ادامه دهیم

راه حل درست تمدید قرارداد کی‌روش تا پایان جام ملت‌های آسیاست



عمومی و رسانه‌ها طرفدار برکناری کی‌روش باشند. حتی اگر بپذیریم که درباره کنار رفتن کی‌روش موضع منفی ندارند، در این مورد شک ندارم که شرایط برای حضور یک مربی ایرانی روی نیمکت سرمربیگری تیم ملی اصلا هموار نیست، چون هر مربی که روی نیمکت تیم ملی بنشیند خواهناخواه با کی‌روش مقایسه خواهد شد. باید منتظر بمانیم و اتفاقات فوتبالی را دنبال کنیم. تنها در یک صورت مردم و خود فوتبالی‌ها طرفدار قطع همکاری با کی‌روش خواهند شد، آن هم در صورتی که او در جام جهانی نتواند تیمی را راهی مسابقات کند که از شأن و اعتبار فوتبال ایران دفاع کند. اگر در جام جهانی نتایج خیلی بدی کسب کنیم ناخودآگاه فشار برای تغییر کادرفنی تیم ملی بیشتر خواهد شد و من نمی‌دانم فدراسیون در آن برهه چه واکنشی نشان خواهد داد.

به‌طور کلی دیدگاه من درباره کی‌روش تا جایی که به مسائل فنی مربوط می‌شود مثبت است. عده‌ای می‌گویند او برای فوتبال ایران کارهای زیربنایی نکرده است. اصطلاحاً معماری نکرده. سوال من این است که معماری ما باید از طبقه دهم آغاز شود یا از پایه باید شروع کنیم؟ کی‌روش مسئولیت بازسازی طبقه دهم این ساختمان را بر عهده دارد. زیرساخت‌های فوتبال ما باید از جای دیگری تقویت شود. فوتبال پایه ما باید به شکل دیگری رشد و توسعه پیدا کند. در صورتی که تیم‌های پایه ما خوب و قدرتمند کار کردند می‌توانیم انتظار داشته باشیم که کی‌روش با سرعت بیشتری اطلاعات و تجربه‌هایش را به تیم‌های ملی دیگر منتقل کند اما وقتی هنوز بستر کار کردن را برای این مربی بزرگ فراهم نکرده‌ایم چه انتظاری داریم که به‌طور مرتب می‌گوییم او نتوانست فوتبال ایران را معماری کند؟

اتفاقاً به نظر من کی‌روش تیم ملی بزرگسالان ما را متحول کرد و به این تیم شخصیت تازه‌ای داد و تیمی ساخته که شکستش کار خیلی سختی است. من در حالی این حرف‌ها را مطرح می‌کنم که همیشه آرزو دارم مربی ایرانی به مدارج بالایی دست پیدا کند و بیش از گذشته افتخار آفرین باشد. چه کسی از اینکه یک مربی ایرانی با تیم ملی ایران به افتخارات بزرگی دست پیدا کند ناراحت می‌شود؟ اگر کسی چنین حسی نسبت به مربیان ایرانی دارد حتماً انسان تنگ‌نظری است. اما حرف من این است که شرایط لازم برای موفقیت مربی ایرانی باید فراهم باشد. این شرایط را البته خود مربیان ایرانی هم می‌سازند. باید منتظر بمانیم و ببینیم تیم ملی در جام جهانی چه نتیجه‌ای کسب خواهد کرد. سطح توقع مردم از تیم ملی ما چقدر است؟

اگر پاسخ این سوال را پیدا کنیم می‌توانیم بهتر در این باره صحبت کنیم که بعد از جام جهانی باید با کی‌روش تمدید کنیم یا خیر. آیا مردم توقع دارند که ما اسپانیا را شکست بدهیم؟ پرتغال را چطور؟ مراکش را چطور؟ باید بدانیم جایگاه فوتبال ما در آسیا کجاست و در دنیا چه وضعیتی داریم. من خودم اعتقاد دارم که تیم ملی می‌تواند پرتغال را شکست دهد. شاید عده‌ای این حرف من را زیاد جدی بگیرند اما با توجه به شناختی که کی‌روش از این تیم دارد من فکر می‌کنم اتفاق عجیب و حیرت‌انگیزی در این بازی رقم خواهد خورد. در مورد اسپانیا ایداً چنین نظری ندارم. حتی در مورد مراکش هم بعید می‌دانم که ما برنده بازی باشیم اما در مورد پرتغال حس می‌کنم نتیجه عجیبی رقم خواهد خورد و تیم ما می‌تواند این تیم را حتی با رونالدویش شکست دهد.

با همه اینها امیدوارم تیم ملی بتواند در جام جهانی موفق شود و از مرحله گروهی صعود کند. این اتفاق می‌تواند از لحاظ مالی به فوتبال ایران کمک ویژه‌ای کند و از سویی باعث غرور ملی‌مان شود.

که او تمایل به ادامه همکاری پیدا کند، البته ما همه این حرف‌ها و نظرات را مطرح می‌کنیم اما در نهایت این فدراسیون فوتبال و کی‌روش هستند که در این باره تصمیم‌گیری خواهند کرد. به هر حال شرایط حرفه‌ای فوتبال ایجاب می‌کند که تمدید کردن قرارداد یا تغییر کادرفنی تیم ملی باتوجه به نظرات کارشناسانه صورت بگیرد و من فکر می‌کنم فدراسیون فوتبال عجل‌ناخواه تصمیم نخواهد گرفت.

از این گذشته اعتقاد دارم فدراسیون فوتبال مایل است که با کی‌روش ادامه دهد چون وقتی کی‌روش روی نیمکت سرمربیگری تیم ملی است خود به خود خیلی از مسائل حل خواهد شد. برخی از کارهایی که بر عهده فدراسیون فوتبال است هم به این صورت با برند کی‌روش انجام خواهد شد.

مثال روشن این حرف‌های بازی‌های تدارکاتی است. خیلی از مواقع ما با برند کی‌روش بازی دوستانه برگزار کردیم و فدراسیون هم این موضوع را به خوبی می‌داند. از طرفی باید به این موضوع توجه داشته باشیم که کی‌روش چند سالی است که تیم ملی ما را در رنکینگ آسیا در مقام نخست نگه داشته است. شخصیت خاصی به تیم ملی ما داده و همین امر می‌تواند در بازی‌های آسیایی آینده نیز به تیم ملی کمک کند تا شرایط بهتری را تجربه کند. این روزها برخی رسانه‌ها درباره خیلی موضوعات صحبت می‌کنند. شایعات مختلفی مطرح می‌شود. مثلاً اخبار در روزنامه‌ها می‌خوانیم که برانکو قرار است بعد از جام جهانی جایگزین کی‌روش شود یا اینکه فلان مربی ایرانی هم خیز برداشته تا سرمربی تیم ملی شود و خیلی حاشیه‌ها و شایعات دیگر. نمی‌دانم تا چه حد باید این حرف‌ها را جدی گرفت اما فراموش نکنیم این خبرها یا بهتر بگویم شایعات به تیم ملی ما در آستانه شروع بازی‌های جام جهانی کمکی نخواهد کرد و اتفاقاً حواشی تازه‌ای را به وجود می‌آورد.

از این گذشته بعید می‌دانم در حال حاضر افکار

بهتاش فریبا

مربی فوتبال



فکر می‌کنم فاصله زمانی بین بازی‌های جام جهانی تا جام ملت‌های آسیا حدوداً ۶ ماه است و تا جایی که خبر دارم فدراسیون فوتبال علاقه‌مند است که مربی خارجی روی نیمکت سرمربیگری تیم ملی بنشیند. شرط عقل هم همین است، چرا؟ چون در صورت تغییر کادرفنی و انتخاب یک مربی خارجی دیگر به جای کی‌روش، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که سرمربی تیم ملی بتواند در جام ملت‌های آسیا نتیجه خوبی کسب کند. چون سرمربی جدید زمان می‌خواهد تا با فوتبال ما آشنا شود. بنابراین فکر می‌کنم منطقی‌ترین راه این است که کی‌روش با تیم ملی ادامه دهد. مگر اینکه فدراسیون بخواهد نقشه راه خود را تغییر دهد و با مربی ایرانی تیم ملی را بعد از جام جهانی اداره کند. البته این راه هم بگویم بعید نیست که فدراسیون بخواهد این راه را انتخاب کند چون باتوجه به گران شدن دلار بعید است که فوتبال ما بتواند پاسخگوی نیازهای مالی کی‌روش باشد، به خصوص اینکه مربیان خارجی در این مورد به خصوص همیشه قراردادهای سفت و سخت با ما امضا کرده‌اند.

با این حال ما چند دهه است که قهرمان جام ملت‌های آسیا نشده‌ایم. آخرین قهرمانی‌مان را به زحمت به خاطر می‌آوریم. این اتفاق خوبی نیست و معتقدم تیم ملی باید در آسیا اول بودن خودش را با قهرمانی در جام ملت‌های آسیا ثابت کند. باتوجه به قرعه‌ای که در جام ملت‌های آسیا داریم فکر می‌کنم مشکلی برای رسیدن به مراحل پایانی این جام نخواهیم داشت، بنابراین منطقی است که بسکان هدایت تیم ملی را به دست خود کی‌روش بسپاریم و به‌طور کلی شرایطی را ایجاد کنیم

در انتظار معجزه

آیا کی‌روش افتخار تاریخی برای ما به ارمغان می‌آورد؟

محمد جواد پاینده

روزنامه‌نگار



تابستان سرنوشت‌ساز فوتبال ایران احتمالاً پس از پایان مسابقات جام جهانی آغاز خواهد شد، جایی که خبر جدایی یا ادامه همکاری کارلوس کی‌روش با تیم ملی به عنوان مهم‌ترین خبر فوتبال ملی ایران رسانه‌ها را به خود مشغول می‌کند. اما به راستی کدام تصمیم ضامن منافع فوتبال ایران است؛ ماندن یا جدایی کی‌روش؟

نزاع بی‌پایان حامیان و مخالفان کی‌روش در طول این سال‌ها هرگز به سرانجامی نرسید، چه آن روز که مخالفانش بعد از شکست در جام ملت‌های آسیا یا در پی هر مصاحبه و موضع‌گیری جنجالی یا حتی مرخصی‌های طولانی کی‌روش علیه سرمربی تیم ملی مواضع تند و اتخاذ کردند و به هر قیمتی خواهان پایان دادن به این همکاری بی‌فراجام بودند، چه آن روز که بعد از بازی درخشان مقابل آرژانتین در جام جهانی یا صعود بدون دردسر در مرحله مقدماتی جام ۲۰۱۸ حامیان کی‌روش موفقیت‌های مرد پرتغالی را به رخ منتقدانش کشیدند. حکایت تمديد یا پایان دادن به قرارداد همکاری نیز احتمالاً تحت‌تأثیر جو روانی مشابهی قرار خواهد گرفت و البته اینکه کدام گروه اصطلاحاً موضع قدرتمندتری در اختیار می‌گیرند، وابسته به نتایج یا عملکرد و نمایش تیم ملی در مسابقات جام جهانی است. سرنوشت ایران در جام جهانی ۲۰۱۸ شاید نسبت به ادوار گذشته تا حدودی قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسد. یکی از سخت‌ترین قرعه‌های تاریخ فوتبال ملی ایران طبیعتاً سطح انتظارات را حداقل از جهت نتیجه‌گیری پایان می‌آورد و عموم فوتبالیست‌ها یا حتی کارشناسان فوتبال تنها در انتظار نمایشی آبرومندانه از تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی خواهند بود. در این شرایط آینده‌کاری کی‌روش در تیم ملی فوتبال ایران چگونه باید رقم بخورد؟

در فاصله چند ماه بعد از اتمام جام جهانی ۲۰۱۸ تیم ملی ایران خود را برای حضور در جام ملت‌های آسیا آماده خواهد کرد. هر قدر نتیجه‌گیری در جام جهانی دور از انتظار و حتی تا حدودی با اهمیت جلوه کند، رسیدن به نتیجه مطلوب در جام ملت‌های آسیا یک انتظار حقیقی و مطالبه عمومی فوتبال‌دوستان ایرانی به شمار می‌رود. سال‌ها از صدرنشینی بلامنازع فوتبال ملی ایران در رده‌بندی تیم‌های آسیایی می‌گذرد اما اگر مصداق و معیار تعیین قدرت برتر در فوتبال قاره کهن را مسابقات جام ملت‌های آسیا بدانیم، ایران بیش از ۴ دهه در حسرت رسیدن به افتخار قهرمانی این رقابت‌هاست. نسل طلایی فوتبال ملی ایران با افزایش تعداد

لژیونرهای تأثیرگذار در اروپا و حتی کسب عنوان آقای گلی لیگ هلند با درخشش علیرضا جهانبخش حالا باید به دنبال افتخاری بزرگ‌تر از صعود مستقیم به جام جهانی باشد. انتظار از کارلوس کی‌روش و مردانش این است که در مهم‌ترین رویداد فوتبال آسیا هم تاریخ‌ساز باشند و به این ناکامی طولانی مدت پایان بدهند.

با توجه به میزان اهمیت جام ملت‌های آسیا برای فوتبال ایران و کسب نتیجه مطلوب در این رقابت‌ها موضوع حفظ کی‌روش یا جدایی مربی پرتغالی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. کی‌روش پس از سال‌ها فعالیت در تیم ملی ایران و موفقیت تقریبی در تحقق اهداف خود اگرچه در جام جهانی فوتبال احتمالاً نتواند به افتخاری بی‌سابقه‌ای در رقابت با تیم‌های اسپانیا، پرتغال و مراکش دست یابد اما در جام ملت‌های آسیا پس از سال‌ها حضور تأثیرگذار در تیم ملی می‌تواند موجب کسب افتخاری درخشان باشد. شاید بخش قابل توجهی از مخالفان کارلوس

کی‌روش هم به این حقیقت اعتراف داشته باشند که

پس از جام جهانی و در فاصله کوتاه باقیمانده تا جام ملت‌ها زمان مناسبی برای ایجاد چنین تغییر بزرگی در فوتبال ایران نیست و جدایی کی‌روش در

این زمان نمی‌تواند تأثیر مثبتی در روند آماده‌سازی تیم ملی ایجاد کند. حداقل انتظار معقول از مسئولان فدراسیون فوتبال در این بخش این است که با توجه به سرمایه‌گذاری کلان صورت گرفته در جذب و همکاری با کی‌روش به دنبال تحقق ثمره مطلوبی در رقابت‌های قاره‌ای باشند.

نشانه‌های مثبتی از جانب کی‌روش نسبت به استمرار همکاری با فوتبال ملی ایران دیده نمی‌شود، در حالی که ماندن یا جدایی مربی پرتغالی با اختلاف چند ماه تفاوت چندانی برای او نخواهد داشت اما برای فوتبال ایران احتمالاً رسیدن به گزینه جایگزین مناسب در مهلت کوتاه باقیمانده همچنین آماده‌سازی تیم ملی با سرمربی جدید و حضور موفقیت‌آمیز در جام جهانی آسان به نظر نمی‌رسد.

باید پذیرفت درخشش نسل جدید ستاره‌های تیم ملی که می‌تواند آینده فوتبال ملی ایران در سال‌های آتی را تضمین کند، وابسته به تلاش‌ها و فعالیت‌های کارلوس کی‌روش و اعتماد این مربی به بازیکنان جوانی بوده که فراتر از انتظار ظاهر شدند و در فوتبال اروپا مسیر پیشرفت را به خوبی طی می‌کنند. این نسل که حالا به هارمونی و هماهنگی بی‌سابقه‌ای در تیم ملی نزدیک شده می‌تواند در جام ملت‌های آسیا آرزوی دیرینه فوتبال را محقق کند و کارلوس کی‌روش یا با ثبت خاطره‌ای فراموش‌ناشدنی از تیم ملی ایران خداحافظی کند یا با به دست آوردن یک افتخار بزرگ و بی‌سابقه در ۴ دهه اخیر موجب تغییر معادلات در خصوص احتمالاً ادامه همکاری دو جانبه باشد. از سویی دیگر نگرانی اهالی فوتبال از معادله چندمجهولی انتخاب جانشین کی‌روش هم قابل انکار نیست. اینکه چه گزینه داخلی یا خارجی در این مقطع می‌تواند شایستگی نشست روی نیمکت تیم ملی ایران را داشته باشد و روند پیشرفت تیم ملی را منطبق با برنامه‌های سال‌های اخیر دنبال کند از جمله سوالات بی‌جوابی است که در صورت جدایی کی‌روش باید به دنبال پاسخ روشنی برای آن باشیم.

تجربه نشان داده که رسیدن به گزینه ایده‌آل در چنین موقعیت‌هایی بسیار دشوار یا حتی غیرممکن است. بر همین اساس حتی بسیاری از مخالفان کی‌روش هم او را نسبت به گزینه‌های نامعلوم و احتمالاً نامناسب پیش روی ترجیح می‌دهند. پیش‌بینی آینده همکاری کی‌روش و تیم ملی پس از جام ۲۰۱۸ با این وجود وابسته به روند مذاکره دو جانبه خصوصاً تغییر دیدگاه فعلی مربی پرتغالی است. با این وجود به نظر می‌رسد اگر اراده‌ای برای تمديد قرارداد حداقل تا پایان جام ملت‌های آسیا و به شکل مشروط وجود داشته باشد احتمالاً امکان تمديد قرارداد نیز وجود خواهد داشت و طبیعتاً کی‌روش هم ترجیح می‌دهد با یک خاطره درخشان و یک افتخار تاریخی به این همکاری طولانی مدت پایان دهد.



خوشحال می شوم کی روش برود

چرا عده‌ای برای کی روش دست می‌زنند؟

بهمن فروتن

مربی فوتبال



بعد از باخت پرسپولیس برابر الجزیره به این موضوع فکر می‌کردم که نبود سیدجلال حسینی چقدر در این شکست تأثیرگذار بود. به‌طور حتم اگر این بازیکن در این بازی حاضر بود، آن اشتباهات کودکانه باعث شکست پرسپولیس نمی‌شد. بعد بیشتر که فکر کردم به این نتیجه رسیدم که آدم‌ها چقدر می‌توانند در موفقیت‌ها و شکست‌ها نقش‌های مهمی داشته باشند. این موفقیت‌ها می‌تواند فردی، جمعی، اجتماعی، ملی و حتی بین‌المللی باشد. شما تصور کنید فردی مثل فرگوسن یا گواردیولا آن قدر مراتب افتخار و موفقیت را یک به یک طی کرده‌اند که حالا موفقیت‌شان به جهان فوتبال سودرسانده است.

وقتی کی روش وارد فوتبال ایران شد همه ما ذوق زده شدیم، هیجان زده شدیم، گفتیم یک مربی وارد فوتبال مان شده که در باشگاه‌های بزرگ جهان کار کرده است، گفتیم مربی مان قبلاً روی نیمکت رئال مادرید نشسته است. باز گفتیم کی روش روی نیمکت سرمربیگری تیم ملی پرتغال نشسته است. بعد با خودمان رویاهای زیادی بافتیم. گفتیم این مربی همان گمشده فوتبال ماست که می‌تواند این فوتبال را در مسیر درستش قرار بدهد اما خیلی زود متوجه شدیم که اشتباه کردیم. مردی که می‌توانست با مطالعه مناسبات اجتماعی و فرهنگ ما به این فوتبال مرخص کمک‌های زیادی کند، هرگز چنین اولویت‌هایی برای خودش در نظر نگرفت، بنابراین همیشه در حال فرار به سمت موفقیت‌ها و منافع فردی اش بود. حالا هم همین‌طور است و رویه او سال‌هاست که تغییر نکرده است. آدمی که در کنار فرگوسن کار کرده بود باید با شجاعت بیشتری به همکاری کمک می‌کرد که در فوتبال ایران صاحب تجربه‌های عمیق‌تر شوند. اما او این راه را انتخاب نکرد. همیشه ترسید که شغلش را از دست بدهد. به‌خصوص طی یکی، دو سال اخیر وقتی یکی دو مربی خارجی دیگر در فوتبال ایران نتایج خوبی کسب کردند کی روش به سمت پرخاشگری پیش رفت.

موضع بالا به پایینی نسبت به فوتبال ایران اتخاذ کرد. با بیانیه‌هایش نه در مقام تحکیم دوستی‌ها بلکه درصدد برآمد دشمنی‌ها را تشدید کند. همفکری‌ها را کنار زد و منافع فردی اش را در اولویت قرار داد. همه این رفتارها از سوی کی روش باعث شده تا من به‌عنوان یکی از اعضای جامعه فوتبال ابتدا او را دوست نداشتم باشم.

از او انتظار داشتم وقت بیشتری برای فوتبال ایران بگذارد. لیگ فوتبال ایران را بهتر ببیند. خودش ببیند. برای پیشرفت و توسعه و تقویت فنی رده‌های پایه بیشتر باید وقت و انرژی می‌گذاشت، مثل همه مربیان دلسوز و دردمندی که مدت زمان زیادی را وقف تیم‌های شان می‌کنند. کسی که سال‌ها به‌عنوان دستیار در کنار فرگوسن کار کرده چرا باید فقط ژست‌های این مربی بزرگ را یادگار بردارد؟ در فوتبال ما کی روش همواره رفتار تند و داشته است. هر وقت قرار بوده موقعیتی پیش بیاید که او از نیمکت تیم ملی دور شود او خیلی هوشمندانه به برخی سیاست‌ها لبخند زده و فضای تازه‌ای برای فعالیت خودش ایجاد

کرده است. در جام جهانی قبلی کی روش همان قدر امتیاز کسب کرد که مربیان قبلی تیم ملی در جام جهانی کسب کرده بودند، بنابراین به نظر من او نه تنها در طول سال‌های حضورش در فوتبال ایران به رشد و توسعه فوتبال مان کمکی نکرده است، بلکه از لحاظ نتیجه هم دست کم در جام جهانی و جام ملت‌های آسیا نتایج متفاوتی نسبتاً به مربیان دوره‌های قبل کسب نکرده است.

چنین مربی را چرا باید نگه داریم؟ نگه داریم تا پول بیشتری از جیب ملت ایران نصیب وی شود؟ آن وقت باعث تأسف است که عده‌ای برای او دست می‌زنند و می‌گویند این مربی موفق شده دوبار تیم ملی ما را به جام جهانی ببرد.

دوبار پشت سر هم، صعود به جام جهانی در دوره مربیگری کی روش چطور بوده؟ در دوره‌های قبل چه سختی‌هایی داشته؟ این سوال‌ها را چرا کسی جواب نمی‌دهد. زمانی که مهاجرانی و طالبی و برانکو و بقیه تیم‌های را به جام جهانی بردند یا در جام ملت‌های آسیا درخشیدند فوتبال آسیا خیلی قدرتمندتر بود. بازیکنان آن نسل را با حالا مقایسه کنید.

از آسیا پنج تیم به جام جهانی نمی‌رفت، بنابراین نمی‌دانم چرا عده‌ای برای کی روش دست می‌زنند و خاضعانه از او می‌خواهند که بعد از جام جهانی باز هم در تیم ملی بماند. بنده خوشحال می‌شوم که کی روش از فوتبال ایران برود. او انتظارات عده‌ای را برآورده می‌کند که به دنبال نمایش دادن و تبلیغات هستند. او انتظارات اهالی فوتبال را هرگز برآورده نکرده است. ما فوتبالی‌ها می‌دانیم که فوتبال ما به چه چیزهایی نیاز دارد و از چه چیزهایی باید دوری کند. کی روش کاری با ما ندارد. برایش هم مهم نیست که انتظار ما چیست. به نظر من ما باید بعد از جام جهانی تغییرات جدی در تیم ملی ایجاد کنیم. باید مربی‌ای روی نیمکت داشته باشیم که اهل تعامل است نه اهل جنجال و بیانیه‌نویسی. فراموش نکنیم که او از هر فرصتی استفاده کرده تا مخالفان یا منتقدانش را تخریب کند. آن هم به بدترین شکل و با تندترین ادبیات ممکن. همه ما فکر می‌کردیم این مربی تحصیلکرده می‌تواند شرایطی در فوتبال ایران فراهم کند که رقابت بین مربیان جایش را به هم‌دلی و همفکری بدهد اما او خود آتش‌بار معرکه‌ای شد که هرگز در تصور ما نمی‌گنجید.

او هم‌زمان با مربیگری تیم ملی به همه کارهایی که باید به‌عنوان یک مربی حرفه‌ای آنها را تا اطلاع ثانوی کنار می‌گذاشت، توجه ویژه کرد. توجه بیش از حد او به مسائل مادی باعث شد تا او نداند برای کمک به فوتبال ایران مربی‌ای نیاز داریم که به جای وقت‌گذرانی در اروپا بیاید و کنار فوتبال مان باشد. استعدادهای مان را ببیند و در انتقال تجربه‌ها و دانش خود خسیس نباشد.



آرزوی چهل ساله

علیرضا کردی

روزنامه‌نگار

در حالی که کمتر از ۴۰ روز به آغاز جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه باقی مانده است، شرایط در تیم ملی مطابق آنچه که کارلوس کی‌روش می‌خواهد نیست. سرمربی پرتغالی تیم ملی این روزها بیشتر از هر زمان دیگری نگران وضعیت آماده‌سازی تیمش است. اردوی جدید تیم ملی از روز یکشنبه آغاز شده و در اتفاقی کم‌سابقه در این اردو به واسطه غیبت بازیکنان سه تیم پرسپولیس، استقلال و ذوب آهن که همگی درگیر مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان آسیا هستند، فقط چهار بازیکن حضور دارند. چهار بازیکنی که یکی از آنها نیز مصدوم است و عملاً کادر فنی تیم ملی تنها با سه بازیکن تمرینات را پیش می‌برد.

با توجه به همین اتفاق که موجب خشم سرمربی تیم ملی نیز شده است، کارلوس کی‌روش در آستانه جام جهانی رفتاری مشابه ۴ سال قبل را در پیش گرفته و تلویحا اعلام کرده مجبور است بازیکنانی را که در اردوی تیم ملی نیستند حذف کند: «دقیقا مثل جام جهانی ۲۰۱۴ که نتوانستیم روی یکسری از بازیکنان حساب کنیم و تعدادی از بهترین بازیکنان مان را از دست دادیم دقیقا همان اتفاق دوباره خواهد افتاد.» مخاطبان او بازیکنان ملی پوش سه تیم حاضر در لیگ قهرمانان آسیا هستند. از بین ذوب آهن و پرسپولیس و استقلال، استقلال و شفر از در تعامل با کی‌روش و تیم ملی وارد شده‌اند و معلوم نیست کی‌روش چه تصمیمی درباره ملی پوشان استقلال خواهد گرفت. اما برانکو و قلعه‌نویی در جبهه منتقدان سی‌کیو قرار دارند و باید دید آیا کی‌روش روی نام ملی پوشان این دو تیم خط قرمز می‌کشد یا نه.

البته این تمام ماجرای مشکلات فوتبال ایران پیش از جام جهانی روسیه نیست. بعد از اتمام مسابقات جام جهانی، فوتبال ایران یک تورنمنت بزرگ دیگر را پیش رو دارد. جام ملت‌های آسیا در زمستان در کشور امارات برگزار خواهد شد و ایران در آن مسابقات بخت اول قهرمانی است و امید زیادی وجود دارد که تیم ملی بعد از بیش از ۴۰ سال بتواند برای چهارمین مرتبه فاتح جام قهرمانی آسیا شود. با این حال در شرایطی که کارلوس کی‌روش بعد از اتمام جام جهانی قراردادش با فدراسیون فوتبال به پایان می‌رسد، هنوز مشخص نیست که آیا در جام ملت‌ها نیز او سرمربی تیم ملی خواهد بود یا خیر.

پیش از این فدراسیون فوتبال از قطعی بودن تمدید

قرارداد این سرمربی با تجربه خبر داده بود، اما شواهد همه نشان دهنده این موضوع است که کی‌روش بعد از پایان کار تیم ملی در جام جهانی، دیگر در ایران به فعالیت ادامه نخواهد داد. مساله‌ای که خود او در صحبت‌های روز یکشنبه در حاشیه اولین جلسه تمرین تیم ملی آشکارا به آن اشاره کرده و دلیل غیبتش در مراسم قرعه‌کشی جام ملت‌ها را سرمربی نبودنش در تیم ملی در این رقابت‌ها عنوان کرده است: «فکر نمی‌کنم که باید غیبت من در این مراسم به عنوان سورپرایز تلقی شود چون همان‌طور که می‌دانید این مراسم برای فدراسیون، تیم‌ها و سرمربیانی بود که در جام ملت‌ها این تیم‌ها را هدایت می‌کنند. برای بنده مناسب و محترمانه نبود که بدون اینکه سرمربی تیم ملی ایران در آن برهه باشم در این مراسم شرکت کنم.»

این صحبت‌های مرد پرتغالی وضعیت حاد تیم ملی را بیش از گذشته نمایان می‌کند و نشان می‌دهد که فوتبال ایران در شرایط بحرانی قرار دارد. شرایطی که اگر به درستی مدیریت نشود، قطعا چیزی جز شکست عاید فوتبال ایران نخواهد کرد.

با توجه به گروه سخت تیم ملی در جام جهانی شاید کمتر کسی بیشتر از یک عملکرد آبروماندانه در این مسابقات از کی‌روش و شاگردانش انتظار داشته باشد اما میدان جام ملت‌های آسیا جایی است که توقعی غیر از کسب عنوان قهرمانی از تیم ملی وجود ندارد و همین خود دلیلی است بر اهمیت تمدید قرارداد کارلوس کی‌روش. او در هفت سال گذشته به خوبی تیمش را هدایت کرده و بیشتر از هر فرد دیگری به پتانسیل موجود در نسل طلایی فعلی فوتبال ایران آشنایی دارد. به همین دلیل حضور کی‌روش روی نیمکت تیم ملی در جام ملت‌ها یکی از مواردی است که موفقیت ایران در این رقابت‌ها را تا حدود زیادی تضمین می‌کند. از طرفی دیگر تیم ملی در مدت زمانی هدایت کی‌روش بیشتر از هر زمان دیگری مقابل تیم‌های آسیایی مقتدرانه عمل کرده و آمار نیز به خوبی نشان دهنده همین موضوع است، زیرا کمتر کسی آخرین بخت تیم ملی مقابل یک حریف آسیایی را در یاد دارد. (آخرین شکست ایران مقابل یک تیم آسیایی چهار سال قبل در جام ملت‌های آسیا در استرالیا و در ضربات پنالتی رخ داد.)

موضوع دیگری که اهمیت تمدید قرارداد کی‌روش برای جام ملت‌های آسیا را دوچندان می‌کند، جدا از قرعه‌کشی که نصیب تیم ملی شده و مسیر هم‌اوری که برای رسیدن به مرحله نیمه‌نهایی پیش رو داریم، نظم و هارمونی حاکم بر تیم ملی است که دلیل اصلی نتایج درخشان چند سال اخیر مخصوصا در مسابقات انتخابی جام جهانی بوده است. سرمربی سابق رئال مادرید که به واسطه سال‌ها

دستیاری سر آکس فرگوسن مدیریت درون تیمی را در بالاترین سطوح فرا گرفته است، در چند سال اخیر به خوبی با موضوع بازیکن سالاری در تیم ملی برخورد کرده و همین خود باعث ایجاد یک جو ایده‌آل و کمتر دیده شده در تیم ملی شده است. در شرایطی که در حال حاضر بازیکنان تیم ملی همگی رابطه‌ای بسیار خوب با کی‌روش دارند، این امکان وجود دارد که در صورت تغییر سرمربی تیم ملی پیش از میدان بسیار مهم جام ملت‌ها، شوک روانی منفی حاصل از این تغییر و مدت زمان کم پیش رو برای آشنایی بازیکنان با سرمربی جدید، موجب از دست رفتن زمان و در نتیجه افت کیفیت فنی تیم ملی شود.

در شرایط فعلی شایعاتی پیرامون نیمکت تیم ملی وجود دارد و از نام‌هایی مانند برانکو ایوانکوویچ و وینفرد شفر، دو سرمربی موفق پرسپولیس و استقلال به عنوان گزینه‌های احتمالی جانشینی کی‌روش در تیم ملی نام برده می‌شود. اگرچه در توانایی‌های فنی این دو مربی بین‌المللی و با تجربه شکلی نیست و بدون تردید هر دو می‌توانند گزینه‌های خوبی برای هدایت تیم ملی باشند اما انتخاب هر یک از این دو بنا به دلایلی در برهه فعلی انتخاب خوب و مناسبی برای فوتبال ایران نخواهد بود. برانکو و شفر هرچند هر دو صاحب سبک و فلسفه خاص خود در مربیگری هستند و در دو باشگاه بزرگ پرسپولیس و استقلال نیز نتایج خوبی کسب کرده‌اند، ولی به دلیل تفاوت زیاد کار در رده ملی با سطح باشگاهی و محدودیت زمان موجود در برگزاری تمرینات تیم ملی، قطعا جانشینان سبک و تفکرات کاری هر کدام از این دو نیاز به زمان زیادی خواهند داشت که این خود می‌تواند در رقابت‌های بسیار مهم جام ملت‌ها موجب کاهش نظم تاکتیکی فعلی تیم ملی شود.

همچنین نباید از این نکته نیز غافل شد که هر دو تیم بزرگ پایتخت بعد از مدت‌ها به واسطه عملکرد خوب سرمربیانی کنونی خود دوباره به اوج برگشته و روزهای خوبی را سپری می‌کنند و جدایی برانکو یا شفر از هر کدام از این دو تیم می‌تواند موجب افت دوباره و بازگشت رو به عقب پرسپولیس یا استقلال شود که این موضوع نیز در جای خود اتفاقی نامناسب برای فوتبال ایران و در راس آن تیم ملی خواهد بود. برانکو و شفر در مدت زمان حضور خود در فوتبال باشگاهی ایران اثرات مثبت زیادی از خود به جای گذاشته و به صلاح فوتبال باشگاهی کشورمان است که این دو مربی صاحب سبک و کارنامه در راس کادر فنی دو قطب اصلی فوتبال ایران باقی بمانند.

در پایان باید گفت اگرچه رقابت‌های جام جهانی به خودی خود اهمیت بسیار بالایی برای فوتبال ایران دارد و حضور تیم ملی با شرایطی خوب و ایده‌آل در این رقابت‌ها، موضوعی است بسیار مهم، اما بعد از پایان تورنمنت رو ۲۰۱۸، فوتبال ایران رقابت‌های مهم دیگری را پیش رو دارد که از حیث نتیجه‌گیری شاید بتوان گفت که حتی به مراتب با اهمیت‌تر از جام جهانی نیز هست. کسب نتایج درخور نام فوتبال ایران و ارائه بازی‌های خوب در جام جهانی و مقابل دو غول فوتبال دنیا یعنی اسپانیا و پرتغال اتفاقی مهم و موثر برای فوتبال ایران است اما نباید فراموش کنیم که قهرمانی در قاره کهن و اثبات این موضوع که فوتبال ایران تنها در رنکینگ فیفا تیم اول آسیا نیست، موضوعی به مراتب با اهمیت‌تر برای فوتبال ملی ما است و به همین دلیل نیاز است مدیران بلندپایه ورزش و فدراسیون فوتبال، هرچه سریع‌تر برای تمدید قرارداد کارلوس کی‌روش اقدام کنند تا تیم ملی فوتبال کشورمان با تمام قوا و قدرت در میدان مهم جام ملت‌های آسیا حضور پیدا کند تا بلکه بتواند آرزوی ۴۰ ساله فوتبال ایران را برای کسب چهارمین جام قهرمانی فوتبال آسیا جامه عمل پوشاند؛ جامی که بیش از هر زمان دیگری به فتح دوباره آن نزدیک هستیم.



دلار دوباره شروع کرد، یک کاری کنید دیگر، نمی شود که اول هفته را با خبرهایی شروع کنیم که معنایش می شود... معنای خوبی ندارد؛ درحالی که تقاضا برای خرید هر اسکناس دلار، به اوج خود رسید. در بازار غیررسمی ارز کمتر کسی فروشنده بود و فعالان این بازار ترجیح می دادند هر دلار را به قیمت ۶ هزار و ۵۰۰ تومان خریداری کنند. در بازار انواع سکه و طلا هم با رشد قابل توجهی همراه شد و رکوردهای قیمتی جدیدی به ثبت رسید. هر قطعه سکه تمام بهار طرح جدید با جهش ۱۱۵ هزار تومانی به دو میلیون و ۷۵ هزار تومان رسید. نگاهی به روند قیمتی این سکه از ابتدای سال جاری تا کنون نشان می دهد که سکه تمام بیش از ۴۶۰ هزار تومان گران شده است. مقصران فاجعه آتش در کشتی سانچی اعلام شد؛ ۵ کشور ذی نفع در سانحه سانچی، خطای انسانی و قصور دیدبانی در استفاده از ابزارهای در اختیار را از علت های اصلی تصادف دو کشتی ایرانی و چینی می دانند اما سه کشور ایران، پاناما و بنگلادش تاکید دارند که اشتباه محاسباتی افسر کشتی کریستال و تغییر مسیر به سمت راست که ۱۵ دقیقه قبل از سانحه آغاز شده بود باعث تصادف با نفتکش سانچی بوده است. یک خبر مهم هم در ورزش رخ داد. تیم ملی پینگ پنگ توانست بالاخره خود را به جمع تیم های برتر جهان برساند. پینگ پنگ بازان ایرانی در حالی تاکنون در رقابت های قهرمانی جهان به میدان رفته اند که تا الان همیشه در دسته سه و دو این مسابقات بازی می کردند؛ اما در این دوره ملی پوشان با تجربه ای روانه این رویداد بزرگ شدند که موفق شدند سد صعود به دسته یک مسابقات جهانی را بشکنند. مراسم اختتامیه جشن کانون کارگردانان خانه تئاتر هم با تقدیر و تجلیل از ۶ چهره برجسته عرصه تئاتر در سالن شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار شد و از ژاله علو، جمشید جهانزاده، ناصر آقایی، هرمز هدایت، محمدباقر کریم پور و پرویز پورحسینی تجلیل شد.



«شناسایی کودکان کار و خیابانی سخت است و با این حال، برآورد می شود ۷۰ هزار کودک خیابانی وجود داشته باشند. بیشتر کودکان کار از خانواده ای با درآمد پایین هستند، بنابراین باید کاری کرد تا خانواده های فقیر، زنان بدسرپرست و دارای فرزند معلول، کودک خود را برای تامین معیشت به بیرون نفرستند و بتوانیم این خانواده ها را حمایت کنیم.» این جملات را از حبیب الله سعودی فرید، معاون اجتماعی سازمان بهزیستی کشور بخوانید و در جوابش بگویید، ما هم می دانیم باید کاری کرد، خب کاری بکنید.

از زمانی که نرخ دلار روند صعودی پیدا کرده همه کالاها یکی پس از دیگری قیمت شان افزایش می یابد اما در این میان باید توجه داشت برخی کالاها مانند خودروهای زیر ۴۵ میلیون تومان، نان، برنج، مرغ و... توسط دولت قیمت گذاری می شود و هرگونه رشد قیمت به معنای تخلف است اما واقعیت بازار این است که پراید به ۲۳ میلیون تومان رسیده و خودروهایی نظیر ۲۰۷ که در طول یک سال گذشته سهم بازار بالایی را به خود اختصاص داد با رشد قیمت ۶ میلیون تومانی روبه رو شده و با قیمت ۴۹ میلیون تومان به دست مصرف کننده می رسد.

معلوم نیست که منشا انفجار شبانه در «سمنان دشت» چه بود اما هرچه بود، اهالی هنوز درباره یک شهاب سنگ حرف می زنند؛ شهاب سنگی که حفره ای به عمق ۴۰ سانتی متر در وسعت سه مترمربع در آسفالت محل انفجار ایجاد کرد و یک نفر از شدت انفجارش مصدوم شد. خبر بد فوتبالی باخت شاگردان برانکو ایوانکوویچ بود. پرسپولیس که به خاطر عملکرد خوب خط دفاعش در لیگ قهرمانان پیش آمده بود، بار دیگر در یک بازی خارج از خانه سه گل خورد و خط دفاعی این تیم با تغییرات اعمال شده نمره منفی گرفته، البته پرسپولیس در این بازی دو گل هم زد و این فرصت را دارد که در بازی برگشت جبران کند و صعود.



بدون شک علیرضا جهانبخش بهترین روزهای فوتبالی خود را می گذراند؛ روزهایی که در نهایت به آقای گلی او در لیگ فوتبال هلند انجامید. لژیونر ۲۴ ساله ایرانی از سال ۹۲ و درحالی که کمتر از ۲۰ سال داشت، به لیگ هلند ترانسفر شد و حالا در پنجمین فصل حضورش در سرزمین لاله های نارنجی به افتخاری تاریخی دست یافت. لژیونر ایرانی که در هفته های اخیر برای نخستین بار در لیگ هلند موفق به هت تریک شده بود، در هفته پایانی توانست یک بار دیگر شایستگی های خود را ثابت کند تا با ۲۱ گل به عنوان آقای گل این فصل فوتبال هلند شناخته شود. یانسن از دن هاخ و استیون برگویس از فاینورد که رقبای جهانبخش برای آقای گلی محسوب می شدند، دیروز ۲ گل به ثمر رساندند اما با هم به گرد پای وینگر ایرانی الگمار نرسیدند که با اختلاف ۳ گل بالاتر از رقبای خود در صدر جدول گلزنان قرار گرفت. علیرضا جهانبخش نه تنها به عنوان نخستین بازیکن ایرانی به عنوان آقای گلی یک لیگ معتبر اروپایی رسید بلکه او تا به حال تنها بازیکن آسیایی تاریخ است که توانسته در یک لیگ اروپایی به چنین عنوانی دست پیدا کند. ضمن اینکه جهانبخش در بخش پاسورها هم آمار فوق العاده ای از خودش ثبت کرد. جایی این آقای گل ارزشمندتر جلوه می کند که متوجه می شویم، لژیونر ایرانی حتی به عنوان مهاجم نوک در تیمش به میدان نمی رود. حالا زمان آن است که علیرضا جهانبخش به تیمی بزرگتر فکر کند و لیگی بزرگتر. گفته می شود که تیم ناپولی مقصد بعدی این ستاره بی نظیر فوتبال است؛ بازیکنی که از نظر اخلاقی هم یکی از باشخصیت ترین بازیکنان فوتبال ایران محسوب می شود و در تمام مدتی که به عنوان ستاره در فوتبال ما می درخشد کمتر دیده ایم که خطا داشته باشد.



پیام تسلیت ولایتی برای درگذشت آیت الله ایمانی



واکنش محسن رضایی به پیروزی حزب الله



پیست مسعود ده نمکی درباره خروج ترامپ از برجام



پیست محمد حسین مهدویان درباره خروج ترامپ از برجام



سه شنبه

قسمت ششم سریال محبوب پایتخت با حضور روح بابا پنجعلی ساخته می شود. سیروس مقدم، کارگردان این مجموعه گفته است: «قطعا فصل جدید با تغییراتی همراه خواهد بود. به عنوان مثال بهتاش به عنوان نماینده فشر جوان جایش در کار خالی بود و شخصیت بابا پنجعلی هم به دلیل کهولت سن و اینکه نمی توانست خیلی دیالوگ بگوید، دیگر خیلی حضور چشمگیری در کار نداشت و در سری جدید ما از روح بابا پنجعلی بهره خواهیم برد که جای کار بیشتری برای نوشتن قصه و دیالوگ خواهد داشت.» همزمان با روز جهانی تالاسمی و در آستانه ۴۱ سالگی این بیماری در ایران، مدیرعامل انجمن تالاسمی می گوید که ۲۳ هزار بیمار در ایران زندگی می کنند که روزگار پررنجی را می گذرانند؛ زنجی که فقط ناشی از درد بیماری نیست، بلکه ناکافی بودن پوشش های بیمه ای، ناآشنایی جامعه پزشکی با بیماری تالاسمی، فقدان دستورالعمل واحد برای درمان بیماران، انگ اجتماعی و طرد از مشارکت های مدنی، تبعیض در فرصت های شغلی با استناد به قانون طب کار، عوارض دارویی و کمبود تجهیزات پزشکی و داروهای با کیفیت برای درمان این بیماری مهم ترین مشکلات امروز بیماران تالاسمی ایران است. نگار ۱۶ ساله هفته گذشته توسط پدرش به طرز دلخراشی شکنجه شد و فیلم ها و تصاویر تکان دهنده آن که توسط پدر سنگدل تهیه شده بود، در شبکه های اجتماعی دست به دست شد تا ماجرای تلخ این دختر کرجی حسابی خبرساز شود. این دختر معلول حرکتی است و اختلال میکروسفالی هم دارد و بارها مورد اذیت و آزار پدرش قرار گرفته است. با این حال او یکی از شاگرد های ممتاز و درسخوان مدرسه است. نبرد خانگی استقلال و ذوب آهن در مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان آسیا یک فینال زودرس ایرانی بود که ذوب آهن در آخرین دقایق یا حتی ثانیه ها برنده آن شد اما تلخ ترین حادثه بازی مصدومیت داریوش شجاعیان بود.

چهارشنبه

پرویز فتحاح، رئیس کمیته امداد امام خمینی (ره) از لزوم آنالیز فقر در ایران سخن گفت: «درآمد هر تیم به طور متوسط در کشور ۱۴۵ هزار تومان است. مددجویان ما غیر از مددجویان تک نفره، نیازمند ۱۰۰ هزار واحد مسکونی هستند؛ با تحلیل این آمار درمی یابیم که آنالیز فقر ضروری است و دلیل این پدیده مشخص شود و مطمئنا نظام اسلامی می تواند بر فقر غلبه کند. تعامل خوب بین دولت، مجلس و بانک ها در اختصاص ۷۰ هزار میلیارد ریال برای مددجویان این نهاد گامی در جهت کاهش فقر است ولی این به معنای ریشه کنی و برطرف کردن فقر در کشور نیست.» «همچنان اولویت من ساخت فیلم در ایران است و امیدوارم فیلم جدیدم در ایران نیز اکران شود.» اصغر فرهادی که به همراه «پنه لویه کروژ»، «خاویر بارد»، «ریکار دو دارین» و تهیه کننده این فیلم «الکساندر ماله گای» و «آلوارو لونگارو» در نشست خبری فیلم «همه می دانند» در جشنواره کن حضور یافته بود درباره ابعاد مختلف این فیلم صحبت کرد. جدیدترین فیلم سینمایی اصغر فرهادی که در اسپانیا ساخته شده است، در افتتاحیه جشنواره کن فرانسه به نمایش در آمد. آخرین ساخته فرهادی با مشخصات سینمای اروپا ساخته شده و احتمالا امکان نمایش در ایران را نداشته باشد. او درباره ایده ساخت فیلمش به لوموند گفته است: «۱۳ سال پیش سفری به جنوب اسپانیا داشتم. روی دیوارهای شهر جایی که ما ایستاده بودیم، پوسترهایی از یک بچه بود که ناپدید شده بود. این موضوع دخترم «سارینا» را که در آن زمان سنش کم بود، خیلی نگران کرد و ایده ساخت فیلمی در این باره آن موقع شکل گرفت.» سخنگوی ستاد مبارز با مواد مخدر گفت: «در طول سال گذشته حدود ۸۰۰ هزار نفر از افرادی که گرفتار مواد مخدر شده اند به مراکز درمانی مراجعه کرده اند که حدود ۹۰ درصد خدمات ارائه شده توسط بخش خصوصی و ۱۰ درصد دیگر توسط بخش دولتی بوده است. با کمک نهادهای دولتی و مجمع بهبودیافتگان اجتماعی و NGOها توانستیم ۷۴۰۰ نفر از معتادان بهبودیافته را تحت پوشش اشتغال پایدار قرار دهیم.»



جاذبه قرآن

سخنرانی حاج آقای قرائتی در درس خارج فقه مقام معظم رهبری



که بتکاند، یک میوه‌ای گیرش می‌آید؛ وگرنه می‌گویم: «خدا یا چرا مدام به من می‌گوید تدبیر کن! ملاصدرا، فیض کاشانی، امام، بزرگان، تکاندند، میوه‌هایش را بردند، دیگر چیزی برای من نمانده». اینکه خدا به هرکسی می‌گوید تدبیر کن، یعنی هر کس شاخه را تکان بدهد، میوه گیرش می‌آید. اما من چیزی از قرآن می‌فهمند که ما نمی‌فهمیم، این حق است؛ فقیه از آیات الاحکام چیزی در می‌آورد که ما نمی‌فهمیم، این حق است؛ اما معنایش این نیست که تدبیر نکنیم. بنده حدود پنج هزار ساعت در تلویزیون صحبت کرده‌ام، الان هم اگر اینجا بسکته کنم، پنج هزار سخنرانی ذخیره دارم. الان قرآن در بین ما، روی کیف عروس و بالای سر مسافر و یک با الله و استخاره و نمی‌دانم از این برخوردارهای این طوری بوده؛ کاشی کاری‌هایش هم که دم پشت بام کاشی کاری می‌کنند یا خط کوفی است که ما نمی‌فهمیم. یک مقدار باید قرآن بیشتر بخوانیم؛ به خصوص آنهایی که قرائت‌شان خوب است، صوت خوب دارند. قرآن جاذبه دارد آقا، قرآن جاذبه دارد؛ هر چه می‌خواهیم بگوییم، قرآن در آن زمینه جاذبه دارد.»

مقام معظم رهبری پس از سخنرانی آقای قرائتی گفتند: «بیانات جناب آقای قرائتی کاملاً متین و بیجا و پرمغز و برای همه ما لازم بود. آنچه ایشان در اهمیت درس قرآن و تدبیر در قرآن بیان کردند، جزو حرف‌های لازم و ضروری امروز جامعه ماست. این البته یک درد قدیمی است؛ زمان طلبگی ماها-سال‌ها پیش-همین را کم‌وبیش انسان احساس می‌کرد؛ البته آن وقت یک آدم باهمتی مثل آقای قرائتی نداشتیم... خوب، بحمدالله امروز تا حدودی درس‌های قرآن وجود دارد؛ ایشان هم انصافاً با جدیت دنبال این قضیه هستند؛ مثل مساله نماز یا مثل مساله زکات که ایشان دنبال کردند و موفق شدند؛ ان شاء الله در قضیه تفسیر قرآن هم با تلاشی که ایشان دارند، با جدوجهدی که دارند، با ابتکاری که در ایشان هست و با موهبت‌هایی که خدای تعالی به آقای قرائتی داده- که بعضی از اینها جزو مواهب خاص است- موفق باشند.»

کدام یک از این شهدا بیشتر قرآن بلدند؟ من اول می‌خواهم به جنازه او نماز بخوانم؛ این یعنی چه؟ چرا در قیامت به ما می‌گویند براساس قرآن درجه بگیرید، اقرار و ارفع. اصلاً قرآن را باید بکشیم و وسط؛ تاریخ می‌خواهیم بگوییم از قرآن بگوییم، بعد از حدیث‌ها بگوییم، نمی‌خواهیم فقط قرآن هم باشد، قرآن و اهل بیت، از هم جدا نیست. بنده چهل سال است تقریباً در تلویزیون، یک شب جمعه تعطیل نشده، این از الطاف استثنایی خدا بود. والله، بالله، اگر به هر کتابی تکیه می‌کردم سال اول و دوم حرف‌هایم تمام شده بود. صبح نگاه به قرآن می‌کنی یک چیز می‌فهمی، عصر چیز دیگری می‌فهمی. اصلاً اگر حرف تازه نباشد خدا نمی‌گوید تدبیر کن؛ اینکه صاحبخانه به همه میهمان‌ها می‌گوید شاخه را بتکانید، پیدا است هر

چندی پیش حجت الاسلام والمسلمین قرائتی از رهبر انقلاب اسلامی درخواست می‌کند که در یکی از جلسات درس خارج فقه ایشان حضور یابد تا درباره ضرورت توجه به تفسیر قرآن در حوزه‌های علمیه و مهجوریت قرآن در جامعه و کشورمان برای طلاب حاضر در درس معظم‌له سخنرانی کند. این پیشنهاد مورد استقبال رهبر انقلاب قرار می‌گیرد و موجب می‌شود که حجت الاسلام قرائتی در ابتدای جلسه درس خارج فقه حضرت آیت الله خامنه‌ای به سخنرانی بپردازد. حجت الاسلام قرائتی در سخنان خود به جایگاه قرآن در جامعه اسلامی اشاره کردند: «ماه رمضان وقت قرآن است. ماشینی که موتورش هوا گرفته و خاموش شده، در سرازیری هلس می‌دهند؛ سرازیری قرآن، ماه رمضان است. پیغمبر در احد فرمود:

قیاس خنده‌دار

صفارهرندی از آمار مطالعه در ایران نسبت به دوران پهلوی گفت

از کتاب‌ها که در زمینه شمارگان نظیر ندارند مربوط به حوزه دفاع مقدس است.»

صفارهرندی در ادامه به مساله سانسور پرداخت: «ما متهم به دیکتاتوری و سانسور هستیم اما از مدعیان این حرف‌ها باید پرسید چرا کتبی که در زمینه نقد غرب وجود دارد نباید به دست مردم برسد تا جایی که باید عده‌ای خودشان آستین بالا بزنند و آن آثار را به دست مردم برسانند. به نظرم مدعیان روشنفکری اجازه دهند غرب آن طور که هست به داخل معرفی شود و آن طور که غرب خودش را معرفی می‌کند مردم با آن آشنا شوند و روشنفکران آن را سانسور نکنند. در روزگار ما شمارگان کتاب‌ها رو به کاهش است و این یک غصه است که برای برطرف کردن آن باید فکری کرد که بخشی از آن در اختیار دولت و بخشی دیگر در اختیار نهادهای فعال در حوزه کتاب است. چرا در خطبه‌های نماز جمعه، خطیب جمعه مروج یک کتاب نیست و لازم است تا این موضوع مورد توجه ویژه قرار گیرد.»

حوزه کتاب امروز در آخرین آماري که منتشر شده میزان نشر کتاب به بیش از ۱۰۰ هزار عنوان کتاب رسیده اما در سال‌های پهلوی این میزان در حد یک هزار عنوان کتاب بوده است و از این رو این مقایسه‌ها خنده‌دار است. تعداد عنوان کتاب ثبت شده در کتابخانه ملی از ۱۳۱۶ تا ۱۳۵۷ در کل ۱۱ هزار عنوان با میانگین سالانه ۲۷۵ عنوان کتاب بود که این آمار بعد از انقلاب از ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۶ به میانگین سالانه ۳۲۰۴۹ عنوان کتاب و در کل ۱۲۸۱۹۹۶ عنوان کتاب رسیده است. حتی در سرانه مطالعه هم رتبه ما امروز در میان ۲۰ کشور اول دنیاست هرچند رقم قابل قبولی نیست. این میزان از ۱۲ تا ۱۳ دقیقه به ۲۰ دقیقه رسیده است.»

او با اشاره به برنامه‌هایی که از سوی نهادهای مختلف برای ترویج کتابخوانی برگزار می‌شود، گفت: «یکی از اقداماتی که برای همگانی کردن رجوع به کتاب صورت گرفت که حتی تشکل‌های غیردولتی هم در آن سهم داشتند و به لطف خدا بود اینکه شاهد انتشار گسترده برخی کتب در طرح‌های تشویقی بودیم. بخشی

سومین برنامه جنبش مردمی پاسداشت چهل سال انقلاب کبیر اسلامی با عنوان شننه‌های انقلاب، با موضوع دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه نشر و کتاب در محل سی و یکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برگزار شد.

در این نشست دکتر محمدحسین صفارهرندی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، دکتر شهریار زرشناس پژوهشگر و عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دکتر مجتبی رحمان دوست نویسنده، دکتر الیهیاری معاون توسعه کتابخانه‌ها و کتابخوانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، خانم مریم جدلی دبیر انجمن ناشران زن مسلمان و آقای میثم نیلی حضور داشتند. محمدحسین صفارهرندی وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در این نشست آمارهای قابل اعتنایی را در مورد کتاب و کتابخوانی و قیاس آنها در قبل و پس از انقلاب ارائه کرد: «مقایسه میان جمهوری اسلامی با دوران پهلوی مقایسه ناچونم‌راندانه‌ای است؛ زیرا در

نسبت با واقعیت جامعه

وجید جلیلی در اکران مستند زمستان یورت



کنند، همه سر و صدای فراوانی روی این موضوع می کنند ولی اگر ۴۰ کارگر با این غربت در آن معدن دفن شوند شاید یک دهم آن مورد توجه نخبگان و فضای عمومی قرار نگیرد. دیدید که در مستند زمستان یورت خبرنگار گفت: «تقصیر خود من بود، زیرا خبرهای دیگر برای من جذاب تر بود.» زمانی که نظام ارزشی و منظومه فکری ما مقداری دستکاری می شود زندگی آن سلبیتی از حقوق کارگران برای ما ارزشمندتر می شود. اگر همه در میدان حاضر باشیم آن وقت است که اجزای دیگر پازل هم مجبور می شوند درست کار کنند. ما یاد گرفته ایم برای فرار از میدان و برای توجیه کم کاری و بی مسئولیتی های خودمان چگونه این تنبلی ها را تئوریزه کنیم.»

برخی ها جوری قصه را طرح می کنند که انگار انقلاب آمده که نظامی تشکیل بدهد که همه مسئولیت را روی دوش مسئولان بگذارد و مردم را بازنشسته کند، این مردم شامل توده ها و نخبگان می شوند. آنهایی که در مصادر امور رسمی نیستند، بازنشسته اند و انگار هیچ مسئولیتی متوجه آنها نیست. نکته ظریفی که باید به آن توجه کرد این است که آن کارگران معدن یورت خودشان راه می افتند که بروند و حق خود را بگیرند. حتما هر انسانی حق دارد وقتی حقت ضایع می شود برای احقاق حق خودش تلاش کند. اما این چیزی نیست که ما در اسلام به آن اقامه قسط می گوئیم. خداوند در قرآن می فرماید اگر پیامبران را فرستادیم و قرآن، این کتاب آسمانی را نازل کردیم هدف مان ایجاد یک خیزش فراگیر برای اقامه قسط در اجتماعات بشریت است. خداوند قسط را این گونه تعریف کرده که قسط، دفاع از حق دیگران است. «مدیر دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در ادامه موضوع جالب توجهی را در ارتباط با نسبت رسانه ها با جامعه مطرح کرد: «مشکل عمده ما این است که فضای رسانه ای، نسبت خود را تا حد زیادی با واقعیت جامعه از دست داده است. قصه حقوق کارگران که یک نمونه آن ماجرای کارگران معدن یورت است، چقدر در سطح جامعه ضریب می گیرد؟ اگر دو خانم روسری های خود را سر چوب

به مناسبت روز کارگر، مستند «زمستان یورت» به کارگردانی میلاد میرزایاقری در دانشکده معدن دانشگاه تهران اکران شد. پس از اکران این مستند، وحید جلیلی سخنرانی کرد. جلیلی با اشاره به خطبه سوم نهج البلاغه گفت: «امیرالمومنین می فرماید که خداوند از عالمان و نخبگان پیمان گرفته است که در حوزه تخصصی خودشان غرق نشوند و نسبت به پر خوری ظالم و کم خوری مظلوم حساس باشند. یعنی بیقرار عدم توازن هایی باشند که در جامعه می بینند. یکی از مشکلات عمده و نواقصی که داریم این است که در فضای نخبگانی، رصد و پایش جدی نسبت به فضاهای اجتماعی انجام نمی شود. اگر فضاهای نخبگانی حساس تر باشند و مسئولیت شناسی خود را در حوادث مختلف نشان بدهند، حتما گام بلندی به سوی آینده بهتر بر خواهیم داشت. اگر چه معمول است در حوادثی چون «معدن یورت» یقه مسئولان را بگیریم و به آنها اعتراض کنیم، اما از زاویه دیگر به نظر می رسد که امروز با یک جریان جدی برای تئوریزه کردن بی مسئولیتی مواجه هستیم. حتما و حتما انقلاب اسلامی اتفاق افتاده که حکومت، دولتمردان و مدیران را در رده های گوناگون از صدر تا ذیل مسئول کند تا به مسئولیت های قانونی، شرعی و انقلابی خود عمل کنند و پاسخگو باشند. اما یک نکته ظریفی اینجا وجود دارد.

آخرین قطرات باران عشق

ناصر چشم آذر درگذشت

به ایران حوزه فعالیت هایش را به ساخت موسیقی فیلم متمرکز کرد و چندین و چند موسیقی ماندگار برای فیلم های سینمایی آفرید. «تاراج»، «هامون»، «قصه های مجید»، «می خواهم زنده بمانم»، «سارای»، «دختران انتظار»، «قارچ سمی» و «خواهران غریب» از جمله مهم ترین آثار سینمایی است که او برای آنها موسیقی ساخت؛ اتفاقی که در نهایت منجر شد تا او در دو دوره دوازدهم و بیستم جشنواره فیلم فجر موفق به کسب سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن این جشنواره شود، البته او دو بار هم برای فیلم های «هامون» و «خواهران غریب» کاندیدای دریافت این جایزه شد. چشم آذر اوایل دهه ۷۰ یکی از مهم ترین آثار زندگی اش یعنی «باران عشق» را ساخت. اثری که تقریباً برای همه ایرانیان آشناست. این آلبوم با تم ملایم و رمانتیک در ۸ قطعه تنظیم شده و ساختار آن پیوسته است؛ آلبومی که شاید موفق ترین اثر این آهنگساز باشد.

ناصر چشم آذر بر اثر سکته قلبی چشم از جهان فرو بست. چشم آذر آموزش موسیقی را از دوران نوجوانی و با حمایت پدرش که از فعالان عرصه موسیقی بود، آغاز کرد. او تنها زمانی که ۱۲ سال داشت وارد ارکستر موسیقی آذربایجان شد و در ۱۷ سالگی هم به رهبری ارکستر رسید. اجرای او و ارکسترش در سفارت ایران در عراق، آغاز فعالیت های جدی او در حوزه موسیقی بود؛ او اما به رغم استعداد ذاتی، آموزش آکادمیک موسیقی را رها نکرد و طی دو دوره سفر به آمریکا در حوزه موسیقی جاز و الکترونیک به تحصیل پرداخت.

این هنرمند با سابقه موسیقی کشور در سال ۶۳ به ایران بازگشت و در ادامه فعالیت های هنری خود در ایران پیگیر ایده ورود و رواج سازهای الکترونیکی در کشور شد که نتیجه آن تلفیقی درخشان و هنرمندانه از این سازها با موسیقی ایرانی و ارائه تصویری متمایز از او به علاقه مندان هنر موسیقی شد. چشم آذر پس از بازگشت

فرگی تایم

همه چیز در عرض چند ثانیه رخ داد؛ فرگی به یک باره وضعیت وخیمی پیدا کرد و خیلی سریع آمبولانسی در خانه اش در «چیدل» حاضر شد. اسطوره بی چون و چرای منچستر یونایتد به سرعت به بیمارستان کوچک مکسفیلدر حوالی همان خانه برده شد. با این حال شدت عارضه ای که گریبان سر الکس بزرگ را گرفته بود وخیم تر از چیزی بود که تصور می شد. فرگوسن خون ریزی مغزی کرده بود. در آن بیمارستان کوچک نمی شد کار زیادی برای بزرگ ترین مربی سه دهه اخیر کرد. او با اسکورت ویژه نیروی پلیس راهی بیمارستان مجزه «سلفورد رویال» منچستر شد و پزشکان هم خیلی سریع دست به کار شدند؛ «فرگی» نیاز داشت خیلی سریع و اورژانسی عمل جراحی شود. خبرهای اولیه ای که درباره وضعیت سلامتی این مرد ۷۶ ساله به گوش می رسید چندان خوشایند نبود. این تب و تاب چند ساعته ادامه داشت تا اینکه باشگاه منچستر یونایتد با صدور بیانیه ای، به صورت موقت، علاقه مندان به فرگی را از ناراحتی رها کرد: «سر الکس فرگوسن به دلیل خون ریزی مغزی به صورت اورژانسی جراحی شد.»



علیه ابرهه

درباره فیلم شاه انیمیشن موفق ایرانی

یک انیمیشن تاریخی و مذهبی دیگر با محوریت داستان مشهور دینی و اسلامی حمله فیلم های ابرهه به شهر مکه. هادی محمدیان، کارگردان خوش فکر این انیمیشن قوی و جذاب سینمایی در سینمای ایران، داستان ابرهه افزون بر توجه به تصویرسازی های سینمایی از داستان سازی و قصه پردازی های اصولی و جذاب و پردازش مناسب کاراکترهای فیلم غافل نبوده و توانسته با خلق داستانی خوب که حادثه ابرهه در مرکزیت آن قرار دارد، مخاطبان کوچک و بزرگ خود را سرگرم و راضی کند. در واقع انیمیشن تاریخی-مذهبی و کودکانه «فیلم شاه» می تواند مخاطبانی از همه طیف های سنی داشته باشد. کم کم انیمیشن دارد در ایران به یک هنر قابل اعتنا تبدیل می شود و جای خودش را باز می کند و این یک اتفاق بسیار مهم است، کودکان ما با هجوم انیمیشن های روبه رو هستند که سبک زندگی موجود در آنها با سبک زندگی خانوادگی آنها بسیار تفاوت دارد، انیمیشن هایی که هر کدام و در هر سویی که باشند، می تواند شکاف ذهنی عجیبی را ایجاد کند. برخی از انیمیشن های غربی به ابرقهرمان هایی اختصاص دارد که گاهی مصداق بارز ترویج خشونت هستند و برخی دیگر هم با وجود آنکه در آنها پیام شاید درستی نهفته است، راهی که این پیام را منتقل می کنند، راهی نیست که با فرهنگ بومی ما همخوانی داشته باشد، اینجاست که انیمیشنی مثل «فیلم شاه» یا قبل از آن «شاهزاده رم» می تواند راهگشا باشد؛ انیمیشن هایی که با حفظ کیفیت و جنبه های سرگرمی یک کار انیمیشن، ریشه های خود را از روایت قرآنی و خط داستانی خود منطبق بر فرهنگ اسلامی گذاشته باشد. انیمیشن فیلم شاه دوم از تیم

هنر پویاست؛ تیمی که انیمیشن موفق و پرفروش شاهزاده رم را در کارنامه خود به ثبت رسانیده است، این انیمیشن داستان مرسوم می دارد؛ داستانی که به تحول مرتبط است. «شادفیل» مانند بسیاری از کاراکترهای مشابه در انیمیشن های هالیوودی این ژانر، پسر دست و پا چلفتی و خرابکار رئیس قبیله است که برای تصاحب جایگاه پدر راه درازی را باید بیاماید. او در رقابت با همتایان خود در همه زمینه ها عقب تر است جز اینکه قلب رئوف و مهربانی دارد. شادفیل در سفری سخت درگیر حوادثی می شود که شخصیت او را دست خوش تغییر می کند و در نهایت به نقطه ای می رسد که باید انتخابی سرنوشت ساز انجام دهد. او اسیر پادشاهی است که با تشکیل سپاهی از سربازان به همراهی قیل ها قصد حمله به سرزمین صبا و گرفتن کعبه به عنوان بزرگترین و زیباترین عبادتگاه را می کند که در نیمه راه زمانی که «شادفیل» از نقشه حاکم برای نابودی شهر آگاه می شود، از ادامه مسیر سر باز می زند و از سرزمین صبا فاصله می گیرد و درست زمانی که سپاه پیاده به سمت سرزمین صبا می رفتند، پرستوهایی با در اختیار داشتن سنگ هایی به آنها حمله و هلاکشان می کنند. داستان «فیلم شاه» از زمان تولد «شادفیل» آغاز شده و تا ماجراهای ریز و درشت زندگی آن و دیگر فیلم ها و قصه ابرهه با موفقیت به پیش می رود از همین نظر تماشاگر به خوبی با کاراکترهای «فیلم شاه» همراه می شود و مجذوبانه تا انتهای فیلم آن را دنبال می کند. دیالوگ های خوب، دوبله نسبتا حرفه ای و تنوع پلان های تماشایی، صحنه سازی های چشم نواز، ماجراهای فرعی جالب و کارگردانی متفکرانه از «فیلم شاه» یک اثر دیدنی ساخته است.

نگاه کارگردان



ما از لحاظ ساخت انیمیشن از بسیاری از کشورهای جهان جلوتر هستیم. این پیشرفت علاوه بر مباحث تکنیکی از لحاظ قیمتی نیز قابل طرح است. ما یکی از کشورهای ارزان در زمینه ساخت انیمیشن هستیم. انیمیشن ایران در حال حاضر یکی از بهترین های دنیاست.

هر مقدار کودکان ما از انیمیشن های خارجی لذت ببرند، باز هم لازم است آثار ایرانی را ببینند و با موضوعات بومی کشورشان آشنا شوند زیرا دیالوگ انیمیشن های خارجی کاملا متفاوت است و نمی توان با آن دیالوگ ها ارتباط برقرار کرد.

کودکان و نوجوانان، مخاطبان سختگیرتری نسبت به مخاطبان آثار رنال بوده و بسیار بی رحم هستند و با کسی تعارف ندارند، به همین دلیل فیلمسازان باید بتوانند آنها را ۹۰ دقیقه به طور کامل روی صندلی میخکوب کنند چون در غیر این صورت آنها از روند کلی فیلم خارج می شوند و دیگر بازگرداندن آنها به فیلم کار سختی است، بنابراین اگر این موضوع تامین شود بزرگ ترها هم از آن لذت می برند. بر همین اساس تمام تلاشمان را کردیم تا این اتفاق برای این رنج سنی رخ دهد.

«فیلم شاه» ما حاصل تلاش شبانه روزی ۲۶۰ نفر است که هم در بخش فنی و هم در بخش هنری از بهترین انیمیشن سازان ایران هستند. باید به صراحت بگویم که کسی نبوده به لحاظ کیفیت کارش در درجه بالا باشد و ما از او دعوت به کار نکرده باشیم.

ما تیمی داریم که بازار را رصد می کنند و به ما می گویند که در این برهه چنین سوره های مناسب است. ما قصه ای را که می کنیم که نیاز جامعه است و محتوا برایمان دارای اهمیت است. سعی می کنیم که عمق این شخصیت ها در زندگی بچه ها تاثیر بگذارد. این روند تازه شروع شده و در کارهای بعدی این موضوع ها را گسترش خواهیم داد.



بازتابها

حامد جعفری، تهیه کننده: «فیلم شاه» را می توان پدیده اکران نوروزی امسال دانست؛ انیمیشنی که به دلیل مشغله های خانواده ها و کودکان در روزهای پایانی سال با فروش کمی شروع کرد اما به مرور از انتهای جدول اکران نوروزی خود را به رتبه های بالا رساند و حتی در گیشه فروش هفته جاری، بالاتر از ۵ فیلم دیگر نوروزی در جایگاه سوم ایستاد. اینکه یک فیلم کودک انیمیشن توانست با آثاری که پیش بینی می شد گیشه موفقتری در نوروز داشته باشند، به خوبی رقابت کند و سینما رفتن در نوروز را به فرصتی تازه برای فراغت جمعی کودکان و خانواده ها تبدیل کند، اتفاق مبارک و تجربه خوبی برای سینمای ایران و گروه «هنر پویا» بود.

سعید شیخ زاده، سرپرست گویندگان: کار دوبله انیمیشن ایرانی چندین برابر یک کار خارجی سخت تر است و حساسیت بیشتری دارد، حتی نوع اجرای گوینده ها مسلما خیلی قوی تر از دوبله کارهای خارجی است. اگر در هر کاری از بهترین و مناسب ترین صداها استفاده شود، نتیجه خوبی به دست خواهد آمد.

ستار اورکی آهنگساز: بیش از ۹۰ درصد این انیمیشن دارای موسیقی است که با توجه به مخاطبان کودک و نوجوان نوشته و اجرا شده است. برای من خیلی مهم بود که موسیقی «فیلم شاه» رنگ و بوی موسیقی شرقی داشته و در عین حال جهان شمول هم باشد و مردم در اقصی نقاط جهان بتوانند این موسیقی را درک کنند.

حلالمان کنید

واکنش ابراهیم حاتمی کیا به تبلیغ عجیب فیلمش

یک واقعیت محض است، فیلمی که توانسته مخاطبان بی شماری را به سالن سینما بکشاند، نیاز ندارد که این گونه به شیوه دوربین مخفی های نه چندان دارای ارزش هنری به جلب مخاطب بپردازد. هر چند هستند کسانی که بر درستی این کار تاکید دارند، یکی از آنها علی سرتیپی است. مدیر پردیس کورش در گفت و گو با یکی از خبرنگارهای اشاره به طبیعی بودن این نوع نمایش ها در سراسر جهان گفت: «در زمینه ایجاد وحشت بین مردم نیز باید بگویم معمولا در دنیا دوربین مخفی های ترسناک اجرا می شود که باعث ترس و شوکه شدن مردم می شود ولی در نهایت بدون هیچ مشکلی از سوی مخاطب مورد استقبال قرار می گیرد. حضور بازیگران با چهره های داعشی در پردیس سینمایی کورش یک برنامه تبلیغاتی بود تا بتواند فیلم «به وقت شام» را دوباره بر سر زبان ها بیاورد و جالب است بدانید این اثر سینمایی آن شب نسبت به شب های دیگر بیش از دو برابر فروش داشت.» هر چند مدیر کورش نمی گوید در شی که کارگردان در مجموعه حاضر است و عوامل آمده اند به طور طبیعی فروش بیشتری می شد. با این حال گفته می شود تیم تبلیغاتی «به وقت شام» از نمونه محیطی سریال پر طرفدار «گیم آف ترونز» بهره برده اند.

این فیلم معروف شده است، بهانه ای بود تا بار دیگر اکران مردمی این فیلم با حضور عوامل فیلم در پردیس کورش برگزار شود. به نظر می رسد گروه تبلیغاتی «به وقت شام» به مناسبت حضور بازیگر «چطور می ایرانی» ایده ای جدید را در پردیس کورش عملیاتی کنند. این ایده به حضور میدانی افرادی با لباس داعش در پردیس بازمی گشت. عده ای با لباس داعشی، سوار بر اسب و تفنگ به دست، وارد پردیس کورش می شوند، به غذاهای رستوران ها دستبرد می زنند و مقابل مردم فریاد می کشند. برخی از مردم در حال فیلمبرداری و لیخنندند و برخی از زنان و کودکان نیز ترسیده اند، شاید ایده این بود که داعش می توانست به تهران برسد اما این ماجرا منتقدان فراوانی داشت اما شاید در میان آن همه اعتراض جمله خود حاتمی کیا از همه معتبرتر بود، حاتمی کیا چنین نمایشی را در «شان» کار فاختری همچون به وقت شام نمی دانست. از یک نگاه این

«بچه های گروه تبلیغاتی فیلم به وقت شام، من شاهد زحمات مومنانه و شبانه روزی شما در این چند ماه بودم ولی این نمایش کورش در شان به وقت شام نبود. خستگی دو ماه سفر به شهرهای ایران بر تم ماند. من تصورم آن بود که قرار است کسی به شکل ریش قرمز در فضای بیرونی کورش بایستد و مردم با او عکس ببندازند. نه اسبی و نه جمعی و نه فریادی، آن هم داخل مجتمع در مخیله ام نبود و من بی خبر بودم. عزیزان آزاده خاطر در مجتمع کورش، اعم از مردم و کسبه محترم، اگر دلی لرزید، اگر وحشتی ایجاد شد، بر ما ببخشید و حلال مان کنید.» این واکنش ابراهیم حاتمی کیا به اتفاقی بود که برخی ها را ترساند، برخی ها را عصبانی کرد و واکنش فراوانی در فضای مجازی داشت. ماجرا از این قرار بود که رونمایی از آلبوم موسیقی «به وقت شام» و حضور «جوزف سلامه» بازیگر لبنانی این فیلم که دیالوگ «چطور می ایرانی» از او بین مخاطبان



خودمان را از دست بدهیم و این دوراهی که به وجود می آید کار مشکلی است. برای هویت ایران احترام قائلم زیرا این کشور هویت خودش را حفظ کرده است و تداوم فرهنگ در این کشور دیده می شود. در هر جای دنیا که با ایرانی ها مواجه می شوید در انتهای صحبت هایشان دو بیت شعر می خوانند. کاش ما نیز حداقل می توانستیم این دو بیت شعر را بخوانیم. از نظر من تداوم فرهنگ و احترام قائل شدن برای فرهنگ قدیم به هیچ وجه با مدرنیسم در تضاد نیست. تهران از جهتی شبیه استانبول است و من معماری قدیم آن را دوست دارم. اما متأسفانه نه در ترکیه و نه در ایران نتوانستند معماری قدیم را با معماری جدید تطبیق دهند و من از این اتفاق ناراحتیم.» پاموک در خصوص اینکه گرفتن نوبل چه اندازه موجب دشوار نوشتن آثار بعدی و حساسیتش روی نوشتن شدنش گفت: «من بعد از نوبل گرفتن کار نوشتن برایم سخت نشد، مشغول نوشتن موزه معصومیت بودم که به من اطلاع دادند که نوبل گرفتم. بعد از خبر دریافت نوبل نیز جمله بعدی را نوشتم. بعد از جایزه نوبل به ۵۰ کشور رفتم، همه دوست داشتند درباره نوبل سخن منفی بگویم اما به نظر من نوبل خیلی خوب است، توصیه می کنم آن را بگیرند چون برای سلامتی خیلی خوب است!»

نوبلیست در تهران

اورهان پاموک، نویسنده ترکیه ای، ایران را خانه خود خواند

است. زمانی که به ایران می آیم، گویی به استانبول آمده ام. ایران برای من جایگاه متفاوتی از سایر کشورها دارد. برخی دوستان ایرانی من رمان «نام من سرخ» را بیش از اینکه رمانی ترک بدانند یک رمان ایرانی می دانند، حق هم دارند چرا که در آن رمان درباره مینیاتورها و هنرهای ایرانی بسیار نوشته شده است. این موجب خوشحالی من است که آثارم در ایران نیز خوانندگان بسیاری دارد؛ هر بار که به ایران می آیم این شادی مضاعف در من ایجاد می شود.»

پاموک در بخش دیگری از صحبت هایش درباره علاقه مندی به کشور ایران گفت: «علاقه من جنبه کتابی دارد و آثاری که از ایران خوانده ام دلیل اول این اتفاق است. دلیل دیگر نیز پذیرفتن فرهنگ ایران است؛ زیرا تاثیر پذیرفتن فرهنگ از غرب چیز بدی نیست فقط نباید موقعیت

اورهان پاموک نویسنده اهل ترکیه و برنده جایزه نوبل ادبیات است. اکثر آثار او در ایران به فارسی ترجمه شده است. «قلعه سفید»، «زندگی نو»، «نام من سرخ»، «کتاب سیاه» و «استانبول؛ خاطرات و شهر» از جمله آثار وی هستند. عمده مفاهیم آثار پاموک تاریخ و تقابل شرق و غرب و خاطرات خود پاموک هستند. پاموک در هفته ای که گذشت به تهران آمد. این نویسنده اهل کشور ترکیه در بخشی از سفر خود در یک نشست خبری از علایق خود به کشور ایران گفت: «تاریخ و فرهنگ ایران و ترکیه در آمیخته است. کتاب هایم به ۶۰ زبان دنیا ترجمه شده است اما وقتی به ایران می آیم انگار وطن خودم است. در تهران بودن برای من لذت بخش است و این دومین بار است که به ایران آمده ام. کتاب هایم نیز از ۲۵ سال پیش به فارسی ترجمه شده

اردوگاه اطفال

روایت ۴۰۰ اسیر نوجوان در زندان عراق

مقاومت



که یک انسان کامل است. «اردوگاه اطفال» مانند دیگر آثار نوشته شده در این حوزه، پر از احساس است و همین احساس، خاطرات را به همدیگر متصل می‌کند. متاسفم که تا به حال حتی یک ورق از نوع رفتار خودمان با اسرای عراقی ثبت نکرده‌ایم. نگفته‌ایم چرا از ۲۰ هزار اسیر عراقی در کشور ما ۱۲ هزار نفر دیگر به عراق برنگشتند و در ایران به زندگی ادامه دادند.»

شکنجه‌های رژیم بعث عراق طاقت نیاورده و به کشور خود پشت کردند و گاه در عراق ماندگار شدند در این کتاب به اختصار یا اسم جعلی بیان شده است.»
مرتضی سرهنگی در مراسم رونمایی از این کتاب گفت: «اردوگاه اطفال چهارمین اثر یوسف زاده درباره هشت سال اسارت خود در جنگ تحمیلی است، کوشش او برای ثبت خاطراتش از جنگ شایسته تقدیر است. در جنگ‌های دفاعی همه سرباز هستند و همه به نوعی با جنگ مواجه می‌شوند، از این رو دیگر کسی جوان و پیر یا زن و مرد نیست، مردم ناگهان همه سرباز می‌شوند تا دفاع کنند. در هشت سال دفاع مقدس دشمن تلاش زیادی کرد تا جلوی این روند گرفته شود. تبلیغات زیادی کردند که بگویند ایرانی‌ها اطفال و نوجوان‌هایشان را به جنگ می‌فرستند، اما موج انسانی ایرانی‌ها در جنگ کاری کرد که مردم تصویری تازه از خود به دنیا نشان دهند. اسیر و رزمنده ۱۷ ساله نمادی از دنیای اراده و عشق است که به صحنه نبرد آمده است. رزمنده ۱۷ ساله نه یک نوجوان

بخش دوم کتاب «آن بیست و سه نفر» در نمایشگاه کتاب تهران رونمایی شد. این کتاب با عنوان «اردوگاه اطفال» ادامه اتفاقات دوران اسارت ۴۰۰ اسیر نوجوان ایرانی را روایت می‌کند که در زندان القفسین اتفاق افتاده است. این کتاب روایتگر دو سال از خاطرات اسارت ۸ ساله احمد یوسف زاده نویسنده کتاب است که در کتاب «آن بیست و سه نفر» تنها ۸ ماه از آن روایت شده است.
یوسف زاده درباره این کتاب می‌گوید: «این کتاب دقیقاً در نقطه‌ای آغاز می‌شود که کتاب «آن بیست و سه نفر» به پایان رسید و روایتگر سال‌های ۶۲ و ۶۳ در اردوگاه بین القفسین است که بعدها به دلیل جمع‌آوری حدود ۴۰۰ نوجوان در آن با عنوان اردوگاه اطفال معروف شد. در ابتدای این کتاب ما ۲۳ نفر را از استخبارات بغداد به همراه تعداد زیادی از اسرای نوجوان ۱۷ تا ۱۹ سال به اردوگاه اطفال منتقل کردند. در این کتاب به تقابل اسرای جوان با اسرای جاسوس و خائنی که به دلایل مختلف با رژیم بعث همکاری می‌کردند پرداخته‌ام. البته نام اسرایی که زیر بار

بین‌الملل

هزارتوی سعودی

نسخه‌ای برای شاهزاده آمریکایی



انتشارات اسم، کتاب «هزارتوی سعودی» نوشته کارن الیوت هاوس را با ترجمه نگار باغبانی و ابراهیم موسوی منتشر کرده است. نویسنده این کتاب، کارن الیوت هاوس، سردبیر سابق وال استریت ژورنال و برنده جایزه پولیتزر است که نزدیک به ۳۵ سال، عربستان سعودی را موضوع پژوهش‌های خود قرار داده و بارهای بسیار به آن سرزمین سفر کرده است. هاوس برای تألیف این کتاب، علاوه بر سفرهای متعددی که به این کشور، با بسیاری از شاهزادگان، روحانیان، تجار و حتی زنان عربستانی مصاحبه کرده و روزهای بسیاری را در کنار خانواده‌های متفاوت سعودی زیسته است. او تلاش کرده است تا در کتاب خود به لایه‌های زیرین مردم، دین، حکومت، خاندان سلطنتی و گذشته و پیش‌بینی در مورد آینده عربستان سعودی بپردازد.

این کتاب در سال ۲۰۱۲، یعنی اواخر سلطنت ملک عبدالله نوشته شده است و به بحران‌های موجود در جامعه سعودی اشاره دارد؛ بحران‌هایی که تا همین اواخر و حتی تا هم‌اکنون نیز ادامه دارد. اما هاوس برای هر کدام از این بحران‌ها راهکارها و پیشنهادهایی را مطرح می‌کند و اتفاقاً بسیار جالب است که می‌بینیم امروزه در دوران ولایت عهدی محمد بن سلمان، همان‌ها النعل بالنعل عمل می‌شود. این در حالی است که به اعتراف خود نویسنده، عادل الجبیر، شاهزاده و سفیر وقت عربستان در ایالات متحده از مشوقان و حامیان سفرها و پژوهش‌های او به این کشور و تألیف این کتاب بوده است.

هنری کسینجر، خواندن این کتاب را به همه کسانی که به دنبال دیدگاه تازه‌ای نسبت به یکی از مهم‌ترین جوامع جهانند، توصیه کرده و برژنیسکی آن را کتابی خواننده که رهبران آینده سعودی باید آن را به دقت بخوانند.

اندیشه

اندیشه پیشرفت

روایتی تاریخی از تحول معنای توسعه



کتاب «تاملی بر اندیشه پیشرفت؛ تاریخ ساخت معنای توسعه در غرب» جدیدترین تألیف عبدالرسول دیوسالار است. این کتاب در حیطه مطالعات توسعه قرار دارد، با این وجود که در نوع خود کتابی متفاوت از دیگر آثار موجود است زیرا به یکی از جدی‌ترین نقاط ضعف تاریخی مطالعات ایرانی توسعه یعنی مسأله معنای توسعه می‌پردازد.

تبیین رابطه تاریخی میان مفاهیم پیشرفت (Progress) و توسعه (Development) با هدف بیان روایتی تاریخی از تحول معنای توسعه موضوع اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد. دغدغه اصلی نویسنده در این اثر، عمیق کردن فهم ایرانی از توسعه با ارجاع به تاریخ ساخت معنای توسعه است. نویسنده معتقد است که اندیشه پیشرفت که تبار تاریخی نظریات و الگوهای امروزین توسعه هستند در ایران کمتر مورد بررسی و توجه قرار گرفته‌اند. عبدالرسول دیوسالار معتقد است که بررسی رابطه توسعه و پیشرفت و رقابت‌های میان این مفاهیم می‌تواند ما را در فهم دقیق‌تر و درست‌تر معنای توسعه یاری دهد. به نظر می‌رسد چنین مطالعاتی اهمیت فراوانی برای بهبود فهم امروزین ما از معنای توسعه دارد.

پژوهشی اینچنینی با تمرکز بر تاریخ ایده پیشرفت و معانی مستتر در آن در ایران چندان مسبوق به سابقه نیست و غیر از ترجمه چند اثر از سیدنی پولارد و ارنست کاسیرر در سال‌های دور، اثر شاخص دیگری دیده نمی‌شود. از این منظر کتاب «تاملی بر اندیشه پیشرفت» اثر جدی و پراهمیتی برای آشنایی بهتر پژوهشگران ایرانی توسعه با معنای پیشرفت و تبارهای تاریخی معنای توسعه است.



فرانسه **فرانس فوتبال**

ونگر ۲۲ سال هدایت آرسنال را برعهده داشت و موفقیت‌های بسیاری با این تیم کسب کرد. با این حال در سال‌های اخیر هواداران از عملکرد او ناراضی بودند. در نهایت او تصمیم گرفت در پایان این فصل جمع توپچی‌ها را ترک کند، مجله معتبر فرانس فوتبال جلد خود را به این ماجرا اختصاص داده است.



ویک **آمریکا**

هفته‌نامه ویک از برنامه دموکرات‌ها برای انتخابات آینده پرده برداشته است. این مجله که سناتور برنی سندرز را به عنوان رقیب دموکرات دونالد ترامپ روی جلد برده، عبارت «کار برای همه» را به عنوان تیتر اصلی خود انتخاب کرده است. آنها در زیر تیتر این عنوان هم از یک تضمین پرداخت به هر آمریکایی گفته‌اند.



نیوزویک **آمریکا**

هفته‌نامه آمریکایی نیوزویک روی جلد خود عکسی از مگان مرکل، آخرین عروس خاندان سلطنتی انگلستان را روی جلد برده است، برای این هفته‌نامه این سوال مطرح است که آیا مگان که دختری دورگه است و از خانواده اشراف نیست می‌تواند به قرن نژادپرستی و طبقه‌بندی‌های متداول در کاخ سلطنتی انگلستان پایان دهد؟



تایم **آمریکا**

هفته‌نامه تایم به بحرانی اشاره دارد که FBI با آن دست و پنجه نرم می‌کند؛ بحرانی حاد و طولانی که از قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شروع شد و با دزگیری کومی، رئیس سابق آن با دونالد ترامپ ادامه پیدا کرد. دخالت در انتخابات و تیراندازی‌های گسترده همه و همه باعث می‌شود که بحران در این سازمان جدی باشد.



لیبراسیون **فرانسه**

روزنامه لیبراسیون با این جلد به استقبال یک سال ریاست جمهوری ماکرون رفت. این روزنامه در این تیتر اصلی خود این عبارت را انتخاب کرد: «جناح راست بالاخره صاحب رئیس جمهور شد» و در زیر تیتر اصلی نوشت: «ماکرون که به عنوان یک میانه‌رو انتخاب شد، حالا سیاست‌هایی را پیگیری می‌کند که جناح راست مدت‌ها روپایش را داشت...»

گران قدر به مردم ایران تقدیم شده است، قطعا در آینده ایران اسلامی و تبیین ارزش های دوران دفاع مقدس نقش ایفا خواهد کرد. تلاش عالم و ادیب خانم دوستکامی و تحریر خاطرات زیبایی اسارت همه و همه جای تقدیر دارد. در شرایطی که ما در ایران سخت نگران اسرای خود بودیم، نمایش فیلم مربوط به برخورد آقای طحانیان با خبرنگار هندی روحیه ای مجدد و قوت قلبی فراوان به ما تزریق کرد.»

سرمايه انقلاب

در ادامه این مراسم غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به اینکه همه هم سن و سال های بنده تاثیر بخش مصاحبه ای که از طحانیان در زندان و اسارتگاه ها بخش شد را از یادمان نبرده ایم، گفت: «شاید خیلی از شما که در آن زمان اسیر بودید، نتوانید احساس ما را درک کنید. هیچ کس نمی دانست در آن بازداشتگاه ها چه می گذرد. یک دفعه فیلمی پخش شد که هم روی اصل مساله جنگ و هم روی احکام اسلامی موضع گیری شجاعانه ای کرد. ما ملتی هستیم که نوجوان ۱۶ ساله مان در برابر فشار دژخیمان این اندازه صراحت و شجاعت دارد که حرف خود را می زند. من از این خوشحال شدم که آقای طحانیان موفق شدند خاطرات خود را بازگو کنند. خیلی خوشحال شدم این خاطرات به قلم نویسنده توانایی مثل خانم فاطمه دوستکامی نوشته و یک مجموعه به مجموعه به خاطرات دفاع مقدس افزوده شد. ما از جنگ و جبهه جدا نبودیم، اگرچه مانند شما آزادگان لیاقت نداشتیم در جبهه شرکت کنیم، ولی برای ما هم یک درس است و باید ما را بیدار کند. با خواندن این کتاب ها در حال و هوای ارزشی دفاع مقدس قرار می گیریم.» حدادعادل ضمن تحلیل از کتاب «سرباز کوچک امام» گفت: «تاکنون کتب متعددی در مضامین دفاع مقدس و خاطرات اسرا مطالعه کرده ام، اما احساس می کنم این کتاب از امتیازات ویژه تری برخوردار است و خوشحالم این کتاب به قلم نویسنده توانایی مثل خانم فاطمه دوستکامی به صورت با کیزه و روشمند درآمده است. ترویج این گونه کتاب ها و الگوها وظیفه متولیان امر است. اکنون نسل جدید را باید با قهرمانانی مثل طحانی، حججی و... آشنا و در این زمینه الگوسازی کنیم. این الگوها بالاترین سرمايه های انقلاب اسلامی هستند.» حدادعادل با ذکر خاطره ای از دیدار خود با آن خبرنگار هندی که در کمپ اسرا از مهدی طحانیان مصاحبه گرفته بود، گفت: «در یک همایشی که در کشور هند برگزار شد، از آن خانم خبرنگار درخواست کردم داستان مصاحبه خود با آقای طحانیان را تعریف کند. بر اساس آنچه از گفتار ایشان شاهد بودیم، به نظر می رسد بسیار تحت تاثیر آن مصاحبه قرار گرفته بود و از اینکه توانسته بود این افتخار را برای ایرانیان ثبت کند، احساس سرافرازی می کرد.»

در این مراسم طحانیان، آزاده دوران دفاع مقدس و راوی کتاب سرباز کوچک امام هم گفت: «اگر خاطره می گویم دغدغه اصلی ما این است که این خاطرات را به ملت عزیزمان انتقال دهیم. امروز هرچه داریم مایه سربلندی ماست. هرچه با تک تک سلول های مان حس کردیم، از بزرگی اسلام عزیز و مکتب ماست. اگر از اسلام فاصله می گرفتیم، نمی توانستیم یک دقیقه اسارت را تحمل کنیم. ما اسلام عزیزمان را با تمام قوا و قدرتش می بینیم.» در ادامه این برنامه، آیین رونمایی از کتاب با اهدای هدیه ای از سوی موسسه فرهنگی پیام آزادگان به راوی اثر و نویسنده کتاب ادامه یافت. پخش کلیپی از اسارت اسرای نوجوان و نیز مصاحبه مهدی طحانیان در دوران اسارت با خبرنگار هندی خانم «نصیرا شارما» و دیدار مجدد او پس از سال ها با مهدی طحانیان و دیگر اسرا در ایران که پس از گذشت سال ها گرد سپید پیروی بر موها و محاسن آنان ننشسته بود، از دیگر بخش ها بود.



سرباز کوچک امام

آیین معرفی کتابی درباره یک آزاده سیزده ساله

«سردگذشت این نوجوان شجاع و باهوش و بصور در اردوگاه های اسارت، یکی از شگفتی های دفاع مقدس است؛ ماجراهای پسر بچه سیزده چهارده ساله ای که نخست میدان جنگ و سپس میدان مقاومت در برابر ماموران درنده خوی یعنی را با رفتار و روحیه ای اعجاب انگیز، آزموده و از هر دو سربلند بیرون آمده است. دل پر مظلومیت او می سوزد ولی از قدرت و تحمل و صبر او پر می کشد؛ این نیز بخشی از مجزه بزرگ انقلاب اسلامی است. در این کتاب، نشانه های خبات و لئامت ماموران یعنی آشکارتر از کتاب های مشابهی است که خوانده ام. به هر حال این یک سند بارز از دفاع مقدس و انقلاب است؛ باید قدر دانسته شود. خوب است سست پیمان های مغلوب دنیا شده، نگاهی به امثال این نوشته صادقانه و معصومانه بیندازند، شاید رحمت خدا شامل آنان شود.» این متن تقریظ مقام معظم رهبری است، تقریظ کتابی که در مورد یک آزاده خاص نوشته شده، کتاب درباره یک نوجوان سیزده ساله است. کتابی با عنوان «سرباز کوچک امام». این کتاب حجیم و ۷۶۰ صفحه ای خاطرات خواندنی اسیر کوچک اما پراوازه و فهمی را در برمی گیرد که در روزهای جنگ و اسارت خود را نماینده ای از ایران و انقلاب نوپای اسلامی می داند. نوجوان ۱۳ ساله و دانش آموز اول راهنمایی مهم ترین تصمیم زندگی اش را در همان سن کم می گیرد و راهی جبهه های نبرد می شود و برای اولین بار در عملیات فتح المبین شرکت می کند و در مرحله سوم عملیات بیت المقدس به اسارت درمی آید. نقطه اوج اتفاق های اسارت به ماجرای امتناع طحانیان از مصاحبه با «نصیرا شارما» خبرنگار هندی بدون حجاب برمی گردد. جایی که طحانیان درخواست خبرنگار هندی را به خاطر نداشتن حجاب رد می کند. چنین تصمیمی در شرایط وحشتناک و خفقان آور اسارت که جسارت بی مثالی می طلبد، توسط نوجوانی گرفته می شود که خود را سرباز و مطیع اوامر رهبرش می داند. ماجرا از این قرار است که خبرنگار اسم مهدی را از او می پرسد، پس از سکوتی طولانی به او می گوید که چون شما حجاب ندارید، من باهات حرفی ندارم. خبرنگار در جواب پاسخ می دهد که من خواهر تو هستم و طحانیان هم بلافاصله می گوید: «اگه خواهر منی،

دستاوردهای مقاومت

آیین رونمایی از کتاب سرباز کوچک امام خاطرات مهدی طحانیان به قلم فاطمه دوستکامی با حضور حجت الاسلام سیدمحمدحسن ابوترابی فرد، امام جمعه موقت تهران و غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و جمعی از نویسندگان حوزه دفاع مقدس برگزار شد. حجت الاسلام ابوترابی فرد در این مراسم با اشاره به اینکه مردان آراسته به ایمان در سخت ترین میدان ها بهترین آزمون ها را به نمایش گذاشته اند و به معنای واقعی کلمه برای ملت اسلام نقش معلمی صالح را ایفا می کنند، گفت: «بدون کمترین تردید جبهه مقاومت که امروز شرق و غرب اسلام را در نور دیده است، دستاورد مقاومت شما آزادگان است. شما آزادگان عزیز در سخت ترین شرایط، بهترین وفاداری را به اسلام، قرآن و انقلاب اسلامی به نمایش گذاشتید. کار بزرگ و ارزشمندی که آقای طحانیان در دوران اسارت خلق کرد، به معنای واقعی کلمه برای امت اسلام امیدبخش و افتخار آفرین بود. آنچه از این آزاده

اشکان دژاگه باید آن قدر آماده شود که در لیست نهایی یوآخیم لو جایی برای خود اختصاص دهد و گرنه جام جهانی را از تلویزیون خواهد دید.

کیلیفی سیگردسون

سیگردسون ممکن است فوق ستاره‌ای در سطح مسی، رونالدو و نیمار نباشد اما اهمیت او برای تیم ملی کشورش بسیار بالاست. هافبک تافی‌ها نیروی پیش‌بیننده تیم ملی ایسلند در پیروزی غیرمنتظره آنها در یک هشتم نهایی یورو ۲۰۱۶ مقابل انگلستان و رسیدن به یک چهارم بود. اگر هیمبر هلی گریمسون قصد تکرار شاهکار تابستان دو سال قبل را دارد، ممکن است مجبور به انجام این کار بدون ستاره‌اش باشد. گلفی در اوایل مارس متحمل مصدومیت بدی از ناحیه زانو شد که اعلام شد مصدومیت او از ناحیه رباط بوده و باید ۸ هفته دور از میدان باشد. زمان بندی ریکاورای او بدین معنی است که او می‌تواند مسافر روسیه باشد سیگردسون در تابستان با رقم سنگین ۴۵ میلیون پوند از سوانزی به اورتون آمد و تاکنون در ۳۰ بازی برای این تیم، ۶ گل به ثمر رسانده است. او آن قدر برای ایسلند مهم است که حتی برایش ریسک کنند.

اشکان دژاگه

تنها چند روز از سر و صدای به‌پاشده از انتقال اشکان به ناتینگهام فارست نگذشته بود که بازی با فولام در هفته سی‌ام چمپیونشیپ فرا رسید. یک بازی دراماتیک برای دژاگه، حضور در ورزشگاه کریون کاتچ و ملاقات با هواداران فولام که چند فصل قبل اشکان بازیکن محبوب‌شان بود. دژاگه روی نیمکت نشست و البته مترصد فرصتی بود تا وارد زمین شود. فرصتی ۱۴ دقیقه‌ای که آیتور کارانکا در اختیار کاپیتان تیم ملی ایران قرار داد تا خودی نشان بدهد. اشکان جانشین گوئیورا شد اما توانست مانع شکست ۲ بر صفر ناتینگهام فارست شود. چند روز بعد از این حضور کوتاه، خبری از انگلیس مخابره شد با این مضمون که دژاگه آسیب دیده و ۸ هفته دور از فوتبال خواهد بود. غیبتی که کارلوس کی‌روش را بیشتر از همه نگران کرد تا او تمرینات ویژه‌ای برای دژاگه در نظر بگیرد. اشکان به تمرینات گروهی بازگشت و حالا مطمئن از یک تاریخ‌سازی در جام جهانی صحبت می‌کند: «می‌خواهم تاریخ‌ساز شویم و اولین تیم تاریخ فوتبال ایران شویم که به دور دوم جام جهانی راه پیدا می‌کند. این فقط یک شعار نیست، ما همگی به این اتفاق باور داریم، چرا که ظرفیت و پتانسیل این کار را در خودمان می‌بینیم.»

جدال با زمان

آیا آنها تا جام جهانی آماده می‌شوند؟

دقیقه ۱۲ بازی آرسنال و آلتیکو مادرید، پای لورن کوشلینی، مدافع فرانسوی آرسنال چنان پیچید که آرسن ونگر مجبور شد که او را از زمین بیرون بکشد، درد در صورت این بازیکن داشت خودش را نشان می‌داد اما این درد با یک حسرت همراه شد، حسرتی به اندازه دست دادن جام جهانی، بله! پزشکان تایید کردند که کوشلینی به جام جهانی نخواهد رسید و این یک بدشانسی بزرگ بود، بازیکنان بسیاری بودند که این بدشانسی را تجربه کردند، بازیکنانی مثل چمبرلین، هافبک تیم ملی انگلستان یا کورکورین بازیکن تیم ملی روسیه یا فیلیپه لوبیز بازیکن تیم آلتیکو مادرید آن قدر زمان نداشتند که پس از مصدومیت به یک بازگشت فکر کنند و برای بازگشت بچنگند. اما بازیکنان دیگری هستند که تا این اندازه بدشانس نیستند، آنها یک جنگ بزرگ را شروع کرده‌اند، یک جنگ بزرگ با ساعت‌ها و ثانیه‌ها، آنها دارند با زمان می‌جنگند تا شاید تا جام جهانی به بهترین فرم خود برسند. این بازیکنان همه، ستاره‌های تیم ملی خودشان بودند، عصای دست سرمربی‌ها اما آنها تازه عصارا کنار گذاشته‌اند و تمرین‌های جدی را برای رسیدن به جام جهانی روسیه شروع کرده‌اند، بازیکنانی که برخی از آنها جانشین نذارند و نبودن‌شان برای تیم‌شان یک فاجعه محسوب می‌شود. برای همین است که حتی رسیدن کافی نیست، آنها باید با آمادگی کامل برگردند، آیا می‌توانند؟ زمان برای آنها یک رقیب جدی محسوب می‌شود.

نیمار

تیاگو سیلوا وقتی وارد اتاق وزنه باشگاه پاری سن ژرمن شد و نیمار را دید که پشت دست‌گاه نشسته و دارد عضلات پایش را قوی می‌کند، آن قدر ذوق کرد که نتوانست این شادی را تنهایی داشته باشد، گوشی خود را در آورد و با استوری در اینستاگرامش به همه برزیلی‌ها این مژده را داد که نیمار دارد تمرین جدی می‌کند، نیمار در بازی مقابل مarseille از ناحیه زانو مصدوم شد و سپس مورد جراحی قرار گرفت. پزشکان یک دوره سه ماهه را برای بهبودی وی در نظر گرفتند و او در تمام این مدت در سانویانولو زیر نظر فیزیوتراپ‌های معتمد خود قرار داشت. نیمار حتی برای حضور در جشن قهرمانی پی‌اس‌جی نیز به پاریس برگشت، نیمار در این فصل دیگر برای پی‌اس‌جی به میدان نخواهد رفت و با ادامه روند درمانش، خود را مهبیای حضوری پر قدرت در جام جهانی می‌کند. نیمار قصه جام جهانی قبلی را برای برزیل بد نوشت اما حالا امیدوار است جبران کند: «مصدوم شدن همیشه اتفاق بدی است اما بعد مثبتش این است که خوب استراحت کردم. اما نگران نباشید؛ زمان کافی را برای رسیدن به فرم خوب در جام جهانی دارم. جام جهانی روسیه یک رویای در حال تحقق است که چهار سال برایش صبر کردم، نزدیکیم و در فرم خوبی به روسیه می‌روم.»

مانوئل نویر

او کی خواهد رسید؟ هر وقت که اولریش گلر دوم تیم بایرن مونیخ یکی از آن گل‌های مفت را می‌خورد، این سوال مطرح می‌شد که بالاخره چه زمان مانوئل نویر برمی‌گردد و دروازه بایرن را تبدیل به یک دژ غیرقابل تسخیر

می‌کند؟ شهریور سال قبل بود که خبر رسید، مانوئل نویر دروازه‌بان باتجربه بایرن مونیخ که قبلا دو عمل جراحی روی زانوی پایش داشت، از همان ناحیه دچار مصدومیت شد تا اتفاق بدی برای بایرنی‌ها رخ دهد. این تیم دیگر این دروازه‌بان درجه یک را در اختیار نخواهد داشت. نویر مدتی است که در تمرینات تیمی شرکت می‌کند اما هنوز کادرفنی نمی‌خواهند روی او هیچ ریسکی انجام دهند. بنا بر گفته‌های هاینکس، نویر به‌طور حتم در بازی با اشتوتگات در هفته پایانی حاضر خواهد بود و در پایان دیدار هم در جشن قهرمانی باواریایی‌ها شرکت خواهد کرد و جام را به‌عنوان کاپیتان بالای سر خواهد برد. او سپس به اردوی تیم ملی آلمان برای آماده‌سازی جام جهانی می‌رود. یوآخیم لو اذعان داشته که با نویر در تماس است و امیدوار است کاپیتان تیمش را در جام جهانی به همراه داشته باشد. خودش در این زمینه می‌گوید: «فکر می‌کنم در تابستان امسال می‌توانم در جام جهانی بازی کنم و هدفم همین است. این همان چیزی است که می‌خواهم.»

جروم بوآتنگ

«زندگی پر از شکست است. زندگی کن، احساس کن، عشق بورز، بخند، گریه کن، بازی کن، ببر، بباز، بلغز، زمین بخور اما دوباره و دوباره بلند شو. اکنون زمان مبارزه برای بودن در روسیه است. من تمام تلاشم را خواهم کرد.» این جملات جروم بوآتنگ مدافع تیم ملی آلمان پس از مصدومیت وحشتناک در بازی با رئال مادرید بود که در شبکه‌های اجتماعی خود منتشر کرد. او که سعی داشت برای رابرت لواندوفسکی ایجاد موقعیت کند، از ناحیه ران چپ دچار مصدومیت شد و زمین را ترک کرد. پس از تست‌های به عمل آمده، مشخص شد که بوآتنگ از ناحیه ران پای چپ دچار آسیب دیدگی شده و بین ۴ تا ۶ هفته از میدادن دور خواهد بود. بوآتنگ بارها از این ناحیه مصدوم شده و بازی‌های زیادی را از دست داده است. بدین ترتیب، فصل برای بوآتنگ به پایان رسید. برای مشخص شدن رسیدن او به جام جهانی باید منتظر ماند. این رفیق نزدیک



تجلیل از همراه اول به عنوان حامی اول کسب و کارهای نوپا



از شرکت ارتباطات سیار ایران به عنوان شرکت برتر حامی فعالیت‌های دانشگاه صنعتی اصفهان تجلیل شد.

تجلیل از همراه اول به عنوان حامی اول کسب و کارهای نوپا

به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، در راستای ارج نهادن به اقدامات همراه اول در خصوص مشارکت با دانشگاه در زمینه شتاب‌دهی و حمایت از تیم‌های کسب و کار جوان و نخبه، در مراسمی که روز سه شنبه ۱۸ اردیبهشت ماه و به مناسبت چهلمین سالگرد تأسیس دانشگاه صنعتی اصفهان برگزار شد، از همراه اول به عنوان یکی از کارفرمایان کلیدی دانشگاه صنعتی اصفهان تقدیر شد و دکتر نیکوفر قائم مقام مدیرعامل همراه اول تندیس و لوح تقدیر را دریافت کرد. این مراسم با حضور منصور غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، محسن مهرعلیزاده استاندار اصفهان، قدرت‌الله نوروزی

شیراز و هاب اصفهان تأسیس شده‌اند، علاوه بر پرداختن به فعالیت‌های شتاب‌دهی ایده‌ها و حمایت از استارت‌آپ‌ها به فعالیت در حوزه تجمیع‌کنندگی خدمات ارزش افزوده (Value Added Services) نیز می‌پردازند.

هاب‌های دانشگاهی به عنوان بازوی اجرایی همراه اول در ارائه خدمات شتاب‌دهی به استارت‌آپ‌ها و ایده‌های نوین، به ارائه خدمات مختلف ارزش افزوده مانند تولید محتوا، نرم‌افزار، بازی رایانه‌ای، فیلم و انیمیشن، صنایع فرهنگی خلاق، اسباب‌بازی، فیلم و موسیقی، تبلیغات خلاق، محصولات و خدمات مرتبط با امنیت اطلاعات و شبکه، محصولات و خدمات حوزه تورسیم، محصولات مربوط به حوزه ورزش و مانند آنها با تمرکز بر خدمات ارزش افزوده موبایل می‌پردازند و می‌کوشند که در حوزه خدمات قابل ارائه با تلفن همراه و در راستای توانمندسازی بازیگران بالقوه و بالفعل بازار ICT و نیز سرمایه‌گذاری و ایجاد بسترهای لازم جهت بومی‌سازی فناوری‌های نوین در این عرصه فعالیت کنند.

شهردار اصفهان، حمیدرضا نیکوفر، قائم مقام مدیرعامل همراه اول، محمود مدرس هاشمی رئیس دانشگاه صنعتی اصفهان و جمعی از اساتید دانشگاه و دانشجویان، عصر روز سه شنبه، ۱۸ اردیبهشت در این دانشگاه برگزار شد.

براساس این گزارش شرکت ارتباطات سیار ایران در راستای تکمیل جریان تبدیل شدن به یک واحد دیجیتال (Digital Unit) و هم‌راستا با تکمیل زنجیره ایده تا محصول و در جهت تقویت هر چه بیشتر تعاملات و همکاری‌های علمی، پژوهشی و آموزشی و اقتصادی با دانشگاه‌های کشور و در جهت شکل‌گیری واحدهای فناور فعال در زمینه فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، اقدام به عقد قرارداد و موافقت‌نامه با دانشگاه‌های «شهید بهشتی»، «شیراز» و «صنعتی اصفهان» کرده است.

این شرکت‌ها که با نام‌های تجاری «هوشمند اول بهشتی»، «هوشمند اول برتر شیراز» و «هوشمند اول برنای اصفهان» و به ترتیب با نام‌های اختصاری هاب، هاب